

کتاب آبی

گزارشهای محرمانه
وزارت امور خارجه انگلیس
درباره انقلاب مشروطه ایران

جلد دوم

از تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۰۸ تا ۱۰ مه ۱۹۰۹

بکوشش احمد بشیری

ketabiha-iran.blog.ir

FB.com/ketabiha.iran

کتاب آبی

گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس
در باره انقلاب مشروطه ایران

به کوشش و ویراستاری
احمد بشیری

جلد دوم

از تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۰۸ تا ۱۰ مه ۱۹۰۹
[۸ آذر ۱۲۸۷ تا ۲۰ اردیبهشت ۱۲۸۸ ؛
۵ ذی قعدة ۱۳۲۶ تا ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۲۷]

نشر نو

تهران، ۱۳۶۲

چاپ اول: دی ۱۳۶۲
تعداد: ۵۵۰۰ جلد
حق چاپ محفوظ است.

حروفچینی و چاپ و صحافی این کتاب در
شرکت افست (مسهامی عام) انجام شد.

درخواست از خوانندگان کتاب

در این کتاب گزارش رویدادهای گوناگون یکی از پراشوب‌ترین و آموزنده‌ترین دوران‌های تاریخ میهن ما یعنی چگونگی پا گرفتن و پیروز شدن جنبش مشروطه‌خواهی در ایران را می‌خوانید.

چنانکه در پیش‌گفتار نیز یادآور شده‌ایم گردآورندگان مطالب کتاب، به‌دلایل و انگیزه‌های ویژه خودشان بسیاری از حوادث را چنان به‌کوتاهی و اختصار برگزار کرده‌اند که جز با موشکافی و کاوش بسیار نمی‌توان از آنها سر درآورد و بدتر از این، در بیشتر جاها از آفرینندگان و قهرمانان ماجراها به‌درستی نام نبرده و یا سربسته و رمزگونه از آنها یاد کرده‌اند که بهر روی خواننده را بیشتر گیج و درمانده و دریافت مطلب را برایش بسی دشوار می‌کند.

ما برآنیم که در پایان کار چاپ کتاب، پیرامون اینگونه مطالب و رخدادها بررسی تازه‌ئی کنیم و تا جائیکه بشود گوشه و کنار آنها را روشن گردانیده، تارسائی‌ها را از میان برداشته و مردان و زنان ناشناس مانده در کتاب را به‌خوانندگان بشناسانیم.

برای کامیابی در کاری که قصد انجامش را داریم به‌کمک و یاری خوانندگان آگاه و بیدار دل کتاب به‌فراوانی نیازمندیم و آنها می‌توانند با روشن‌گریها و توضیحات تازه خودشان درباره مطالب کتاب و یا بدست دادن عکسها، نوشته‌ها و مدارك دیگری در این زمینه به پیشبرد کار ما یاری دهند.

مطالب، عکسها و مداركی که خوانندگان برای ما بفرستند اگر بخواهند بنام خودشان در کتاب توضیحات چاپ خواهد شد و اگر مایل به پس گرفتن مدارك خود باشند ما، پس از رفع نیاز هر آنچه را که از آنها گرفته‌ایم بخودشان پس خواهیم داد.

باز هم یادآور می‌شویم که کار روشنگرانه‌ئی که در پیش داریم جز با کمک اندیشمندان و آگاهان این دیار بویژه آنان که خود در حوادث دوران مشروطه زیسته و یا در آنها از نزدیک یا دور دستی داشته‌اند انجام‌پذیر نخواهد بود. بزرگواری کنید و هرچه از حوادث و قهرمانان مشروطه می‌دانید در دسترس ما بگذارید باشد که این گوشه شگرف تاریخ ما با همت و همیاری خودتان روشن شود.

لطفاً چنانچه مایل به همکاری با ما بودید نامه‌ها و مطالب خودتان را به صندوق پستی شماره ۶۶ تهران بنام احمد بشیری بفرستید و یا با تلفن شماره ۹۸۰۸۱۴ آنچه را می‌خواهید با ما در میان بگذارید.

با سپاس فراوان از توجهی که به درخواست ما و روشنتر گردانیدن تاریخ این مرز و بوم خواهید فرمود و در انتظار مهرورزی‌های شما.

احمد بشیری

کوشش خود را در کار چاپ این دوره کتاب به
همه مردان و زنان آزاده و جانبازی که انقلاب مشروطه ایران
را پدید آوردند
همه روانهای پاکی که در راه بزرگداشت ایران کوشیدند و جان باختند
شادروانان حاجی علیقلی خان سردار اسعد و همکاران او که
پیشگامان ما در این راه بودند
نیاز می‌کنم.

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

در این ایام فرخنده فرجام که نور تمدن شرق و غرب عالم را فرا گرفته و آثار علم و دانش به قوه برقیه در هر نقطه‌ای از نقاط ممالك متمدنه راه یافته فریضه ذمه اولیای هر قومی است که هموم عالیّه خود را در ترویج و تشیید علم و ادب مصروف داشته و بدین وسیله افراد و ابناء قوم را از ورطه ضلالت به شاهراه هدایت و درایت دعوت نموده و مؤسس سرمایه سعادت جمع شده آنان را به اوضاع کنونی عالم بصیر و با سیاست مدن مربوط نموده و از گرداب جهل و نادانی برهانند. اول کسی که در این مملکت پیشقدم شده و دامن همت به کمر زده و از بذل مال و اوقات شریف خود در این راه سر موئی فروگذار [= فروگزار] ننموده یگانه مربی نوع و ناجی [= منجی] قوم پیشوای حریت و بیدارکننده ملت، فدائی وطن حضرت مستطاب اجل امجد اشرف آقای سردار اسعد دامت شوکته العالی است که پس از ایثار جان و مال در رهایی این مملکت از چنگال قهر و غلبه استبداد، با کسالت مزاجی که از شدت تهاجم افکار مؤثره راجع به این آب و خاک عارض خاطر مبارکشان شده که خود باعث یأس و متارکه از اغلب اقدامات است. مع هذا در بروز مساعی جمیله برای خدمت به نوع خودداری ننموده و اوقات گرانبهای خود را کاملاً مصروف معارف پروری و ترویج علم و افتتاح طرق دانش و معرفت نموده و بالاخصاص در این ایام محض آگاهی عموم ایرانیان بترتیب سیاست غرب و استحضر از پلتیک و روابط دول خارجه با این مملکت اهتمامات وافیه در ترجمه و نشر کتاب آبی که حاوی اخبارات مهمه ایران از بدو تأسیس مشروطه به بعد است و جریان پلتیک و منافع اقتصادی دول همجوار را واضحاً آشکار می‌دارد بعمل آورده و در

واقع خدمت بزرگی به آحاد و افراد این مملکت نموده که در آتیه مجهول نخواهد ماند و نظر به دقایق عمیقهای که در ترجمه صحیح این کتاب داشته‌اند این خدمت را به عهده این بنده بی‌مقدار و خادم ملت، میرزا علی‌خان مدیرالملک محول فرموده‌اند و این بنده هم با اشتیاق کامل که به خدمتگذاری [= خدمتگزاری] هموطنان عزیز خود دارم ارجاع این خدمت را برای نیل به آمال و آرزوی خود مختتم شمرده و انجام آن را سرمایه افتخار ابدی خود قرار داده حتی‌القوة در صحت ترجمه آن اهتمام و دقت نموده و امیدوارم در نظر قارئین محترم پسندیده افتد و چنانچه منقصتی در آن مشاهده فرمودند به کرم خود از آن صرف نظر فرمایند.

مراسلات و مخابرات در پاپ اوضاع ایران

در تعقیب جلد نمره يك سنه ۱۹۰۹

نمره - ۱

تلگراف سرچارج بارکلی به سراد واردگری (واصله در ۳۰ نوامبر)

طهران، به تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۰۸
[۸ آذر ۱۲۸۷؛ ۵ ذی قعدة ۱۳۲۶]

شاه و مشروطه

جواب مراسله مشترکه ما مورخه ۲۲ شهر حال از طرف دولت ایران رسیده است: مراسله مزبور مبنی براین است که تعرض ما در پاپ تعلیمات مخالفانه دادن ناصحین مخفی به شاه بی اصل است و شاه محتاج به نصیحت ملتزمین خود نیست. دولت ایران ضمناً از ما خواهش نموده است که به دول متبوعه خودمان اطلاع بدهیم که شاه قصد اعطای مجلسی دارد که مطابق عادات مردم و طبیعت مملکت باشد و با قوانین شرع اسلام موافقت داشته باشد. و نیز در مراسله مزبور خاطر نشان نموده اند که اغتشاشات و انقلاباتی که در ایام مشروطه سابق در مملکت بروز نمود به همین مناسبت موافق نبودن مجلس با عادت مردم بود.

ظاهراً مجلس مشورتی که اعلیحضرت مزبور در ۲۸ نوامبر تأسیس آن را به ترجمانهای سفارتین اعلام نموده همان مجلس منظوره است.

نمره - ۲

تلگراف سر ادواردگری به سر نیکلسن

وزارت خارجه، ۳۰ نوامبر ۱۹۰۸

(۸ آذر ۱۲۸۷؛ ۵ ذی قعدة ۱۳۲۶)

جنابعالی باید از مسیو ایسولسکی سؤال بکنید که آیا او با نظریات دولت انگلیس در باب مسئله ذیل موافقت دارد یا خیر؟

ما تصور می‌کنیم مراسله‌ای که از دولت ایران به سر جارج بارکلی و همکار روسی او رسیده است نباید بی‌جواب گذارده بشود. فرض می‌کنیم مجلسی که شاه وعده نموده است واقعاً مثل همان مجلس شوری باشد که شاه دو روز قبل به ترجمانهای سفارتخانه‌ها اطلاع داده است. در اینصورت احتمال نمی‌رود که باعث اسکات بشود یا ملت با تشکیل مجلسی که مبنای آن به انتخاب نباشد اقناع بشوند.

دولت انگلیس تصور می‌کند بهتر آنست در این باب التیماتی [= اولتیماتوم] بشود مبنی براینکه شاه باید امر بکند که مجلس مشاوره مزبور بدون دفع وقت بیش از این، شروع به نوشتن قانون جدیدی برای انتخابات بنماید.

نمره - ۳

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در غره دسامبر)

سن پترزبورگ، غره دسامبر ۱۹۰۸

[۹ آذر ۱۲۸۷؛ ۶ ذی قعدة ۱۳۲۶]

مرحمت فرموده به تلگراف مورخه دیروز خودتان مراجعه فرمایید.

بنا به اطلاعات واصله مسیو ایسولسکی از شارژ دافر روس مقیم طهران، مقدمات مجلس مشاوره منظوره تاکنون بعمل آمده و تهیه قانون انتخابات اولین مشغله آن هیئت خواهد بود. بنا به اطلاعی که از مسیو سبلین [= سابلین] رسیده مسیو سبلین و سر جارج بارکلی با هم موافقت نموده‌اند که حتی‌القدر در سرعت اجرای این امر کوشش بنمایند و در ضمن منتظر بشوند تا روش منظوره اتخاذ بگردد. به عقیده مسیو ایسولسکی نظر به مراتب فوق عجلتاً اظهار دیگری از طرف دولتین به‌شاه لازم نیست ولی من به جناب معزی‌الیه توضیح دادم که يك مبنای انتخابیه‌ای از برای مجلس جدید قطعاً لازم است. حتی چنانچه حق انتخاب هم نسبت به انتخاب مجلس ماضی محدودتر باشد هیچ مجلس مشاوره‌ای یا هیئت دیگری که اعضای آن فقط از طرف شاه معین بشوند در عوض مجلس منتخبه قبول نخواهند شد. بهر حال چون نمایندگان دولتین در طهران توصیه نموده‌اند که چندی تأمل بشود تا ببینیم مجلس مشاوره حاضر چه‌طور کار می‌کند به‌این جهت عجلتاً تأمل نمودن بهتر است. من جواب دادم که مراتب را به وزیر امور خارجه انگلیس اطلاع خواهم داد. در هر صورت قانون

انتخاب را مجلس مشاوره باید به اسرع وقت حاضر بنماید.

نمره - ۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در غره دسامبر)

طهران، غره دسامبر ۱۹۰۸

[۹ آذر ۱۲۸۷؛ ۶ ذی قعدة ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف سن پترزبورغ مورخه امروز.

اعضای مجلس اعیان جدید عاری از این کار و نادان و ارتجاعی هستند به استثنای یکی دو نفر که آنها هم مایل به حضور در آن محضر نیستند. در واقع ترکیب این هیئت غیرمرضی است و بالصراحة نشان می دهد که شاه بیش از پیش لزوم تأسیس رژیم جدید را تغافل می کند. بجز اینکه ما بتوانیم شاه را متقاعد بنماییم که چند نفر اشخاص تربیت شده آزادی خواه به عده اعضای مجلس مشاوره بیفزاید چاره ای نیست والا من گمان می کنم مساعی ما برای تجدید تشکیل يك مجلس منتخبه بی فایده باشد. ضمناً اهمیت اوضاع تبریز در تزايد است.

نمره - ۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در غره دسامبر)

طهران، غره دسامبر ۱۹۰۸

[۹ آذر ۱۲۸۷؛ ۶ ذی قعدة ۱۳۲۶]

جنرال قنصل انگلیس از تبریز خبر می دهد که پانصد نفر قشون روس از جلفا عزیمت نمودند.

نمره - ۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در غره دسامبر)

طهران، غره دسامبر ۱۹۰۸

[۹ آذر ۱۲۸۷؛ ۶ ذی قعدة ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف ۲۵ شهر ماضی من.

با وجود اطمینانی که حسب الامر شاه به توسط وزارت امور خارجه به نماینده های دولتین داده شده بود امروز دستخط ۲۲ شهر ماضی در تمام شهر منتشر شده. شارژ دافر روس و من جداً تأکید نموده ایم که اوراق مزبور باید بدون تأخیر توقیف بشود.

نمره - ۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲ دسامبر)

طهران، ۲ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۰ آذر ۱۲۸۷؛ ۷ ذی قعدة ۱۳۲۷]

در تعقیب تلگراف مورخه دیروز خودم، ابلاغی از طرف شاه به من رسیده که جواب او به علماء را بکلی بدون استحضار او به دیوارها نصب نموده اند و خود او هم از این بابت خیلی متغیر است. اعلیحضرت مزبور امر نموده است که دستخط منتشره جمع و پاره بشود.

شاه تصور می کند که دستخط مزبور کار علماء باشد ولی چون ممکن است بعضی صاحب منصبان جزء هم مسؤول باشند اعلیحضرت مزبور به حکومت طهران امر نموده است هر شخصی را که دخیل این کار یافت مورد مؤاخذه قرار دهد.

اعلیحضرت معظم اطمینان نهایی را که علاءالسلطنه در چهارشنبه ماضی به من تبلیغ نموده بود تکرار می نماید.

به تلگراف ۲۵ شهر ماضی من مراجعه نمایید.

نمره - ۸

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۶ دسامبر)

سن پترزبورگ، ۶ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۴ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۱ ذی قعدة ۱۳۲۷]

مسافرت سفیر فوق العاده به سن پترزبورگ

دیروز مسیو ایسولسکی به من اطلاع داد که با وجود اظهار دولت روس که امپراطور مایل نیست در مورد فوت گراندوک الکسیس مأموری برای تسلیت اعزام بشود مع هذا ورود سفیر مخصوص برای این امر واقع خواهد شد.

جواب دولت ایران مبنی بر این بوده که مع ذلك دولت ایران میل دارد سفیر فوق العاده را بفرستد و به اضافه سفیر مزبور حامل يك مراسله مهمی از طرف شاه به امپراطور خواهد بود.

نمره - ۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۸ دسامبر)

طهران، ۱۵ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۳ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۰ شوال ۱۳۲۶]

در هفتم شهر حال، نمایش برعلیه [= علیه] مشروطه در باغ شاه واقع شده و

تلگرافاتی که شهرت داده شده بود از ولایات مبنی به مخالفت با تشکیل پارلمان رسیده که در باغ شاه ترتیب داده شده بود اشاعه یافت. پر واضح است که این نتیجه نمایشهای سه چهار نفر وزیر از قبیل صدراعظم و وزیر جنگ بوده که بواسطه تجدید حکومت مشروطه خیلی چیزها از دست آنها خواهد رفت. بنابراین من و همکار روسیم چنین صلاح دیدیم که فرصتی بدست آورده و برای شاه توضیح بنماییم که این اظهارات عقاید عمومی جعلی بهیچوجه آن اعلیحضرت را از تعهداتی که نموده اند مستخلص نمی کند. لهذا درخواست موقع شرفیابی نموده و شاه روز چهارشنبه وزیر مختار روس را بار داد و روز بعد من را. من به آن اعلیحضرت عرض نمودم علت درخواست نمودن موقع شرفیابی محرمانه این است که مجال مذاکره درباب اوضاع منقلبه حاضره را به آن اعلیحضرت داشته باشم و به آن اعلیحضرت اطمینان دادم که آنچه را عرض خواهم نمود فقط پیشنهاد صمیمانه ایست که برای منافع خود آن اعلیحضرت و مملکت او لازم است. پس از آن شروع به بیانات ذیل نمودم:

چنانچه خاطر مبارک آن اعلیحضرت مستحضر است مسلک اساسی دولت انگلیس و روس در ایران تبری جستن از مداخله به امورات داخلی این مملکت است. دولتی از این مسلک منحرف نخواهند شد.

بنابراین دولتی نظیر به همجواری و دول کامل الوداد بودن صمیمانه مایلند که پیشرفت و مسالمت ایران را در ترقی ببینند و بواسطه روابط مستحسنه با این مملکت دولتی همیشه از وظایف خود شمرده اند که دولت اعلیحضرت شاه را با نصایح خیرخواهانه خود تقویت بنمایند. هم من و هم همکار روسی من منتظریم که نصایح مشفقانه ای که ما به دستورالعمل دولتهای متبوعه خودمان به آن اعلیحضرت عرضه می داریم در این موقع که مملکت ایران از بحران عظیمی می گذرد کاملاً استقبال بشود. بموجب اخباراتی که به ما رسیده است اهالی ایران چه در پایتخت و چه در ولایات در نهایت اضطراب و انقلاب هستند. اعلیحضرت شاه به رعایای خودشان تجدید استقرار مشروطه را وعده فرموده اند و این وعده بالصراحه به دولتی کامل الوداد مواجهاً اظهار شده.

حوادث شنبه گذشته با این وعده منافی است. از قرار مسموع در آن روز بموجب حکم وزراء قریب چند صد نفر مردم را در باغ شاه جمع نمودند که به مخالفت مشروطه اظهارات بنمایند و عریضه ای در این موضوع به معیت علماء ترتیب داده شده بود و به اعلیحضرت شاه تقدیم شده. بنده و همکار روسی من صمیمانه امیدواریم که این اشتهاارات که به توسط دشمنان مملکت و آنهایی که بهیچوجه مراقب مکنونات مردم نیستند ترتیب داده شده باعث انحراف اعلیحضرت از قصدی که داشته اند نشده و نقض قول اعلیحضرت را ننماید. مملکتی که از اغتشاشات و ناملايمات و سوء اطمینان بسته آمده با کمال بی صبری منتظر اجرای این مواعید است. دولتی که ما نماینده آنها هستیم نمی توانند به حد کافی در لزوم تسکین ملت اصرار بنمایند و برای اینکه از مخاطرات عظیمه ای که در پیش است و ما پیش بینی می نماییم و محتمل است نتایج

وخیمه‌ای در آتیه داشته باشد جلوگیری بشود بیش از این مبالغه کنند. بهمچنین من و همکار روسی خودم با کمال افتخار توجه کامله اعلیحضرت را به اغتشاش حاضره معطوف می‌داریم که رفع این اغتشاش بسته به اجرای مواعیدی است که اعلیحضرت شاه به رعیت خود نموده‌اند.

در خاتمه میل دارم خاطر مبارک اعلیحضرت را به وضع رقت‌انگیز بعضی از اتباع خودشان که به جرم مقصر پلٹیکی بودن محبوسند معطوف بدارم. چونکه چندین ماه بی‌تکلیف و بدون تحقیق در مجلس مانده‌اند.

ما جسارتاً از جانب این اشخاص بدبخت درخواست ترحم و تفضل اعلیحضرت را می‌نماییم.

پس از آنکه اعلیحضرت مزبور اظهار امتنان از این نصایح نمود در جواب شرح مبسوطی بیان فرمودند.

چون روز پیش هم همین نوع عنوانات را از مسیو «دوهارت ویک» استماع نموده بود مدت کافی وقت از برای تهیه جواب داشته و بی‌شبهه ناصحین ارتجاعی تعلیمات دقیقه به او داده بودند.

او بکلی منکر جعلی بودن اظهار حسیات عامه برخشد مشروطه بود و اظهار داشت که یک قسمت بسیار عمده متنفذین مردم براین عقیده هستند که حکومت مشروطه مخالف اسلام است و در ترتیب‌نمایش به‌ضد مشروطه در باغ‌شاه وزراء دخالتی نداشتند اگر چه بدون تردید نفوذ علماء در این موضوع تأثیری داشته. اعلیحضرت شخصاً با تأسیس یک پارلمانی اظهار همراهی می‌نمود که ایران آن را لازم دارد ولی باید ترتیب آن بکلی با مجلس فرق داشته باشد. اعلیحضرت مزبور وضع حاضره را با وضع جاریه در اواخر سنه ۱۹۰۶ بمثال سنجیده و اظهار می‌داشت که در آن ایام دولت مخالف مشروطه بود و مردم طالب آن، حالا بر عکس، دولت طالب آن است و مردم مخالف آن.

آن اعلیحضرت اراده نقض عهد خود را ندارد و به‌نمایش در باغ‌شاه هم تمکین ننموده بلکه درصدد تأسیس مشروطه‌ای است که مناسب حال این مملکت باشد. قانون انتخابات به ولایات فرستاده شده ولی او باید فرصت داشته باشد که بتواند اطمینان حاصل بنماید تا چه حد مردم آن را قبول خواهند نمود.

عجله‌ای که در انتشار دستخط سابق او شده و بواسطه فشار سفارتین بوده باعث انزجار کنونی شده حالا باید اینقدر مجال به‌او داده شود که مخالفین حکومت شوروی [= شورائی] را جلب بنماید.

در باب اشخاصی که محبوس هستند اعلیحضرت مزبور اظهار داشت که به عقیده او کسانی که هنوز در حبس هستند مقصرونند نه متهمین پولتیککی. ولی او وعده نمود که به‌صورت اسامی آنها مراجعه نماید.

من جواب دادم خیلی مسرورم از اینکه اعلیحضرت اراده تجدید استقرار مشروطه را دارد. من نمی‌خواهم به آن اعلیحضرت تجویز بنمایم که چه قسم حکومت مشروطه

برای ایران لازم است ولی آنچه برای منافع و مصالح لازم است این است که به هر زودی که ممکن باشد مردم از این خیالاتی که در مغز آنها جایگیر شده که اعلیحضرت شاه اراده ایفاء به مواعید خود را ندارد آسوده بشوند. من جسارت به مخالفت با آن اعلیحضرت نمودم که مخالف بودن احساسات عامه با حکومت مشروطه بی اصل است و مسلم است که عقیده عمومی بر این است که نمایش بر علیه [= علیه] مشروطه صمیمی نیست. پس از آن من اظهار نمودم که از تکمیل مواعید آن اعلیحضرت اثرات مستحسنة در وضع تبریز حاصل خواهد شد. ایفای به این ترتیب و اعطای عفو عمومی از برای استقرار صلح در آنجا بالاترین اقدام است.

از مذاکراتی که متعاقب شرح فوق به میان آمد دیگر گمان نمی کنم مطلب قابل الذکری باشد چونکه کلیتاً تکرار صحبت های فوق بود ولی چیزی که لازم است ذکر بشود این است که در باب تبریز شاه اظهار داشت آنهایی که در تبریز مسلح مخالف یا او هستند، برای مشروطه جنگ نمی کنند اغلب از آنها آشوب طلبان قفقازی هستند و جنگی که يك سال است دایر است فقط يك نوع یاغیگری ایلپاتی معمولی است؛ من به آن اعلیحضرت اظهار نمودم که جنگ مزبور فوراً بعد از انهدام مجلس در اواخر ماه ژوئن شروع شد. من خاطر آن اعلیحضرت را متذکر نمودم که تبریزی ها جدیداً تلگرافی مبنی به اظهار فدویت مخابره نموده اند و به نظر من این موقع خوبی از برای عنوان صلح بود و عقیده خودم را تکرار نمودم که اعطای يك عفو عمومی و ایفای سریع به مواعید اعلیحضرت بهترین وسیله استقرار نظم است.

بعد از مرخصی خواستن من از شاه آن اعلیحضرت از مستر چرچیل که همراه من بود تقاضا نمود که يك لحظه در آنجا توقف نماید. آن اعلیحضرت از او خواستار شده بود که برای من توضیح بنماید که در حضور مترجم ایرانی آن اعلیحضرت میل نداشته این صحبت را بنماید و آن این است که قشونی که در باغ شاه یا او هستند به این عقیده به پایتخت آمده اند که وجود آنها برای مدافعه از مذهب خودشان لازم بوده و اگر آن اعلیحضرت حکومت مشروطه را اعطا بنماید آنها به هیجان خواهند آمد چونکه عقیده آنها بر این است که مشروطه مخالف با اسلام است.

منظور این بود که من با خودم این عقیده را از محضر او ببرم که او سلطان خواهان مشروطه ای است و مایل به سلطنت شوروی [= شورائی] نمودن است ولی فقط تنفر اغلب از ملت او از مشروطه، او را از قبول يك همه چه رویه ای مانع شده است در صورتی که البته این خیال بی اساسی است. برای غالب مردمان خارج از پایتخت و بعضی از شهرهای عمده احتمال بی تفاوت باشد، ولی اکثر طبقات کم و بیش تربیت شده مسلماً خواهان حکومت مشروطه هستند خصوصاً تجار و اشخاصی که در این مملکت دارای شغل باتدینی هستند تأمین خود را در متابعت با تمذیات حالیه ناصحین غیرمسؤل شاه می دانند. من نمی توانم بگویم که امید نتیجه از این دو فقره شرفیابی حاصل است. «مسیو دوهارت ویک» که امروز از طهران حرکت نموده و يك نوبت دیگر دیروز به حضور شاه بار یافته بود به من اطلاع داد که در این نوبت شرفیابی خودش هم مفتناً يك

مرتبه دیگر با کمال جدیت با شاه مذاکره نموده و اعلیحضرت مزبور به او وعده داده که در عرض دو سه روزه آتیه دستخطی توزیع خواهد نمود، اگر ایفاء به این عهد هم بشود من تردید دارم که آیا اقدامات رضایت بخش را حاوی خواهد بود یا خیر چونکه اشخاصی که دخیل در تهیه يك همه دستخطی بوده اند مسلماً از چند نفر معدود ایرانیان بیطرف و کامل نخواهند بود که آنطوری که شاید و باید مبنی [= مبنای] يك همه نقشه ای را بترتیب مفیده قرار بدهند که منشأ اثرات مطلوبه بگردد.

چارچ بارکلی

نمره - ۱۰

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۹ دسامبر ۱۹۰۸)

طهران، ۹ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۷ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۶]

به سفارت روس همه مشهود شده که حالا از وضع شاه اینطور مستفاد می شود که کمتر با مشروطه مخالفت دارد. چون این موقع برای اقدامات در این موضوع مفتنم است ما درخواست باریافتن به حضور اعلیحضرت مزبور را نموده ایم که ترجمانه های سفارتین شرفیابی حاصل نموده و دو فقره عریضه اهالی مشهد و استرآباد را که در باب خواستن مشروطه نوشته اند به شاه تقدیم بنمایند. ترجمانه های مزبور، باضافه، استفسار خواهند نمود که از مذاکره و مشاوراتی که آن اعلیحضرت در شرفیابی ۲۸ شهر ماضی به ترجمانه های مزبور اظهار داشته بود [که] در آنوقت جمعی مشغول بوده اند چه نتیجه حاصل شده.

نمره - ۱۱

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۰ دسامبر)

طهران، ۱۰ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۸ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۵ ذی قعدة ۱۳۲۶]

شاه و مشروطه

«روزنامه رسمی ایران» دیروز اشعار می دارد که اعلیحضرت شاه رأی خود را براین قرار داده که مجلس مشاوره مفصلی مرکب از پنجاه نفر اعضاء تشکیل بدهد. اعضاء این مجلس مرکب خواهند بود از علماء و تجار و اشخاص بصیر به اوضاع مملکت و اشخاص دیگری که اهالی انتخاب بنمایند. این هیئت در تمام امورات شعبات مملکت نظارت خواهند داشت و در باب اصلاحاتی که برای مالیه و سایر دوائر دولتی لازم است مشاوره خواهند نمود.

نمره - ۱۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۲ دسامبر ۱۹۰۸)
 طهران، ۱۲ دسامبر ۱۹۰۸
 [۲۰ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف دهم شهر حال من
 وزیر امور خارجه سواد نظامنامه‌ای را که برای مجلس مشاوره جدید مرتب‌گردیده به من داده است. در این نظامنامه هیچ ذکرى از انتخاب اعضاء ديگرى غير از آنهایی که شاه انتخاب نموده نشده است. با وجود این بعضی نکات خوب در این نظامنامه هست. در صورتیکه يك شاه خوش‌نیتی باشد و يك عده اعضاء متمدن صاحب عزم و بحدی متدین که اقتدارات مفوضه به‌خود را بخوبی بکار ببرند بوده باشند این اقدام جدید شاید بهترین احتمال تأسیس حکومت صحیحی را برای دولت ایران داشته باشد. چنانچه معلوم است آن مجمعی است که نتیجه مجاهدات سه‌ماهه سفارتین است و محتمل است بکلی بی‌فایده باشد و مشکل است انتظار داشت که این اقدام در اوضاع ولایات شمالی اثرات مطبوعی حاصل بنماید.

نمره - ۱۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله ۱۲ دسامبر)
 طهران، ۱۲ دسامبر ۱۹۰۸
 [۲۰ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف ۹ شهر جاری من.
 وزیر امور خارجه به ما اطلاع می‌دهد که بواسطه علت مزاج عارضه اعلیحضرت نمی‌تواند ترجمانهای سفارتین را بپذیرد. علاءالسلطنه خواهش نموده است مذاکراتی را که ما می‌خواسته‌ایم یا شاه بنماییم بتوسط او بنماییم. ما این خواهش را رد نموده‌ایم و اظهار داشتیم که ممکن است پس از اعاده صحت مزاج اعلیحضرت ترجمانها را بپذیرند.

نمره - ۱۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۴ دسامبر)
 طهران، ۱۴ دسامبر ۱۹۰۸
 [۲۲ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف ۱۲ شهر جاری من.
 از ترکیب هیئت مشاوره صراحتاً مشهود می‌شود که غرض از ترتیب نظامنامه این مجمع فقط فریب‌دادن ما است.

بمناسبت امتناع شاه از پذیرفتن ترجمانهای سفارتین ما یادداشت مشترکی بتوسط وزیر امور خارجه تقدیم داشته و خاطر اعلیحضرت مزبور را از مواعید خودش آگاه نموده و خاطر نشان او نموده ایم که تشکیل مجلسی که مرکب از اعضاء منتخبه بتوسط خود او است برای ایفاء عهدی که آن اعلیحضرت نموده بودند مکفی نخواهد بود. ما پیشنهاد خود را تکرار نموده و فقط امید خاتمه پذیرفتن اوضاع ناهنجار حاضره را منحصر به تشکیل مجلس منتخبه عامه و اعطای عفو عمومی به اهالی تبریز نموده ایم.

نمره - ۱۵

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۱۵ دسامبر)

سن پترزبورگ، ۱۵ دسامبر ۱۹۰۸

[۲۳ آذر ۱۲۸۷؛ ۲۰ ذی قعدة ۱۳۲۶]

در ضمن ملاقاتی که من امروز با مسیو ایسولسکی نمودم با آنجناب در باب طفره از ایفاء عهد نمودن شاه و رعایت نمودن نصایح مامذاکره نمودم. من اظهار نمودم که باید با کمال تشدد به شاه تأکید بشود که ما نمیتوانیم بگذاریم او این روش را تعقیب بنماید. مسیو ایسولسکی استفسار نمود چه اقداماتی من در نظر دارم. جناب معظم الیه [= معظم له] با اقداماتی که دال بر مداخلات مستقیم دولتین باشد مخالف بود. من اظهار داشتم که شاه تعهد نموده است که قانون انتخابات را اشاعه دهد و مجلسی تشکیل بدهد و ما جداً اصرار نموده ایم که عفو عمومی به اهالی تبریز اعطا بشود. اگر ما در همین موضوعها ایستادگی بنماییم کافی است.

ما باید جداً اصرار بنماییم که برای تکمیل این ترتیبات به شاه فشار بیاوریم.

نمره - ۱۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۷ دسامبر)

طهران، ۱۷ دسامبر ۱۹۰۸

[۲۵ آذر ۱۲۸۷؛ ۲۲ ذی قعدة ۱۳۲۶]

بنا به تعیین وقتی که دیروز سعدالدوله با سفارت روس نموده و ملاقات با نماینده های دولتین را خواسته بود از برای تبلیغ پیغامی که از طرف شاه داشت امروز صبح مسیو سبلین [= سابلین] و سعدالدوله و من با هم ملاقات نمودیم. پیغام شاه این بود که استفسار نموده بود آیا در صورت اعطای مشروطه دولتین حاضر خواهند بود که چهارصد هزار لیره به او قرض بدهند یا خیر. سعدالدوله اظهار نمود که شاه اصرار بلیفی دارد که اگر من گمان می کنم که بتوانم مملکت را نجات بدهم مرا دخیل در کار بنماید ولی من از قبول آن امتناع نموده اظهار داشتم که دخیل در کار نخواهم شد

(۱) معظم له: بزرگ داشته شده - م.

مگر در صورت حکومت شوروی [= شورائی] و نیز برای آن اعلیحضرت توضیح نمودم که یگانه امید بهبودی در اوضاع حاضره منحصر به استقرار مشروطه است. ظاهراً حالا شاه برای قبول آن حاضر شده و به او امر نموده است که از نماینده‌های دولتین در باب استقراض استفسار نماید. من از جانب نماینده‌های دولتین جواب دادم که به اعلیحضرت شاه اطلاع بدهید که عجلتاً بهیچوجه امید آن نیست که دولتین برای دادن قرض منظوره حاضر بشوند مگر در تحت حکومت مشروطه و مقصود از این مشروطه آن نیست که فقط شاه دستخطی صادر نموده و وعده اعطای مشروطه به رعایای خود بدهد، بلکه لازم است که مشروطه به موقع اجرا گذارده بشود و تأمینات لازمه به دولتین داده بشود که وجه استقراض به محلهای بقاعده صرف بشود. اگر چه من ترتیب یک همچو تأمین را نمی‌توانم قطعاً اظهار بدارم ولی دولتین اطمینانات از طرف مسیو بیزو لازم خواهند داشت مبنی براینکه آن تأمینات کافی است. از قراری که من استنباط نمودم اعلیحضرت شاه بیم آن را دارد که تأمینات از قبیل اشغال گمرکات یا خاک ایران باشد. من سعدالدوله را از این نکته مطمئن نمودم ولی در ضمن تصریح نمودم که طبیعتاً ما تأمیناتی از برای تأدیه فرع وجه استقراض لازم خواهیم داشت. من نیز اظهار داشتم که اوضاع مملکت از بد به بدتر رسیده و اصرار نمودم که اگر اعلیحضرت شاه اکنون جدیت دارند، بدون دفع وقت مقاصد حسنه خود را به رعایای خود اعلام بدارند. اگر چه دولتین ترتیب یک مشروطه‌ای را که مناسب حال مملکت باشد نمی‌توانند تشریح بنمایند ولی من به سعدالدوله اطمینان دادم که اگر او محتاج به تقویت و نصیحت ما در مساعی خودش برای ایجاد نمودن یک قسم مشروطه باشد او می‌تواند وثوق کامل به دولتین داشته باشد که از بذل آن مضایقه نخواهند نمود. سعدالدوله در موقع خروج خودش از سفارت بظاهر خیلی خوش وقت و امیدوار می‌نمود.

نمره - ۱۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۱ دسامبر)

طهران، ۲۵ نوامبر ۱۹۰۸

[۳ آذر ۱۲۸۷؛ ۳۰ شوال ۱۳۲۶]

آقا

چنانچه در تلگراف ۲۲ شهر جاری خودم اطلاع داده‌ام در ۱۹ شهر حال نمایش دیگری در باغ شاه به مخالفت انعقاد مجلس داده شد. آنچه در آن محضر واقع شده عیناً واضح نیست ولی یقین است که عریضه از طرف علماء که بدستور شیخ فضل‌الله و امام‌جمعه و صدراعظم و شاهزاده نایب‌السلطنه عمو و پدر زن شاه و امیربهادر جنگ ترتیب داده شده بود به شاه تقدیم شد. عریضه مزبور مشعر براین بود که مجلس مخالف اسلام است و اعلیحضرت شاه با یک نوع اکراه ظاهری دستخطی به

مضمون مطلوب صادر نمود.

دستخط مزبور در ۲۱ شهر حال به مطبعه دولتی فرستاده شده بود و در همان روز صدراعظم در جواب سؤالی که من بتوسط عباسقلی خان نموده بودم اظهار داشته بود که بمحض طبع شدن منتشر خواهد شد.

من و همکار روسی خودم پس از مشورت با هم موافقت نمودیم که یادداشتی به امضاء خودمان به وزیر امور خارجه بنویسیم و تأکید بنماییم که شاه تجدید نظری در رأی قطعی خود بنماید. چون وقت آن گذشته بود که بتوان اشاعه یافتن دستخط شاه را ممانعت نمود به جهت اینکه دستخط مزبور غروب همانروز به دست عموم رسیده بود و به ولایات نزد علماء فرستاده شده و امر بر انتشار آن شده بود. بعد از آن من تحقیق نموده و ملتفت شدم که یادداشت ما را علاءالسلطنه تا غروب ۲۳ به نظر شاه را ممانعت نمود به جهت اینکه دستخط مزبور غروب همان روز به دست عموم رسیده نرسانده بود. علی الظاهر یادداشت مزبور اثر فوری نموده بود چون که در همان شب به طبع کننده امر شده بود که دیگر هیچ نسخه‌ای از آن دستخط را توزیع ننماید و در جمع نمودن نسخه‌هایی که منتشر شده بود کوشش نمودند. شب عید علاءالسلطنه بتوسط مستر چرچیل به من پیغام داده بود که روز بعد به ملاقات من خواهد آمد و حقیقت کیفیت دستخط مزبور را توضیح خواهد نمود.

علاءالسلطنه امروز نزد من آمده و اظهار داشت که حسب الفرموده^۲ شاه آمده است که بعضی اطلاعات اضافی در باب دستخط به من بدهد. معظم‌الیه [= معظم‌له] اظهار داشت که غرض از دستخط مزبور این نیست که شاه تشکیل مجلسی نخواهد داد بلکه فقط مجلسی مثل مجلس سابق تأسیس نخواهد نمود. باضافه دستخطی که حقیقتاً بشود آن را دستخط گفت نیست فقط جوابی است که به علماء داده شده و رسمیت ندارد چونکه آن بتوسط صدراعظم توزیع نشده و علماء آن را طبع و نشر نموده‌اند. من جواب دادم موجب کمال اسف است که اصلاً آن توزیع شده و از معزى‌الیه^۳ سؤال نمودم که آیا ممکن است من به دولت متبوعه خودم اطلاع بدهم که انتشار آن برخلاف امر شاه بوده. همچو می‌نمود که معزى‌الیه از دادن جواب صریح احتراز دارد ولی بالاخره اظهار نمود که ممکن است من تلگراف بکنم که تا اندازه‌ای که او اطلاع دارد دستخط مزبور حسب الامر شاه طبع نشده و اعلیحضرت معظم هنوز در صدد است که مجلسی مناسب احتیاجات مملکت و مطابق با قوانین اسلام تأسیس بنماید چنانچه در دستخط ۲۴ سپتامبر خودش هم وعده داده است.

من استنباط نمودم که مجلس منظوره چیز دیگری بجز يك مجلس مشاوره که اعضاء آن را شاه معین بنماید نخواهد بود و من از معزى‌الیه استفسار نمودم چه وقت باید منتظر قانون انتخابات بود. او جواب داد که اعلیحضرت معظم امر به تهیه آن نموده است ولی بواسطه بیانات آشکار مردم بر ضد تأسیس مشروطه انتشار آن به عهده تأخیر

(۲) چنین است در اصل: (= حسب الامر) - م.

(۳) کسی که چیزی باو نسبت داده شده - م.

افتاد.

پس از آن شرح مبسوطی در باب صلاحیت مجلس مذاکره شد. بالاخصار من عقیده خودم را تکرار نمودم که اعاده نظم در تبریز و استقرار آسایش در بقیه نقاط ایران فقط بسته به تشکیل مجلس منتخبه است. معزیه الیه اظهار داشت عقیده او براین است که انقلاب آذربایجان بهیچوجه مربوط با مسئله مشروطه نیست و ایران برای حکومت پارلمانی مستعد نیست، چنانچه زیادرویهای مجلس سابق دلیل براین مدعا است و قسمت عمده مردم مخالف با مشروطه هستند. او نیز اظهار داشت شاه خوف آن را دارد که اگر مجلسی تأسیس بشود باعث خونریزی بسیار خواهد شد چونکه احساسات برضد آن بیشمار است و او يك دسته تلگرافات ولایات را برای اثبات حسیات عمومی بضد مشروطه ارائه داد. او سؤال نمود که آیا من در صحت این تلگرافات تردیدی دارم. من جواب دادم خیر تردیدی ندارم. ولی مع ذلك آنها را نمی توانم شاهد بر احساسات واقعی عمومی قرار بدهم؛ تا اندازه ای من اطلاع دارم اهالی پایتخت و طبقات تربیت شده و کسانی که در مملکت دارای اعتبارات هستند خواهان مجلس منتخبه هستند که آن مجلس ناصحین منافق شاه را در تحت یک کنترول و نظارتی قرار بدهد. اغلب مردم عوام یحتمل چندان در قید مشروطه نباشند ولی چیزی که آنها می خواهند تأمین و مسالمت است و این هم با این ترتیب ناهنجار کنونی میسر نخواهد شد.

من از علام السلطنه خواهش نمودم که ترتیب بار یافتن ترجمانه های سفارتین را بدهد. معظم الیه [= معظم له] این تقاضا را تأیید نموده و پیشنهاد نمود که در عوض ترتیب بار یافتن محرمانه ای برای خود من بدهد. من اظهار نمودم که شرفیابی سابق من چندان نتیجه سودمندی نبخشیده و به عقیده من از مذاکرات مشفقانه شاه با مترجمها محتمل است نتایج مفیدتری حاصل بشود. اگر من شرفیابی مجددی بخواهم حاصل بنمایم باتفاق همکار روسی خودم خواهد بود؛ یحتمل بموجب او امر دول متبوعه خودمان ما مجبور به تجدید عنوانات هم با آن اعلیحضرت بشویم. برای احتراز از این مسئله است که ما تقاضای بار یافتن ترجمانه های خودمان را می نمایم. از استماع اینکه ما باید عنوانات دیگری هم بنماییم آثار کنجکاوی در معزیه الیه ظاهر گشت و اظهار داشت از این نگران است که مبدا ترجمانه ها از آنچه باید بگویند تجاوز نمایند. من او را در این باب مطمئن نمودم و بالاخره او راضی شد که تعیین موقع شرفیابی منظوره را موکول به میل شاه بنماید.

ایضاً ترجمه دستخط شاه و سواد یادداشت مشترکه مورخه ۲۲ نوامبر خودمان را ارسال می دارم.

(امضا) جارج بارکلی

ملفوظه نمره ۱ در نمره ۱۷

دستخط مورخه ۱۹ نوامبر [۲۷ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۴ شوال ۱۳۲۷] شاه

بسم الله الرحمن الرحيم

جنابان مستطابان علماء عظام

پیوسته منظور نظر ما بوده و هست که دین مبین اسلام و قوانین حضرت رسول را تقویت و حفظ نماییم. حالا که شما اظهار داشته‌اید استقرار مجلس با قوانین اسلام مخالف است و نامشروع بودن آن را فتوا داده‌اید و علمای ولایات هم کتباً و تلگرافاً^۴ نامشروع بودن آن را فتوا داده‌اند لهذا ما هم بکلی از این عزم صرف نظر نموده و حتی در آتی هم هیچ ذکری از چنین مجلسی نخواهد شد ولی بتوجه امام عصر عجل الله فرجه تعلیمات لازمه برای بسط عدل و داد داده شده و خواهد شد. جنابان عالی از این نیت ملوکانه ما برای انبساط عدالت و حفظ حقوق رعایای خودمان و علاج مفاسد بر حسب قوانین شرع مبین البته تمام طبقات را مستحضر خواهید داشت.

محمدعلی شاه قاجار

ملفوظه نمره ۲ در نمره ۱۷

یادداشت مشترکه به علاءالسلطنه

طهران، ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸

[۳۰ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۷ شوال ۱۳۲۶]

حضرت اشرف

نماینده‌های دولتین انگلیس و روس با کمال تعجب و تأسف استماع نموده‌اند که اعلیحضرت شاهنشاهی پیروی تعلیمات سوء ملتزمین خود را نموده عریضجاتی که بهیچوجه حاوی احساسات حقیقی ملت نیست بهانه قرارداد و قصد ندارند که تشکیل مجلسی از نمایندگان ملت بنمایند. نماینده‌های دولتین دول متبوعه خود را بوسیله تلگراف از این عزم تأسف آمیز شاه مستحضر خواهند نمود که از این عزم مشهود است اعلیحضرت معظم در صدد ایفاء به مواعید خود که مکرر به ملت خود و نماینده‌های دولتین داده است نیست و از وظایف نماینده‌های دولتین است که به همین زودیها حسب الامر دول متبوعه خودشان عنوانات لازمه نموده و اعلیحضرت شاه را آگاه بنمایند که برای منافع شخصی خود و مصالح مملکت خود از آن اراده جدیدی که نموده صرف نظر بنماید.

نماینده‌های دولتین مادامی که منتظر تعلیمات از دول متبوعه خودشان هستند با اینکه از مداخله در امور داخلی ایران احتراز می‌جویند تکلیف خود می‌دانند که تکرار و تأکید در این یقین خود بنمایند که فقط وسیله تسکین و ترضیه اهالی که بواسطه روش مخالفانه شاه نسبت به مشروطه در خطه آذربایجان علم طغیان برافراشته و

(۴) چنین است در اصل (= تلگرافی) - م.

همچنین در پایتخت و سایر ولایات در غلیان و هیجاند این خواهد بود که اعلیحضرت
همایونی خود را از قید صلاح‌اندیشی اشخاصی که فایده خود را در دوام حالت منقلبیه
کنونی می‌دانند آزاد نموده و حکومت شوروی را مجدداً تأسیس بنماید.
جارج بارکلی - سبلین

نمره - ۱۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۱ دسامبر)

طهران، ۲۹ نوامبر ۱۹۰۸

[۷ آذر ۱۲۸۷؛ ۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

آقا

در تعقیب مکتوب مورخه ۲۵ شهر جاری خودم باکمال افتخار ترجمه مراسله دولت
ایران را لفاً تقدیم می‌دارم که در جواب یادداشت مشترکه من و همکار روسی من
است که در ۲۲ شهر حال به وزیر امور خارجه به امید ممانعت از توزیع دستخط شاه
مشعر بر منصرف شدن از تشکیل مجلس نوشته بودیم. جنابعالی از آن ملاحظه خواهید
نمود که از ما درخواست نموده‌اند که به مقامات لازمه اعلام بداریم که شاه قصد
اعطای مجلسی دارد که مناسب طبیعت مملکت و شرایع اسلام و عادات ایرانیان باشد.
بی‌شبهه غرض از اعطای این مجلس همان هیئت مشاوره‌ای است که شاه تعیین نموده و
تشکیل آن را در ۲۸ شهر حال اعلیحضرت معظم به ترجمانه‌های سفارتین اعلام نموده
و سابقاً در تحت مکتوب علیحده به جنابعالی اطلاع داده شده. ملاحظه خواهید فرمود
که فراز اول مراسله خیلی در هم است. مع هذا مقصود بقدر کفایت واضح است به
این معنی که می‌خواهند به من و همکار روسی من مطلب را مشتبه بنمایند که عنوانات
ما مبنی به افواه غیر موجه است. دولت ایران تا این درجه زیادروی نمی‌نماید که
اطلاعات ما در باب فسخ عزیمت شاه از تأسیس مجلس نمایندگان را تکذیب بنماید. خود
صدر اعظم شخصاً تا این اندازه را به من اطلاع داد و این عزم شاه نیز روی کاغذ
آورده شده موشح به امضای او گردیده و در مطبعه دولتی بطبع رسیده و چندی اشاعه
یافته ولی آنها اظهار می‌دارند که ما هیچ دلیلی از برای نسبت دادن این عزم را [به]
نصیحت‌های منافقانه درباری‌های اعلیحضرت معظم نداریم و اعلیحضرت شاه محتاج به
نصایح آنها نیست و آن درباری‌ها همچو عقیده ندارند و این عبارتی است که اگر
اصلاً حاوی معنائی باشد مفاد آن این است که درباریان شاه با تأسیس مجلس نمایندگان
مخالف نیستند که حقیقتاً ادعای عجیبی است.

یادداشت ما اثر خود را نمود چون بمحض تقدیم شدن به شاه امر صادر شد که
دستخط مزبور توقیف بشود و من و همکار روسی من گمان می‌کنیم که از این اسناداتپاه

که اقدام ما مبنی به افواهاات بی اساس بوده می توان اغماض نمود.
(امضا) جارج بارکلی

ضمیمه نمره ۱۸

ترجمه مراسله علاء السلطنه به سر جارج بارکلی

طهران، ۲۷ نوامبر ۱۹۰۸

[۵ آذر ۱۲۸۷؛ ۲ ذی قعدة ۱۳۲۶]

جنابا

با کمال احترام وصول یادداشت مورخه ۲۲ نوامبر جنابعالی را اطلاع می دهم. نسبت نصایح منافقانه دادن که به درباریان داده شده و فقط مبنی بر يك راپورت در این باب است و هیچ اساسی ندارد و باعث تعجب و تأسف نمایندگان محترم دولتين شده بیشتر اسباب تعجب و تأسف این جانب گردید بجهت اینکه جنابعالی این بیان تأسف آمیز را مبنی به يك راپورتي نموده اید و قبل از آنکه تحقیقی در صحت این راپورت بنمایید به این درجه تصور و خیال خودتان را آزاد نموده اید و درباریان دولت شاهنشاهی را فقط به اعتقاد اینکه همه نظر و عقیده ای دارند آنها را لکه دار نموده اید در صورتیکه آنها بهیچوجه در این عقیده نیستند. لله الحمد اعلیحضرت شاهنشاهی با ذکاوت و درایت و مراقبت کامله ای که در حفظ اساس حکومت پادشاهی و همچنین برای رفاه و آسایش ملت خودشان بروز و ظهور می دهند بهیچوجه محتاج به نصیحت درباریان خود نیستند. اعلیحضرت شاهنشاهی طبیعتاً در تکالیف خود بصیر و در وظایفی که برای مملکت داری و رعیت پروری لازم است بخوبی آگاهند. اعلیحضرت شاهنشاهی نیز بخوبی از عادات و رسوم اهالی ایران استحضار دارند و به اقتضای وقت عمل نموده و مجلسی اعطاء خواهند نمود که مناسب احتیاجات زمان و مذهب و عادات ایران باشد نه اینکه باعث آشوب و انقلاب مملکت بشود. بی مناسبت نمی دانم که توجه جنابعالی را به اوضاع مملکت در عرض دوساله حکومت مشروطه معطوف بدارم که باعث همه نوع بی نظمی گردید و باید خاطر نشان جنابعالی بنمایم که اعطای يك همچو مجلسی مثل مجلس سابق مناسب احساسات عمومی نیست و این اندازه آزادی بی قاعده است و باعث بروز انقلاب و مفاسد خواهد شد چنانچه مشاهده شده است.

نظر به روابط و دادی که مابین دولتين جاری است و نماینده های محترم دولتين مایل به ابقاء و تشیید آن هستند من امیدوارم جنابعالی به مقامهای لازمه اعلام خواهید فرمود که قصد اعلیحضرت اعطای يك مجلسی است که مناسب با طبیعت مملکت و شرایع اسلام و عادات اهالی ایران باشد بطوریکه مملکت و ملت به توجهات ملوکانه در رفاه باشند.

امضاء محمد علی علاء السلطنه

نمره - ۱۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۱ دسامبر)

طهران، ۳ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۱ آذر ۱۲۸۷؛ ۸ ذی قعدة ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار صورت خلاصه وقایع اتفاقیه در عرض چهار هفته ماضی ایران را برحسب معمول لفا ارسال می‌دارم.

امضاء جارج بارکلی

ضمیمه نمره ۱۹ خلاصه وقایع ماهانه

اخبار عمومی

سفارتین انگلیس و روس به توسط ترجمانهای خودشان به دولت ایران در باب حمله قشون دولتین به يك قرية ارامنه در حوالی تبریز و مقتول و مجروح شدن يك عده ارامنه اظهارات متفقاً نمودند.

بروز وقایع جدید در مشهد که بی‌شبهه مربوط به حضور سید محمد مجتهد طهرانی در آنجا است بهمچنین عدم امکان ورود عین‌الدوله با قشون شاه به تبریز بر عسرت مالیة افزوده.

امضا چرچیل، وکیل شرقی به تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۰ آذر ۱۲۸۷؛ ۷ ذی قعدة ۱۳۲۶]

تبریز

جنرال قنصل انگلیس در نهم نوامبر [۱۷ آبان؛ ۱۴ شوال] از ارومیه وارد شد. به تاریخ ۱۱ نوامبر معزی‌الیه اطلاع داد که از قرار مذکور يك عده استعداد اضافه‌ای مرکب از ۴۰۰ نفر سوار وارد شده و در باسج به فرمانفرمای آذربایجان ملحق شده‌اند. در سیزدهم يك عده از قشون دولتی در تحت صمصام‌خان از اوامر حکمران سرپیچی نموده به مجامبار حمله برده بسیاری از ارامنه را مقتول و مجروح نمودند. در همین تاریخ سیصد نفر قزاق ایرانی با شش عراده توپ به اردوی دولتی ملحق شدند ولی مستر راتیسلا اطلاع داد که ورود آنها تولید اثری در تبریز ننمود.

در ۱۶ نوامبر [۲۴ آبان؛ ۲۱ شوال] قشون ملتی مراغه را تصرف نمودند ولی در ۳۰ نوامبر [۸ آذر؛ ۵ ذی قعدة] خبر رسید که آنها را از آنجا عقب نشانده و به تبریز رجعت نمودند. در ۳۱ نوامبر انجمن محلی در دیلمقان (سلماس) مجدداً تشکیل یافت و در ۲۳ [یکم آذر؛ ۲۸ شوال] بناب، واقعه در ساحل شرقی دریایچه ارومیه، را ملتیان بعد از مجادله با سواران چهار دوالی تصاحب نمودند.

ضمیمه نمره ۱۹ خلاصه وقایع ماهانه

اخبار عمومی

سفارتین انگلیس و روس به توسط ترجمانیهای خودشان به دولت ایران در باب حمله قشون دولتین به يك قرية ارامنه در حوالی تبریز و مقتول و مجروح شدن يك عده ارامنه اظهارات متفقاً نمودند.

بروز وقایع جدید در مشهد که بی شبهه مربوط به حضور سید محمد مجتهد طهرانی در آنجا است بهمچنین عدم امکان ورود عین الدوله با قشون شاه به تبریز بر عسرت مالیه افزوده.

امضا چرچیل، وکیل شرقی به تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۰۸
[۱۰ آذر ۱۲۸۷؛ ۷ ذی قعدة ۱۳۲۶]

تبریز

جنرال قنصل انگلیس در نهم نوامبر [۱۷ آبان؛ ۱۴ شوال] از ارومیه وارد شد. به تاریخ ۱۱ نوامبر معزی الیه اطلاع داد که از قرار مذکور يك عده استعداد اضافه ای مرکب از ۴۰۰ نفر سوار وارد شده و در باسج به فرمانفرمای آذربایجان ملحق شده اند. در سیزدهم يك عده از قشون دولتی در تحت صمصام خان از اوامر حکمران سرپیچی نموده به مجامبار حمله برده بسیاری از ارامنه را مقتول و مجروح نمودند. در همین تاریخ سیصد نفر قزاق ایرانی با شش عراده توپ به اردوی دولتی ملحق شدند ولی مستر راتیسلا اطلاع داد که ورود آنها تولید اثری در تبریز ننمود.

در ۱۶ نوامبر [۲۴ آبان؛ ۲۱ شوال] قشون ملتی مراغه را تصرف نمودند ولی در ۳۰ نوامبر [۸ آذر؛ ۵ ذی قعدة] خبر رسید که آنها را از آنجا عقب نشانده و به تبریز رجعت نمودند. در ۳۱ نوامبر انجمن محلی در دیلمقان (سلماس) مجدداً تشکیل یافت و در ۲۳ [یکم آذر؛ ۲۸ شوال] بناب، واقعه در ساحل شرقی دریاچه ارومیه، را ملتیان بعد از مجادله با سواران چهار دوالی تصاحب نمودند.

در ۱۸ نوامبر [۲۶ آبان؛ ۲۳ شوال] ملتیان تلگرافات به پارلمان لندن و پاریس و سن پترزبورگ مخابره نمودند و بر علیه (= علیه) راپورتهای دروغی که در باب مخاطره اتباع خارجه داده شده پرتست نمودند.

رشت

اردوکشی حکمران به طالبش منجر به عدم موفقیت کامل گردید. قشون او هنگام عبور دهات را غارت نموده و در بعضی نقاط به اموال اتباع روس خسارت وارد آوردند. به تاریخ ۱۵ نوامبر [۱۳ آبان؛ ۲۰ شوال] در گرگانرود اهالی به آنها هجوم نمودند و آنها فرار نموده يك عراده توپ را هم از دست دادند عقیده مستر رابینو براین است که اعزام قشون لازم نبوده چونکه گرگانرودیهها مکرر اظهار فدویت و موافقت در قبول هر حاکمی بجز سردار امجد نموده اند بواسطه اینکه در ایام ماضی او خیلی ظلم به آنها نموده.

در ۱۵ نوامبر، عمارت گمرک در انزلی را آتش زدند ولی قبل از اینکه خسارت زیادی وارد بشود اطفای حریق شد. مظنون است که این کار ملتیان باشد که می خواسته اند به این واسطه مقدار کثیری اسلحه و آلات ناریه ای که برای شاه وارد شده بود و در گمرک بوده معدوم بشود. تقریباً یکصد و هشتاد قبضه تفنگ ضایع شده است.

مشهد

مکتوبی به اسم علماء کربلا که اهالی خراسان را دعوت به هیجان نموده بود و مشعر به تشدد بسیار نسبت به شاه بود در ماه اکتبر در اینجا منتشر گردید و باعث تهییج زیادی شد. راپورت تلگرافی از مشهد مشعر براین است که در ۲۹ نوامبر [۷ آذر؛ ۴ ذی قعدة] تقریباً ۴،۰۰۰ نفر طلاب در حرم جمع شده و بازارها را بستند. روز بعد بواسطه دستگیر شدن یکی از متقدمین آشوب طلبان انقلابی بروز نموده و مابین طلاب و قشون شلیکی واقع شده. در غره دسامبر [۹ آذر؛ ۶ ذی قعدة] اوضاع جالب اهمیت شده و عده شورشیان زیاد شده بسیاری از کسبه به طلاب ملحق شدند و قشون در معابر جمع شده و قراول می دادند.

استرآباد

از استرآباد به سفارت روس خبر داده شده که در آنجا اغتشاش بروز نموده و حکومت مؤسسين انقلاب را به بمباردمان شهر تخویف نموده.

اصفهان

در هشتم نوامبر [۱۶ آبان؛ ۱۳ شوال] حکومت نظامی در اصفهان دائر گردید ظاهراً به قصد اینکه از متهیج نمودن علماء مردم را به ضد حکومت، جلوگیری بشود. از آن تاریخ به بعد شهر آرام بوده.

مقارن ۲۰ نوامبر [۲۸ آبان؛ ۲۵ شوال] تلگرافی از طرف علماء مرتجع طهران به علمای اینجا مخابره شده بود مبنی براینکه شاه از خیال تأسیس مشروطه بکلی منصرف شده. تلگراف مزبور در اصفهان منتشر نگردید. کلیه طریق بجز راه بختیاری پر از سارقین است. در ۱۷ شهر حال [۲۵ آذر؛ ۲۲ ذی قعدة] در حوالی یزدخواست، قافله‌ای مرکب از سی شتر با سارقین مصادف شده و شترها را با محمولاتشان بسرقت بردند؛ ۲۰ نفر قزاقی که از یزد به بافق فرستاده شده بود دچار حمله غفلتی سارقین شده و تمام دارایی آنها بسرقت رفته سوای دو قبضه تفنگ و بعضی از اسبهای آنها که داغ داشته.

یزد

اهالی تفت بتازگی ۲۵ نفر سواری را که برای جمع‌آوری مالیات به آنجا فرستاده شده بود بحد وافر زده ملبوس و تفنگهای آنها را مأخوذ داشته و بعضی از آنها را به عنوان گرو نگاه داشته‌اند که حکومت تفتی‌هایی را که به شهر یزد می‌روند توقیف ننماید. حالا تفتی‌ها شروع به باج‌گرفتن از قوافل نموده‌اند.

کرمانشاه

در اواسط نوامبر ایل کلهر و گوران وارد سرپل که يك منزلی قصرشیرین است شدند به قصد اینکه به صمصام‌الممالک رئیس ایل سنجایی که حاکم قصرشیرین است حمله ببرند.

در ۱۴ اکتبر [۲۱ مهر؛ ۱۸ رمضان] ۶۴ نفر از سربازان بزچلو به قنصلخانه آمده و اظهار می‌دارند تا حقوق دوساله آنها که عقب‌افتاده است به آنها پرداخته نشود از آنجا خارج نخواهند شد. کفیل قنصلگری انگلیس مداخله در این امر ننمود ولی حکومت حقوق آنها را تماماً پرداخت و در ۲۱ اکتبر [۲۸ مهر؛ ۲۵ رمضان] خارج شدند.

شیراز

مقارن ۲۰ اکتبر [۲۷ مهر؛ ۲۴ رمضان] فوج کمره مرکب از ششصد نفر وارد شیراز شدند. بموجب راپورت واصله، ناحیه لار معرض تاخت و تاز و تعدیات سید عبدالحسین لاری می‌باشد و مشارالیه اعلان نموده است پرداخت مالیات به شاه حالیه مخالف اسلام است.

سرقتهای متواتره هنوز هم در راه اصفهان و هم در جاده بوشهر واقع می‌شود. بتازگی در حوالی سیوند پست را سرقت نموده و سورچی‌گاری را با کمال سبعیت مقتول نمودند.

سرقتهای بسیار نیز در حوالی شهر واقع شده است.

امضا مازور استکس آتاشه میلیتر

نمره - ۲۰

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ دسامبر)

طهران، ۴ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۲ آذر ۱۲۸۷؛ ۹ ذی قعدة ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار سواد یادداشتی را که مستر چرچیل نوشته لغاً ارسال می‌دارم که مشعر بر مذاکراتی است که در شرفیابی ۲۸ ماه گذشته او و مسیو بارانوسکی به حضور شاه بعمل آمده. مجلس مشاوره‌ای که تشکیل آن را شاه به ترجمانهای سفارتین اطلاع داده و از اعلیحضرت معظم درخواست شد که نوشتن قانون انتخابات را رجوع به آن هیئت بنمایند قسمت عمده آن مجمع متشکل^۶ از اشخاصی است که دارای نظریات ارتجاعی هستند و اگر شاه متقاعد به داخل نمودن اشخاص آزادیخواه در آن مجمع نشود انتظار داشتن مساعدت از طرف آنها برای تجدید حیات مشروطیت بی‌فایده است.

امضا جارج بارکلی

مجدد: الان ترجمه رقعهای را دیدم که صدراعظم به اعضای مجلس که مسمی به مجلس عالی مملکت است نوشته و امر به اجتماع آنها نموده است. از قرار مذکور وظایف آنها نظارت در امورات وزراء و حکام ولایات است (اوامر و دستوراتی را که اعلیحضرت همایونی برای آنها مقرر فرموده اصفاء نموده و اطلاع حاصل نمایند).

امضا ج. ب.

ملفوقه در نمره ۲۰

یادداشت مستر چرچیل

من و مسیو بارانوسکی را امروز صبح نیم ساعت قبل از ظهر در بالاخانه عمارت باغ‌شاه که سابقاً مجلس مقصرین پلتیکی بوده است شاه بار داد. در موقع شرفیابی بجز شاه و ما، کس دیگری حاضر نبود.

مسیو بارانوسکی عنوان نموده که ما از جانب وزیر مختار انگلیس و شارژدافر روس شرفیاب شده که از آن اعلیحضرت سؤال نماییم برای ایفاء به مواعید خودشان چه اقداماتی فرمودند.

شاه جواب داد که جواب او در مقابل این سؤال خیلی مطول است و اوراقی لازم دارد که عجلتاً حاضر نیست و توضیحاتی که او می‌خواهد بدهد بعدی مفصل است که او وزیر امور خارجه خود را به سفارت انگلیس و روس خواهد فرستاد که آن توضیحات را شرح بدهد.

من به شاه عرض نمودم علت اینکه مسیو بارانوسکی و من به حضور آن اعلیحضرت فرستاده شده ایم این است که آن اعلیحضرت بی مضایقه نظریات خودشان را بدون پرده پوشی به ما اظهار بدارند. قصد ما هم این است که بهمین قسم بدون ملاحظه و مضایقه صحبت بنمائیم و در حقیقت ما تصور می کنیم که می توانیم به آن اعلیحضرت مشهود بداریم که نظریات و منافع دولتین انگلیس و روس با نظریات و منافع آن اعلیحضرت حکم واحد را دارد.

شاه جواب داد من حاضرم بی مضایقه صحبت بنمایم ولی اشکال در اینجا است که کسی به من گوش نمی دهد. من اظهار نمودم همه کس با آن اعلیحضرت موافقت دارد که مجلس اولی بی حاصل بوده و هیچکس میل ندارد آن وضع منشوشی که اعلیحضرت شاه آن را خاتمه داده اند اعاده نماید ولی ترتیب حاضره هم بکلی بهمین بدی بلکه بدتر است و نمی توان گذارد این ترتیب ممتد بشود. شاه تکرار نمود که کسی به من گوش نمی دهد و اظهار داشت من قصد داشتم که به مواعید خودم ایفا نمایم. پس از آن من دستخط جدید او را از جیب خود بیرون آورده اظهار داشتم که این فرمایش اخیر آن اعلیحضرت با عنوانات در دستخط مخالف است ولی شاه حرف من را قطع نموده ورقه مزبور را از من گرفته و سعی نمود توضیح بنماید که عبارت «حتی ما ذکری از چنین مجلسی نخواهیم نموده» راجع به مجلس سابق است و اشاره فرمودند که ظاهراً شما خط ایرانی را نمی توانید بخوانید.

بعد از آن مسیو بارانوسکی با کمال مبالغه به شاه اصرار نموده که ایفاء به مواعید خود که یگانه وسیله اعاده نظم و استقرار آسایش در تبریز است بنماید. بیم تحصن پیوسته هست و هیچ کس مجلسی مثل مجلس سابق نمی خواهد ولی یک قسمت عمده مردم جازم هستند که حکومت شوروی داشته باشند. شاه در جواب اظهار داشت که از طرف دیگر بسیاری از مردم هم مخالف با آن هستند و اگر امروز من حکم انتخابات را صادر بنمایم مسلماً فردا خونریزی خواهد شد. پس از این بیان من به آن اعلیحضرت اظهار داشتم این بالاترین دلیل روش انتفاع شخصی است که درباریان آن اعلیحضرت تعقیب نموده اند. اگر آنها به آن اعلیحضرت عرض نموده اند که مردم مخالف با مجلس هستند مطلبی را که صحت ندارد عرض نموده اند. از این اظهار شاه همچو به نظر آمد که این اسناد را نپسندیده و به حمایت درباریان خود فرمایشات تند فرمودند. مسیو بارانوسکی مجدداً به شاه اصرار نمود که ایفاء به عهد خود بنماید و همین که شاه از مجلسی که فردا قرار است تشکیل بشود مذاکره نمود مسیو بارانوسکی اظهار داشت هیئتی که بتوسط خود شاه انتخاب شده اند آن نیست که وعده شده است و اعضاء مجلس را مردم بایستی انتخاب بنمایند. شاه تکرار نمود که اکثریت مردم مخالف مجلس اند. مسیو بارانوسکی فقط جواب داد که خیر، مسئله اینطور نیست، و دیگر شاه جوابی نداد. مسیو بارانوسکی اظهار داشت که بهترین روش از برای آن اعلیحضرت این است که به مجمع عالی جدید امر بنماید قانون انتخاباتی بنویسند که بتوسط آن مجلس تشکیل داده بشود مرکب از وکلای فہیم که در مصالح لازم و اصلاحات مملکت با

وزراء معیت بنمایند. مجلس مثل سابق مرکب از کسبه و اشخاص جاهل نخواهد بود و هیچکس مایل به تأسیس انجمنها یا مطبوعات آزاد مثل سابق نیست.

شاه اظهار داشت در باب این پیشنهاد مذاقه فرموده و با آنتهایی که باکمال تشدد مخالف مجلس هستند در این باب مذاکره خواهد نمود.

من اظهار داشتم که اگر خود اعلیحضرت درك بفرمایند که مداومت ترتیب حاضره چقدر خطرناك است و برای منافع خود آن اعلیحضرت چقدر لازم است که ترتیب جدیدی بدهند و در واقع در ترتیبات جدید پیشقدم بشوند که شروع به اصلاحات لازمه بشود. دیگر بهیچوجه لازم نخواهد بود که اعلیحضرت در باغشاه توقف بنمایند. شاه اکیداً اظهار داشت که من از مراجعت به قصر شهر بهیچوجه خوف ندارم. توقف من در باغشاه برای این است که من این مکان را دوست دارم. مسیو بارانوسکی مجدداً اصرار نمود که قطعاً بدانند آیا آن اعلیحضرت رأی خود را بر این قرار داده است که هیئت مجلس جدید را به نوشتن قانون انتخابات مأمور بنماید و شاه تکرار نمود که پس از تعمق در این مسئله و مذاکره با آنتهایی که با تشکیل مجلس منتخبه مخالف هستند بتوسط وزیر امور خارجه خود به وزیر مختار انگلیس و شارژ دافر روس جواب خواهد داد.

امضا چرچیل

طهران، به تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸

[۶ آذر ۱۲۸۷؛ ۳ ذی قعدة ۱۳۲۶]

نمره - ۲۱

تلگراف سرنیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۲۱ دسامبر)

سن پترزبورغ، ۲۱ دسامبر ۱۹۰۸

[۲۹ آذر ۱۲۸۷؛ ۲۶ ذی قعدة ۱۳۲۶]

امروز بعد از ظهر مسیو دو هاردویك [= هارتویك] به دیدن من آمد و اظهار عقیده می کند که اگر به شاه وعده و امیدی داده شود که در صورت اقدام فوری برای نوشتن قانون انتخابات بترتیب منصفانه و انعقاد مجلس از طرف دولتین ممکن است مساعدت مالی به آن اعلیحضرت بشود در آن صورت اعلیحضرت معظم در عمل نمودن بر طبق نصایح سفارتین تعلل و مضایقه نخواهند کرد. عقیده مشارالیه راسخ است بر اینکه امتداد اوضاع حاضره منجر به هرج و مرج عمومی خواهد شد که مداخله لازم و ناگزیر بگردد.

من گمان می کنم مسیو ایسولسکی هم با این نظریات مسیو دو هاردویك موافقت داشته باشد.

نمره - ۲۲

تلگراف سرنیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۲۲ دسامبر)

سن پترزبورگ، ۲۲ دسامبر ۱۹۰۸

[یکم دی ۱۲۸۷؛ ۲۷ ذی قعدة ۱۳۲۶]

مسیو ایسولسکی به من اطلاع می دهد که اعلیحضرت امپراطور سفیر مخصوص ایران را نخواهد پذیرفت. مسیو ایسولسکی شخصاً او را ملاقات خواهد نمود و از قرار اظهار خودشان صراحتاً در باب اوضاع حاضرة ایران با او مذاکره خواهد کرد.

نمره - ۲۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۳ دسامبر)

طهران، ۲۲ دسامبر ۱۹۰۸

[یکم دی ۱۲۸۷؛ ۲۷ ذی قعدة ۱۳۲۶]

باز هم دیروز از طرف سفارتین اظهارات شد. صدراعظم ترجمانیهای سفارتین را پذیرفت و آنها اصرار نمودند شاه باید امر بکند يك عده اشخاص خوب به مجلس عالی افزوده بشوند که قانون انتخابانی را که قبل از نمایش در هفتم نوامبر اعلیحضرت شاه در صدد طبع و نشر آن بودند و تفصیلش را در تلگراف هشتم نوامبر اطلاع داده ام تکمیل بنمایند.

انتظار آن هست که شاه ترجمانیهای سفارتین را امروز عصر بار بدهد.

نمره - ۲۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۲ دسامبر)

طهران، ۲۳ دسامبر ۱۹۰۸

[۲ دی ۱۲۸۷؛ ۲۸ ذی قعدة ۱۳۲۶]

دیروز شاه ترجمانیهای سفارتین را احضار نموده و به آنها اظهار فرمودند که من میل دارم نمایندگان دولتين ملتفت بشوند که من مصمم ایفای عهد خود بوده و مشغول انجام آن بودم که در آنوقت مردم در سفارت کبرای عثمانی متحصن شده و می خواستند من را در اجرای آن مجبور بنمایند و من میل ندارم که در این موضوع چنین بنمایم که در تحت اجبار آنها تفویض شده ام.

پس از انجام شرفیابی فوق، شاه صدراعظم و وزیر جنگ را احضار نموده بود. بعد از آن صدراعظم وعده نمود شرحی ترجمانیهای سفارتین مسوده بنمایند و به امضای او برسد که امروز به وزیر امور خارجه تبلیغ بشود مشعر بر اینکه «اعلیحضرت

شاهنشاهی تقبل می‌نماید که روز بعد از خروج متحصنین از سفارت کبرای عثمانی دستخطی صادر بنمایند که قانون انتخابات بتوسط هیئت منتخبه اعلیحضرت که در مجلس عالی مملکت عضویت خواهند داشت نوشته بشود. پس از آنکه این دستخط امروز به نمایندگان سفارتین ارائه بشود وزیر امور خارجه باید آن را ضبط بنماید.

نمره - ۲۵

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن

وزارت خارجه، ۲۳ دسامبر ۱۹۰۸

[۲ دی ۱۲۸۷؛ ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

به تلگراف ۱۸ شهر حال [۲۶ آذر؛ ۲۳ ذی‌قعدة] که از طهران مخابره شده مراجعه نمایند.

اگر شاه مجدداً مسئله استقراض را عنوان بنماید دولت انگلیس حاضر است که در آن نظری نموده و ببیند که آیا ممکن است در اطمینان و ضمانت از فایده و مصرف قرضه صهیحی شرکت و دخالت بنماید و این کار را فقط وقتی خواهند کرد که سفارتین از مسیو بیزو که کاملاً در این مسئله تحقیقات کرده است اطمینان حاصل بنمایند که به عقیده او این قرضه مطلوب و لازم است و باید داده شود. دولت انگلیس بهیچ وجه از این اندازه تجاوز نخواهد نمود و تا شاه قانون انتخابات را صادر ننماید و يك موقع خیلی نزدیکی برای انتخابات معین ننماید دولت انگلیس نمی‌تواند اظهار عقیده بنماید. بهر حال تا تأمینات کافیه از حیث محل مصرف این وجه حاصل نشود و ترتیب مشروطه مستقر نگردد دولت انگلیس مداخله در این مسئله نمی‌تواند بنماید.

مسیو ایسولسکی را از این نظریات مسبوق نموده و نیز به او اطلاع بدهید که به عقیده ما اگر این اقدام به نظر مسیو بیزو انجام پذیر است [نیست؟] بهتر آنست که اصل مسئله استقراض را متروک داشته [دارید] حتی در موقعی که مشروطه هم مرتباً دائر بشود.

نمره - ۲۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ دسامبر)

طهران، ۲۴ دسامبر ۱۹۰۸

[۳ دی ۱۲۸۷؛ ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

وعده صدر اعظم که در تلگراف مورخه دیروز خودم را پورت دادم تکمیل نشده به این جهت امروز ما مجدداً اظهارات خواهیم نمود.

تقریباً ۲۵۰ نفر حالا در سفارت کبرای عثمانی متخصص شده‌اند. وزیر مختار اطریش بعضی اشخاص دیگر را که متوسل به حمایت او شده‌اند در يك خانه‌ای که وصل به سفارت خودش است مسکن داده.

نمره - ۲۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

وزارت خارجه، ۲۴ دسامبر ۱۹۰۸

[۳ دی ۱۲۸۷؛ ۲۹ ذی قعدة ۱۳۲۶]

من ترجیح می‌دهم قبل از اینکه مشروطه مستقر بشود مساعدت پولی به شاه نکنیم (به تلگراف ۲۱ شهر حال خودتان مراجعه فرمایید) بعلاوه من صلاح نمی‌دانم که قبل از فهمیدن نظریات مستشار مالیه ما در این باب وعده‌ای بدهیم.

نمره - ۲۸

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۵ دسامبر)

طهران، ۲۵ دسامبر ۱۹۰۸

[۴ دی ۱۲۸۷؛ یکم ذی حجه ۱۳۲۶]

ترجمانیهای سفارتین دیروز صدراعظم را ملاقات نمودند برای اینکه به او اظهار و ایراد نمایند که در ترتیب دادن تعهدنامه‌ای که به آنها وعده نموده بود قصور نموده معزی الیه بر خلاف انتظار سختی و مخالفت اظهار نموده و تمام دلایل قدیمه درباب مخالف بودن انتخابات عمومی با شرایع اسلام را اقامه نمود. در موقعی که ظاهراً شاه مشرف به تمکین نمودن به اظهارات ماست دلیل این تغییر حالت صدر اعظم را نمی‌توانم درک بنمایم.

متحصنین در سفارت اطریش خارج شدند ولی هنوز دویست و پنجاه نفر در سفارت کبرای عثمانی هستند و از خارج شدن امتناع دارند اگر چه من روز چهارشنبه از اطمینانیهای شاه به شارژدافر عثمانی اطلاع دادم.

نمره - ۲۹

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۶ دسامبر)

طهران به تاریخ ۲۶ دسامبر ۱۹۰۸

[۵ دی ۱۲۸۷؛ ۲ ذی حجه ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف ۲۱ دسامبر سرنیکلسن.

اظهار امیدواری نمودن ما در باب استقراض فقط تأثیر آنی به شاه نموده (به تلگراف ۱۷ شهر حال من مراجعه شود) و من گمان نمی‌کنم که قاعده در این موضوع ما بتوانیم بیشتر تجاوز نماییم.

در باب اوضاع من نمی‌توانم بجز تشویش احساس دیگری بنمایم. آنچه بر من معلوم شده ممکن است مردم هم آن بازارها را ببندند و این برای اقدامات قهریه بهانه‌ای

برای شاه خواهد شد.

من تصور می‌کنم حالا موقع آن رسیده است که بطریق مشددتری اظهارات بنماییم. چونکه نتیجه نصایح مصره ما در واقع تا حال هیچ نبوده. من پیشنهاد می‌نمایم که نماینده‌های دولتین درخواست بار یافتن به حضور شاه را نموده و خاطر نشان آن اعلیحضرت بنمایند که یگانه طرق اسکات هیجان و انقلاب حالیه انفصال صدر اعظم و وزیر جنگ از هیئتهای مشاوره است و بزودی رجوع کردن به يك هیئت کافی و نوشتن قانون انتخاباتی که آن اعلیحضرت به ملت خود و نمایندگان دولتین وعده نموده است. و نیز اعطای عفو عمومی به اتباع خودش که در ایالت آذربایجان در تحت سلاح هستند و اگر این اقدامات را ننماید دولتین نتیجه خواهند گرفت که آن اعلیحضرت بکلی از پیروی نصایح آنها امتناع می‌ورزد و او را به حال خود خواهند گذاشت که بدون اینکه دیگر به او نصیحتی بنمایند و معیتی با او داشته باشند خودش امورات را با ملت خود ختم نماید.

نمره - ۳۰

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در غرة ژانویه)

اصفهان

بموجب تلگرافی که از جنرال قنصل انگلیس به من رسیده در اصفهان هیجان عظیمی است.

مسیو سبلین [= سابلین] به من اطلاع می‌دهد که يك عده مردم از يك بابت برای هیجان ملی و از بابت دیگر برای تعرض و پرتست نسبت به حکومت در جنرال قنصلگری روس متحصن شده‌اند.

نمره - ۳۱

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۳ ژانویه)

طهران، ۳ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۳ دی ۱۲۸۷؛ ۱۰ ذیحجه ۱۳۲۶]

اصفهان

در تعقیب تلگراف غرة شهر جاری خودم مبادرت می‌نمایم که جنرال قنصل انگلیس مقیم اصفهان راپورت می‌دهد که دیروز بین قشون و مخالفین مجادله‌ای واقع شده. معلوم نیست تلفات چقدر بوده. سربازانی که بواسطه بی‌قدرتی صاحبمنصبان عنان اختیارشان از کف ساقط شده قسمت زیادتر بازارها را غارت نموده‌اند. الحال هرج و مرج کامل در شهر احاطه دارد. حاکم و سایر مأمورین محلی در جنرال قنصلگری انگلیس متحصن شده‌اند. امروز انتظار ورود صمصام السلطنه ایلخانی با يك عده

بختیاری هست که استعداد خود را به استعداد مخالفین دولت ملحق خواهند نمود. از قراری که مستر گرهم دیشب تلگراف نموده بود خطر عاجلی برای اتباع انگلیس تصور نمی‌نماید. علی‌الظاهر علت عمده این هیجان رنجش از حکمران است و در بدو استماع این انقلاب من به دولت ایران تأکید نمودم که به اهالی ناراضی يك نوع اطمینانی بدهند که باعث اعاده نظم بشود. امروز صبح من و مسیوسبیلین [= مابیلین] با قنصلهای خودمان مخابره حضوری داشتیم و نتیجه آن این شد که یادداشتی بتوسط صدراعظم به شاه تقدیم نموده و در عزل آن حاکم بی‌کفایت و احضار آن بدترین افواج بدعمل و تفویض سهام حکومت به ایلخانی اصرار نمودیم. ما دولت ایران را برای خسارات انگلیس و روس مسئول قرار داده‌ایم.

نمره - ۳۲

مکتوب سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۴ ژانویه ۱۹۰۹)

سن پترزبورگ، ۲۵ دسامبر ۱۹۰۸

[۴ دی ۱۲۸۷؛ یکم ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا

دیروز بعد از ظهر محمودخان علاءالملک، ایلچی مخصوص ایران، به دیدن من آمد. معزی الیه به من اطلاع داد که مسیو ایسولسکی را ملاقات نموده ولی نتوانسته است خدمت امپراطور شرفیاب شود چون اعلیحضرت معظم برای تسلیت فوت گرانددوک الکسیس کسی را نمی‌پذیرد. پس از آن محمودخان شروع به بیان شرح مفصلی در تخطیات مجلس سابق ایران نموده و در عدم لیاقت آن و اغراض فاسده شخصی‌اعضاء آن و مداخله در امور اجرائیات راجعه به دولت و سایر اقدامات سوء که بکلی باعث بی‌اعتباری آن در تمام مملکت شده بود تشییید نمود. او اظهار نمود که کلیه سبک و روش مجلس و بی‌نظمی که در عرض مدت انعقاد آن در مملکت واقع شده بود و بضمیمه اقدامات هرج و مرج کارانه انجمنهای پلتیکی بالصراحه آشکار نمود که ایران برای مجلس نمایندگان بطرز جدید مستعد نیست. وضع منقلب آذربایجان را بهیچوجه هیجان آزادیخواهانه در تأیید مشروطه باعث نیست بلکه آشوب‌طلبی ستارخان دزد بمعیت يك عده راهزنان وقاچاق‌های [= قاچاقچی‌های] قفقازی مؤسس آن شده است. دادن یا ندادن مشروطه به ایران هیچ‌اثری در اقدامات ستارخان و متابعین او نخواهد نمود. محمودخان اظهار داشت که مسلماً شاه با يك مشروطه‌ای مساعد است بلکه تمام ایرانیان صاحب افکار صحیح این عقیده را دارند ولی متأسفانه دولتمردان بتوسط نمایندگان خودشان در طهران اعلیحضرت مزبور را نصیحت می‌نمایند که فوراً مشروطه را اعطا ننماید. حتی قبل از انتظام اداره مملکت که در حال هرج و مرج است اولین احتیاج ایران این است که مالیه آن به مبنای بهتری مستقر بگردد و احتیاج خیلی فوری دوم آن اصلاح تمام ادارات مملکت است. همینکه دوائر مختلفه دولت رفورم

شد و اداره دولتی منظمأ به کار افتاد آنوقت ممکن است مجلس تأسیس بشود در صورتی که بتوان اشخاص کافی برای عضویت آن بدست آورد. دولت انگلیس در هندوستان و مصر يك نوع اسلوب حکومت قابل تحسینی تأسیس نموده است ولی خود تصور این را می‌کند که هنوز موقع آن نرسیده که به هندوستان یا مصر مشروطه‌ای به ترتیب جدید اروپا اعطا بنماید و ایران خیلی از هندوستان و مصر عقب‌تر است. ما می‌خواهیم خانه‌ای به عجله بسازیم حتی قبل از اینکه بنیاد آن را بقاعده نهاده باشیم. تجربیات حاصله از مجلس سابق باعث یأس و حرمان کلی تمام طبقات تجار و مردمان با مدرک^۸ مملکت شده و دهقانان هم که از مجلس چیزی ملتفت نبودند هیچ مایل به تشکیل آن نیستند. اگر دولّتين شاه را مجبور به ترتیب قانون انتخاباتی و تشکیل مجلس بنمایند مجدداً مملکت را در گرداب انقلاب غوطه‌ور نموده و هر دو دولت مجبور به مداخلات عملی در امور داخلی ایران خواهند شد و اظهار داشت می‌دانم نه دولت انگلیس و نه دولت روس مایل به اتخاذ همچو روشی می‌باشند. مشارالیه الحاح نمود دولّتينی که او می‌داند صمیمانه خواهان نفع و خیر ایرانند خوب است مساعی جمیل خود را در اصلاح مالیه بکار ببرند و مساعدت پولی با دولت نموده و در اصلاح کلی دوائر اداره مملکت اصرار بنمایند. البته نصیحت و مساعدت آنها در این موضوعات قدر و قیمت فوق‌العاده خواهد داشت ولی می‌ترسم که اگر دولّتين در چیزی که هنوز موقعش نرسیده و ممکن است خطرناك واقع بشود کماکان اصرار بنمایند منظوراتی را که در نظر دارند ضایع و معکوس بگردد. من گمان می‌کنم شرح فوق مجموعه کاملی است از آنچه محمودخان به من اظهار داشته است. من صحبت او را قطع ننمودم چون می‌خواستم هر چه در خاطر دارد بگویم ولی پس از ختم کلام او، من اظهار داشتم که با عنوانات او نمی‌توانم موافقت داشته باشم. اولاً شاه به دولّتين قول صریح داده که بعضی اقدامات معین را مجری بدارد تا حال در وفا نمودن به این قول خود قصور نموده. عقیده من این نیست که قسمت بیشتر مردم با مجلس مخالف باشند برعکس، من یقین دارم که آنها مشتاقانه طالب آن هستند و اگر مشروطه عطا نشود تجدید انقلاب خواهد شد. احتمال کلی دارد که مجلس سابق نواقص و معایب بسیار داشته ولی من یقین دارم که در بین طبقات تربیت شده و تجار يك عده کافی اشخاص پیدا خواهند شد که لایق وکالت باشند و برای اشخاص لایق که در ایران هم از آنها موجود است ممکن است يك قانون انتخاباتی طرح بنمایند که باعث انتخاب نمایندگی بشود که شوق و میلی به نيك بختی مملکت خود داشته باشند. مختصراً اینها نکاتی بود که البته کسانی که در آن نقطه حاضر بوده‌اند خیلی بهتر از من می‌توانند تمیز آن را بدهند. ولی آنچه من می‌توانم به شما بگویم این است که نه دولت روس و نه دولت انگلیس از روشی که عجلأ تعقیب می‌نمایند منحرف و منصرف نخواهند شد.

بالاخره من از ایشان سؤال نمودم که نقشه و خیالشان چیست. مشارالیه جواب

(۸) به همین گونه است در اصل [مدرک] (همچو محسن) = درك کننده - فهمیم؟ - م.

دادند که عن قریب به پایتخت‌های اروپا گردش خواهند نمود.

امضا ۱. نیکلسن

نمره - ۳۳

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۴ ژانویه)

طهران، ۴ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۴ دی ۱۲۸۷؛ ۱۱ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

اصفهان

تلگراف مورخه دیروز جنرال قنصل انگلیس مقیم اصفهان مبنی بر این است که در جنگهای گاه‌بگاهی که روز و شب ممتد بوده چندین نفر سرباز مقتول شده، حاکم کوشش نموده که با مخالفین خود ترتیب صلحی بدهد، خبر رسید که امروز ظهیر دویست نفر بختیاری دیگر داخل شهر شده‌اند و غروب کارگزار به مستر گرهم اطلاع داده است که ضرغام السلطنه اعلام داشته است که تا ورود صمصام السلطنه که روز دوشنبه خواهد بود حکومت شهر را خود او خواهد نمود، اهالی صمصام السلطنه را بمنزله یگانه دلیر ملی خواهند پذیرفت. یک جمعی از همراهان وحشت‌زده اقبال‌الدوله و قسمت بیشتر دو فوج در همان شب به جنرال قنصلگری ریخته‌اند، مستر گرهم راپورت می‌دهد که جمعیت مزبور در تحت سلطه و انتظام هستند.

نمره - ۳۴

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۴ ژانویه)

طهران، ۴ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۴ دی ۱۲۸۷؛ ۱۱ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

اصفهان

بموجب تلگراف واصله از جنرال قنصل انگلیس، امروز صبح اهالی شهر و سایرین دیوانخانه حکومت را غارت نمودند. حاکم مستعفی گردیده و استعفای او قبول شده.

نمره - ۳۵

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۵ ژانویه)

طهران، ۵ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۵ دی ۱۲۸۷؛ ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

اصفهان

امروز صبح من و مسیوسبلین [= سابلین] تلگراف حضوری دیگری با قنسولهای اصفهان خودمان داشتیم.

ایلخانی با هزار نفر بختیاری شهر را تصرف نموده. معزیه‌ای به تجارتخانه‌های خارجه مستحفظ گمارده و مشغول حفظ نظم است. شهر آرام است و سربازهای ایرانی متفرق شده‌اند. دو نفر از مأمورین محلی را که هردو آنها بی‌فایده هستند شاه به نیابت حکومت منصوب نموده و یکی از آنها تا حال از قبول این شغل امتناع نموده.

من و همکار روسی خودم امروز مجدداً تأکید نمودیم که ایلخانی موقتاً به حکومت شهر منصوب بشود چون یگانه قوه‌ای که از عهده استقرار نظم برآید او است و به آن اعلیحضرت اطلاع دادیم که ما به قنسولهای خودمان تعلیمات خواهیم داد که ایلخانی را برای نگاهداشتن نظم عمومی و تأمین اتباع انگلیس و روس مسئول قرار بدهند.

نمره - ۳۶

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۵ ژانویه)

طهران، ۵ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۵ دی ۱۲۸۷؛ ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

تبریز

ملتیان عایدات مخابرات داخله از سیم کمپانی را از تلگرافخانه هند و اروپا مطالبه نموده‌اند و به این جهت مخابرات داخله تعطیل شده است. ملتیان حالا تخویف نموده‌اند که اگر مخابرات داخله مجدداً مفتوح نشود امتیاز کمپانی راجع به آذربایجان را فسخ خواهند نمود. اداره لندن به وکیل کمپانی مقیم تبریز اجازه داده‌اند که مخابرات داخله را مفتوح بنمایند ولی ملتیان اظهار می‌دارند که اگر عایدات به آنها پرداخته نشود سیمها را قطع خواهند نمود. رئیس کمپانی تلگراف در اینجا برای تحصیل اجازه معمول داشتن این امر به دولت ایران مراجعه نموده و اخطار نموده است که اگر سیمها قطع بشود خسارت آن را از دولت مطالبه خواهد نمود.

مسیو سبلین [= سابلین] و من به قنسولهای تبریز خودمان تعلیمات داده‌ایم که به ملتیان تأکید بنمایند که تأمل کنند تا این مسئله در طهران ختم بشود، چون سفارتین مشغول مذاکره هستند، و از نتایج وخیمه این امر آنها را مستحضر بدارند که اگر سیمها قطع بشود باعث اخلاف مخابرات بین‌الملل خواهد شد.

اگر لازم بشود من و شارژ دافر روس در اینجا کمپانی را تقویت خواهیم نمود.

نمره - ۳۷

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۶ ژانویه)

طهران، ۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۶ دی ۱۲۸۷؛ ۱۳ ذی حجه ۱۳۲۶]

اصفهان

در جواب اظهاراتی که من و همکار روسیم در سوم شهر حال به شاه نمودیم و شرح آن را در تلو تلگراف سیم ژانویه خودم را پورت دادم اعلیحضرت معظم اظهار داشت که به ایلخانی اطمینان ندارد و پیروی نصیحت ما را ننموده معزایلیه را به حکومت اصفهان منصوب نخواهد نمود. نتیجه اهتمام شاه در تعیین شخص دیگری به حکومت ممکن است باعث این بشود که يك وضع مشابه به وضع تبریز هم در اصفهان تولید بشود و ایلخانی حالیه عملاً حاکم است.

نمره - ۳۸

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۶ ژانویه)

طهران، ۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۶ دی ۱۲۸۷؛ ۱۳ ذی حجه ۱۳۲۶]

سعدالدوله به وزارت امور خارجه منصوب گردید.

نمره - ۳۹

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۷ ژانویه)

طهران، ۷ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۷ دی ۱۲۸۷؛ ۱۴ ذی حجه ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف دیروز من در باب اصفهان

شاه فرمانفرما را به حکومت اصفهان تعیین نموده ولیکن نواب معظم سریعاً برای این مأموریت خود حرکت کردنی نیست. او نایب الحکومه [را] باتفاق سیصد نفر بختیاری در تحت سرکردگی سردار ظفر و سایر رؤساء روانه خواهد نمود.

آنچه حالیه قرار داده اند این است که تا یکی دو روز دیگر از طهران حرکت کنند واضح است که شاه امید دارد به اینوسیله تخم مخالفتی مابین بختیاریان بکارد.

نمره - ۴۰

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۷ ژانویه)

طهران، ۷ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۷ دی ۱۲۸۷؛ ۱۴ ذی حجه ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف دیروز من در باب اصفهان

بموجب اطلاعات واصله به جنرال قنسل انگلیس، خوانین بختیاری باهم متفق شده و متوجه به مقابله نمودن با فرمانفرما هستند که از قرار مذکور با چهار فوج و توپ در صدد حرکت بطرف اصفهان است.

مستر گرهم اوضاع را خیلی اهمیت می دهد چونکه تصور می کند در صورت مخاصمه و مخالفت جان و مال اتباع خارجه در خطر خواهد بود.

من در صدد هستم که حتی القوه اوضاع را به ترتیب مصلحانه ای ختم بنمایم.

نمره - ۴۱

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۸ ژانویه)

طهران، به تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۸ دی ۱۲۸۷؛ ۱۵ ذی حجه ۱۳۲۶]

تبریز

در ملی تلگرافی مورخه دیروز جنرال قنسل انگلیس مقیم تبریز را پورت می دهد که در ۶ شهر حال انجمن محلی نماینده ای به گمرکخانه فرستاده اند که در عایدات آنجا نظارت بنماید.

نمره - ۴۲

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۸ ژانویه)

طهران، ۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۸ دی ۱۲۸۷؛ ۱۵ ذی حجه ۱۳۲۶]

معروف است که شاه در صدد تجدید اشاعه دستخط مورخه ۲۲ نوامبر خودش به ضد مشروطه است. اوضاع از بد به بدتر متمایل است. اگر در معامله با وضع اصفهان اعلیحضرت معظم پیروی نصیحت ما را نموده بود یا حتی حالا هم مایل به پیروی آن می بود یحتمل ممکن می شد که بالاخره مصمصام السلطنه را راضی به مراجعت نمود ولی اعلیحضرت مزبور همانطور که در نصایح ما در باب نمایندگان مسائل خودرایی نموده در این مسئله هم به وضع خودرأیانه خویش مستدام است. من تردید دارم که با این وضع فلاکت و بی پولی او بتواند قشون به اصفهان بفرستد و یا اگر هم قشون به آنجا

برود احتمال فائق آمدن آنها باشد.

غیرممکن نیست که پس از اقدامات قهریه صمصام السلطنه در اصفهان این عمل بختیاری را سایر طوایف هم تعقیب بنمایند. یعنی ایل کلهر در کرمانشاه و ایل قشقایی در شیراز. اگر چه ممکن است وقت آن گذشته باشد که بوسیله اعطای مشروطه که برای مساعدت پولی ما شرط حتمی است از ازدیاد هرج و مرج جلوگیری بشود مع هذا من تصور می‌کنم استقرار ترتیب مشروطه یگانه امید دفع حوادث مهمه‌ای است که عاقبت آن را بطور یقین نمی‌توان پیش‌بینی نمود. ولیکن آن حوادث ممکن است باعث تجزیه و قطعه قطعه شدن ایران بگردد یا اینکه لااقل شاه را مقهور و مجبور به اجرای فرمایشات ملتیان بنماید.

نمره - ۴۳

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۸ ژانویه)

طهران، ۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۸ دی ۱۲۸۷؛ ۱۵ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

اصفهان

جنرال قنصل انگلیس راپورت می‌دهد که صمصام السلطنه اعلانی بین اهالی اصفهان منتشر نموده است مبنی بر اینکه اگر اهالی در عرض سه روز نمایندگان خود را برای انجمن مشروطه محلی انتخاب ننمایند بختیارپا سه نفر علمای اعظم را برداشته از شهر خارج خواهند شد و اهالی را به اراده شاه و سربازان و می‌گذارند. بختیارپا شهر را منگربندی نموده‌اند.

نمره - ۴۴

تلگراف سر نیکلسن به سرادوارد گری (واصله در ۹ ژانویه)

من پترزبورغ، ۹ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۹ دی ۱۲۸۷؛ ۱۶ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

من امروز مسیو ایسولسکی را ملاقات نموده و در باب اوضاع عمومی ایران که همچو می‌نماید که تمام مملکت در حالتی است که ممکن است منتهی به تجزیه بشود با او صحبت نمودم. عقیده او بر این است که يك اقدامی باید بشود که از استقرار حکومت مستقله در تبریز و اصفهان جلوگیری بشود و میل دارد نظریات شما را بداند که با اوضاع این دوشهر چه شکل باید معامله نمود.

نمره - ۴۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۹ ژانویه)

طهران ۱۰۹ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۹ دی ۱۲۸۷؛ ۱۶ ذی حجه ۱۳۲۶]

در تلگراف ماقبل خودم در باب اوضاع اصفهان من از ایلخانی اسم برده‌ام. اگر معزیه‌ای را صمصام‌السلطنه بخوانیم صحیح‌تر خواهد بود چون از قراری که حالا من استدراک نموده‌ام از چند هفته قبل شاه او را از ایلخانی‌گری منفصل نموده. صمصام‌السلطنه پیغامی به فرمانفرما فرستاده که بدون پرده‌پوشی هواخواه و طرفدار مقصد ملیون است. فرمانفرما از شارژ دافر روس و من خواهش نموده که امروز بعد از ظهر ما را دیدن بنماید. نواب معظم از من خواهش نمود که به صمصام‌السلطنه اصرار بنمایم از اصفهان خارج بشود و تجدید تعیین او به ایلخانی‌گری متوط به خارج شدن از اصفهان است. عجالتاً من باتفاق شارژ دافر روس خود را محدود به این نموده‌ایم که به قنصلهای خودمان تعلیمات بدهیم که به صمصام‌السلطنه اطلاع بدهند برای نگاهداشتن نظم اعتماد ما به او است. من قصد دارم به فرمانفرما اطلاع بدهم که بدون تعلیمات جدید از وزیر امور خارجه من صلاح خود را نمی‌دانم به صمصام‌السلطنه صلاح‌اندیشی دیگری بنمایم.

نمره - ۴۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۹ ژانویه)

طهران، ۹ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۹ دی ۱۲۸۷؛ ۱۶ ذی حجه ۱۳۲۶]

وضع آذربایجان

بموجب تلگراف واصله از مستر راتیسلاقریه سردرود را که بتازگی ملتیان تصرف نموده بودند در ۷ شهر حال تخلیه نمودند. دولتیان هجوم آورده و چند اسیری که در دست ملتیان بود مستخلص و لغت نمودند. این مجادله را در طهران بزرگ نموده و يك فتح عظیمی از طرف دولتیان جلوه داده‌اند.

نمره - ۴۷

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۹ ژانویه)

طهران، ۹ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۹ دی ۱۲۸۷؛ ۱۶ ذی حجه ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف امروز من در باب اصفهان

در ملاقات امروز بعد از ظهر ما، فرمانفرما به من و همکار روسیم اظهار داشت که اگر صمصام السلطنه مقاومت بنماید می‌ترسم دامنه اغتشاش وسعت حاصل نماید. از طرف دیگر اگر ممکن بشود که صمصام السلطنه متقاعد به رجعت بشود عقیده من براین است که بتوانم انتظام و آسایش را مستقر بدارم. فرمانفرما اظهار می‌دارد که نایب‌الحکومه او به معیت ۴۰۰ نفر بختیاری فردا از طران حرکت خواهد نمود. از قرار مفهوم نواب معظم به خیال این است که چند هفته دیگر بسرکردگی يك عده کافی قشون برای مقابله با قشون بختیاری حرکت بنماید.

نمره - ۴۸

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۰ ژانویه)

طهران، ۱۰ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۰ دی ۱۲۸۷؛ ۱۷ ذی حجه ۱۳۲۶]

اصفهان

جنرال قنصل انگلیس دیروز با صمصام السلطنه ملاقاتی نموده وحسیات صلح آمیز مطیعانه خود را آشکار داشته و اظهار داشته است که اگر برای حقوق مشروطه مردم اصفهان و تأمین شخصی خودش به او ضمانت داده بشود برای مراجعت حاضر است. مختصراً صمصام نیز اظهار داشت که اگر شاه قشون به مقابله او بفرستد نه او می‌تواند اهالی اصفهان را ترك بنماید نه هم آنها از او دست برخواهند داشت.

من در صدمه که مفاد شرح فوق را به اطلاع شاهزاده فرمانفرما برسانم. مستر گرهام راپورت می‌دهد که آقای نجفی که یکی از پیشوایان مخالفین دولت است از خوف غضب شاه با بختیاری قطع اتصال نموده و بطرف طهران عزیمت نموده.

نمره - ۴۹

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۱ ژانویه)

طهران، ۱۱ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۱ دی ۱۲۸۷؛ ۱۸ ذی حجه ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف ۸ شهر جاری من در باب اصفهان

مستر گرهام از اصفهان راپورت می‌دهد که نظم به نهایت رضایت بخشی مستقر گردیده و روز شنبه مجمع عمومی به قصد انتخابات تشکیل یافت.

نمره - ۵۰

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۳ ژانویه)

طهران، ۱۳ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۳ دی ۱۲۸۷؛ ۲۰ ذی حجه ۱۳۲۶]

اصفهان

مایین دویت الی سیصد نفر بختیاری با رؤسای خودشان دیروز از اینجا بطرف اصفهان عزیمت نمودند.

از قرار مفهوم مقصد این است که اینها خانه و علاقه صمصام السلطنه را تهدید نمایند ولی تمام اطلاعاتی که به من رسیده همچو مستفاد می‌دارد که خیلی کم احتمال می‌رود آنها داخل در مخاصمه به ضد او بشوند.

نایب الحکومه شاهزاده فرمانفرما امروز بطرف اصفهان حرکت خواهد نمود.

نمره - ۵۱

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۳ ژانویه)

طهران، ۱۳ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۳ دی ۱۲۸۷؛ ۲۰ ذی حجه ۱۳۲۶]

اوضاع آذربایجان

بموجب تلگراف واصله از مستر راتیسلا، جنرال قنصل انگلیس، قشون شاه در درجاده نزدیک جلفا مشغول قطع مرابطات و مخابرات هستند. پست اخیری را که از اروپا می‌آمده گرفته و بغارت برده‌اند. همچو می‌نماید که قصد شاه این باشد که بواسطه ترتیب محاصره دور شهر، تبریز را دچار قحط و غلا بنماید. هیزم و زغال تقریباً نایاب است و قیمت هرچیزرو به گرانی است. در اطراف سلماس و خوی جنگ در کار است.

نمره - ۵۲

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن

وزارت امور خارجه، ۱۳ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۳ دی ۱۲۸۷؛ ۲۰ ذی حجه ۱۳۲۶]

در جواب تلگراف ۹ شهر حال شما، دولت انگلیس مخالف با هر نوع مداخله در باب وضع تبریز یا اصفهان است. ما از این خیال منصرف نشده‌ایم که اعطای مشروطه را

یکی از وسایل خیلی مهم اعاده نظم بدانیم و ممکن است که اغتشاش در آن دو نقطه اثر مفیدی به شاه بنماید که در اعطای يك همچو مسئله‌ای قیام بنماید. مادامی که در دولت شاه هیچ رفورمی نباشد هیچ پیشرفتی که متضمن ترتیب دائمی باشد حاصل نخواهد شد و در صورتیکه هر پیشنهادی از طرف دولت روس بشود دولت انگلیس با نهایت دقت آن را تحت ملاحظه قرار خواهد داد. به این عقیده هستیم که پول دادن به شاه با این وضع حالیه بدتر از بی نتیجه بودن است و بیشتر باعث مداخله در امورات داخلی ایران خواهد شد. چون محتمل است يك همچو پولی برای خاموش نمودن هیجان ملی که بطرفداری مشروطه جاری است صرف بشود بعلاوه وقتی که این پول صرف شد اوضاع اگر بدتر نشود به همان حال بدی سابق باقی خواهد بود.

نمره - ۵۳

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۶ ژانویه)

طهران، ۱۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۶ دی ۱۲۸۷؛ ۲۳ ذی حجه ۱۳۲۶]

وضع آذربایجان

بموجب تلگراف واصله از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز دیروز مجادله مختصری بین ملتیان و قشون حاکم مراغه در خارج شهر واقع شده. صدمات وارده چندان مهم نبوده. اعتقادات براین است که عین الدوله منتظر رجعت رحیم خان است و او از محل خود حرکت ننموده.

در مکتوب خصوصی که مستر راتیسلا ماه گذشته نوشته اشعار داشته بود «محتمل مردم هنوز يك قرارداد مساعدی را قبول نکنند ولی آن نباید مدت طولانی به تأخیر بیفتد.» اصلاح بین دودست محتمل است بواسطه مجاهدات جدید قشون بی نظم شاه مشکل تر بشود و مجاهدات آنها نیز اسباب بی نظمی هم می شود.

نمره - ۵۴

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۷ ژانویه)

طهران ۱۷ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۷ دی ۱۲۸۷؛ ۲۴ ذی حجه ۱۳۲۶]

وضع آذربایجان

در تعقیب تلگراف قبل از این خودم اطلاع می دهم که جنرال قنسول انگلیس راپورت می دهد که در ضمن مخاصمات نسبتاً سخت تری که دیروز در خارج شهر واقع شد ملتیان

ظفر یافتند. آنها در قطع رابطه بین قشون عین‌الدوله و قشون حاکم مراغه موفق شدند.

نمره - ۵۵

مکتوب سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۸ ژانویه)

طهران، ۱۵ دسامبر ۱۹۰۸

[۲۳ آذر ۱۲۸۷؛ ۲۰ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

آقا

در ملی تلگرافات چند روزه ماضی خودم تشکیل مجلس شورای مملکتی را که شاه داده راپورت داده‌ام و الحال با کمال احترام ترجمه قواعدی که برای کارکردن این مجلس وضع شده و وزیر امور خارجه غیر رسماً آن را برای من فرستاده لذا ارسال می‌دارم. در این ورقه هیچ اسمی از اعضاء این هیئت برده نشده ولی از قرار مفهوم عده مشاورین آن باید شصت نفر باشند که چنانچه در مکتوب ۴ شهر جاری خودم راپورت داده‌ام بیشتر از آنها تا حال برای تشکیل مجلس نامزد شده‌اند.

از قواعد صادره حالا ملاحظه می‌شود که قدرت زیادی به اعضاء داده شده. حقیقتاً اگر يك شاهمی می‌بود که در معاضدت با عمل اصلاحات حاضر و توانا باشد و يك اعضاء مشاوره‌ای می‌بودند که عقل و جرئت بکار بردن قدرت خودشان را می‌داشتند مسلم بود که برای حالیه يك همچو مجلسی برای احتیاجات مملکت مناسب‌تر از مجلس نمایندگان مردم می‌بود.

بدبختانه هیچ‌يك از این شرایط موجود نیست. دلایل بسیار خوبی برای این تصورات هست که شاه در صدد است بواسطه اعطای این مجلس چشم سفارتین را ببندد والا او نهایت بی‌میلی را دارد که در حکومت خاصان درباری که باعث نکبت مملکت پس از حوادث در ماه ژوئن شده‌اند تغییری مفید بدهد. از قرار معلوم تعیین عده اعضاء مجلس هنوز تکمیل نشده ولی من تصور می‌کنم تشکیل تا حال آن برای درك نمودن مقصود از تأسیس آن کافی باشد.

لازم نیست که خاطر محترم را برای ارسال صورت اسامی آنها تصدیع بدهم. همینقدر بس است عرض بکنم که قسمت بیشتر آن مرکب از مردمان جاهل ارتجاعی است.

آنچه من ملاحظه می‌کنم یکی دو نفر عضو لایق صاحب رأی در آنجا هست ولی از قراری که به من مذکور داشته‌اند آنها هم این مجلس را يك چیز لغوی می‌دانند.

قبل از اینکه علاءالسلطنه سواد نظامنامه جدید را به من بدهد من و همکار روسیم درخواست بار یافتن مستر چرچیل و مسیو پارانوسکی را نموده بودیم برای اینکه از شاه سؤال بنمایند رأی خود را به اتخاذ چه اقدامی به جهت ایفای به معاهدات خود قرار داده. چنانچه مستحضرید اعلیحضرت معظم برای طفره از این یار دادن به عذرکسالت

مزاج متعذر گردید. معلوم بود که قدری تأخیر باید واقع بشود. همینکه نظامنامه مرئی گردید ما چنین مقتضی دیدیم که باید بدون دفع وقت به شاه توضیح بنماییم که تشکیل مجلس مشاوره جدید را ما نمی‌توانیم بمنزله تکمیل معاهدات او تصور بکنیم. بنابراین من و همکار روسیم رأی خودمان را براین قرار دادیم که یادداشت مشترکی در این موضوع به آن اعلیحضرت تقدیم بنماییم.

سواد مراسله مزبور را که دیروز بتوسط وزیر امور خارجه به اعلیحضرت معظم تقدیم شده لفا ارسال می‌دارم.

امضاء چارج بارکلی

ملفوظه نمره ۱ در نمره ۵۵
نظامنامه مجلس شورای مملکتی

بسم الله الرحمن الرحيم
بعد از مقدمات میل و آرزوی شاه
برای رفاهیت و نیک‌بختی عامه

در ۲۶ نوامبر ۱۹۰۸ [۴ آذر ۱۲۸۷؛ یکم ذی‌قعدة ۱۳۲۶] مجلسی برای بسط عدل و مرتفع داشتن جور و ستم و جلوگیری از نقص‌شرایع اسلام در دربار تشکیل یافت. اختیاراتیکه به مجلس شورای مملکتی تفویض شده:

ماده اول: نظارت به تمام وزارتخانه‌ها با اختیار تفتیش و شور در امورات بتوسط کمیسیون‌ی از اشخاص مجرب بصیر به امور شعبات مختلفه که از بین اعضاء مجلس انتخاب بشوند.

ماده دوم: نظارت در مالیات و مخارج به ترتیب مصرحه در ماده اول.

ماده سوم: هر يك از وزراء باید دستور راجع به وزارتخانه خود را نوشته نزد مجلس بفرستند. در صورت تصویب نمودن مجلس و کابینه، آن دستورات بتوسط صدراعظم به شاه تقدیم خواهد شد که در صورت تصویب به اعضاء خود موشح بنمایند. ماده چهارم: مجلس حق دارد که در صورت لزوم وزراء را احضار بنماید و اگر هر وزیر نتواند حاضر شود معاون خود را باید بفرستد که در باب امور توضیح بدهد.

ماده پنجم: محتمل است که مجلس وزراء را متهم به نقض قوانین اسلام یا اخذ رشوه یا سایر تقصیرات بنماید. در اینصورت کمیسیون‌ی از مجلس تشکیل داده خواهد شد که در حضور صدراعظم و با اطلاع وزراء در آن باب تحقیقات بنمایند. در صورت ثبوت تقصیر مجازات و عزل آن وزیر از شاه استدعا خواهد شد.

ماده ششم: دستورات راجع به مالیات مملکت باید بدایتاً با اطلاع صدراعظم به مجلس پیشنهاد شود. مجلس اختیار دارد که آن را جرح و تعدیل نموده و ملاحظات و اصلاحات خود را بتوسط صدراعظم به شاه پیشنهاد نموده استدعای صدور رأی قطعی

در آن باب را بنماید.

ماده هفتم: مجلس شورای مملکتی در عرض سال مطابق امر شاه در مدت‌های معینه منعقد و متفصل خواهد شد.

ماده هشتم: اعضاء مجلس نباید در خدمات دولتی اشتغال داشته باشند و اگر هر يك از اعضاء قبول استخدام دولتی را بنماید باید از عضویت مجلس مستعفی بشود و عضو دیگری بر حسب امر ملوکانه به جای او تعیین خواهد شد.

ماده نهم: اگر امر مخفی باشد صدراعظم و وزراء مسؤل مجبور به مذاکره علنی آن نیستند و کمیسیون به اکثریت آراء ممکن است از مجلس انتخاب بشود که در باب آن مسئله مذاکره بنمایند.

ماده دهم: تمام جلسات و مذاکرات مجلس علنی است و با حضور تمام اعضاء آن منعقد خواهد شد سوای مواقعی که در ماده نهم ذکر شده (ملاحظه ۱)

ماده یازدهم: اعضاء مجلس می‌توانند که عرایض و اظهارات مربوط به مجلس را بتوسط صدراعظم به شاه تقدیم بنمایند.

ماده دوازدهم: راجع به عرایض است.

ماده سیزدهم: راجع به آزادی مطلق اعضاء از نفوذ است.

ماده چهاردهم: اعضاء مجلس را برای نطق و اظهارات نمی‌توان تعقیب و جلب به محاکمه نمود ولی در مواقعی که از نظامات مجلس تخلفی بنمایند بر طبق همان نظامات با آنها معامله خواهد شد.

ماده پانزدهم: آزادی مطلق اعضاء در رای دادن.

ماده شانزدهم: پیشنهادات راجع به اصلاح دستورات جدید، یا تغییر در یکی از قواعد موجوده، از وظایف وزراء مملکت است. مجلس شورای مملکتی نیز حق دارد که تقاضای اصلاحات در مواردی که راجع به وظایف مخصوص خودشان است یا تغییر در قواعد موجوده را بنماید ولی بدو باید بتوسط صدراعظم استدعای اجازه از اعلیحضرت همایونی بنمایند. اگر از طرف شاه اجازه داده بشود رد یا قبول آن رجوع به هیئت وزراء خواهد شد.

ماده هفدهم: دستوراتی را که مجلس وزراء مملکت حاضر بنمایند بعد از مراجعه و قبول مجلس شورای مملکتی اگر امر همایونی به اجراء آن صادر بگردد آنوقت به موقع اجراء گذارده خواهد شد. اگر دستورات سابق الذکر را مجلس بکلی رد بنماید... (بقیه این جمله بعدی درهم است که مترجم سفارت نتوانسته ترجمه بنماید.)

ماده هیجدهم: اگر شرح قواعد ماده به ماده در مجلس شورای مملکتی قرائت بشود و اکثریت مجلس به قبول ماده به ماده آن رای ندهد و بعد از آن اکثریت رأی کمیسیون

(۱) معنی این ماده این است که مذاکرات و جلسات در حضور عامه مردم نخواهد بود.

هم به آن تعلق نگیرد آن قواعد بموقع اجراء گذارده نخواهد شد.
 ماده نوزدهم: مدت عضویت اعضاء مجلس دو سال است و بعد از انقضای آن مدت برحسب امر ملوکانه نوبت ثانی انتخاب اعضاء آن تجدید خواهد شد.
 ماده بیستم: هر امتیاز داخلی یا خارجی که به اتباع داخله یا خارجه داده بشود به تصویب مجلس خواهد بود.

ماده بیست و یکم: علاوه بر مواد قواعدی که برای تعیین تکالیف اعضاء مجلس شورای مملکتی نوشته شده نظامنامه داخلی مجلس به اکثریت آراء در مجلس تهیه شده و بتوسط صدراعظم و کابینه به شاه تقدیم خواهد شد و پس از تصویب شدن و موشح گردیدن به امضاء اعلیحضرت شاهنشاهی بموقع اجراء گذارده خواهد شد.
 اعضاء محمدعلی شاه قاجار

ملفوفه دوم در لف نمره ۵۵

یادداشت مشترکه که به اعلیحضرت شاه ایران تقدیم شده
 نمایندگان دولتین انگلیس و روس مکرر به اعلیحضرت شاهنشاهی برای منافع آن اعلیحضرت و مصلحت مملکت او نصیحت نموده اند که ایفاء به تعهدات خود در باب تشکیل مجلس منتخبه ای که آن اعلیحضرت کرارا به نمایندگان دولتین و ملت خود نموده است بنماید و عفو عمومی به اتباع خودش که در تبریز تحت السلاح هستند اعطاء بنماید.

اینک نمایندگان دولتین با کمال افتخار مبادرت ورزیده و خاطر آن اعلیحضرت را مستحضر می دارند که تشکیل مجلس اعیان را بهیچوجه نمی توان بمنزله تکمیل مواعید آن اعلیحضرت محسوب داشت چونکه اعضای آن را مردم انتخاب ننموده اند لهذا از آن اعلیحضرت استدعا می نمایند که به آنها اطلاع بدهند چه وقت قصد دارند امر به تشکیل مجلس موعود بنمایند.

در ضمن مبادرت نمودن به این استعلام از اعلیحضرت شاهنشاهی نمایندگان تکرار عقیده قاطع خود را می نمایند که امید خاتمه پذیرفتن اوضاع ناهنجار کنونی مملکت فقط بسته به تشکیل مجلس منتخبه و اعلان عفو عمومی است.

به تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۰۸

[۲۲ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۹ ذی قعدة ۱۳۲۶]

امضاء جارج بارکلی - سبلین

نمره - ۵۶

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ ژانویه ۱۹۰۹)
 طهران، به تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۰۸
 [۸ دی ۱۲۸۷؛ ۵ ذی حجه ۱۳۲۶]

آقا

من بوسیله تلگراف پیوسته شما را از اقدامات سفارتین برای متقاعد نمودن شاه به ایفاء مواعید خود و اعاده حکومت مشروطه مستحضر داشته‌ام و الحال با کمال افتخار بوسیله این مکتوب شرح مفصل آن را راپورت می‌دهم.

در مکتوب ۱۵ شهر جاری [۲۳ آذر؛ ۲۰ ذی‌قعدة] خودم راپورت دادم که بمحض مرئی گردیدن نظامنامه تعیین اختیارات مجلس جدید من و همکار روسیم یادداشت مشترک‌ای به شاه قدیم داشته و در آن اشاره نمودیم که تشکیل این مجلسی که اعضای آن را اعلیحضرت معظم نامزد نموده بمنزله تکمیل مواعید او محسوب نخواهد شد. در عرض یکی دو روزه بعد از آن به سفارتین راپورت رسید که شاه در حال تسلیم شدن است و در شانزدهم شهر حال سعدالدوله برای همکار روسی من پیغام فرستاده بود که او پیغامی از اعلیحضرت معظم دارد و می‌خواهد به نمایندگی دولتین تبلیغ بنماید و درخواست تعیین وقتی برای ملاقات در روز بعد را نموده بود.

ملاقات در روز هفدهم شهر حال [۲۵ آذر؛ ۲۲ ذی‌قعدة] در این سفارت واقع شد. سعدالدوله اظهار داشت که اعلیحضرت معظم پشازگی به او اصرار دارد که قبول خدمت بنماید و او امتناع نموده است به این عنوان که بجز با اعاده حکومت مشروطه به نحو دیگری قبول خدمت نخواهد نمود. این فقط مملکت را نجات می‌تواند بدهد. اکنون اعلیحضرت معظم به صرافت طبع متمایل به ترتیب پارلمانی است و او را مأمور نموده که از نمایندگان دولتین اطمینان حاصل بنماید که آیا دولتین متبوعه آنها در صورت پیرویی او به نصیحت آنها چهارصد هزار لیره قرض به او خواهند داد یا خیر؟ قرض به او خواهند داد یا خیر؟

مسیو سبلین و من توضیح نمودیم که يك همچو استقراضی را نمی‌توان با ترتیب حکومت حاضره امکان‌پذیر تصور کرد. بنابراین فقط ترتیب قانون انتخابات کافی نخواهد بود. حکومت شوروی باید شروع بشود و در آنوقت فقط ممکن خواهد بود که تأمینات لازمه برای به محل صحیح صرف شدن آن پول اتخاذ بشود. همچو معلوم شد که شاه خوف آن را دارد که این تأمینات محتمل است تصرف گمرکخانه‌ها یا خاک ایران را هم دربر داشته باشد. من به او گفتم: «اگر چه طبیعتاً تأمینات بقاعده‌ای برای تأدیه مرتب فرع باید فراهم بشود ولی دولتین هیچ همچو خیالی را ندارند.» بر دولت ایران فرض است که برای مسیو بیزو معجلا تسهیلات تدقیق در وضع مالیه را فراهم نمایند چون فقط به اینوسیله او به مقامی خواهد بود که بتواند دولتین را آگاه بنماید از اینکه چه تأمیناتی لازم است. تمام این اقدامات مدت لازم دارد و در این ضمن اولی آنست که بدون دفع وقت شاه از مقاصد حسنه خود مردم را مستحضر بنماید و اگر چه ما نمی‌توانیم تجویز جزئیات يك مشروطه مناسبی را بنماییم ولی اگر سعدالدوله مساعدت و نصیحت نمایند ما را برای کوشش در متقاعد نمودن شاه به طبع و نشر قانون انتخابات موعود لازم داشته باشد می‌تواند اطمینان داشته باشد که ما حاضریم.

سعدالدوله قبل از مفارقت به من اظهار داشت که يك عده مردم در صندوق متحصن شدن به سفارتها هستند و حتی ممکن است بازارها هم بسته شود.

من از تعقیب همچو روشی سخت اظهار کراهت نمودم چونکه احتمال بی نظمی و مختل نمودن اقدامات سفارتین را متضمن خواهد بود.

روز بعد [۱۸ نوامبر؛ ۲۶ آذر؛ ۲۳ ذی قعدة] مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی مجدداً سعدالدوله را ملاقات نمودند و معزی الیه اظهار داشتند که شاه را ملاقات نموده ولی جواب ما را به آن اعلیحضرت رسانیده است.

مسیو بارانوسکی نقشه و طرحی برای مشروطه به او تسلیم نموده بود که می گفت چندی قبل يك عده از ایرانیان آن را ترتیب داده اند.

نمایندگان سفارتین توضیح نموده بودند که آنها در مقتضی بودن آن نقشه برای ایران نمی توانند اظهار عقیده بنمایند بجز اینکه اظهار بدارند که آن حاوی موادی است که برای مقبول افتادن نزد ملتیان ظاهراً جرح و تعدیلی لازم دارد.

ما مصمم شده بودیم که چندی از اظهارات به شاه احتراز نموده و مجادله با متنفذین معاند اطراف آن اعلیحضرت را محول به عهده سعدالدوله بنماییم ولی روز شنبه بیستم [۲۸ آبان؛ ۲۵ شوال] اوضاع بقسمی شد که به نظر ما همچو اقتضا نمود که ما به آن اعلیحضرت تجدید نصیحت بنماییم چونکه چند روز قبل اخبارات فاسده اشاعه یافته بود که عن قریب متحصنین به سفارتخانه های خارجه هجوم خواهند آورد. من شخصاً از مرکزهای مختلفه برای تحصن جستن مراسله ها داشتم. اغلب از سفارتها با کمال توجه درهای سفارتخانه های خود را بستند. غروب بیستم يك عده قلیلی از ملتیان در سفارت کبرای عثمانی تحصن جستند. روز بعد عده آنها خیلی زیاد شد.

اعتقادات براین بود که شاه در شرف تمکین نمودن است. در روز ۲۱ مستر چرچیل و بارانوسکی استدعای شرفیابی حاصل نمودن را کردند برای اینکه يك نوبت دیگر به اعلیحضرت اصرار بنمایند که در شروع تهیه قانون انتخابات موعود دفع وقت ننمایند.

چون شرفیابی میسر نشده بود آنها عنوانات خود را به صدراعظم نمودند و او وعده نموده بود که بیانات آنها را به اعلیحضرت معظم تبلیغ نموده و درخواست موقع شرفیابی در روز بعد برای آنها بنماید.

آنها با اعتقاد و احساس محکم تری به اینکه اعلیحضرت معظم مشرف به تمکین کردن است از خدمت آن حضرت اشرف مرخص شدند.

شرفیابی روز بعد [۲۲ نوامبر؛ یکم دی؛ ۲۷ ذی قعدة] ترجمانها فوراً پس از موقعی بود که اعلیحضرت معظم يك هیئت نماینده مهمی از ملیون را بار داده بود و هیئت مزبور رساله ای از علمای اعلم نجف که عدم مخالفت یکان یکان مواد قانون اساسی با موازین شرع مطاع در آن تصدیق شده بود برای دفاع از حق خود همراه داشتند.

ترجمانها از ظاهر حال همچو استنباط نموده بودند که شاه خیلی مساعد است. او اظهار داشته بود که میل دارد نماینده‌های دولتیج بداند که او مصمم در ایفاء به مواعید خودش است و در عرض تمام این مدت هم همین قصد را داشته. پس از آن نماینده‌ها به شاه اصرار نمودند که در مأمور نمودن مجلس جدید به ترتیب دادن قانون انتخابات موعود هیچ دفع وقت ننمایند.

اعلیحضرت معظم فرمودند: من هم همین خیال را داشتم و امیدوارم که مجلس ملی جدید و مجلس سنا قبل از محرم برای کارکردن حاضر خواهند بود.

ترجمانها سعی نموده بودند که تعهدنامه کتبی از آن اعلیحضرت بگیرند که بوسیله آن ما بتوانیم متحصنین در سفارت کبرای عثمانی را ترغیب به خروج بنمائیم. شاه ظاهراً متمایل به قبول آن بودند ولی فرمودند که باید بدو صدراعظم را ببینند.

پس از آن اعلیحضرت معظم خارج شده و یک ربع ساعت بعد صدراعظم و وزیر امور خارجه به مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی ملحق شدند.

صدراعظم اشکال تراشیهای بسیار در باب تعهدنامه کتبی نموده و بالاخره با رضایت شاه چنین قرار داده شد که تعهدنامه‌ای بمقاد منظوره نوشته و به امضای صدراعظم برسد و برای ملاحظه نمایندگان دولتیج به وزیر امور خارجه سپرده بشود. ترجمانهای سفارتین شرح نوشته را مسوده نمودند و آن مبنی براین بود که روز بعد از خروج متحصنین از سفارت کبرای عثمانی شاه دستخطی صادر نموده به کمیسیون که آن اعلیحضرت برای ضمیمه شدن به مجلس جدید تعیین خواهد نمود ترتیب دادن قانون انتخابات را امر خواهد فرمود.

نوشته موعود در ساعت معینه صادر نشد ولی من و همکار روسیم خیال کردیم بهتر آن است از اطمینانی که در نظر بود در آن نوشته درج بشود به شارژ دافر عثمانی اطلاع بدهیم.

وقتی که من صدرالدین بیگ را ملاقات نمودم مشارالیه از این مذاکره ما اظهار امتنان نموده و وعده نمود که از آن مسئله متحصنین خود را که عده آنها تقریباً دویست و هشتاد نفر است مستحضر بدارد. مختصراً او بیم این را داشت که آنها اقناع نشوند.

به هر صورت تأمینات جانی و مالی باید به آنها داده بشود. او در صدد حاصل نمودن این مسئله بود. صدرالدین بیگ به من اطمینان داد که در بدو ورود متحصنین یقین کرده بودم که جان آنها در خطر است و تا روز بعد که عده زیادی در سفارت کبری جمع شده بودند آنوقت گمان این را کردم که مقصود آنها نمایش پولتیکی است.

در غروب روز میلاد مسیح ترجمانها مجدداً صدراعظم را ملاقات نمودند که در عدم ایفاء به وعده خود به او ایراد بنمایند.

آنها دریافتند که وضع حالیه او نسبت به ملاقات سابق خودشان بکلی تغییر کرده. روز قبل از آن در منزل نایب السلطنه، عموی شاه، اجلاس بزرگی بنوده که در آن محضر وزراء و بزرگان و علماء و سایر مرتجعین نامی حضور داشته‌اند و نتیجه آن این

شده بود که نفوذ اشخاص مرتجعۀ اطراف شاه را تقویت بنمایند، آنچه تا حال من استماع نموده‌ام راپورتی که وزیر مختار ایران مقیم سن پترزبورگ در باب نطق مسیو ایسولسکی در مجلس دوما ۱۲ فرستاده بود بیشتر باعث تأیید اینها شده. راپورت مزبور همچو نوشته شده که از آن استنباط می‌شود که دولت روس مقید به این نیست که شاه پیروی نصایح سفارتین را بنماید یا ننماید.

بهر جهت وقتی که ترجمانها صدراعظم را ملاقات نموده بودند تمام علائم خودرایی سابق خود را مشهود داشته و به این دلیل استقامت می‌نمود که هیچ نوع حکومت شوروی را با شریعت اسلام نمی‌توان موافق نمود.

فقدان نتیجه مادی و رضایت بخش اظهارات ما باعث یأس است. پر واضح است، که ما هرگز موفّق و کامیاب نخواهیم شد براینکه محمدعلی شاه را حاضر و راضی بنمائیم که برای انجام وظایف یک پادشاه مشروطه‌ای اهتمام جدی بنماید مگر اینکه دفع صدراعظم و وزیر جنگ بشود. وضع طهران نیز خالی از تشویش نیست. دستگیر نمودن اشخاص که در عرض چند هفته گذشته زیاد بوده باعث احساسات موحشه در بین ملتیان شده و شکی نیست که اگر درهای سفارتهای دائماً بسته نباشد خصوصاً این سفارت فوراً متحصنین به آنجاها هجوم خواهند آورد. ملتیان حالا در صدد بستن بازارها هستند که آن را یک نوع نمایشی قرار بدهند و این اقدامی است که بهیچ وجه خالی از خطر نیست خصوصاً در این مورد که نظر به نشر عقاید و تحریکات ارتجاعی که خاصان درباری هدایت و تعلیم می‌نمایند و همچنین بواسطه وجود عده کثیری قشون موجب نگرفته در پایتخت که آرزومند یک همچو بهانه‌ای برای غارت نمودن هستند بیش از میزان معمول حاوی مخاطرات است و برای مصالح امنیت و آسایش عمومی خیلی لازم است که شاه بدون تأخیر تمکین بنماید.

علاوه براین ممکن است که مسئله جدیدی قریباً بروز بنماید که به نظر من پیش‌بینی آن خیلی مطلوب است.

به نظر من هیجان چند روزه ماضی آمال و آرزوهای فرقه ملیون را محکم و مجسم کرده و چندی نمی‌گذرد که با یک تقاضای قطعی برای اعاده مشروطه سابق بدون هیچ تفسیری مصادف خواهیم شد. یک همچو تقاضای مستبعدی به اشکالات اصلاح بین شاه و ملت خواهد افزود.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۵۷

مراسله سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ ژانویه)

طهران، ۳۱ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۰ دی ۱۲۸۷؛ ۷ ذی حجه ۱۳۲۶]

آقا، با کمال افتخار صورت وقایع ماهیانه معمولی راجع به واقعات ایران در ماه دسامبر را لقا ارسال می‌دارم.

جارج بارکلی

ملفوفه در نمره ۵۷

صورت وقایع ماهیانه

طهران

شاه [و] مشروطه

در هشتم دسامبر [۱۶ آذر؛ ۱۳ ذی‌قعدة] روزنامه رسمی «ایران» مقاله‌ای راجع به مجلس مشاوره مملکتی جدید که اعضای آن بنا بر قول آن جریده «انتخاب» خواهند شد درج نموده بود. در یازدهم دسامبر نظامنامه این مجلس مشاوره طبع و نشر شد. در بیست و نهم دسامبر [۸ دی؛ ۵ ذی‌حجه] بازارهای عمده بسته شد ولی دو روز بعد از آن بکلی باز شد.

در بیست و دویم دسامبر [یکم دی؛ ۲۷ ذی‌قعدة] صنایع‌الدوله رئیس اولی مجلس سابق باتفاق هیئتی از ملتیان به‌حضور شاه شرفیاب شدند و یک لایحه که ترتیب و طرز بیان‌ش لایق تحسین بود تقدیم نمودند و در آن لایحه دلایل و براهینی را که باعث اصرار آنها به اعلیحضرت برای تجدید اساس مشروطیت گشته بیان نموده بودند. شاه آنها را بخوبی پذیرفته فرمودند من خود قصد این اقدام را دارم. رویهم رفته وضع را می‌توان گفت که سخت و مغشوش است و ممکن نیست پیشگویی کرد که خودرأیی و لجاجت شاه بالاخره منجر به چه اشکالاتی خواهد شد. چنانچه دستجاتی که قشون خوانده می‌شوند و در باغ‌شاه جمع شده‌اند تهدید دائمی به‌عامه است و ارتکاب به شرارت و تعدیات بالنسبه جزئی از طرف آنها اخیراً راپورت داده شد ولی از آن باید ترسید که به‌مرور ایام عنان اختیار آنها بکلی از کف ساقط بشود و حتی به‌خانه‌های شخصی هم حمله ببرند. روز ۲۶ دسامبر [۵ دی؛ ۲ ذی‌حجه] شش ساعت بعد از ظهر در خارج سفارت کبرای عثمانی ژاندارمها بطور جسورانه مزاحم منشی‌باشی سفارت انگلیس شدند و در این موضوع اظهارات سخت شده است. شاه ظل‌السلطان و پسر او جلال‌الدوله و علام‌الدوله را احضار نموده که به‌ایران مراجعت نمایند. به‌خاطر هست که چند روز قبل از کودتا (مهاجمه پلٹیکی) در ۲۳ ژوئن [۲ تیر؛ ۲۳ ج ۱] جلال‌الدوله و علام‌الدوله و سردار منصور دستگیر و تبعید شده بودند. سردار منصور را بعد از چندین ماه توقیف در فیروزکوه به‌طهران آورده و در منزل امیر بهادر در باغ‌شاه او

را توقیف نمودند و به او گفته شد که او می تواند خلاصی خود را به شصت هزار تومان بخرد.

بالاخره در حصول اجازه برای رفتن چند ساعت به خانه خودش موفق شده و وقت را مفتنم شمرده در سفارت روس متحصن گردید. سفارت روس نفوذ خود را به شاه بکار برده و در استخلاص بسیاری از محبوسین پولتیکی مهم موفق شد. سفارت انگلیس نیز سعی است که مستشارالدوله نماینده منفصل تبریز را که هنوز در باغ شاه است مستخلص کند. امضاء چرچیل، وکیل شرقی

رشت

به تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۰۸ [۱۰ دی ۱۲۸۷؛ ۷ ذی قعدة ۱۳۲۶] مقارن ۲۵ دسامبر تلگرافات وحشت انگیز از طرف اگنت قنصلگری عثمانی مقیم رشت به شارژ دافر عثمانی مخابره شده مبنی بر اینکه عده ای از ملتیان در منزل او متحصن شده اند و مأمورین محلی تهدید می کنند که به قوای قهریه آنها را خارج کنند.

مشهد

در غرة دسامبر [۹ آذر؛ ۶ ذی قعدة] وضع مشهد جالب اهمیت و سخت بود. هر ساعت به عده ملتیان افزوده می شد و بازارها بسته مانده بود. عنوانات به ایالت شده که تقاضای مشروطه و عفو عمومی نموده اند. در صورتیکه عفو عمومی متضمن امضای هر دو جنرال قنصلگریها باشد. شاه به ایالت و پیشوایان ارتجاعیون تلگراف نمود که در متفرق نمودن ملتیان نفوذ خود را بکار برند. شاه نیز اظهار نموده بود که مکتوب کربلا جعلی است ولی ایالت در موثق بودن آن اعتقاد حاصل نموده و سعی داشته است که کشف بنماید چگونه آن به مشهد رسیده. شکی نیست که این مکتوب علماء اعظم کربلا تا حد وافی سبب آن بحران شده. در عرض روز دوم دسامبر [۱۰ آذر؛ ۷ ذی قعدة] تقریباً تمام اشخاصی که دارای شخصیت بودند به فرقه ملیون ملحق شدند و ایالت خیلی وحشت کرده و اظهار می دارد که نمی تواند به قشون خودش اعتماد بنماید.

از جنرال قنصل موقتی انگلیس درخواست شده بود که تلگرافی به توسط وزیر مختار انگلیس از طرف رؤسای ملیون به شاه مخابره بنماید. کاپتان فرنکلین اظهار داشته بود که خلاصه آن را مخابره خواهد نمود. تلگراف مزبور تشریح می نمود که چگونه شاه سابق و شاه حالیه هر دو اقرار کرده اند که ایران مملکت مشروطه است و آنها سلطان مشروطه، ولی بعد از متفرق کردن مجلس ملی تا حال شاه به وعده خود در تجدید تأسیس آن وفا ننموده و به لوایح جعلی در باب میل واقعی مردم در این موضوع فریب خورده و دیگر آنکه مردم صمیمانه خواهان مشروطه بوده و بر طبق علمای کربلا عمل خواهند کرد مشروطه به آنها اعطا بشود.

دو طغرا مکتوب هم در همین موضوع به کاپتان فرنکلین رسیده است. در یکی از آن مکاتیب نیز اشعار شده بود که مردم نهایت احتیاط و توجه را در محافظت و رفاهیت اتباع خارجه مرعی داشته‌اند. چنانچه دربارهٔ عامهٔ مردم نوعاً این ملاحظه را داشته‌اند و میل دارند که مناسبات دوستانه که مابین آنها و اتباع دول دیگر موجود است حفظ نمایند.

سواد این مکتوب نیز برای جنرال قنسولگری روس هم فرستاده شده بود. در مکتوب دیگر اظهار تشکر از دولت انگلیس برای رفتار و روش دوستانه‌ای که نسبت به فرقهٔ مشروطه‌خواهان دارند شده.

در سوم دسامبر [۱۱ آذر؛ ۸ ذی‌قعدة] ایالت توپ و چاتمه ۱۲های خود را از کوچه‌ها برداشته و به حوالی ارك برد.

کلیتاً تمام رؤسای ارتجاعیون که این جنبش را از حیث مقاومت خارج دیدند به ملتیان ملحق شدند، به اضافه از دهات خارج هم برای تقویت با آنها حسن طلب شده بود.

آنها تلگرافخانه را تصرف نمودند ولی متعرض تلگرافچیان نشدند. تا هفتم دسامبر [۱۵ آذر؛ ۱۲ ذی‌قعدة] وضع یلتغییر مساند و در آن روز ایالت اظهار داشت که شاه تلگراف نموده است اگر مردم از حرم خارج بشوند و بازارها را باز بکنند اعلیحضرت معظم يك نوع مجمع عدالتی اعطا خواهد نمود. از طرف دیگر ملتیان از قرار ذیل تقاضا نمودند:

(۱) انجمن محلی،

(۲) عفو عمومی،

(۳) يك ماه مهلت در وصول مالیات.

این تقاضاها به شاه تبلیغ شد.

در هشتم دسامبر [۱۶ آذر؛ ۱۳ ذی‌قعدة] ایالت از کاپتان فرنکلین خواهش نمود که از بانك شاهنشاهی هزار لیره برای او قرض بنماید که او بتواند حقوق قشون خودش را بپردازد ولی رئیس بانك از قبول آن خواهش امتناع نمود. رؤسای ملتیان به کاپتان فرنکلین اطلاع دادند که انجمن محلی انتخاب شده.

در نهم دسامبر [۱۷ آذر؛ ۱۴ ذی‌قعدة] حاجی عبدالرحیم که یکی از رؤسای ملتیان است ایالت را ملاقات نمود که رضایت او را در شرایط ذیل حاصل بنماید:

(۱) معافیت سرسنگ (که محل مالیات جنسی است)،

(۲) مالیات نگرفتن تا عید نوروز،

(۳) شناختن و رسمیت دادن انجمن محلی،

(۴) عفو عمومی.

ایالت بجز شق «۳» همه را قبول نمود. نفاق بسیار بین پیشوایان ملیون مشهود

(۱۳) چاتمه: قرار گرفتن چند تفنگ در کنار هم و بطور عمودی چنانکه بصورت يك مخروط درآید. توقف عده‌ای قراول در يك محل. - م.

گردید و متابعین آنها در حق بسیاری از آنان سوءظن حاصل نمودند. در یازدهم دسامبر [۱۹ آذر؛ ۱۶ ذی‌قعدة] ایالت به‌ملتیان اطلاع داد که اگر مردم متفرق بشوند او حاضر است سرسنگ را معاف بدارد و بیگلربیگی^{۱۴} حالیه را منفصل بنماید و عفو عمومی هم اعطا بنماید. بالاخره این شرایط قبول شده و مردم متفرق شدند. اگر چه علمای عمده ملتیان و نماینده هر صنفی در حرم باقی ماندند. به حاجی عبدالرحیم این نسبت را می‌دهند که سبب خاتمه ننگین این هیجان شده.

استراباد

مشروحه مورخه یازدهم دسامبر اگنت ما حاوی این راپورت است که تقریباً دو هزار نفر در يك مسجدی جمع شده و تقاضای اعاده مشروطه را دارند. صد و پنجاه نفر سوار ترکمان هم با آنها مع^{۱۵} بوده. پس از آن رؤسای آنها حکومت را ملاقات نمودند و او اظهار نمود که خودش شخصاً مشروطه‌خواه است. بعد از آن مردم متفرق شدند، ولی بازارها بسته ماند.

اصفهان

سردار ظفر «سالار ارفع سابق» که اسباب اعزام دستجات بختیاری به تبریز بوده و به این وسیله جلب توجه و مرحمت شاه را کرده بود از این توجه استفاده نموده و اسباب انفصال برادر خودش صمصام السلطنه از مقام ایلخانی‌گری بختیاری شد. حالا ایل منقسم به دو دسته شده و می‌توان اغتشاش آتیه را پیش‌بینی نمود. شاه صمصام السلطنه را به طهران احضار نمود ولی او به‌مذرت علت مزاج و وقوع اغتشاش در ایل در صورت عزیمت خودش امتناع نمود.

محقق نیست که آیا هنوز او به‌مقام ایلخانی‌گری خود باقی است یا خیر. در ۲۹ دسامبر [۸ دی؛ ۵ ذی‌حجه] يك جنبشی بر علیه نایب‌الحکومه واقع شد و تقریباً دویست نفر سعی نمودند که در جنرال قنصلگری متحصن بشوند ولی آنها را از نیل به این مقصود باز داشتند.

یزد

راپورتهای واصله از ویس قنصل موقتی انگلیس حاوی تفصیل تقریباً چهارده فقره سرقتهای مختلف است که در طرق متصله به یزد واقع شده. هیچ‌يك از طرق امن نیست و راه کرمان و نائین از همه ناامن‌تر است. پستها فقط از طرق منحرفه و بیراهه می‌توانند عبور بنمایند. سرقتهای طرف جنوب به لشنیها و سایر ایلات فارس نسبت داده می‌شود و حکومت یزد اظهار می‌دارد که تا يك فرمانفرمای مقتدری برای فارس تعیین نشود این ملوایف در یغما و سرقت نمودن مداومت خواهند داشت. صحت

(۱۴) بیگلربیگی = حاکم نظامی در دوران قاجاریه - (واژه ترکی = بزرگ بزرگان) - م.
(۱۵) مع: همراه - م.

این هر چه باشد حکومت مسئول محافظت طرق در نواحی یزد است. بدیختانه او آلت دست مشیرالممالک و صدرالعلماء است و تأدیة حقوق مستحفظین راه را به عهده آنها محول نموده. این دو نفر سعی داشته اند که مستحفظین طرق را به نصف مبلغ مصوبه دولت اشتغال بنمایند. در این باب آنها موفق نشده و ضمناً بسیاری از مستحفظین طرق که در عرض هفت هشت ماه گذشته هیچ حقوق نگرفته اند ترك خدمت نموده اند. حکمران به مستر بلکمن اظهار داشته بود که يك محمدتقی خان نامی را برای محافظت راه اصفهان تعیین نموده و به مستر لمن اجزای اداره تلگراف اطلاع داده شد که برای سوار مستحفظ به مشارالیه رجوع بنمایند. همینکه او به مشارالیه رجوع نموده بود محمدتقی خان فقط خندیده و از دادن مستحفظ به او امتناع نموده بود. تجارت از بد به بدتر رسیده و عنقریب بکلی قطع خواهد شد. شهر یزد و اطراف آن بهمچنین دچار تهاجم دستجات سارقین است که به منازل پارسیهای متعول می روند و آنها را صدمه زده و پول و اثاث البیت آنها را بسرقت می برند. بتازگی يك جوان پارسی را به مریضخانه انجمن مسیحیان آورده بودند که يك دست او از ساعد جدا شده بود. او از هدایت نمودن يك دسته سارق به منزل شخص پارسی متمولی امتناع نموده بود. سارقین اغلب خود را به صورت مبدل می آرایند ولی وقتی هم که پارسیها دشمن خود را بشناسند از ترس دچار شدن به انتقام جرئت تظلم نمودن را ندارند. در یکی از وقایع، همینکه به حکومت تظلم نمودند او بکلی مسئولیت را از عهده خود ساقط نموده بود. یکی از اجزاء ارمنی تلگرافخانه هندواروپ، هنگامی که به سر خدمت خود می رفته در کوچه با شخصی مصادف شده که قصد کندن پالتو او را نموده بود. مشارالیه ششلول بیرون آورده حمله کننده بمحض دیدن آن قرار نموده بود. در یزد هیچ سرباز برای قراولی ظاهر نیست. قراول حالیه بانك شاهنشاهی ایران عبارت از دو نفر است که اسماً توپچی هستند و هیچ اسلحه بجز يك شمشیر مندرسی [مندرس] ندارند.

کرمان

تلگرافی که قنصل انگلیس در ۲۴ دسامبر مخابره نموده بود مبنی براین بود که بواسطه فقدان پول و ناامنی طرق در عرض چهار هفته به هیچوجه پست به کرمان وارد و از آنجا خارج نشده.

کرمانشاه

صمصام الممالک، حکمران قصر شیرین، چون مجادله با ایلات کلهر و گوران را از عهده خود خارج دید پس از معزول شدن از حکومت بتوسط آنها به داودخان رئیس ایل کلهر ملتجی شد. داودخان خود را بکلی از تحت حکومت محلی خارج دانسته و از هیچ کس بیم ندارد مگر والی پشت کوه. نتیجه آن این است که طرق در ید طایفه داودخان است و دو پست بسرقت برده شده. عقیده قنصل انگلیس براین است که اگر

داودخان تنبیه نشود آن ولایات متدرجاً برای اروپاییان هم ناامن خواهد شد و به تجارت انگلیس که مقدار معتنا بهی است سخته وارد خواهد آمد. يك حكومت مقتدری لازم است.

حکمران حالیه رئیس یکی از ایلات محلی است و از آن می ترسد که اگر به ضد ایلات دیگر اقدام بنماید وقتی که حکومت از او منتزع شد دچار مصادمه آنها بشود. يك دکتر روسی که بتازگی به همدان می رفت با حمله ایلیاتیان مصادف شده و مجبور به پرداخت يك مبلغی وجه نقد شده بود ولی پس از ورود به همدان آن مبلغ به او مسترد گردید.

شیراز

ایالت فارس به وضع منقلب باقی است و سرقت قوافل دیگر هم راپورت داده شده. در اواخر نوامبر، هیجانی به ضد ایالت و عطاءالدوله بیگلربیگی واقع شد که در يك موقع بیم وخامت آن می رفت. تمام تجار معظم اتفاق نمودند که تلگرافی به طهران مخابره نموده و از پیشرفت نداشتن شغل آنها بواسطه احاطه داشتن اغتشاش در تمام ایالت شکایت بنمایند. تهییجی هم برای بستن بازارها ظاهر گردید ولی صورت وقوع حاصل ننمود.

يك اشتهاارنامه مهیجی در تمام شهر منتشر شد که شیرازیها را برای مخالفت با ترتیب حاضر دعوت و تحریک کرده بود.

در ۲۱ نوامبر سالارالسلطان بطرف لار عزیمت نمود. سید لاری بضد این عزیمت به لار به او اخطار نموده. عقیده مستسر بیل براین است که مخالفت انگیزی سید مزبور متضمن عناصر مخاطره حقیقی برای جزئی انتظام باقی مانده است. ظاهراً به تحقیق پیوسته که دهاتیان آن بلوک يك استعدادی از اعراب را که عازم ملحق شدن به سالارالسلطان بوده اند مغلوب و تقریباً هشتاد نفر از آنها را مقتول نموده اند.

يك تاجر پارسی که معمولاً اطلاعات صحیحه دارد به مستر بیل گفته بود که او تصور می کند اگر صولتالدوله از مقام ایلخانی گری قشقائی منفصل بشود از آمدن به شیراز امتناع خواهد نمود و حکمرانی آن ایل بلکه حکومت شیراز را هم غیرمقدور می نماید.

بسیاری از اسلحه و آلات ناریه که در سنه ماضیه در بلوای شیراز صرف شده بود صولتالدوله تهیه نموده بود.

او حاضر است با حکومت موافقت داشته باشد ولی تا اندازه ای که تحریکات برادر او را به حال خود بگذارد و واقعاً يك قسمت معتنا به مالیات قلیلی را که برای قشقائی تعیین شده و مبلغ آن ۱۶،۰۰۰ لیره است او پرداخته است.

مقدور بودن این امر برای او بواسطه منافع فوق العاده ای بود که از سرقت های دستجات میار قشقائی در تابستان ماضی که خارج از حدود فارس نموده بودند به دست او آمده. یحتمل صولتالدوله بواسطه معیت علنی با سید لاری خود را بی اعتبار

نمایند ولی اگر از مقام ایلخانی‌گری منفصل بشود تقویت پزیمتی با او خواهد نمود
اگر چه بطریق مخفی هم باشد.
سردار قیروز از شیراز حرکت نموده. از قراری که راپورت می‌دهند مراجعت
نخواهد نمود.

خلیج فارس

بوشهر

دو فقره سرقت عمده در اواخر نوامبر در راه شیراز راپورت داده شده و مسافری
داخله از تعدی بسیار و بدسلوکی مستحفظین راه شکایت داشتند.

نمره - ۵۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۸ ژانویه ۱۹۰۹)
از طهران ۳۰ دسامبر ۱۹۰۸
[۹ بهمن ۱۲۸۷؛ ۶ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار سه فقره راپورت راجع به اوضاع عمومی آذربایجان را در عرض
این ماه که از جنرال قنسل انگلیس مقیم تبریز رسیده لذا ارسال می‌دارم.
از راپورت مذکور ملاحظه خواهد شد که شهر تبریز و حول و حوش آن دیگر
میدان مخاصمات بین دسته شاه‌پرستان و ملتیان نیست و حقیقتاً واضح است که ملتیان
از زمان شکست اخیری که در داخل شهر به اردوی عین‌الدوله داده‌اند بالنسبه در
حفظ نظم موفق شده و در انقلابات اخیر در محافظت اتباع خارجه مقیم تبریز
مساعدت فوق‌العاده نموده‌اند. از زمان راپورت اخیر مستر راتیسلا جنگ در خط
مراغه امتداد داشته و در مجادلات مختلفه که واقع شده ملتیان عقب نشانده شده‌اند
چنانچه در حمله‌ای که در ششم دسامبر در باسمنج به اردوی عین‌الدوله برده بودند
نیز عقب نشسته‌اند.

در قسمت اواخر این ماه عین‌الدوله فعالیت بسیار مشهود داشته و علاوه بر اهتمام
در قطع آذوقه از تبریز، متعرض ایاب و ذهاب پست بین آنجا و طهران هم شده.
من در این مسئله به دولت ایران پرتست نمودم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوفه در نمره ۵۸

مراسله مستر راتیسلا جنرال قنسل به سر جارج بارکلی

از تبریز، ۱۸ نوامبر ۱۹۰۸
[۲۶ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۳ شوال ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار شرح اوضاع تبریز را بنوعی که در زمان معاودت به خدمت خودم ملاحظه نموده‌ام ذیلاً تقدیم می‌دارم.

از زمان خروج قشون شاه، شهر بکلی در دست ستارخان و باقرخان و دسته نظامی بوده يك انجمن ناقصی هنوز موجود است ولی خیلی کم بلکه هیچ مداخله در امورات ندارند ولیکن جلسات دائماً تشکیل می‌یابد و هرکس میل داشته باشد در آن مجامع حاضر می‌شود.

اجلال‌الملک در هفته گذشته به من اطلاع داد که بواسطه اعمال خودسرانه باقرخان اداره امور را از عهده خود ساقط دیده و از حکومت استعفا داده است ولی از قرار معلوم او هنوز وظایف ریاست ظاهری را در دست دارد و ستارخان وساطت نموده که بین او و باقرخان را التیامی بدهد، افواهاست در باب پروت و رقابت بین ستار و باقر اشاعه یافته بود ولی من گمان نمی‌کنم که آن اختلال عجالتاً چندان اهمیتی داشته باشد، در داخله شهر نظم به کمال خوبی مستقر است و حقیقتاً محل مسکونی مسیحیان و عنصر خارجه بعدی مصون و مأمون است که تا حال هرگز اینطور نبوده و من هیچ تغییری در وضع آن محله مشاهده نمی‌نمایم. عموم خارجیان از وضع و رفتار ملتیان نسبت به آنها در عرض مدت انقلاب اظهارات تشکرآمیز می‌نمایند و به استثنای روسیه‌ها هیچ کدام اظهار خوفی برای امنیت شخصی خود نمی‌نمایند.

فقط مورد استثنائی که می‌توان به رفتار ملیون اعتراض سخت وارد آورد همان عمل تحمیل اعانه اجباری است که آنها به طبقات متموله مردم وارد نموده و در اکراه و امتناع از تأدیه به قتل تهدید شده‌اند. و در بعضی موارد به سیاست بدنی هم آنها را مجبور نموده‌اند. مختصراً بپیر نحوی هست پولی که برای پرداخت حقوق قشون که در صورت اهلی بودن از روزی دو الی ۶ قران نفری و اگر داوطلب قفقازی باشد الی روزی يك تومان لازم است باید تحصیل بشود. در مقابل اخذ این طور اعانه‌ها قبض رسید سپرده می‌شود ولی احتمال آن نمی‌رود که هیچوقت صورت حساب آن ابراز بشود و کمتر محتمل است که سرده‌ها از نگاهداشتن يك ده یکی در جیب شخصی خود احتراز بنمایند.

موقع آرامی و متارکه جنگ غنیمت شمرده شد و تهیه آذوقه در شهر شد و انبارها از گندم وارد در اراک برای احتیاجات اولیه ذخیره شد. برای آن تهیه جنس سهمی امساله دولت از دهات حوالی را بتصرف درآوردند و بهمچنین مقداری از جنس صاحبان املاک را در این مسئله هم باز برای آنچه دریافت نموده‌اند قبض رسید سپرده شده.

این تحمیلات بالطبع باعث رنجش اشخاصی می‌شود که خسارت می‌کشند و آنها در خفیه از این ترتیب اوضاع حاضره خیلی اظهار کراهت می‌نمایند. واضح است که این ترتیب را نمی‌توان تا موقع غیرمحدودی معمول داشت چونکه تبریز با سرمایه خودش گذران می‌نماید و همینکه آن تمام شد مشکل است فهمید که

به چه وسیله قشون محلی را نگاهداری خواهند کرد.
در دهاتی که سواران قره باغی و ماکویی آنها را منهدم نموده اند ابتدا و سختی بسیار احاطه دارد. اکثر احشام آنها را این راهزنان برده اند و پاین واسطه مزارع بسیار بی شخم و نامزروع مانده که در سال آینده آتیۀ تاریکی را نشان می دهد.
باب تجارت از طریق جلفا مفتوح شده ولی هنوز تجار از سپردن محمولات خودشان به آن جاده خوف دارند. این خوف در تجارت به اروپا از طریق خوی بیشتر مشهود است.

بی شبهه بی میلی در اشتغال به امورات تجارتی نه بواسطه خوف از ملتیان است بلکه بواسطه خوف از هواخواهان شاه.

عین الدوله هنوز علامتی برای حرکت از محل خودش در باسمنج بطرف شهر ظاهر نداشته در صورتیکه استعداد اضافه هم به او ملحق گردیده. گمان نمی رود که بدون تقویتی او بتواند چندان پیشرفتی به ضد ملتیان بنماید.

امضاء راتیسلا

ملفوظه دوم در نمره ۵۸

مکتوب مستر راتیسلا جنرال قنصل به سرچارچ بارکلی

از تبریز، ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

[یکم آذر ۱۲۸۷؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار ترجمۀ مراسله ای که از طرف انجمن تبریز به من و همکار روسی من نوشته شده لفاً ارسال می دارم. در مکتوب مزبور توجه ما را به سوم اعمال شاه پرستان و حسن سلوک خودشان نسبت به خارجه ها جلب نموده و اظهار امیدواری نموده بودند که حقایق مسئله را اعلان بداریم. البته من جوابی در مقابل آن مراسله نداده ام.

ملتیان در عرض هفته ماضی بواسطه تصرف مراغه و مرند به دو موفقیت عمده نائل گردیدند.

چند روزی مجاهدین در مراغه جمع می شدند و بالاخره بواسطه نزدیک شدن پسر سلیم خان بهادر السلطنه، رئیس ایل چهار دوالی، که از طرف شاه به حکومت آنجا منصوب شده بود و به خیال تصرف شهر از جانب پدرش می آمد این عمل آنها شدت حاصل نموده.

بمحض استماع خبر تصرف ملتیان او از طریق صائین قلعه به مکان خود رجعت نمود.

یک ماه قبل، از طرف شاه به بهادر السلطنه امر شده بود که با تمام استعداد خودش به عین الدوله ملحق بشود ولی او از اطاعت این امر امتناع نموده و متعذر شده بود که خاک خودش به تهاجم و حملات غارتگران شاهسون گرفتار است.

ملتیان در مراغه مقدار کثیری اسلحه و آلات تاریه ضبط نموده ولی من شك دارم که آنها بتوانند قوه زیادی از اهالی آنجا که از روی میل یا بی میلی به آنها ملحق شده اند اکتساب بنمایند چون اهالی مزبور مدتهای مدید در تحت نفوذ فامیل مظفرالدوله و حکومت نسبتاً با صلح و مسالمتی مرفه بوده اند. مظفرالدوله در طهران در تحت قدرت شاه است و اهالی مراغه امتناع سابقه خود را از موافقت با مشروطه مبنی براین نمودند که تعقیب همچه روشی باعث تولید زحمت ولی نعمت آنها یعنی مظفرالدوله خواهد شد. شجاع نظام، پسر و وارث لقب شجاع نظام مقتول، پس از جزئی مقاومتی، در بیست و یکم شهر حال از مرند به ماکو فرار نمود. هزیمت او تمام راه روسیه را در ید ملتیان خواهد گذاشت و من گمان می کنم آنها کاملاً منافع خود را در افتتاح آن راه برای تجارت خواهند دید. بواسطه بی ترتیبی پست، بغیر از راپورت تجدید استقرار انجمن محلی، من اطلاع دیگری از واقعات سلیمان ندارم. بهمچنین اطلاع کاملی هم در باب قتل اقبالی السلطنه، سرکرده ماکویی ندارم. حتی ظاهراً محل شك ضعیفی است که مسرت اهالی تبریز برای این واقعه قدری زود است چون هنوز صحت آن محقق نیست.

هیشتی از تبریز به ارومیه رفته اند که اهالی آنجا را برای دعوی مشروطه به هیجان بیاورند. اوضاع در خود تبریز بهمان قسم باقی است.

امضام راتیسلا

ضمیمه ۳ در نمره ۵۸

مراسله انجمن تبریز به مستر راتیسلا جنرال قنصل ۲۰ نوامبر ۱۹۰۸
 [۲۸ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۵ شوال ۱۳۲۶]
 مطابق قانون طبیعی تمام نوع بشر با هم مربوطند و باید با یکدیگر محبت داشته باشند. این نکته امروزه باعث جلب توجه تمام دیپلماتهای عالم گردیده و سعی دارند که قوانین تمدن و آزادی ملل خود را بموقع اجراء بگذارند برای اینکه حقوق نوع بشر را محفوظ بدارند.

بدبختانه در این عصر تمدن دولت ایران دچار تغافل شده و عداوت تنفرآمیز بین اهالی نجیب آذربایجان تولید شده که متضمن نتیجه وخیمی است. با وجود تمام خساراتی که به منافع و حقوق نوع انسانیت وارد آمده محال است که قلوب شاهپرستان با تقاضاهای ملت موافقت نموده و بطریق مسالمت منحرف بشود. آنها هنوز درصدد تهیه تجدید مخاصمه هستند و جمع‌آوری قشون نموده و راه آذوقه را بر ملت مظلوم مسدود و سلب امنیت از طرق می‌نمایند. شما که نمایندگان دول خارجه هستید مشاهده نموده‌اید که چطور در عرض پنج ماه و نیم ماضی مأمورین دولتی و سوارهای وحشی به جان و مال و شغل و تجارت و شرف ملت ابقاء ننموده و منشاء هر قسم شرارتی شدند که بکلی برخلاف نظم و ترتیب عالم است.

با وجود تمام این مصائب اسباب نهایت مسرت است که از بدو انقلاب نیز تا حال

از طرف آزادی‌طلبان و مشروطه‌خواهان هیچ صدمه و مزاحمتی به برادران خارجه ما وارد نیامده چنانچه شما مایل به تقویت عالم تمدن باشید از انتشار این وقایع مهمه مضایقه نخواهید نمود تا اهالی آذربایجان هم حقوق شما را مرعی و محترم بدارند.

ملفوظه ۴ در نمره ۵۸

مراسله مستر راتیسلا جنرال قنصل به سرچارج بارکلی تبریز، ۲ دسامبر ۱۹۰۸
[۱۰ آذر ۱۲۸۷؛ ۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

آقا

پس از راپورت اخیر من پیشرفت مقاصد ملیون در مراغه و بناب با مکتبه مهمی تصادف نموده يك استعدادی که از تبریز فرستاده شده بود بدون اشکال هر دو محل مزبور را تصرف نمودند و این اتفاق فقط کمی قبل از ورود سواران چهاردوالی از طرف مغرب بود. بعلاوه اخذ وجه اعانه معمولی از دوست و دشمن متساویاً ملتیان در هر دو محل در اجحافات مبادرت کردند که خوشبختانه تاحال مرسوم آنها نبوده و در بناب سکنه به مخالفت آنها برانگیخته و باتلفات بسیار آنها را از شهر خارج نمودند. ظاهراً چهاردوالیها به آنها کمک نموده‌اند ولی جزئیات آنها هنوز نرسیده و این مسئله حتی‌الامکان کم منتشر شده. متعاقب آن فوراً تخلیه مراغه واقع شد ولی محتمل است که احتمالی در تجدید تصرف آنها بعمل آید.

دو نفر سرکرده قشون تجهیزه‌ای را بمحض مراجعت به تبریز محبوس نموده و از قرار مسموع یکی از آنها را چوب زده‌اند.

از سلماس هم راپورت جنگ بین ملتیان و ماکویسها رسیده. از طرف مجاهدین آرامنه که در محل مزبور با استعداد هستند به ملتیان مدد بسیار رسیده.

تقریباً در دو هفته قبل بنا به اظهار محتشم السلطنه يك انجمنی در ارومیه انتخاب شده ولی انجمن بی‌جلوه‌ای است و احتمال نمی‌رود که چندان دوامی بنماید. منزلگاههای جاده که اکنون در دست روسها است یکی در جلفا و دیگری دریم است (مابین صوفیان و مرند) منزلگاه عمده پل آجی در خارج تبریز است. باوجودی که انجمن تقاضا نمود آنها را مجدداً اشغال بنمایند و قراولی در سر پل برای حفظ کارگران گماشته بشود معیناً از زمان مجادله در آن محل آنجا خالی مانده است.

اشخاصی که تازگی باسمنج را دیده‌اند راپورت می‌دهند که وضع قشون عین‌الدوله خیلی بد بوده. بسیاری از آنها مریض و بواسطه سرما و فقدان ملزومات در صدمه هستند - امسال زمستان زود آمده تا حال برف سنگینی افتاده و هوا خیلی سرد است. ظاهراً بجز اینکه یکدفعه یورش به تبریز برده شود چاره نیست مگر اینکه تابهار به تأخیر افتاده شود.

امضاء راتیسلا

نمره - ۵۹

مکتوب سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ ژانویه)

سن پترزبورگ، ۱۱ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۱ دی ۱۲۸۷؛ ۱۸ ذی حجه ۱۳۲۶]

آقا

به لحاظ راپورتیابی که سرچارچ بارکلی در باب وضع تبریز و اصفهان هر دو به من داده بود من دیروز به ملاقات مسیو ایسولسکی رفته و از مقام آنچه به من رسیده بود ایشان را مستحضر نمودم. من خاطر نشان آنجناب نمودم همچو می نماید که آن مملکت با سرعت تمام به حالت تجزیه شدن نزدیک می شود و نهایت لزوم را دارد دولتین قراری بگذارند که چه اقداماتی برای جلوگیری از بسط و نشر این جنبش باید بشود. اعتقاد بر این است که شاه در صدد صدور دستخطی برای تأسیس مشروطه است ولی اگر آنجناب بتواند یادداشتی را که مشغول ترتیب آن بوده است به من بدهد متشکر خواهم شد برای اینکه دولت متبوعه من بتواند بدون دفع وقت پیشنهادی را که معزی الیه ترتیب داده در تحت مذاقه و امتحان بیاورد. آنجناب اظهار داشت که بمناسبت ایام تعطیل عید میلاد مسیح نتوانسته است بالاخره در اختتام یادداشت قیام بنماید ولی امیدوار است لااقل تا سیزدهم شهر حال آن را به من بدهد.

نظریات مسیو ایسولسکی این بود که وضع ایران واقعاً بسیار منقلب است. حکومت های نیمه مستقل یا در واقع مستقل هم در تبریز و هم در اصفهان تأسیس شده و قدرت شاه ظاهراً رو به تحلیل رفتن است. آنجناب ظن قوی داشت که اعلان مشروطه فقط علاج کافی برای وضع امور خیلی مهم حاضره نخواهد بود. آنجناب اظهار داشت لازم نمی داند اطمینان نهائی را که مکرر در باب بهیچوجه مایل نبودن دولت روس به مداخله اظهار داشته است تکرار بنماید چون اقدام به این امر منافعی با منافع خودشان است ولی واقعیات و مقتضیات ممکن است از حد تحمل خارج بشود. او اظهار خرسندی می نمود و با وجودی که ستارخان حق حکومت مستقلی را به عهده گرفته است ولی راه جلفا به تبریز مفتوح است و قوافل بدون آسیب و زحمتی تردد می نمایند و تا حال هیچیک از اتباع روس مورد سوء سلوک و مقتول نشده اند.

ممالك شرقی رویه غربی در استخلاص از گرفتاری های درهم و برهم یاس آور دارند که غاصبین قدرت غفلتاً حامیان فدوی مرکز قدرت می شوند مع هذا اوضاع خیلی سخت و بحرانی است و او خشنود خواهد شد که نظریات دولت انگلیس را در این باب استماع بنماید. جناب معزی الیه از استماع تعیین سعدالدوله به وزارت امور خارجه و تمایل او به معاضدت با سفارتین مشعوف بود.

من به آنجناب اظهار داشتم اگرچه محتمل است وضع امور به درجه ای رسیده باشد که اعلان اعطای مشروطیت هم باعث تخفیف انقلاب نشود مع هذا در اصرار به صدور آن منع و مخالفتی نیست زیرا که ممکن است قدری فایده ببخشد. من با آنجناب موافقت نمودم که آنها وعده یا حتی اعطای مشروطه هم علاج کلیه را نخواهد نمود

مع ذلك آن يك اقدامی برای پیشرفت است.

امضاء نیکلسن

نمره - ۶۰

تلگراف سرچارچ یارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۹ ژانویه ۱۹۰۹)
از طهران، ۱۹ ژانویه ۱۹۰۹
[۲۹ دی ۱۲۸۷؛ ۲۶ ذی حجه ۱۳۲۶]

اصفهان

جنرال قنصل انگلیس امروز راپورت می‌دهد که بختیاریه‌ها پیشکار مالیه را که از طرف دولت ایران برای اخذ مالیات گماشته شده بود دستگیر نموده و سعی دارند که به این وسیله بیست هزار تومان استقراض حاصل نمایند. آنها در صدد جمع کردن آذوقه در شهر و سنگربندی هستند. از قراری که راپورت داده شده تقریباً صد و پنجاه نفر بختیاری در ۱۷ شهر حال به عزم مورچه‌خورد از شهر حرکت نموده‌اند و حالا عده‌ای که در اصفهان هستند تقریباً هزار و پانصد نفرند. مستر گرهم نیز اظهار می‌دارد که اطلاعات مکتسبه او مبنی بر تصدیق این عقیده است که بختیاریه‌ای که از طهران می‌آیند با بختیاریه‌های در اصفهان جنگ نخواهند نمود.

نمره - ۶۱

تلگراف سرچارچ یارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۹ ژانویه)
از طهران، ۱۹ ژانویه ۱۹۰۹
[۲۹ دی ۱۲۸۷؛ ۲۶ ذی حجه ۱۳۲۶]

امروز صبح یکی از اجزاء عمده پارلمان سابق را که از جانب بعضی از ملتیان طهران آمده بود من را ببیند پذیرفتم. او اظهار داشت که آنها شنیده‌اند دولتین انگلیس و روس به‌خیال این هستند که اقدام در استقرار کنترل در ایران نمایند و او توضیح نمود که هم مسلکان اوایلند که یا دولتین فقط تا این اندازه مداخله نمایند که تجدید تأسیس مشروطه را حاصل نمایند که اگر چه بواسطه آن البته دفعاً حکومت مستحسنی فراهم نخواهد شد ولی طی نصفه راه را برای حصول آن خواهد نمود یا اینکه انگلیس و روس شاه را به‌حال خود بگذارند که مسائل را با ملت خود قطع و فصل نمایند و از تمام مداخلات احتراز نمایند. او اظهار داشت که ملتیان ملتفتند که وجود مستشارهای خارجه لازم است و مجلس آتی که با فهم‌تر از مجلس سابق عمل خواهد نمود مستشارها را جلب خواهد کرد ولی چیزی را که مخصوصاً ملتیان مایل به احتراز از آن هستند این است که مستخدمین خارجه را دولتین مأمور و منصوب نمایند. من در جواب اظهار نمودم که احاده حکومت شوروی فقط نقطه نظر بوده و نماینده‌های دولتین برای آن اظهارات

نموده‌اند و چون تا حال نتیجه‌ای از آن حاصل نشده اظهارات دیگری و بطریقی که هیچ نمی‌توانم به شما بگویم اکنون در تحت نظر و مذاقه دولتین انگلیس و روس است.

نمره - ۶۲

مکتوب سرادوارد گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۲۰ ژانویه ۱۹۰۹
[۳۰ دی ۱۲۸۷؛ ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا

در سیزدهم شهر حال سفیرکبیر دولت روس به این اداره آمده و در باب اوضاع اصفهان با سرهاردینگت مذاکره نمود.

سرهاردینگت به کنت بنکدرف اظهار داشت که به موجب اطلاعاتی که به وزارت امور خارجه رسیده صمصام السلطنه و بختیاریه‌ای او در اصفهان خود را طرفدار ملتیان قلمداد کرده‌اند و عجالتاً فرمانفرما قصد رفتن به اصفهان را ندارد و بختیاریهایی که باتفاق نایب‌الحکومه رفته‌اند با صمصام معاند نیستند. سرهاردینگت نیز اظهار داشت که به عقیده وزیر امور خارجه صلاحیت در این است که منتظر پروژات آتیسه بشویم.

مادامی که شاه حکومت خود را اصلاح ننموده و اساس آن را بر مبنائی نگذارده که باعث اعتماد باشد حاکم یا قشون فرستادن به اصفهان برای او بی‌ثمر است. در صورتی که اعلیحضرت معظم به نصایح ما گوش نمی‌دهد وزیر امور خارجه تصور می‌کند که مجاهدات ما در باب بکاربردن نفوذ خودمان به صمصام السلطنه مورث بی‌اعتنائی متساوی طرفین به نصایح ما خواهد شد.

امضا ادواردگری

نمره - ۶۳

مکتوب سرنیکلسن به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ ژانویه)

از سن پترزبورغ، ۱۷ ژانویه ۱۹۰۹
[۲۷ دی ۱۲۸۷؛ ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار سواد یادداشتی را که دیشب از مسیو ایسولسکی به من رسیده لفا ارسال می‌دارم و مبنی بر اقداماتی است که دولتین روس و انگلیس به لحاظ وضع ناهنجار ایران ممکن است به موقع اجراء بگذارند. مسیو ایسولسکی خواهش نموده بود که چون می‌خواهد با من گفتگویی بنماید امروز بعد از ظهر من نزد او بروم. امروز عصر من خدمت جناب معزی‌الیه رفتم و او سؤال نمود که عقیده شما در باب

یادداشت چیست. من به او اظهار داشتم هیچ اشاره‌ای راجع به شرط انتخاب شدن اعضای مجلس مشاوره برای نوشتن قانون انتخابات در آن نشده است. مسیو ایسولسکی تشریح نمود که نخواستہ است پیشنهادات خود را با این تفصیلات مبسوط بنماید یا ترکیب مجلس مشاوره را خیلی دقیقانه شرح بدهد. او اظهار داشت انتخابات طول خواهد کشید و در اینکه چطور و از چه طبقه مردم بایه انتخاب بشوند و از این قبیل مذاکرات [و] مباحثات طولانی خواهد شد لهذا او ذکر «اشخاص کافی» نموده است و اولی می‌داند که برای کار مجلس مشاوره تعجیل بشود.

در باب استقراض من اظهار داشتم به نظر من در این مسئله بهیچ وجه لزوم عجله‌ای نمی‌بینم و بهتر آن است معوق بماند تا مسیو بیزو راپورت خودش را که باید از او خواسته بشود بدهد چون محتمل است يك استقراضی بهیچوجه لازم نباشد. جناب معزی الیه با این عقیده موافقت نموده و اظهار داشت که اگر او اظهار رأی در خصوص استقراض نموده در صورتی است که استقراضی لازم بشود و طرح نقشه کنترلی که لازم خواهد بود ریخته است که در صورت استقراض اعمال شود. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اصرار نمود که طریقه کنترل را حتی‌الامکان سهل و ساده و خالی از رسمیت قرار داده اگر قرضی داده بشود يك نظارت و کنترلی برای طریقه و ترتیب مصرف آن حتماً ضروری خواهد بود.

پس از آن من اظهار نمودم که در خصوص يك استقراضی من یقین قطعی دارم که به هر صورت تا يك قانون انتخاباتی مترتب و منتشر نگردد و موقع انتخابات تشکیل مجلس معین نشود دولت متبوعه من این پیشنهاد را نخواهد پذیرفت.

مسیو ایسولسکی جواب داد که اهمیت بیان من را کاملاً می‌شناسد ولی او با دقت تمام در یادداشت اینطور قید و شرط نموده است که «اگر شاه دلایل کافی مشهود دارد براینکه جازماً به نصایح دولتمن عمل می‌نماید در آنصورت...» او عمداً در آن عبارت شرایط استقراض را مجمل گذارده است چون در آن وقت ما بکلی مختار خواهیم بود که تصمیم نماییم که اعمالی را که شاه انجام داده مکفی یا غیر مکفی بوده. ما ممکن است با کمال استحقاق بگوییم که تا يك مجلسی منعقد نشود یا شروع به انتخابات نشود یا شرایط دیگر بعمل نیاید ما اقناع نخواهیم شد ولی معظم‌الیه [= معظم‌له] را عقیده براین بود که این مسئله باید محول به نمایندگان در آن محل بشود که وقتی که شاه صحت قول و عقیده خود را بعدی مدلل داشت که به نظر آنها تأدیه قرض در تحت شرایط به دولت ایران صلاح و صحیح بود به دول متبوعه خود اطلاع بدهند. بهر صورت این نکته نباید فراموش بشود که يك مبلغ قلیلی باید بسرعت داده بشود مگر اینکه مایل باشیم که چرخ و اوضاع امور را متلاشی‌تر از حالیه ببینیم. دولت در زندگی خود دست به دهن است و این وضع زندگی به ملاحظه اهمیت موقع نمی‌شود تا يك مدت طولانی سلامت مداومت بنماید.

او اظهار داشت نهایت لزوم را دارد که صدراعظم و سایر عناصر مرتجع از هیئت مشاوره شاه مطرود بشوند و به يك دولت اصلاح شده‌ای با اطمینان و تأمین زیادتری

می‌توان قرض داد.

مسیو ایسولسکی اظهار داشت امیدوار است این مسئله کاملاً مفهوم شده باشد که دولت روس بهیچوجه قصد بکار بردن مداخلات نظامی از هیچ قبیلی را ندارد. او خودش حس می‌نماید که اگر دولتی دستهای خود را از اقدام ببندند ایران بسرعت منقطع به قطعاتی خواهد شد که عبارت از جمهوریهای مستقله باشد یا يك نوع حکومتیهای دیگری که در تمام مملکت تأسیس بشود. این نوع بی‌ترتیبی و هرج و مرج باعث این خواهد شد که دولتی مجبور به مداخلات قهریه بشوند و از این اقدام در صورت امکان باید احتراز نمود.

امضا: ا. نیکلسن

ملفوظه در نمره ۶۳

یادداشت مسیو ایسولسکی به سرنیکلسن

ترتیب اوضاع ایران دور از بهبودی روز بروز مغشوش‌تر می‌شود و حال مملکت خیلی سخت و جالب اهمیت شده است. اوضاع در آذربایجان رو به بدتر شدن می‌رود: قدرت شاه فقط اسمی است. کوشش و کشمکش بین دستجات احزاب کماکان باقی است. واردات تجارتی متدرجاً رو به تنزل است. دسته شورشیان بتازگی کمپانی تلگراف هند و اروپا را مجبور نموده‌اند که تمام وجوهات مدیونی خود را به انجمن محلی تبریز بپردازد. تازگی در اصفهان هم اغتشاش بروز نموده و الحال آن شهر در تصرف بختیاریه است. اهالی مشهد از پرداخت مالیات امتناع دارند. اوضاع گیلان و سایر ولایات کمتر از نقاط مذکوره تهدیدآمیز نیست. يك قسمت از مجتهدین نجف مشغول اشاعه دادن اشتهازنامه‌ها در تمام مملکت هستند برای اینکه مردم را علیه شاه برانگیزند و آنها را دعوت بنمایند که از حقوق و منافع شخصی خودشان دفاع بنمایند. از طرف دیگر خزانه شاه خالی است. قشون و بهمنچین ادارات بدون تأدیة حقوق مانده و مجبورند که بواسطه غارت و شکارکردن مردم بی‌آزار زندگانی بنمایند. اگر حوادث به این طریق مداومت بنماید هیچ‌کس نمی‌تواند پیشگویی بکند که سرانجام این بی‌نظمی مملکت قاجاریه به کجا منتهی خواهد شد. نظر به اینکه بعلت انقلابات ایران تازگی به منافع اقتصادی روس و انگلیس خسارت معتنا بهی وارد آمده دولتی باید وضع حالیه مملکت را در تحت مذاقه جدی قرار داده و هم خود را براین مصروف بدارند که طرح نقشه عملیاتی بریزند به قصد اینکه از اشکالات و پیچیدگیهای دیگر که ممکن است آنها را مجبور به انحراف از مسلك سکوت خودشان نسبت به وقایع ایران بنماید جلوگیری بشود. برای موافقت کامل با اصل و قاعده کلی عدم مداخله در امور داخلی ایران، دولتی انگلیس و روس تا حال اقدامات خود را انحصاراً محدود به این حد کرده‌اند که به شاه صلاح‌اندیشی دوستانه بنمایند که حکومت شوروی را که بعد از وقایع ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ متروک شده مجدداً تأسیس بنمایند. دولتی به اطمینان اینکه اعاده حکومت استبدادی در ایران غیر ممکن است و منتها وسیله تسکین ملت ایفاء حوائج ملت است

لہذا این طریقہ مشی را برای خوداتخاذ نموده‌اند. ضمناً دولتین روس و انگلیس بالصراحہ ملتفت‌اند کہ تجدید تأسیس مشروطہ ایران بہ وضعی کہ قبل از انفصال مجلس سابق جاری بود بہمان میزان نامطبوع است زیرا کہ در آنصورت مملکت بہ حالت ہرج و مرج سخت‌تری دچار خواهد شد. مجلس اولی کہ متکی بہ انجمنہای آشوب طلب بود امتحان صحیحی از بی‌لیاقتی کامل خود در دلالت امور مملکت بہ طریق جدیدی دادہ یک مدہ معتناہی از طبقات عالی مردم ایران با این عقیدہ شریکند و بہمین جهت از فرقہ ترقیخواہ منفک شدہ و بہ صفوف مرتجعین ملحق شدند. شبہاتی کہ در ذہن شاہ جای گرفته کلیتاً مربوط بہ همین مسئلہ است.

نظر بہ این مراتب دولت امپراطوری تصور می‌کند کہ فشار بہ شاہ برای حصول تجدید تأسیس مشروطہ بتنہایی باعث بدست آمدن مقصودی کہ دولتین در نظر دارند نخواہد بود. اگر تسکین ایران، و بہمچنین استقرار نظم ثابتی در امور، مطلوب است نہ فقط تشکیل یک حکومت شوروی معقولی باید بشود بلکہ بہ حکومت شاہ ہم در ضمن برای اصلاحات لازمہ باید تقویت بشود کہ اول و مقدم‌تر از ہمہ اصلاح مالیہ است و پس از آن اصلاحات ادارہ نظامی و قضائی.

برخلاف عقیدہ مقبولہ عموم، ایران مملکت با ثروتی است و دارای منابع معتناہی از ثروت است - این مسئلہ را جمعی تصدیق دارند منجملہ مستر مارلینگ کہ سابقاً شارژ دافر دولت انگلیس در طہران بود - ولیکن منابع گرانبہای مملکت تضييع شدہ. یک قسمت از عایدات بواسطہ فساد و خرابی ادارہ مملکت بہدر می‌رود. بقیہ بدون داشتن هیچ نفع واقعی برای مملکت صرف می‌شود و این بواسطہ اصول غیر کافی مالیہ مملکت است - اگر در حقیقت بشود اصلاً ذکر از اصول مالیہ نمود، فقط یک شعبہ از منابع عایدات مملکت بہ مبنای مستحکمی تأسیس شدہ کہ آنہم گمرکات است. از زمانی کہ مسیو نوز و معاونین بلژیکی او تشکیل ادارہ گمرکات را در ایران نمودند عایدات آن مبلغ معتناہی زیاد شدہ و اکنون در ہر سالی تقریباً بہ مبلغ پنج میلیون منات^{۱۶} رسیدہ. پس از وضع دومیلیون و پانصد ہزار منات در مقابل استہلاک سالیانہ سی و دو میلیون منات قرض دولت ایران بہ بانک استقراضی دولت روس و دومیلیون و نیم منات بہ بانک شاہنشاهی ایران دومیلیون و نیم منات در ہر سالی عایدی خالص در دست دولت ایران باقی می‌ماند. یک محل عایدی دیگری کہ ممکن است متناسباً مبلغ معتناہی از آن حاصل بشود ولی بدبختانہ بواسطہ فقدان کامل ترتیب اداری بطوریکہ اروپاییان آن را تعبیر می‌نمایند و بہ آن میزان نمی‌رسد، مالیات یا عشریہ‌ای است کہ بموجب قوانین قرآن بہ اراضی مزروع تعلق می‌گیرد. قسمت عمدہ این عشریہ کہ بہ عمدہ مالیات دہندگان وارد می‌شود بہ اضعاف یک مبلغ بالنسبہ گزافی بایک سختی کہ بہ ظلم و جور می‌رسد تقریباً بالتمام در جیب مأمورین ادارہ می‌رود کہ بہ دست آن مأمورین باید این وجہ بہ خزانہ عاید گردد ولی در حقیقت یک قسمت بسیار قلیلی فقط داخل خزانہ

(۱۶) در اصل مناط بودہ است. منات (بفتح اول) واحد پول روسی برابر ۱۰۰ کوپک است. - م.

می‌شود. بالاخره دولت ایران يك منبع عایدات ثالثی هم در دست دارند که اگر بقاعده مرتب بگردد آنها را قادر خواهد نمود که يك عده معتنابهی قشون مسلح نگهدارند. این منبع عایدات يك مالیات نظامی مخصوصی است که مردم برای نگهداری يك عده معینی سرباز که برحسب يك عادت قدیمی اهالی مجبورند برای شاه تهیه نمایند به دولت می‌پردازند.

يك عده کثیری از این سربازان را در حقیقت هرگز در تحت سلاح نمی‌آورند. بقیه را مواجب صحیحی نمی‌دهند یا بکلی بی‌مواجب‌اند و مبلغی که باید به‌مصرف نگهداری قشون مسلح برسد در جیب شخصی مأمورین آن اداره داخل می‌شود. ملاحظه خواهد شد که منابع عایدات مملکت معتنابه است و برای اینکه در این وضع کنونی ترقی حاصل بشود همینقدر کافی خواهد بود که ترتیبی در مالیه و اداره آن داده بشود.

اگر شاه رأی قطعی خود را براین قرار بدهد که صمیمانه داخل طریق اصلاحات بشود احتمال کلی دارد يك مبلغ پول معینی لازم داشته باشد که به‌مصارف لازمه اصلاح و تجدید اساس ادارات مملکت برساند. عایدات واقعی دولت ایران کافی است که يك استقرار خارجی جدیدی را ولو اینکه مبلغ معتنابهی هم باشد تأمین و تأدیه نماید. تنها مبلغ دو میلیون و نیم منات که از عایدات گمرکات باقی می‌ماند برای استهلاك اصل و فرع می‌ود و دو میلیون منات قرض کافی خواهد بود. ولیکن خیلی ممکن است که دولت ایران در مقامی باشد که احتیاج به يك استقرار صافی به این اندازه‌ها هم نداشته باشد شاید او بتواند قناعت به این اقدام بنماید که يك کنترل جدی برای عایدات کنونی خود قرار بدهد که واردات آن را زیاد بنماید و آنوقت فقط به يك مبلغ بالنسبه معتدلی احتیاج خواهد داشت که به‌مصرف مخارجی که در مقدمات اصلاحات لازم خواهد بود برساند. اگر دولت انگلیس با نقطه‌نظری که در فوق مصرح شده موافقت داشته باشد دولت امپراطوری نقشه عملیات مشترکی در نظر دارد که متضمن تأمین منافع اقتصادی روس و انگلیس در ایران است و ممکن است از قرار ذیل مترتب بگردد.

نمی‌توان شك داشت که در این موقع دولت ایران فقط بوسیله اصلاحات می‌تواند خود را از این وضع بسیار مشکل مستخلص بنماید که اصلاح مالیه و به‌مچنین حتی الامکان اجرای مقاصد ملت در تشکیل يك نوع حکومت شوروی باید در ضمن آن اصلاحات محسوب بشود.

با این مقصودی که در نظر است دولترین روس و انگلیس می‌توانند:

(۱) بدون اینکه بهیچوجه از اصل و قاعده کلی عدم مداخله در امور داخلی ایران تبری بجویند بنحو مشفقانه‌ای به‌شاه توصیه بنمایند که آن اعلیحضرت باید اشخاص کافی فعالی را که تا حال بواسطه بروز صمیمیت خودشان در رهایی مملکت خود از وضع مشکلی که دچار شده امتحانات داده‌اند مصدر کار قرار بدهد مثلاً از قبیل سعدالدوله که بعضی طرحها برای تأسیسات انتخابی در ایران ترتیب داده و در حقیقت تازه به‌وزارت امور خارجه منصوب گردیده و ناصرالملک که در موقع رئیس‌الوزراء و وزیر مالیه بودن

برای تجدید اساس مالیه ایران و قواعد مالیات آن نقشه و ترتیبی طرح نموده و بهمچنین اول نقشه‌ای که برای بودجه مرتبی کشیده شده.

(۲) در ضمن اظهار اشتیاق به دیدن تأسیس يك حکومت شوروی در ایران که لزوم آن را خود آن اعلیحضرت تصدیق نموده ولی بدون اصرار در تجدید تشکیل آن نوع حکومتی که در سنه ۱۹۰۷ الی ۱۹۰۸ دائر بوده به اعلیحضرت معظم نصیحت بشود که بدون تأخیر باكمك اشخاصی که در ماده اول ذکر شده و اعضاء مجلس شورای مملکتی حاضر و سایر اشخاص لایق شروع به تهیه قانونی برای تشکیل هیئت منتخبه جدیدی بنمایند که مطابق عادات و رسوم تاریخی اهالی ایران و عقاید مذهبی آنها باشد و رفع احتیاجات مملکت را نموده و اسباب استقرار صلح و انتظام در ایران بگردد.

(۳) و اگر شاه برای رأی قطعی خود در پیروی نصایح روس و انگلیس امتحان کافی بدهد دولتین در فراهم نمودن يك استقراض خارجی، چه مبلغ آن زیاد باشد چه کم، اعلیحضرت معظم را تقویت بنمایند مشروط بر اینکه يك کمیته مخصوصی مرکب از رؤسای بانکهای روس و انگلیس در طهران و هیئتی از ایرانیان تشکیل داده بشود که این کمیته: (۱) در مخلفات مصارف مملکت نظارت خواهد داشت و ملاحظه خواهد نمود که انحصاراً به مصرف احتیاجات مملکت برسد؛ (۲) در ترتیب دادن صورت برآورد احتیاجات اختصاصی سالیانه تمام شعبات اداره دولت نظارت خواهد نمود و بهمچنین در طریق بکاربردن این برآوردها موافق با بودجه‌ای که اداره مالیه با معیت هیئت کنترل مهیا خواهد نمود نظارت خواهد داشت. (۳) وزیر مالیه اعلیحضرت شاه را در تنقیح و ترتیب قانون مالیات تقویت خواهد نمود.

(۴) دولتین روس و انگلیس برای اینکه احساسات مودتانه خود را نسبت به ایران در يك موقع چنین مشکلی به دولت اعلیحضرت شاه ثابت بنمایند حاضر خواهند بود که از قرضی که بعدها قرار آن باید داده بشود مبلغ پنج میلیون فرانك به رسم مساعده برای دولت ایران موجود بنمایند. این مساعده بمصرف مخارج فوری که برای مقدمات اصلاحات لازم است خواهد رسید.

سن پترزبورغ، به تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۶ دی ۱۲۸۷؛ ۲۳ ذی حجه ۱۳۲۶]

نمره - ۶۴

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۲۵ ژانویه)

از طهران، ۲۵ ژانویه ۱۹۰۹

[۵ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲ محرم ۱۳۲۷]

مستشار مالیه فرانسوی در ملاقاتی که تازگی با وزیر امور خارجه نموده بود به جناب معزالیه اطلاع داده بود که به عقیده او تعیین يك نفر خزانه دار کل اروپایی و يك نفر مفتش مالیه لازم است.

اکنون سعدالدوله از مسیو بیزو درخواست نموده است که در پاریس ترتیب تعیین دونفر فرانسوی برای مقامهای مزبور بدهد و برای استقرار آنها رضایت اعلیحضرت شاه را هم تحصیل نموده است.

مسیو بیزو در این باب به وزیر مالیه در پاریس نوشته است؛ وزیر مختار فرانسه هم به دولت متبوعه خود تلگراف نموده است.

نمره - ۶۵

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری (واصله در ۲۶ ژانویه)

از سن پترزبورگ، ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۶ بهمن ۱۲۸۷؛ ۳ محرم ۱۳۲۷]

تعیین خزانه دار کل و مفتش مالیه فرانسوی

امروز مسیو ایسولسکی به من اظهار داشت که هیچ مخالفتی در این تعیینات ملاحظه نمی نماید و این دونفر مأمور را بجز فقط معاونین مسیو بیزو بودن هیچ چیز دیگری فرض نمی کنند.

نمره - ۶۶

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۶ ژانویه)

از طهران، ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۶ بهمن ۱۲۸۷؛ ۳ محرم ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل، مورخه ۲۴ شهر حال [۴ بهمن؛ یکم محرم] از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز به من رسیده: -

«انجمن ایالتی مراسله ای به قنسولها نوشته مبنی بر اینکه از قرار مسموع دولت ایرن در باب يك استقراضی بادل همجوار مذاکره نموده و لازم می دانند يك نوبت دیگر اظهار بنمایند که چون به موجب قانون اساسی برای اینطور قرضها تصویب پارلمان لازم است، ملت هیچ نوع مسئولیتی برای این استقراض بعهدہ نمی گیرد.»

نمره - ۶۷

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۸ ژانویه)

از طهران، ۲۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۵ محرم ۱۳۲۷]

وزیر امور خارجه مراسله ای به من نوشته است که به موجب آن فرع قروضی که بانک شاهنشاهی ایران به دولت ایران داده است از ۲۱ مارس از قرار اقساط ماهی

سی هزار تومان از گمرکات بوشهر که برای این مقصد مرهون است باید پرداخته بشود.

نمره - ۶۸

تلگراف سرچارچ یارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۸ ژانویه)

از طهران، ۲۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۵ محرم ۱۳۲۷]

وضع ناامنی طرق رو به ازدیاد است. طرق مابین تبریز و همدان و کرمانشاه حالا بی نهایت مغشوش است و بهمچنین طرق جنوب. رئیس کل بانک شاهنشاهی اظهار می‌دارد که نظر به مخاطره‌ای که در ارسال پول متضمن است معامله و تجارت غیرممکن شده است.

نمره - ۶۹

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن

وزارت خارجه، ۲۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۵ محرم ۱۳۲۷]

مفتش مالیه و خزانه‌دار کل فرانسوی در ایران

دولت انگلیس در نامزدشدن فرانسویان هیچ مخالفتی ندارد در صورتیکه این دو نفر در تحت ریاست مستشار مالیه شناخته بشوند (به تلگراف ۲۶ شهر حال [۶ بهمن؛ ۳ محرم] خودتان مراجعه نمایید).

نمره - ۷۰

مکتوب سرادوارد گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۳ فوریه ۱۹۰۹

[۱۴ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۱ محرم ۱۳۲۷]

آقا

مراسله مورخه ۱۷ شهر ماضی جنابعالی که در لف آن یادداشت دولت روس در باب اوضاع ایران را ارسال داشته بودید واصل گردید. من باید از جنابعالی خواستار بشوم که یادداشت جوف را که در جواب دولت روس نوشته شده برسانید.

امضا ادوارد گری

بشود که فوراً تهیه نقشه و ترتیبی برای حکومت منتخبه‌ای که مطابق عقاید و رسوم مملکتی اهالی ایران باشد بنماید.

این صلاح‌اندیشی را نمایندگان دولتی انگلیس و روس قبل از این بیش از يك نوبت به آن اعلیحضرت نموده‌اند ولی تا حال نتیجه‌ای نبخشیده و بیم آن است که شاه در بی‌اعتنائی به آن مداومت بنماید مگر اینکه بر او محقق و معلوم بشود که این رویه باعث نتایج سوئی برای خود او خواهد شد.

بنابراین دولت انگلیس پیشنهاد می‌نماید که يك موعده باید به شاه پیشنهاد شود که [برای] ایفاء نمودن به مواعید خودش از آن مدت تجاوز ننماید و باید خاطر نشان آن اعلیحضرت نمود که اگر تا يك موعده معینی يك قسم حکومت شوروی که مناسب احتیاجات مملکت باشد اعطا نشود دولتی انگلیس و روس هیچ نوع مساعدتی از هر قبیل که باشد با او ننموده و در سبک رفتار خود نسبت به آن اعلیحضرت تجدید نظر نموده و برای حفظ منافع خود اقدامات خواهند نمود.

۳) دولت انگلیس تصور می‌کند که در مسئله استقراض بهیچ وجه عجله‌ای لازم نیست و بهتر آن است به عهده تعویق گذارده بشود تا راپورت مستشار مالیه صادر بگردد که از قرار معلوم محتمل است در عرض چند هفته دیگر حاضر بشود. اگر آن راپورت مبنی بر این باشد که برای تجدید استقرار اعتبار ایران يك استقراض خارجی لازم است شرایطی که بموجب آن ممکن است يك مساعده‌ای پرداخته بشود باید در تحت مذاقه عمیق آورده بشود. دولت انگلیس آنچه را که از قبیل يك استقراض عمده باشد رد خواهد نمود و تا يك مجلس منتخبه‌ای يك همچو معامله‌ای را تصویب ننماید نمی‌تواند پرداخت هیچ مبلغی از این باب را قبول بنماید.

دولت انگلیس تصور می‌کند که مسئله کنترل نیز ممکن است به عهده تعویق گذارده بشود تا حکومت شوروی واقعیت حاصل بنماید ولی به عقیده دولت مشارالیه‌ها باید مقصود این باشد که به يك نوعی به مجلس جدید حق نظارت بر مالیه داده بشود مثلاً بوسیله تأسیس يك دیوان محاسباتی که بتوسط متخصصین خارجه‌ای تشکیل بشود. به هر صورت اگر اعلیحضرت شاه رأی قطعی خود را بر این قرار بدهد که فوراً يك خزانه‌دار کل تعیین بنماید دولت انگلیس مخالفتی نخواهد داشت.

۴) دولت انگلیس تصور می‌کند پول قرض دادن به شاه با این اوضاع کنونی به منزله يك نمایشی بر علیه [= علیه] مشروطه‌خواهان و در مساعدت با سلطنت شخصی اعلیحضرت معظم محسوب خواهد شد و باعث مداخله در امورات داخلی ایران می‌شود. بعلاوه، دولتی یگانه تسلطی را که به آن اعلیحضرت داشته‌اند بدون بدست آوردن چیز دیگری به جای آن از دست داده‌اند.

از وزارتخانه، ۳ فوریه ۱۹۰۹

[۱۴ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۱ محرم ۱۳۲۷]

نمره - ۷۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۶ فوریه)

از طهران، ۶ فوریه ۱۹۰۹

[۱۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۴ محرم ۱۳۲۷]

وضع آذربایجان

مستر راتیسلا از تبریز راپورت می‌دهد که مراسلات از طرف عین‌الدوله به بسیاری از اشخاص نوشته شده و در آن مراسلات اظهار میل به ملاقات آنها برای قرار صلح شده. این مراسلات رجوع به انجمن شده و انجمن در جواب اظهار داشته‌اند که نماینده نزد عین‌الدوله نمی‌تواند بفرستند ولی اگر معزایلیه نماینده‌ای بفرستد برای پذیرفتن او با کمال شغف حاضرند.

نمره - ۷۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۹ فوریه)

از طهران، ۹ فوریه ۱۹۰۹

[۲۰ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۷ محرم ۱۳۲۷]

اغتشاش در رشت

قنصل روس از رشت به وسیله تلفن به مسیو سبلین [= سابلین] خبر داده که دیروز شورش‌طلبان به دارالحکومه حمله برده‌اند، حاکم مقتول گردیده و قشون در قنصل‌خانه روس پناهنده شده‌اند. وضع به نظر خیلی سخت می‌آید. مخابرات تلگراف با طهران مقطوع گردیده. ما به دولت ایران اصرار داریم یک حاکمی که مقبول اهالی باشد تعیین نموده و اقدامات برای اعاده نظم منافع انگلیس و روس بنمایند.

نمره - ۷۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۰ فوریه ۱۹۰۹)

از طهران، ۱۰ فوریه ۱۹۰۹

[۲۱ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۸ محرم ۱۳۲۷]

وضع رشت

در تعقیب تلگراف دیروز خودم، از قرار مسموع شهر در تصرف شورشیان است. مجالتاً خارجه‌ها [= خارجیها] هیچ در خطر نیستند و حکومتی موقتی تشکیل داده شد.

نمره - ۷۴

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۱ فوریه)

از طهران، ۱۱ فوریه ۱۹۰۹

[۲۲ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۹ محرم ۱۳۲۷]

وضع آذربایجان

عین الدوله دعوتنامه جدیدی نزد ملتیان تبریز فرستاده که نماینده نزد او بفرستند که در باب صلح قراری داده شود و به آنها تأکید نموده است که مستقیماً با شاه ترتیب اصلاح را بدهند.

سوارهای قره داغی راه جلفا را مسدود نموده اند.

وضع ملتیان در تبریز ظاهراً بالنسبه اطمینان بخش نیست و نان در شهر نایاب است. با مسدود بودن طرق قزوین و مراغه و جلفا آنچه من استنباط می نمایم حالیه تقریباً راه آذوقه تبریز بکلی مقطوع است.

نمره - ۷۵

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۲ فوریه)

از طهران، ۱۲ فوریه ۱۹۰۹

[۲۳ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۰ محرم ۱۳۲۷]

يك بیان نامه یا امضای بسیار که معلوم است از طرف دسته ملتیان طهران است نزد من فرستاده شده و مشعر بر این است که بدون تصویب مجلس هیچ استقراضی مستقیم یا غیر مستقیم و هیچ امتیازی مقبول و پذیرفته نخواهد بود.

نمره - ۷۶

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۴ فوریه)

از طهران، ۱۴ فوریه ۱۹۰۹

[۲۵ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۲ محرم ۱۳۲۷]

تلگرافی از انجمن محلی اصفهان به من رسیده که سواد آن را هم به سایر سفارتخانه ها فرستاده اند و از من خواش نموده اند به مقامات لازمه اطلاع بدهم که پس از فداکاریها و جانفشانیهای ملت هیچ نوع تنفییری در ترتیب مشروطه سابق نباید داده بشود.

نمره - ۷۷

مکتوب سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۵ فوریه)

از طهران، ۲۰ ژانویه ۱۹۰۹

[۳۰ دی ۱۲۸۷؛ ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا

مسیو بیزو به من اظهار می‌دارد که اکنون دولت ایران ابراز میل واقعی به تقویت او برای تحقیقات در وضع مالیه نموده است. بالاخره ملتفت شده‌اند که هر شرایط دیگری هم که برای مساعدت مالی دولتین معین بشود شرط ناگزیر است که وضع حقیقی مالیه به مسیو بیزو روشن و آشکار گردد. اکنون به دو نفر از اجزاء کافی وزارت مالیه اجازه داده‌اند که به مشارالیه مساعدت بنمایند و در هفته سه روز برای این امر با هم ملاقی می‌شوند. تا این اواخر مقصود مسیو بیزو این بود که بودجه کلیه‌ای ترتیب بدهد ولی هرچه در تحقیقات خود پیشتر رفته است بیشتر مطمئن شده است که با این چرخ کنونی اداره مالیه که متضمن نواقص اساسی است که بواسطه عدم مرکزیت حادث شده مجاهدات در به موقع اجراء گذاردن يك بودجه‌ای بی‌فایده است. آنچه را که مسیو بیزو می‌گوید لازم است، خزانه‌داران محلی است که حالا در تحت اراده حکام ایالات هستند و باید بکلی از تحت سلطه و قدرت آنها خارج شده و فقط در تحت فرمان وزیر مالیه برقرار بشوند. این امر را فقط بوسیله داخل شدن مأمورین غیر ایرانی در این اداره می‌توان به موقع اجراء گذارد و مسیو بیزو تصور می‌کند بهترین طریق این است که دو نفر اروپایی به سمت خزانه‌داری کل و مفتشی مالیه تعیین بشوند. هیچ ایرانی به حد کفایت قدرت نخواهد داشت که با خزانه‌داران ولایتی بقدر لزوم تقویت بنماید که بتوانند در مقابل تقاضاهای غیرمشروع حکام مقاومت بنمایند. با اقتداری که به این طریق در دست شخص کافی جمع بشود و با اجزایی که حقوق مکفی مرتب به آنها داده بشود هر نوع دلیلی برای امید داشتن به امکان اجراء يك بودجه‌ای موجود خواهد بود (این مسئله قابل توجه است که در هیچیک از صورتهایی که برای تعیین مواد مخارج به مسیو بیزو داده شده هیچ اسمی از پرداخت حقوق مستخدمین برده نشده مگر آنهایی که در خدمات دیپلماسی و کنسولگری اشتغال دارند و حقوق اینها هم خیلی به تعویق افتاده).

مسیو بیزو اطلاع داده که حالا توجه خود را به این مسئله معطوف داشته که اگر اداره مالیه به اینطور رفورم بشود مصارف آن چقدر خواهد بود. بهر صورت اداره مزبور يك قسمت قلیلی از چهار صد هزار لیره‌ای را که به دولتین پیشنهاد شده که به رسم مساعده بدهند لازم خواهد داشت.

در ضمن ملاقاتی که مسیو بیزو اطلاعات فوق‌الذکر را به من داد از من سؤال نمود که آیا هیچ تبادل نظریاتی در باب اینکه يك مساعدت مالی با دولت ایران بشود بین دولتین واقع شده است. من به مشارالیه جواب دادم تا حدی را که من می‌دانم درمسلك دولت انگلیس هیچ تغییری حاصل نشده و فقط هنوز حاضر هستند که در باب چهار

صد هزار لیره مساعده مشترکه اعماق نظر بنمایند در صورتی که تأمینات کافیه برای مصارف بقاعده از پول حاصل بشود. این هم فقط وقتی میسر خواهد شد که ترتیب حکومت شوروی منظمأ در جریان باشد.

من با مسیو استراگراوسکی نماینده مالیة روس هم مذاکره نموده‌ام و در باب لزوم مرکزیت اداره مالیه در تحت يك نفر اروپایی ماهر با مسیو بیزو موافقت کامل را داشته. با يك دقتی در جمع و خرج ممکن نیست بتوان گفت که کسر سالیانه کنونی چه مبلغ است. بموجب حسابی که مسیو بیزو و مسیو استراگراوسکی موثق تصور می‌کنند اگر مالیات مدیونی به حکومت مرکزی پرداخته بشود امسال پس از وضع مخارج ولایات مبلغ پنج میلیون و ششصد و دوازده هزار تومان باید به دولت عاید بشود. اگر چه هیچ صورت مخارج موثقی عرضه نشده ولی مسیو استراگراوسکی تصور می‌کند که مخارج بالغ بر پانصد هزار لیره از مالیات زیادتر است.

امضا جارج بارکلی

نمره - ۷۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سرادوار دگری (واصله در ۱۵ فوریه)

از طهران ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۶ بهمن ۱۲۸۷؛ ۳ محرم ۱۳۲۷]

آقا

در عرض ماه دسامبر بواسطه جرائمی که معدل الممالک نایب‌الحکومه معمول داشته و کلیتاً روش متعدیانه‌ای که اقبال الدوله فرمانفرمای اصفهان در اداره کردن امور بکار می‌برد بی‌قراری و انقلاب معتناپی در بین اهالی اصفهان ظاهر گشت.

انقلابی که به تشویق و تا حدی به طرح ریزی علماء حادث شده بود در ۲۸ دسامبر [۷ دی ۱۲۸۷؛ ۴ ذی‌حجه ۱۳۲۶] منجر به این شد که يك جمعیت تقریباً دویست نفری که غالب آنها کسبه طبقه دانی بودند برای تحصن جستن در جنرال قنسولگری انگلیس اجماع نموده بودند. همینکه مستر گرهم از پذیرفتن مخالفین امتناع نموده بود آنها تلگرافی مبنی به شکایت و تظلم خودشان به مستر گرهم تسلیم نموده بودند که برای تقدیم داشتن به شاه نزد من بفرستد و خودشان به مسجد شاه رفتند. در عرض روزهای متعاقب آن، بواسطه ورود جمع کثیری از اهالی قراء حوالی برای ملحق شدن به هیجان، جمعیت در مسجد زیاد شد. روز ۳۱ [۱۰ دی ۱۲۸۷؛ ۷ ذی‌حجه ۱۳۲۶] صبح زود بعضی اشخاص در جنرال قنسولگری روس پناهنده شدند. در ضمن ایالت و علماء عمده مشغول مذاکره صلح و اعاده نظم بودند و شاید اگر صبح دوم شهر حال ضرغام السلطنه با يك استعداد قریب صد نفر بختیاری وارد شهر نشده و برای ملحق شدن به مردم در مسجد پیش نرفته بود صورت اصلاحی در اوضاع حاصل می‌شد.

علیهذا حکمران به قشون خود فرمان داد که به جمعیت شلیک کنند و در عرض مدت مجادله که در قسمت بیشتر روز ممتد بود قریب بیست نفر مقتول و يك عده کثیری مجروح شدند که اغلب آنها تماشاچیان بی گناه بودند. حسب الامر حکومت نیز به مسجد توپ بسته شد ولی با اینکه يك قسمت از بنای آن خراب شد هیچ تلفات جانی واقع نگردید. قبل از غروب ضرغام السلطنه مقامهای مهم نظامی شهر را به تصرف در آورده بود - سوای توپخانه - و حکومت از مجاهدات زیادتر برای فائق آمدن به بختیاریها مأیوس شده سربازان خود را به غارت بازارهای حوالی دارالحکومه فرمان داد. قریب هشتصد دکان را غارت نمودند. مبلغ خسارت وارده مابین دویست الی پانصد هزار لیره تخمین شده. این هم باید ذکر بشود که به هیچ يك از تجارتخانه های انگلیسی هیچ خسارت مستقیمی وارد نشده. حاکم با کارگزار و سایر مأمورین محلی در غروب همان روز به جنرال قنسولگری انگلیس پناهنده شدند. يك عده از نوکران و سربازان فوج ملایر هم روز بعد تحصن جستند. روز بعد از آن، يك عده بختیاری دیگر در تحت سرکردگی منتظم الدوله وارد شدند. در عرض آن روز بختیاریان دارالحکومه و توپخانه را هم تصرف نمودند سربازانی که تا آنوقت در تحت امر حکمران بودند یا از شهر خارج شده یا در جنرال قنسولگری انگلیس متحصن شدند. صبح روز چهارم دارالحکومه را بکلی غارت نمودند و عصر صمصام السلطنه با تقریباً هشتصد نفر بختیاری وارد شهر شده و جمعیتی که مرکب از تمام طبقات مردم بود با فریادهای بشاش و صداهای تهنیت و تمجید او را پذیرفتند.

در نتیجه مخابرات تلگرافی حضوری که شارژ دافر روس و من با مستر گرهم و جنرال قنسول روس در سوم شهر حال [داشتیم] ما به شاه اصرار نموده بودیم که اقبال الدوله را از حکومت معزول نموده و مقام حکومت را موقتاً به صمصام السلطنه تفویض بنمایند. بعلاوه اظهار داشته بودیم که دولت ایران برای جان و مال اتباع ما مسئول خواهد بود. با وجود تجدید اظهارات ما در پنجم اعلیحضرت معظم به عذر اینکه به صمصام السلطنه اطمینان ندارد از قبول این مسئله امتناع نمود.

روز متعاقب آن شاهزاده فرمانفرما به حکومت تعیین شد و قرار براین شد که قبل از عزیمت نواب معظم يك نایب الحکومه باتفاق سیصد نفر بختیاری بفاصله چند روز حرکت بنمایند. اینها در سیزدهم شهر حال [۲۳ دی؛ ۲۰ ذی حجه] حرکت کردند.

در ملاقاتی که من و همکار روسیم با شاهزاده فرمانفرما نمودیم در موضوع سبک روش خودمان در این مسئله در جواب نواب معظم اظهار داشتیم که منظور ما فقط استقرار صلح و سلم است و به قنسولهای خودمان تعلیمات داده ایم که به صمصام السلطنه بگویند که برای نگهداری نظم نظر ما به او است و نیز به او تاکید بنمایند که هیچ نوع اقدامی که منافعی با تصفیة مشکلات حاضره باشد ننمایند. صمصام السلطنه در ضمن صحبت خودش با مستر گرهم بیش از يك نوبت مقاصد مطیعانه و صلح خواهی خودش را اظهار داشته و از اینکه خودش را حکمران اصفهان قرار داده باشد مؤکداً انکار نموده. او اظهار می نماید که بمحض اطمینان حاصل نمودن برای تأمین شخصی

خودش و بعد از آنکه حقوق مشروطیت اهالی اصفهان را که استحقاق آن را هم دارند حاصل بنماید او مایل به رجعت است ولی او نیز اظهار می‌دارد که اگر استعداد مسلحه‌ای به مقابله او یا آن شهر اعزام بشود نه او اهالی اصفهان را ترك خواهد کرد و نه آنها او را.

از زمان ورود او به اصفهان نظم مستقر بوده و مستحفظین بختیاری برای حراست تجارتخانه‌های خارجه گماشته شده و عده بختیارپها اکنون قریب هزار و پانصد نفر است. يك انجمن موقتی تشکیل داده شده و برای مذاکره در پیشنهادات راجع به انتخاب منعقد گردید و برای مصارف بختیارپها بیست هزار تومان به ضمانت تقریباً چهل نفر از رجال قرض شده که در عرض بیست روز از محل مالیات مسترد بگردد. اگر چه می‌توان گفت که اصل اساس هیجان در بدایت امر شکایات کسبه و اهالی دهات اطراف بوده - خصوصاً در موضوع مالیات اراضی (شکایاتی که بختیارپها هم در آن سهیم بوده) - ولی نمی‌توان چندان شك داشت که به سهولت تصرف شدن شهر باعث جرئت صمصام السلطنه شد که موقع را مغتنم شمرده از آن استفاده مطلوبی نموده و مقام ریاست خود را در ایل مستحکم و مسلم بدارد. مشکل‌تر آن است که درجه احساسات ملت خواهی که محرك سرکردگان بختیاری شده تخمین ی‌شود اگرچه بموجب اطلاعات اخیرتری که به من رسیده واضح است که صمصام السلطنه حالا حامی و طرفدار ملیون شده.

من نیز باید اطلاع بدهم که مسترگرهم يك تأمین‌نامه کتبی برای اقبال‌الدوله از انجمن محلی صادر نموده و از صمصام السلطنه هم قول شفاهی گرفته که سوار بختیاری برای بدرقه او بدهد ولی به این شرط که خود مستر گرهم يك منزل باتفاق او برود و يك نفر از گماشته‌های قنسولگری را تا منزل دوم همراه او روانه بنماید. معزی الیه راضی شده بود که روز بیست و چهارم شهر حال از جنرال قنسولگری انگلیس حرکت بنماید. بهر صورت نظر به سابقه اعمال حکمران و بجهت اینکه برای تأمین او حتی‌الامکان مسئولیت دولت انگلیس را محدود بنمایم من صلاح ندیدم که پیشنهاد مستر گرهم برای مشایعت او با اقبال‌الدوله را تصویب بنمایم. الحال به همه جهت قریب دویست نفر در آنجا پناهنده هستند. مسترگرهم در متقاعد نمودن يك عده از متحصنین برای خروج از آنجا موفق شده چون اصلاً قریب پانصد نفر سرباز و سایر متحصنین در جنرال قنسولگری پناهنده بودند که با زحمت بسیار در تحت نظم نگاهداشته شده بودند.

امضا جارج بارکلی

نمره - ۷۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۵ فوریه)

از طهران، ۲۷ ژانویه ۱۹۰۹

[۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۴ محرم ۱۳۲۷]

آقا

در تعقیب مراسله مورخه ۳۰ دسامبر خودم با کمال افتخار اطلاع می‌دهم که در اوایل این ماه قشون تبریز ملیون شکست فاحشی از حاکم مراغه خوردند و اکثر آنها به تبریز مراجعت نمودند. در عرض دو هفته اول ماه مجادلات مختصره بین ملیون و قشون عین‌الدوله و حاکم مراغه معتد بود ولی بدون نتیجه کامل، و از ۱۶ شهر جاری [۲۶ دی؛ ۲۳ ذیحجه] سوای يك جنگی یا ایل ماکوئی تقریباً در ۲۳ شهر حال [۳ بهمن؛ ۳۰ ذیحجه] در حوالی جلفا که منجر به تفوق و کامیابی گردید هیچ خاصه دیگری واقع نشده و ستارخان به استمداد خود امر نموده که در داخل شهر تبریز بمانند. این امر باید به شدت سختی هوا نسبت داده بشود.

یکی از پروژات جالب توجه دیگر تدبیرات ملیون که متضمن اثرات بعیدالامتداد است تقاضای انجمن ایالتی برای پرداخت عایدات مخابرات داخلی از سیم کمپانی هندواروپ به آنها بوده. بواسطه این تقاضا چند روزی مخابرات داخلی از سیم مزبور معوق شد ولی بنا به تهدید انجمن ایالتی که اگر عایدات به آنها پرداخته نشود سیم را مقطوع خواهند داشت نماینده کمپانی رضایت اداره لندن را برای افتتاح مخابرات داخلی حاصل نمود و رئیس کمپانی در طهران برای تحصیل اجازه در موافقت با تقاضای انجمن به وزیر تلگراف مراجعه نمود و اخطار نمود که اگر قصوری در این باب بشود و سیم قطع بشود او مجبور خواهد بود که روزی پانصد لیره خسارت از دولت مطالبه بنماید چونکه اخلاف در این امر باعث اختلال مخابرات بین‌الملل خواهد شد. اگر چه قرارداد کتبی در این باب نشد ولی وزیر تلگراف بطریق غیر رسمی در قبول شرایط ملیون با کمپانی موافقت نمود و در اوایل ماه مخابرات مفتوح گردید.

امضا جارج بارکلی

نمره - ۸۰

مکتوب سر جارج بارکلی به سراداردگری (واصله در ۱۵ فوریه)

از طهران، ۲۷ ژانویه ۱۹۰۹

[۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۴ محرم ۱۳۲۷]

آقا

در موقعی که من تلگراف هشتم شهر حال خودم را مخابره نمودم نظر من به این نکته بود که هر يك روزی که اعاده حکومت شوروی به تأخیر بیفتد احتمال اینکه دولت ایران خود بتواند از این هرج و مرج متزاید بیرون آمده و انتظامی مستقر نماید کمتر خواهد شد.

در آن تلگراف من شرح داده بودم که امکان دارد سایر طوایف خصوصاً قشقائی و کلهر همین روش بختیاری را تعقیب بنمایند و شیراز و کرمانشاه را تصرف بنمایند.

علی‌الظاهر اکنون داودخان رئیس کلهر طرح آشتی با مأمورین کرمانشاه ریخته و بموجب راپورت واصله از قنصل انگلیس مقیم شیراز الحال صولت‌الدوله ایلخانی قشقائی به حرکت و اقدام بی‌میل است ولی به عقیده مستر بیل اگر میلی به اهتمام و عمل داشته باشد تمام قدرت در دست اوست و چنانچه او بخواهد به همچشمی بختیاری به شیراز تاخت و تهاجمی بیاورد هیچ چیزی نیست که او را ممانعت کند. گرچه هنوز علائمی مشهود نگردیده که بر من معلوم بدارد که سایر ایلات به بختیاری تاسی خواهند جست ولی تا به حال پروزاتی هم بوده است که دلالت بر زیاد شدن مخاطرات بضد قدرت شاه می‌نماید. اینقدر که نظر من به هیجان ملیون است به وضع هرج و مرج متزاید دائمی که تقریباً در تمام مملکت جاری است و باعث قطع تردد طرق عمده جنوب به پایتخت هم گردیده و تجارت را تهدید به تعطیل می‌نماید نیست.

بهموجب اطلاعات سفارت روس، علاوه بر انقلاب آذربایجان در ولایات ساحل بحر خزر هم این جنبش ملی ظاهراً در طغیان است و حتی حاکم استرآباد در یاب امکان اتحاد پنج ولایات ساحل بحر خزر و تشکیل دادن يك مملکت مستقل به قنصل روس اشاره نموده. در عرض چند روزه ماضی همدان و قزوین منظره هیجانهای ملیون بوده و حاکم همدان مستعفی شده و انجمن ولایتی تشکیل داده شده. به موجب راپورتهای واصله از شیراز، در جنوب مجتهد عمده سید حسین لاری با متابعین کثیره خود خروج نموده و در ولایت لار علناً کوس یاغیگری می‌زند. در اصفهان اداره محلی مثل تبریز یکنی از حکومت مرکزی مجزا و مستقل است. فرمانفرما هیچ علامت میلی در رفتن به مأموریت خود ظاهر نمی‌داد و اگر چه از اعزام قشون مذاکره است ولی محل شبهه است که آیا حرکت داده خواهند شد و باضافه آیا با وقوع جدالی بین خودشان به اصفهان خواهند رسید یا خیر. سیصد نفر یا همین قدرها بختیاری که در دو هفته قبل از طهران به عزم اصفهان حرکت کردند معلوم نیست از قم تجاوز نموده باشند و از آنجا در صدد مذاکره صلح با هم‌قبیله‌های خودشان که در اصفهانند هستند. در تبریز هم اگر چه قشون چریک شاه در این اواخر فی‌الجمله مظفریتی حاصل نموده بودند ولی از اینهم چندان انتظار نتیجه نمی‌توان داشت بجز اینکه طریقه صلح را مشکل‌تر بنماید. طهران آرام مانده است ۱۷. خطر در این‌جا است و شاید در قشون حقوق نگرفته دور شاه احتمال مخاطره بیشتر از ملیون است زیرا که آنها با هم اتفاق و اتصال نداشته و اظهارات عدم رضایتشان اگر چه بی‌شک عمومی است ولی تا اندازه‌ای با جدیت و ثبات عزم نمی‌باشد.

اگر چه پروزات و مال این اوضاع هرج و مرج کنونی را نمی‌توان درست‌پیش‌بینی کرد ولی واضح است هر روزی که بدون ایفاء شاه به تعهدات خودش می‌گذرد طریق اصلاح امور را صعب‌تر نموده و مخاطرات تاج و تخت محمدعلی و استقلال و تمامیت مملکت او را زیادتر می‌نماید. کسی ممکن است از امکان وجود و جریان حکومت

شوروی در تحت شاه حالیه شك داشته باشد ولی لااقل متحتم است که مادامی که محمدعلی به تخت سلطنت جلوس دارد ایران بدون حکومت شوروی نمی‌تواند اسباب نجات خود را فراهم بیاورد.

مسیو ایسولسکی تشکیک می‌کند از اینکه آیا اعطای مشروطه فقط چندان فایده‌ای خواهد بخشید یا خیر. واضح است که آن بالنفسه برای تبدیل هرج و مرج به انتظام کامل کافی نخواهد بود مع‌هذا متضمن بهترین وسیله بهبودی اوضاع است. هر نوع مجاهدتی در نگهداری استبداد کتونی بوسیله مساعدت مالی که توأم با اصلاحات باشد ناقص و بی‌حاصل خواهد بود مگر اینکه حاوی ترتیب مخصوصی برای کنترل بتوسط خارجه بوده باشد.

چیزی که الحال بغوریت لازم است این است که تا حدی استرضای خاطر ملیون حاصل بشود. اگر چه ممکن است موقع این‌گذشته باشد ولی اگر شاه مجلس ملی تشکیل بدهد و در ضمن عفو عمومی هم اعطا و اعلان نماید اقلاً احتمال قوی می‌رود که تبریز و اصفهان به اطاعت خود اعاده نمایند و سایر رؤسای جاه‌طلب ایلات هم از بهانه تقلید و تاسی نمودن به صمصام‌السلطنه محروم بشوند. به این طریق اوضاع را می‌توان التیامی داد و مجالی برای اجرای اصلاحات الزم که دافع هرج و مرج عمومی باشد از قبیل تجدید تشکیلات اداره مالی و تأسیس ژاندارمری و پلیس بقاعده داده بشود. اگر امیدوار باشیم که بدون مساعدت پولی و تعلیمی خارجه اینطور اصلاحات بعمل خواهد آمد بی‌فایده است چونکه هر قدر این مسئله صحت هم داشته باشد که اگر اعاده نظم می‌شد و مالی هم بترتیب صحیح اداره می‌شد مالیات برای احتیاجات دولت کافی می‌بود مسلم است با ترتیبات امروزه برای اصلاحات در ایران پول‌بندست نخواهد آمد و بهمین قسم اشخاصی هم که از عهده اداره نمودن اصلاحات برآیند معقودند.

اگر باید به حکومت شوروی فرصت و میدان منصفانه‌ای داد بمحض اینکه اساس جدید مشغول کار بشود باید برای ایران پول تحصیل کرد. شاه راضی شده است که تعیین يك نفر خزانه‌دار کل و يك نفر مفتش برای وزارت مالیه را قبول بنماید و این اقدامی است که اگر متخصصین به تقویت پارلمان موفق بشوند مثمر واقع خواهد شد. معلمین خارجه برای ژاندارمری و پلیس و متخصصین خارجه برای بعضی از وزارتخانه‌ها لازم خواهد بود. حقیقتاً امکان اصلاحات بدون نظارت خارجه نه فقط منحصر به این است که آیا بتوان شاه را حاضر نمود که به راستی و صداقت با يك پارلمانی کار بکند بلکه بهمین هیچ مربوط به این است که آیا يك پارلمان ایرانی می‌تواند خود را راضی بنماید که به معاضدت و تقویت مأمورین خارجی عمل بنماید یا خیر. از هیچ بابت تجربه مجلس گذشته اطمینان بخش نبود ولی اشخاصی که پیش از من بصیرت دارند به من همه می‌فهمانند که طبقات تربیت شده تر بین ملیون حالا درك نموده‌اند که مستشاران خارجه اقلاً تا يك مدتی لازم خواهند بود. لیکن این مسئله راجع به آتیه است و حالا عجله‌ای ندارد. فعلاً احتیاج فوری به مقتضای منافع مملکت

و مصالح اصل عدم مداخله این است که باید بدون دفع وقت شاه را به ایفاء مواعید خودش بازداشت و در ضمن اعطای عفو عمومی بنماید. انحراف جزئی از این قاعده عدم مداخله در این موقع ممکن است که از لزوم مداخله بزرگتر بعدها جلوگیری بنماید.

امضا جارج بارکلی

نمره - ۸۱

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ فوریه)

از طهران، ۲۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۵ محرم ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار خلاصه وقایع اتفاقیه ایران در عرض چهار هفته ماضی را لفا ارسال می‌دارم.

امضا جارج بارکلی

ملفوفه در نمره ۸۱

وقایع ماهانه

طهران

تغییرات وزارتی

در پنجم ژانویه [۱۵ دی؛ ۱۲ ذیحجه] سعدالدوله به جای علام‌السلطنه به وزارت خارجه منصوب گردید.

دو برادر مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک از وزارت عدلیه و معارف در عرض این ماه استعفاء نمودند. نظام‌الملک به وزارت عدلیه منصوب شده و مهندس‌الممالک وزارت معارف را ضمیمه فواید عامه‌ای که قبل از این مفوض به خودش بود نموده.

بنابراین ترکیب کابینه از قرار ذیل است:

رئیس‌الوزراء و وزیر داخله: مشیرالسلطنه

وزیر امور خارجه: سعدالدوله

وزیر جنگ: سپهسالار امیربهادر جنگ

وزیر عدلیه: نظام‌الملک

وزیر معارف و فواید عامه: مهندس‌الممالک

وزیر تلگراف: مخبرالدوله

وزیر دربار: سلطانعلی‌خان وزیر دربار

در ۸ ژانویه [۱۸ دی؛ ۱۵ ذیحجه] يك نفر از ملیون به‌شیخ فضل‌الله مجتهد

مرتجع نامی گلوله زده و ران او را مجروح نموده. ضارب دستگیر شده و اکنون در تحت استنطاق است.

۱۲ ژانویه [۲۲ دی؛ ۱۹ ذی‌حجه] تقریباً سیصد نفر بختیاری در تحت سرکردگی سردار ظفر برادر کوچک‌تر صمصام‌السلطنه بطرف اصفهان عزیمت نمودند. سردار معتضد نایب‌الحکومه فرمانفرما هم در همانوقت به‌عزم اصفهان حرکت کرد. محرم که ماه عزاداری است در ۲۴ شهر حال [۴ بهمن؛ ۱ محرم] شروع شد.

۲۸ ژانویه ۱۹۰۹

امضا ج.پ. چرچیل

رشت

سردار امجد از زمان مغلوبیت خودش از اهالی طالش در انزلی بوده و در صدد قرض کردن پول برای تهیه يك استعداد جدیدی بر آمده ولی موفق نشده. سپهدار اعظم که چند ماه قبل به‌سرکردگی قشون شاه به‌مقابله تبریز بوده به میلیون ملحق شده و به لنگرود سوار فرستاده که در آنجا انجمن محلی تأسیس بنمایند. سواد حکم علماء کربلا که اهالی ایران را به پرداختن مالیات به‌شاه امر نموده‌اند در رشت منتشر شده.

استرآباد

بموجب راپورتهای اخیر از قنصل روس مقیم استرآباد هیجان ملیون در آنجا خیلی شدت دارد.

مشهد

در صورتیکه هیجان ملی حقیقی خاتمه پذیرفته ولی بعضی ملیون صلح‌ناپذیر باعث اغتشاشات معتنا‌ب‌هی شده‌اند.

یزد

طرق به یزد در کمال ناامنی باقی است و سرقتها جدید بسیار راپورت داده شده. جاده کرمان از این حیث بدترین طرق است. دائماً مزاحم حال پارسیان می‌شوند و همه‌چیز معلوم می‌شود که عموماً هیچ‌وقت از خوف صدمه و تعرض در آسایش و رفاه نبوده‌اند.

کرمان

سرحد کرمان از طرف غربی الی شمالی بکلی مسدود است. پست‌ها و هر قافله‌ای که در صدد عبور بوده‌اند مرتباً سرقت شده‌اند. يك مقدار کثیری امانات از بندرعباس در دولت‌آباد معطل مانده و میسر نمی‌شود که به رفسنجان برسد. قنصل انگلیس به

تاریخ ۱۰ دسامبر می‌نویسد که در عرض پانزده روز هیچ پست از بندرعباس وارد نشده.

شیراز

سرقت‌های بسیار در طرق و در شهر واقع شده. ظاهراً برادران قوامی در قشون‌کشی خودشان بر علیه لاریها چندان پیشرفت زیادی ننموده‌اند. قنسول انگلیس تصور می‌کند که اگر صولت‌الدوله رئیس قشقائی میل به اهتمام و اقدام داشته باشد قدرت در کف اوست و هرگاه اراده او در مهاجمه به شیراز تعلق بگیرد هیچ‌کسی نیست که او را از این اراده جلوگیری بنماید.

خلیج فارس

بوشهر

مکاریانی که در اواخر نوامبر از بوشهر به عزم شیراز حرکت کردند مراجعت به بوشهر نموده و راپورت دادند که چون جاده بین‌کازرون و شیراز ناامن بود محمولات خود را در کازرون گذارده و برای گرفتن حمل دیگر به بوشهر معاودت نموده‌اند. از قراری که راپورت داده‌اند تلگرافی از طهران به نایب‌الحکومه رسیده است که به او تعلیمات داده شده که دیوان عدالتی به جای انجمن مشاوره محلی در آنجا تأسیس بنماید. بنابراین او در صدد است که نماینده‌های اصناف و طبقات مختلفه مردم را احضار بنماید بقصد اینکه برای دیوان مزبور اعضائی انتخاب بشود.

امضاء ماژور استکس اناشه‌میلیتر

نمره - ۸۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله ۱۵ فوریه)

از طهران، ۱۵ فوریه ۱۹۰۹

[۲۶ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۳ محرم ۱۳۲۷]

تبریز

رجوع به تلگراف ۱۱ شهر حال من

به عقیده مستر راتیسلا، ذخایر غله در تبریز برای صرف دو ماه دیگر شهر باقی خواهد بود.

نمره - ۸۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۵ فوریه)

از طهران، ۱۵ فوریه ۱۹۰۹

[۲۶ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۳ محرم ۱۳۲۷]

اوضاع آذربایجان

مستر راتیسلا راپورت می‌دهد مذاکرات بین عین‌الدوله و ملیون که در تلگراف یازدهم شهر جاری خودم اطلاع داده‌ام متروک شده است.

نمره - ۸۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۶ فوریه)

از تهران، فوریه ۱۹۰۹

[۲۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۴ محرم ۱۳۲۷]

همکار روسی من تلگرافی به دولت متبوعه خود مخابره نموده که مفاد آن از قرار

ذیل است:

«نظر به اهمیت اوضاع مملکت خود شاه تصدیق دارد که مداومت در مسلك پرآسیب کنونی برای او غیرممکن است. اعلیحضرت معظم صلاح‌اندیشی من را خواستار شده ولی من نمی‌توانم برای او مصلحت‌بینی که متضمن نتیجه واقعی باشد بنمایم. تأخیر در اعطاء مشروطیت تولید وضعی نموده است که برای شاه حاوی بسی مشکلات است که بتواند ملت خود را بوسیله اقدامات مجمله ساکت بنماید. يك مشروطه معتدلی هم که در چهار ماه قبل امکان داشت باعث اقناع بشود اکنون تبریز و اصفهان و رشت را راضی نخواهد نمود. مردم از ضعف شاه در تسلیم شدن خیلی خوب مطلعند و فقط بواسطه اجتماع قشون به پایتخت است که شاه به سریر سلطنت باقی مانده.

من تصور می‌کنم تردید شاه تا يك حد زیادی مربوط به عدم اطمینان او به این مسئله است که کابینه دولتی چه نوع اصلاحاتی را پیشنهاد خواهند نمود و اگر نماینده‌های دولتی دستورات مسلم رسمی می‌داشتند خیلی سهل‌تر از این می‌توانستند شاه را بوسیله صلاح‌اندیشی دوستانه متقاعد به اعطای مشروطه بنمایند که او البته پیروی با آن را به از دست دادن همراهی معنوی و گرانبهای دولتی و یحتمل تاج و تخت خودش مرجح بدارد.»

من با عقیده مسیو سبلین [= سابلین] موافقت دارم و تصور می‌کنم که مخاطره مهمی در از دست رفتن تخت و تاج برای شاه موجود باشد مگر اینکه بتوان او را متقاعد نمود که از دسته ارتجاعی جدا شده و خود را سر دسته هیجان ملیون قرار بدهد. من می‌ترسم که حالا او برای آنچه می‌کند در خطر باشد ولی بهترین امید سلامتی او منوط به همین مسئله است.

نمره - ۸۵

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۶ فوریه)
 از طهران، ۱۶ فوریه ۱۹۰۹
 [۲۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۴ محرم ۱۳۲۷]
 وزیر امور خارجه به من اطلاع می‌دهد که اهالی رشت سپهدار را به حکومت
 انتخاب نموده‌اند. او يك حکومت خوبی خواهد کرد. او به‌شاه اصرار دارد که به
 مستدعیات ملت تمکین بنماید و قشون به‌رشت نفرستد.
 مسیو سبلین و من به‌شاه اصرار نمودیم که معزیه‌الیه را تعیین بنماید ولی موفق
 نشدیم.

نمره - ۸۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن
 از وزارت خارجه، ۱۷ فوریه ۱۹۰۹
 [۲۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۵ محرم ۱۳۲۷]
 رجوع به تلگراف سر چارچ بارکلی مورخه دیروز
 به عقیده من شاه اعتنائی به هیچ صلاح‌اندیشی که تهدیدی متعاقب آن نباشد نخواهد
 نمود. ما می‌خواهیم که از مداخلات عملی احتراز بنمائیم و به این جهت يك همچو
 تهدیدی باید به يك نحو منفی باشد و باین طریق که هیچیک از دول مساعدت مالی
 یا هر نوع مساعدت دیگری با او نخواهند کرد تا وقتی که مواعیدی را که به ملت
 خود نموده است بواسطه اعلان مشروطه ایفا بنماید و مملکت را تسکین دهد. به
 نظر من همچو می‌آید که یگانه طریق نجات مملکت از بدبختی و حوادث داخلی این
 است که به‌شاه توضیح بشود که او را به حال خود خواهیم گذاشت ولی ما میل نداریم
 اقدامی بکنیم که دولت روس بکلی با آن موافقت نداشته باشد.

نمره - ۸۷

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۸ فوریه)
 از طهران، ۱۸ فوریه ۱۹۰۹
 [۲۹ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۶ محرم ۱۳۲۷]

رشت

سپهدار به من و مسیو سبلین تلگراف نموده که به‌شاه اصرار بنماییم قشون به‌رشت
 نفرستد. ما در جواب واسطه واقع شدن برای مذاکرات او با شاه را رد نموده‌ایم.

قریب چند صد نفر قشون به عزم رشت از طهران حرکت نموده‌اند ولی شك است که آیا بتوانند از قزوین تجاوز نمایند. در صورتی که از آنجا تجاوز نمایند خوب است نماینده‌های دولتیین مراسله‌ای نوشته و به اعلیحضرت شاه اخطار نمایند که اگر بواسطه تجهیز قشون به آن شهر مخاطره جانی برای اتباع انگلیس حادث بشود دولتیین او را مسؤول خواهند دانست.

شورشیان شعاع السلطنه برادر شاه را که از اروپا وارد رشت شده توقیف نموده‌اند و برای رهایی او پنج هزار تومان پول از او می‌خواهند.

نمره - ۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۱ فوریه)

از طهران، ۲۱ فوریه ۱۹۰۹

[۳ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۹ محرم ۱۳۲۷]

تبریز

مستر راتیسلا راپورت می‌دهد که اگر شهر گرفته بشود یقیناً غارت و یحتمل قتل نفوس هم واقع خواهد شد و در باب متحصنین که مسلماً با عده کثیر به قنصلخانه خواهند آمد تعلیمات خواسته. من به او دستورالعمل داده‌ام که از پناه دادن اشخاصی که در خطر عاجل باشند امتناع ننماید و به عین‌الدوله اخطار بنماید که احکام خیلی سخت و مؤکد صادر بنماید که در صورت حمله به شهر احترامات جنرال قنصلگری انگلیس مرعی و منظور بگردد و اگر به اتباع انگلیس و یا به منافع آنها ضرری وارد بیاید شخص او مسؤول خواهد بود.

من در صدد نوشتن یادداشتی به مفاد مزبور به دولت ایران هستم.

نمره - ۸۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۲ فوریه)

از طهران، ۲۲ فوریه ۱۹۰۹

[۴ اسفند ۱۲۸۷؛ یکم صفر ۱۳۲۷]

تبریز

مستر راتیسلا در طی تلگراف مورخه امروز خودش اطلاع می‌دهد که دیروز يك استعداد زیادی از ملیون در الوار که در راه جلفا به مسافت هشت میل از تبریز واقع است به قره‌داغیها حمله بردند. ملتیان نتوانستند قره‌داغیها را بکلی از آنجا خارج بنمایند اگر چه در عقب نشانیدن آنها از يك سنگر موفق شدند. قرار است امروز

جنگت تجدید بشود. تلفات ملیون چندین نفر مقتول و مجروح بود و اعتقادات براین است که تلفات شاهپرستان هم مقدار متناهی بوده.

نمره - ۹۰

تلگراف سر چارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۴ فوریه)
از طهران، ۲۴ فوریه ۱۹۰۹
[۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۳ صفر ۱۳۲۷]

تبریز

جنرال قنصل انگلیس در يك تلگرافی راپورت می‌دهد که قشون تجهیز شده‌ای که در تلگراف ۲۲ [۴ اسفند؛ یکم صفر] خود خبر داده در الوار به قره‌داغیه‌احمله برده‌اند، غروب ۲۲ بدون انجام مقصود خود مراجعت نمودند چون قصد آنها به‌همراه خود آوردن قشون ساخلو مرند و افتتاح جاده جلفا بوده. تلفات این قشون‌کشی قلیل بوده. در اوضاع تغییری حاصل نشده.

نمره - ۹۱

تلگراف سر چارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۴ فوریه)
از طهران، ۲۴ فوریه ۱۹۰۹
[۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۳ صفر ۱۳۲۷]

يك نفر از اشخاصی را که در ماه ژوئن گذشته در سفارت انگلیس متحصن بود در ۲۳ شهر حال [۵ اسفند؛ ۲ صفر] دستگیر نموده و به‌چرم اینکه درصدد بمب انداختن برای شاه بوده بدون محاکمه او را مقتول نمودند. دو نفر دیگر هم همراه او بوده‌اند که یکی از آنها در سفارت متحصن بوده. آنها را هم دستگیر نموده و خبر داده شد که روز بعد آنها هم بقتل خواهند رسید. من به ضد این قتل بی‌محاکمه آن يك نفر پرتست نموده و تقاضا نمودم که یکنفر پناهنده دیگر را باید استنطاق بقاعده بنمایند. دولت ایران موافقت نموده و وعده دادند که از جریان محاکمه من را مستحضر بدارند.

بواسطه این واقعه هیجان بسیاری برپا شده و نوعاً بر این عقیده‌اند که شخص مقتول شده فقط به‌علت اینکه سابقاً در سفارت متحصن بوده متهم به تقصیر جعلی شده.

شهر هنوز در تحت حکومت نظامی است و تأمینات ما در ماه ژوئن فقط شامل چرایم گذشته است.

نمره - ۹۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۵ فوریه)
از طهران، ۲۵ فوریه ۱۹۰۹
[۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۴ صفر ۱۳۲۷]

اوضاع تبریز

بموجب تلگراف واصله از مستر راتیسلا، قره‌داغیها صوفیان را تصرف نمودند.
مستر راتیسلا معتقد است تبریز تا يك‌ماه دیگر می‌تواند خودداری نماید مگر
اینکه به یورش گرفته بشود و او احتمال وقوع این یورش را نمی‌دهد.

نمره - ۹۳

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۲۵ فوریه ۱۹۰۹
[۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۴ صفر ۱۳۲۷]

آقا

مکتوب مورخه ۲۰ شهر ماضی شما که مبنی به راپورت نظریات مسیو بیزو و
مسیو استراگراوسکی در باب وضع حاضره مالیّه ایران که در مذاکره اخیره شما با
آن آقایان بیان نموده بودند واصل گردید. مذاکره شما به مسیو بیزو را تصویب
می‌کنم.

امضا ادواردگری

نمره - ۹۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۶ فوریه)
از طهران، ۲۶ فوریه ۱۹۰۹
[۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۵ صفر ۱۳۲۷]

تبریز

مستر راتیسلا در تلگراف مورخه دیروز خودش راپورت می‌دهد که در همان تاریخ
قشون مراغه یورش سختی به سنگرهای غربی شهر بردند. پس از عقب نشاندن شدن
قشون مزبور با تلفات بسیار تا مسافت معتناهی هم آنها را تعاقب نمودند.
اردوی باسمنج هم در همان وقت حمله ضعیفی به سنگرهای جنوبی شهر نمودند.
آنها دو عراده توپ در کار داشتند ولی هیچ اثری نبخشید.

نمره - ۹۵

مراسله سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در غره مارس)
از سن پترزبورگ، ۲۳ فوریه ۱۹۰۹
[۵ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲ صفر ۱۳۲۷]

آقا

دیروز مسیو ایسولسکی به من اظهار نمود که علت مخالفت شدید دولت انگلیس در تهیه وسایلی که دولت ایران را قادر بر بنیاد اداره بالنسبه دائری بنماید بر من مستور است. اصرار نمودن به شاه برای ترتیب دادن قانون انتخابات و تشکیل يك مجلسی و دولت را در حالت بی پولی و فلاکت کامل گذاردن فایده ای ندارد. جناب معظم اظهار داشته که من شخصاً میل دارم يك پیشنهاد مادی بنمایم و در هیچ مملکتی از ممالك دنیا نمی توان نتایج مفیده انتظار داشت بدون اینکه وسایل پولی برای شروع به مقصود موجود بشود.

من به مسیو ایسولسکی جواب دادم تا زمانی که یقین حاصل نشود که شاه حقیقتاً حکومت شوروی تأسیس خواهد نمود دولت متبوعه من نمی تواند تهیه وسایل برای او بنماید. چون مساعدت حالیه فقط قوه دادن به شاه برای مقاومت با جنبش و هیجان ملیون است.

مسیو ایسولسکی اظهار داشت: من نمی خواهم هیچ وجه نقدی به شاه بدهم و تا اندازه ای هم که توانسته با مرام دولت انگلیس موافقت نموده ام. چیزی را که من پیشنهاد می نمایم بالاخص از قرار ذیل است:

به شاه اصرار بشود که ناصحین مرتجع را منفصل و از خود دور نموده و اشخاص کافی و آزادیخواه برای مشورت خود جلب بنماید، عفو عمومی اعطاء بنماید، قانون انتخابات را اشاعه داده و برای انتخابات و تشکیل مجلس موعده معین بکند. پس از آنکه تمام اینها انجام داده شد در آنوقت، و نه قبل از آن، يك مبلغ معتدلی مساعده باید داده بشود آنهم نه به شاه بلکه به دولت اصلاح شده ایران که به مصرف احتیاجات فوری همان آن برسد.

مخارج این قرض باید با کمال دقت در تحت کنترل و نظارت آمده و فقط منحصر به مقاصد مشروع به کار انداختن چرخهای اداری بشود. مسلماً مراتب فوق پیشنهادات معتدل نفعی است.

وقتی که امید این باشد که يك اداره بهتری ممکن است ایجاد بشود البته بواسطه احتیاج به پول نباید پیشرفت محصور و مسدود بشود مع هذا دولت انگلیس از مساعدت در پرداخت این پول بدون تصویب مجلس امتناع دارد. باید به شاه اصرار نمود که حقوق و امتیازات ملت را که به نظر ایشان خطرناک است اعطا بنمایند و هیچ راه امیدی برای ایشان نباید گذاشت که اگر تا حدی مساعدت هم بکند دولتین مراقبت خواهند کرد که برای استقرار اداره کنونی به ایشان تقویت بشود آنقدر که دولت

روس بواسطه وضع حاضره دچار ناملايمات و مخاطرات سخت است، دولت انگليس نيست. دولت روس نمي توانست دائماً مداومت اغتشاش و انقلاب عمومي در شمال را تحمل بنمايد. دولت روس اشتياق دارد كه تأسيسات حريت جاري و برقرار بگردد و پيشنهادات من براي واقعيت اين آمال گواهي است شافي و كافي. ليكن دولت روس براي عقیده ثابت و راسخ است كه غيرممکن و به اعلی درجه خارج از حزم است كه [با] يك خزانه خالی و با قشون و مستخدمين حقوق نگرفته بتوان يك اداره دولتي داشت.

امضا نيكلسن

نمره - ۹۶

تلگراف سر جارج باركلي به سر ادوارد گري (واصله در غره مارس)
از طهران، غره مارس ۱۹۰۹
[۱۱ اسفند ۱۲۸۷؛ ۸ صفر ۱۳۲۷]

رشت

تلگرافي از طهران مجلس شوراي وزراء به اعيان رشت مخابره شده و سواد آن را وزير امور خارجه براي من فرستاده. تلگراف مزبور مشعر بر رد نمودن سپهدار و اخطار به اعيان است كه اگر آنها سپهدار را به سمت حكومت بشناسند دولت از تمام اطراف و جوانب قشون به گيلان گسيل خواهد داشت و آنوقت نه فقط به مقتضرين بلكه به اشخاص بي گناه هم صدمه وارد خواهد شد.

مسيو سبلين اظهار مي دارد كه شورشيان در جاده طرف شمالي منجيل منگربندي نموده اند و هفته قبل غلام پست روس را توقيف کرده بودند ولي پس از استنطاق او را رها نموده اند و حرکت کرده. (به تلگراف ۱۸ شهر ماضي من مراجعه شود).
شماره السلطنه از رشت وارد اينجا شده (به تلگراف ۱۸ شهر ماضي من مراجعه شود).

نمره - ۹۷

تلگراف سرنيكلسن به سرادوارد گري (واصله در ۳ مارس)
از سن پترزبورغ، ۳ مارس ۱۹۰۹
[۱۳ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۰ صفر ۱۳۲۷]

دولت روس يك عده قشون بطرف باكو و سرحد جلفا گسيل داشته و اوضاع در رشت بعدي تهديد كننده و خطرناك است كه پنجاه قزاق براي محافظت قنسولگري روس به رشت اعزام شده.

نمره - ۹۸

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۴ مارس)

سن پترزبورگ، ۴ مارس ۱۹۰۹

[۱۴ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۱ صفر ۱۳۲۷]

مراسله‌ای از وزیر امور خارجه دولت روس به من رسیده مبنی براینکه شصت یا هفتاد نفر سرباز و دو دستگاه توپ مسلسل به انزلی و رشت فرستاده خواهد شد. يك فروند کشتی جنگی هم به همراهی جبهازی که حامل این دسته قشون است فرستاده می‌شود و فرمانده کشتی جنگی مأمور است که اگر در پیاده شدن قشون شورشیان مخالفت بنمایند کمک جنگی به قشون بنماید. در صورتی که این دسته قشون برای محافظت اروپاییان در انزلی و رشت کافی نباشد، دسته بزرگتری قشون احتیاطی در باکو نگاهداشته خواهد شد.

چون به دولت روس خبر رسیده که عنقریب مجادله‌ای بین قشون شاه و شورشیان در جلغای ایران در ساحل رود ارس واقع خواهد شد نظر به واقع بودن جلغای روس عیناً در مقابل آن نقطه، يك دسته قشون به آن محل اعزام خواهد شد و در دهات متعلق به روس اردو خواهند زد که در صورت رخ نمودن حادثه‌ای در آنجا حاضر باشند.

نمره - ۹۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۵ مارس)

از طهران، ۵ مارس ۱۹۰۹

[۱۵ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۲ صفر ۱۳۲۷]

اوضاع آذربایجان

مستر راتیسلا جنرال قنصل انگلیس دیروز تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت داده که در سوم شهر حال سیم تلگراف کمپانی تلگراف هند و اروپا بین تبریز و جلغا قطع شده. مستخدمین کمپانی از قشون چریک شاه‌پرستان که در عرض راه هستند خوف دارند و نمی‌توانند برای تعمیر سیم بیرون بروند. مستر راتیسلا نیز اشعار می‌دارد که عسرت در تبریز شدت نموده و نان کمیاب است.

نمره - ۱۰۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۵ مارس ۱۹۰۹

[۱۵ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۲ صفر ۱۳۲۷]

باید بالصراحه به دولت ایران مفهوم بدارید که اگر بواسطه اعمال قشون شاه در این اغتشاش کنونی آسیبی به قنسولگری انگلیس در تبریز وارد بیاید دولت انگلیس دولت ایران را مسؤول می‌داند.

نمره - ۱۰۱

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۶ مارس)
از طهران، ۶ مارس ۱۹۰۹
[۱۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۳ صفر ۱۳۲۷]

تبریز

مستر راتیسلا تلگراف می‌کند که شاه پرستان یورش سختی به شهر آوردند و با تلفات معتنا بهی بکلی عقب نشانده شدند. در ضمن این یورش، سواران مراغه‌ای از توپخانه باسمنج هم شهر را بمبارده می‌کردند ولی هیچ اثری از آن ظاهر نگردید.

نمره - ۱۰۲

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۶ مارس)
از طهران، ۶ مارس ۱۹۰۹
[۱۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۳ صفر ۱۳۲۷]
مسیو سبلین به من اطلاع می‌دهد که یک کرور فشنگ و یک مقدار کثیری تفنگ که برای رشت حمل شده بود در باکو گرفته شده.

نمره - ۱۰۳

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۷ مارس)
از سن پترزبورغ، ۶ مارس ۱۹۰۹
[۱۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۳ صفر ۱۳۲۷]
مسیو ایسولسکی به من اطلاع می‌دهد که اعزام قشون به رشت فقط از برای حفظ قنسولگری روس (که تا حال فقط نه نفر مستحفظ داشته) و محافظت جانی روسها و اروپاییها در صورت لزوم است.
مسیو ایسولسکی گفت معلوم شده است که به حد کفایت قشون ساخلو از سابق در جلفا بوده و به این جهت به عده آنها افزوده خواهد شد. او نیز اظهار داشت که استماع نموده است عین الدوله خط تلگراف کمپانی هند و اروپا را قطع نموده و مسیو سبلین برای خسارت یومیه‌ای که بواسطه این خرابی سیسم متوجه خواهد شد

دولت ایران را مسؤول قرار داده است.

نمره - ۱۰۴

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری (واصله در ۸ مارس)

از سن پترزبورگ، ۸ مارس ۱۹۰۹
[۱۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۵ صفر ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۶ مارس من

وزیر امور خارجه روس به من اطلاع می‌دهد که قزاقی که به رشت اعزام شده برای مدد نمودن به قزاقهای مستحفظین آنجا است و آنها به جهت حراست جان و مال اتباع روس و منایر خارجه‌ها [= خارجی‌ها] در رشت و انزلی بر طبق اوامر قنصل عمل خواهند نمود. وزیر امور خارجه روس نیز اظهار می‌دارد که طبیعتاً قنصل به احتراز از مداخله در مجادلات بین شورشیان و دسته شاه‌پرستان مداومت خواهد نمود.

نمره - ۱۰۵

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۸ مارس)

از طهران، ۸ مارس ۱۹۰۹
[۱۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۵ صفر ۱۳۲۷]

اوضاع آذربایجان

مستر راتیسلا جنرال قنصل تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهد که شاه‌پرستان مرند را تصرف نموده‌اند. چنانچه دولت روس پیش‌بینی نموده بود آنها اکنون جلفا را تهدید می‌نمایند.

نمره - ۱۰۶

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۹ مارس)

از طهران، ۹ مارس ۱۹۰۹
[۱۹ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۶ صفر ۱۳۲۷]

مشهد

ماژورسایکس بروز انقلاب در مشهد را تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهد. بازارها بسته و انجمنی تشکیل داده شده. شورشیان تلگرافخانه را تصرف نموده‌اند.

نمره - ۱۰۷

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۴ مارس)

از طهران، ۱۴ مارس ۱۹۰۹

[۲۴ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۱ صفر ۱۳۲۷]

راه طهران به رشت تقریباً تا چهل میل به قزوین مانده از طرف شمال در تحت سلطه و تصرف شورشیان یا ملیون است. در جاده به فاصله‌های مختلف سنگرها رسم شده.

در طهران قدری تشویش حادث شده ولی اگر خطری در پیش باشد از طرف ملیون نخواهد بود بلکه از طرف قشون شاه‌پرستان خواهد بود که عنان انقیادشان از کف ساقط بشود.

نمره - ۱۰۸

مراسله سرجارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۵ مارس)

از طهران، ۲۲ فوریه ۱۹۰۹

[۴ اسفند ۱۲۸۷؛ یکم صفر ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار سواد مکتوبی که از مستر گاردنر کفیل کنونی ویس قنسولگری رشت در مدت غیبت مستر رابینو رسیده لغاً ارسال می‌شود که مبنی بر راپورت حوادث چدیدیه در آن شهر است که بعد از مقتول شدن سردار افخم حاکم و دو نفر از مأمورین جزء منتج به مجزا شدن آنجا از تحت سلطه و قدرت شاه شده.

چنانچه در تلگراف شانزدهم شهر حال [۲۷ بهمن؛ ۲۴ محرم] خودم راپورت دادم سپهدار را که قبل از طغیان رشت وارد اتزلی شده بود دسته فائقه در رشت نگاهداشته و حکومت آنجا را به او تفویض نمودند. در بیستم فوریه انجمن ولایتی تلگرافی به پنج نماینده‌های عمده خارجه مقیمین طهران مخابره کرده و اظهار نمودند که ما هیچ نزاعی با شاه نداریم و اشعار داشته بودند که قصد ما خاتمه دادن به اوضاع حاضره‌ای است که مربوط به مسلك مرتجع خاصان دریاری اعلیحضرت معظم است و استرداد حقوق ملی خودمان. تلگراف مزبور در خاتمه اظهار نموده بود که بواسطه توسل ما به اقدامات لازمه برای محافظت خودمان ممکن است خسارت به جاده رشت به طهران وارد بیاید و تردد در آن مقطوع بشود ولی در همچو صورتی شخص شاه و ناصحین او مسئول خواهند بود.

يك غلام سفارت روس که تازگی از راه رشت مسافرت نموده راپورت می‌دهد که ملیون در نقاط مختلفه در جاده مشغول سنگر بندی بودند ولی هیچ نوع تعرض و مزاحمتی در عبور و مرور درجاده نمی‌نمایند و اگر شاه فقط پیروی صلاح اندیشی سپهدار

را نموده و برای انقیاد و اطاعت آن شهر اقدامی ننماید احتمال تعرض من بعد هم در تردد نمی‌رود.

چند صد نفر قشون از طهران حرکت نموده ولی هنوز از قزوین تجاوز ننموده‌اند.

امضا جارج بارکلی

ملفوظه در نمره ۱۰۸

مکتوب مستر گاردنر کفیل ویس قنصلگری به سرجارج بارکلی

از رشت، ۹ فوریه ۱۹۰۹

[۲۰ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۷ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار راپورت می‌دهم که دیروز هشتم شهر جاری طرف چهار بعد از ظهر يك دسته اشخاص مسلح از خانه معزالسلطان برادر زن سردار منصور خارج شده و بطرف دارالحکومه حرکت نموده و دفعتاً به سربازان مستحفظ آنجا شلیک نمودند. بعضی از آنها جواب شلیک را دادند و جنگ درگرفت. بالاخره سربازان بزودی مغلوب شدند و شورشیان دو عراده توپ را تصرف نموده و بطرف دارالحکومه شلیک کردند. در همان حین آنها بعضی از خانه‌های اطراف و اندرون را که پشت آنجا بود آتش زدند و يك عده از آنها به معابر عمده رفته و برای تهدید مردم به هوا شلیک نموده و تمام سربازان ساخلو را خلع سلاح کردند.

در حین وقوع اعمال فوق يك دسته دیگر از شورشیان به باغ مدیریه که سردار افخم حاکم و سردار معتمد و سردار همایون برای صرف ناهار به آنجا رفته بودند رفتند. شورشیان بواسطه انداختن يك بمب ورود خود را اعلام داشته و پس از آن داخل باغ شدند.

در باب واقعات متعاقب آن به حدی روایات مختلف است که حصول به حقیقت امر غیر ممکن است ولی نتیجه این شده است که حاکم به ضرب گلوله مقتول گردیده و آن دو نفر دیگر را نوکرانشان با حال بدتر از مردن به منازلشان بردند.

از قرار مذکور عده مقتولین تقریباً بیست نفر است که دو نفر از آنها از دسته شورشیان بوده. از جمله مقتولین عمده مستشار دفتر پیشکارمالیه گیلان و اعزازالممالك، مأموری که تازگی از طرف دولت از طهران اعزام شده، بوده‌اند.

من نیز متأسفانه فوت خاص آقا فراش ویس قنصلگری را اطلاع می‌دهم ولی تا حال نتوانسته‌ام کشف بنمایم به چه جهت.

مؤسس و سردهسته این هیجان معزالسلطان و برادرش کریم‌خان هستند. معزالیه (کریم‌خان) دوسه روز قبل بدون اینکه کسی بفهمد وارد رشت شد.

سیم تلگراف قطع شده بود و به این جهت من دسترسی به وسایل مخابرات نداشتم.

امروز صبح شهر آرام بود و در عرض روز هیچ اغتشاشی واقع نشد. مستحفظین

ملی در معابر قراول می‌دهند. يك انجمن موقتی تشکیل داده شده که به امورات شهر

رسیدگی بنمایند و انجمن مزبور سردار معتمد و سردار همایون را مشترکاً به حکومت موقتی انتخاب نموده. به اضافه بیان نامه‌ای توزیع نموده مشعر بر اینکه مردم هیچ‌واهمه و خوفی نداشته باشند و هیجان فقط برای طرفیت با مأمورین دولت بوده.

امضا هایدگاردر

نمره - ۱۰۹

مراسله سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۵ مارس)
از طهران، ۲۳ فوریه ۱۹۰۹
[۵ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲ صفر ۱۳۲۷]

آقا

رجوع به تلگراف دوازدهم شهر جاری خودم با کمال افتخار سواد بیان نامه فرقه ملیون طهران در خصوص مسئله استقراض و امتیازات خارجه را لفا ارسال می‌دارم. چنانچه در تلگراف ۲۶ شهر ماضی خودم راپورت داده‌ام شرحی بهمین مفاد هم از طرف ملیون تبریز به قنصل آنجا نوشته شده بود و ملیون اصفهان هم برای هر استقراضی که بتوسط شاه بدون تصویب مجلس بشود اعتراض و پرتست نموده‌اند.

امضا چارچ بارکلی

ملفوفه در نمره ۱۰۹

بیان نامه جماعت ملیون طهران به سرچارچ بارکلی
در تعقیب اعلان متحدالمالی که قبل از این از طرف انجمن شوروی آذربایجان و اخیراً از طرف انجمن اصفهان به جنابعالی تقدیم شده که به دولت متبوعه خودتان برسانید ما صاحبان امضای ذیل که نمایندگان دسته مشروطه خواهان پایتخت هستیم با کمال افتخار خاطر محترم را مستحضر می‌داریم که چون ایران دولت مشروطه شناخته شده و چون هر پیشنهادی برای استقراض یا امتیازی برطبق مواد ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ قسمت اول قانون اساسی باید بدو به مجلس تقدیم شده و رأی مجلس اتخاذ بشود به این جهت ما یک نوبت دیگر با کمال افتخار به جنابعالی اظهار می‌داریم که هر قرض یا مساعدت مالی که بطور مستقیم یا غیرمستقیم از طرف یک دولت خارجه یا ادارات تجارتی یا صرافی یا افراد در عرض مدت انفصال پارلمان به دولت علیه داده بشود ملت خود را برای آن مسئول ندانسته و بهیچوجه خود را عهده دار آن نمی‌دانند و هر نوع شرایطی برای هر امتیازی قرار داده بشود برای اجرای آن خود را مجبور نخواهد دانست.

لذا از جنابعالی استدعا می‌نماییم که مرحمت فرموده مواد مذکور قانون اساسی را ملاحظه نموده و بزودی مراتب فوق را به سمع دولت خودتان و تجارتخانه‌های در مملکت خودتان که در این مسئله دخیل هستند برسانید که هیچ اعمال غیر قانونی در

آتیه روابط حسنه ملی و تجارتي دو مملکت را مختل ندارد.
تشکرات خود را مساعدتاً برای اقداماتی که لطف کرده در این مسئله بعمل خواهید
آورد تقدیم می‌داریم. از جنابعالی تمنی می‌نماییم که احترامات فائقه را قبول بفرمایید
و غیره....

طهران، ۱۵ محرم ۱۳۲۷ (مطابق ۷ فوریه ۱۹۰۹) [۱۸ بهمن ۱۲۸۷]
امضای ۳۱ نفر در ذیل

نمره - ۱۱۰

مراسله سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۵ مارس)
از طهران، ۲۵ فوریه ۱۹۰۹
[۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۴ صفر ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار خلاصه وقایع ماهانه معمولی اتفاقیه در ایران در عرض چهارهفته
ماضی را لفاً ارسال می‌دارم.

امضا جارج بارکلی

ملفوفه در نمره ۱۱۰

خلاصه وقایع

طهران

کابینه‌ای که بی‌تغییر باقی مانده از قرار ذیل مرکب است:

رئیس‌الوزراء و وزیر داخله	مشیرالسلطنه
وزیر امور خارجه	سعدالدوله
وزیر جنگ	سپهسالار
وزیر عدلیه	نظام‌الملک
وزیر معارف و فواید عامه	مهندس‌العمالك
وزیر تلگراف	مخبرالدوله
وزیر دربار	سلطان‌علی‌خان «وزیر دربار»
وزیر تجارت	مفاخرالملک
وزیر مالیه	قوام‌الدوله

توجه عمده در اوضاع وزارت‌های مجتمع و مصروف نزاع بین سپهسالار و سعدالدوله است که می‌توان آن را کوشش و مبارزت بین دو نفوذی که در اطراف شاه کار می‌کنند تعبیر نمود به این معنی که نفوذ مرتجعین فاش از يك طرف و نفوذ آزادیخواه معتدل از طرف دیگر در مخاصمه‌اند ولی هیچ‌کدام از طرفین تا حال موفقیت کامل حاصل ننموده‌اند.

مراسم عزاداری معمولی محرم امسال بواسطه کسادى پول و خوف اغتشاش خیلی تخفیف داده شد. تعزیه خوانی مرسومى در تکیه دولتی به موقع اجراء گذارده نشد ولی فقط بطریق خیلی مختصرترى در باغ شاه انجام داده شد.

شورش در رشت تا حد کثیری باعث تشجیع و جرأت ملیون طهران شده و از ۱۳ فوریه [۲۴ بهمن؛ ۲۱ محرم] بازارها کم و بیش بسته بوده. عده متحصنین در سفارت کبرای عثمانی و شاهزاده عبدالعظیم تا حد کثیری زیاد شده و هیجان خیلی بیشتر عمومیت حاصل نموده. يك احساس تشویش عمومى شهر را فرا گرفته. عدم اطاعت مردم بی شبهه در نزاید است و ملیون شروع به اشاره و کنایه نموده اند که حتی در صورت اعطای مشروطه هم تغییر سلطان لازم است.

از زمان بسته شدن بازار، دولت بتوسط نظمیه، اقدامات فوق العاده راجع به تمشیت نموده است. قراول گشتی بسیار دیده می شود و سرباز و ژاندارم در بازار و معابر عمده گماشته شده. برای تهدید مردم که دكاكین خود را باز کنند چهار نفر از کسبه را علناً چوب زدند ولی این تشدد منتج به بسته شدن يك مقدار دكاكین زیادتری شد. در ۲۲ فوریه [۴ اسفند؛ یکم صفر] سه نفر را به اتهام اینکه قصد بمب انداختن داشته اند دستگیر نمودند. يك نفر از آنها را بدون محاکمه مقتول نموده و نعش او را نزدیک دروازه باغ شاه آویختند که يك نوع اخطار و تهدیدی برای مردم بشود. دو نفر دیگر اکنون در تحت استنطاق هستند و مجاهدتی شده است که اشخاص دیگری را هم دخیل در این تهمت بنمایند. شخص مقتول و یکی از مصاحبینش در ماه ژوئن ماضی در سفارت انگلیس پناهنده بودند و چنانکه تلگرافا [= تلگرافى] راپورت دادم در این موضوع به دولت ایران اظهارات نموده ام. این واقعه مردم را بسیار متغیر نموده چون عقیده آنها بر این است که آن شخص به تهمت تقصیر جعلی به قتل رسیده. در ۲۴ فوریه [۶ اسفند؛ ۳ صفر] يك قاتلی را در محضر عامه مقتول نمودند ظاهراً به قصد اینکه باز بیشتر مردم را تخویف بنمایند.

مرتجعین هر نوع افواهی را در باب فلاکت ملیون تبریز اشاعه می دهند و تصرف تبریز را قریب الوقوع می دانند. اگر چه استعداد نظامی در تحت امر شاه برای دفع هر نوع هیجانی در پایتخت که بدون کمک از خارج واقع بشود باید کافی باشد مع هذا ارتجاعیون برای احتمال انقلاب در اینجا و سوء اطمینانی که کلیتاً به حیثیت خودشان دارند بی شك در تزلزل هستند. هیچ نوع علائم اعطای مشروطه از شاه مشهود نیست و علی الظاهر امیدوار به تسلیم عاجل تبریز است که به عقیده او باعث انحطاط هیجان ملیون خواهد شد.

محاکمه اشخاصی که متهم به شرکت در سوء قصد به شیخ فضل الله بودند منتج به استخلاص تمام محبوسین شد بجز يك نفر که هنوز محاکمه او خاتمه نی پذیرفته. فرمانفرما هنوز در طهران است و او به یکی از اعضاء سفارت انگلیس اطلاع داده بود که رأى قطعی خود را بر این قرار داده که به اصفهان نرود. سردار معتضد معاون او در ۴ فوریه [۱۵ بهمن؛ ۱۲ محرم] به طهران رجعت نمود ولی دو روز

بعد از آن مجدداً عزیمت نمود که در قم به قشون تجهیزه ملحق بشود.
 سالار اشرف یکی از خوانین بختیاری که بر علیه [= علیه] اصفهان فرستاده شده بود هم به طهران مراجعت نمود ولی مجدداً به عزم قم حرکت نمود.
 قریب چهار صد نفر از فوج همدان که برای مقابلی به تبریز اعزام شده بودند ظاهراً برای بی‌میل بودن به تحمل مشقت این مأموریت به طهران مراجعت نمودند.
 به تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۰۹
 [۵ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲ صفر ۱۳۲۷]
 امضا اسما

مشهد

ماژر سایکس در ۱۷ فوریه [۲۸ بهمن؛ ۲۵ محرم] تلگرافاً [= تلگرافی] خبر داد که یک جمع کشوری راهزنان فارس از صحرا عبور نموده و طبرستان را تهدید می‌نمایند. حکمران در صدد اعزام یک عده قشون به آنجا است. راه یزد مسدود شده.

کرمان

یک دسته سارقین در اوایل ژانویه [نیمه اول دی؛ ذی‌حجه] در کرمانشاه بطرف جاده یزد جمع شده بودند به قصد اینکه راه را بر قافله حامل اسلحه و پول نقد بانک ببندند. یک استعدادی اعزام شد که آنها را مجبور به عقب‌نشستن نمود و قافله سلامت عبور کرد.

کنسول انگلیس در ۱۶ فوریه [۲۷ بهمن؛ ۲۴ محرم] تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت داد که دسته ملی قوت گرفته و انقلاب قریب الوقوع است. حکومت از این خوف دارد که بمحض اینکه مردم ملتفت این مسئله بشوند هیجان بنمایند.

یزد

حاکم جدید عدل الدوله در ۲۳ ژانویه [۳ بهمن؛ ۳۰ ذی‌حجه] وارد شد در عرض ماه ژانویه طرق به یزد [= راههای منتهی به یزد] در دست سارقین مانده بود اگر چه گاه بگاهی یک قافله‌ای که به اتفاق مستحفظ حرکت کرده عبور نموده است ولی همیشه اینطور نبوده. تعداد دسته‌های سارقین بعضی اوقات به صد نفر می‌رسد. ناامنی کامل منتشر است و حوزه پارسیان پیوسته در خوف صدمه و تعرض باقی هستند. در ۱۱ فوریه، قریب صد نفر زن و مرد و اطفال پارسی از سکنه مزارع اطراف تفت خود را در تلگرافخانه انگلیس افکنده و تقاضای تأمین نمودند. همینکه در این موضوع به حکومت نوشته شد برای نقل مکان نمودن پارسیان به محله پارسیان در شهر ترتیبات داد. از قرار راپورت قریب دویست نفر بختیاری در ۲۰ ژانویه [۳۰ دی؛ ۲۷ ذی‌حجه] تقریباً به سی میلی طرف جنوب شرقی یزد وارد شده‌اند. ظاهراً حکومت یک استعدادی فرستاد که تفتیهای را که پارسیان از آنها شاکی بودند مقهور بنمایند.

ولی جنگ مختصری واقع شد که نتیجه آن مظفریت تفتیها بود. وقتی که از تفتیها استفسار شده بود که چه می‌خواهند جواب داده بودند «تأسیس مشروطه». خبر این جواب ظاهراً حاکم و اهل شهر را مضطرب نموده. حاکم و اعیان متابعین خود را تحت سلاح آورده سنگربندی نموده و توپهای مندرس را استوار کردند. حتی قراولهای منازل اروپاییان را هم جلب نمودند ولی پس از ایراد و اظهار ویس قنصل انگلیس آنها را عودت دادند. از قرار مذکور تفتیها بموجب احکام از نجف عمل می‌نمایند.

کرمانشاه

کاپتان هاورت در ۲۰ فوریه [۲ اسفند؛ ۲۸ محرم] راپورت داد که مجتهد اعظم همدان به او اطلاع داده است که علمای عمده کربلا به من تعلیمات داده‌اند که از تمام قنصلها خواهش بنمایم به سفارتهای خودشان اعلام بدارند که خبر پول قرض دادن دولتین به شاه به ما رسیده. شاه بهیچوجه حق استقراضی ندارد و اختیار این مسئله محول به مجلس ملی است که قائم مقام کنونی آن انجمن ایالتی آذربایجان است و برای هر مبلغی که به شاه پرداخته بشود ملت بهیچوجه مسئول نخواهد بود. مرتجعین همدان همینکه انقلاب رشت و اقدام مجتهد اعلم را مسموع نمودند نزد مجتهد مزبور رفته و به او اطلاع دادند که ما هم خواهان مشروطه هستیم. مجتهد اعلم به کفیل حکومت اظهار داشته است که اگر او نمی‌تواند به شهر بیاید و حکمرانی بکند خودش حاضر است که حکومت اشخاص خواهان مشروطه را به عهده بگیرد. محتمل است که انجمن ولایتی بزودی تشکیل داده بشود.

شیراز

از مجادله قوام‌الملک با سید لاری هنوز نتیجه کاملی حاصل نشده. ظاهراً آصف‌الدوله فرمانفرما کم بلکه هیچ قدرت ندارد. اداره امور اغلب در دست سردار فیروز است. اشتهاارات مکرره بوده است که قصد بروز شورش بر علیه [= علیه] ایالت هست. ایالت در ضمن يك ملاقاتی که با مستر بیل نموده اظهار داشته است که نهایت جد و جهد را در ختم نمودن دعاوی انگلیس دارد ولی عقیده مستر بیل بر این است که هیچ نوع امید استرداد مال التجاره منهوبه تجار انگلیس را نمی‌توان داشت مگر اینکه غرامت آنها مستقیماً از ایالت فارس دریافت بشود و این هم مسئله‌ای است که ایالت از عهده گرفتن آن امتناع دارد.

خلیج فارس

بوشهر

سید عبدالحسین لاری شرحی به یکی از سلاهای عمده بوشهر نوشته و در آن اشاره نموده است که یا قوام جنگ نموده و او را بکلی مغلوب کرده و اشعار داشته است که پرداخت مالیات را در لار اکیداً غدغن نموده است.

امضا مازر سایکس، اتاشه میلتر

نمره - ۱۱۱

مراسله سرچارچ بارکلی به سراد وارد گری (واصله در ۱۵ مارس)

از طهران، ۲۵ فوریه ۱۹۰۹

[۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۴ صفر ۱۳۲۷]

آقا

در تعقیب مشروحه مورخه ۲۶ شهر ماضی خودم باکمال افتخار راپورت می‌دهم که وضع اصفهان بدون تغییر باقی است. شهر آرام است و انتظام به نحو رضایت بخشی مستقر است.

مذاکرات مابین صمصام السلطنه و خوانین بختیاری که از طهران رفته و حالا در قم هستند در کار است و اگر چه روایات مختلف است ولی این مسئله مسلم است که هنوز قرارداد صریحی بین آنها داده نشده. هیچیک از قشونی که شاه اعزام داشته از قم تجاوز ننموده‌اند. شاهزاده فرمانفرما در طهران مانده است.

از قرار مسموع صمصام السلطنه با صولت الدوله ایلخانی قشقائی در شیراز مشغول مذاکره بوده ولی تا حال جنبشی از طرف صولت الدوله مشهود نگردیده. چند روز قبل صمصام سوءظن حاصل نموده بود که مخابرات بین طهران و شیراز بدون اینکه علی‌الرسم بتوسط اداره ایرانی اصفهان باشد مستقیماً می‌شود. تهدید نموده بود که سیم تلگراف را قطع خواهد نمود و من به جنرال قنصل انگلیس تعلیمات دادم که بطریق غیررسمی او را از وخامت این عمل تهدید و منع نماید. صمصام در جواب پیغام مستر گرهم اظهار داشته بود که می‌خواهد در عرض چند روزه آتیه در تمام مخابراتی که به شیراز می‌رود نظارت داشته باشد با این اختیار که هر کدام را موافق مذاق ندید توقیف بنماید. او نیز اظهار نموده بود که اگر با این ترتیب موافقت نشود هرگاه سیم قطع بشود کلیه مسئولیت آن را از عهده خود ساقط می‌داند. پس از مشاوره با مستر پارکر قرار بر این شد که اگر دولت ایران تقاضای تسهیلات غیرمعمول برای مخابره با شیراز بنماید که صمصام با آن مخالفت داشته باشد آن تقاضا رد بشود علی‌هذا مراتب مصوبه را به صمصام السلطنه اطلاع دادند.

امضا جارج بارکلی

مجدد پس از تحریر شرح فوق به من اطلاع رسیده که صمصام السلطنه با اطمینان فوق‌الذکر اقتناع نشده و به جنرال قنصل انگلیس اطلاع داده که اداره تلگرافی هند و اروپا باید به نمایندگی او اجازه بدهند که تمام تلگرافاتی را که از طهران به شیراز بتوسط اداره تلگرافی انگلیس در اصفهان مخابره می‌نمایند تفتیش بنماید. پس از مشاوره با مستر پارکر من در صدد اطلاع دادن به دولت ایران هستم که من خودم را مجبور دیدم به اداره تلگرافی مزبور صلاح‌اندیشی بنمایم که به تقاضاهای صمصام موافقت بنمایند.

نمره - ۱۱۲

مکتوب سرچارج بارکلی به سرادوار دگری (واصله در ۱۵ مارس)

از طهران، ۲۵ فوریه ۱۹۰۹

[۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۴ صفر ۱۳۲۷]

آقا

در تعقیب مشروحه مورخه ۲۷ شهر ماضی خودم با کمال افتخار راپورت می‌دهم که در اوایل این ماه [نیمه اول بهمن؛ محرم] عین‌الدوله عنوان نمود که با نماینده‌های انجمن ایالتی تبریز مذاکرات صلح بنماید. لیکن از این مذاکرات نتیجه حاصل نشد چون طرفین بواسطه خوف خیانت و خدعه در فرستادن نماینده بی‌میل بودند.

در ۶ شهر حال [۱۷ بهمن؛ ۱۲ محرم] يك مجادله‌ای که حاوی فی‌الجملة اهمیت بود در خارج شهر واقع شد که در ضمن آن تلفات ملیون ۶ نفر بود و تلفات شاه‌پرستان که بالاخره عقب‌نشاندن شدند ۱۴ نفر.

در عرض ماه قشون شاه‌پرستان در کاملاً محصور نمودن تبریز موفق شدند. سه‌جاده به جلفا و همدان و قزوین را قره‌داغی‌ها و قشون صمدخان حاکم مراغه و عین‌الدوله مسدود نموده‌اند. بنابراین آذوقه در شهر کمیاب شده و انتظار نیست که انبار غله بیش از شش هفته دیگر دوام بنماید. در ۲۲ شهر حال [] قشون ملیون مجاهدت‌سختی برای افتتاح راه جلفا و استخلاص دسته قشون ساخلو مرتد نمودند ولی پس از يك حمله به قره‌داغی‌ها در الوار قشون تجهیزه بدون نیل به مقصود مراجعت به تبریز نمودند. هواخواهان درباری در باغ شاه بتازگی خیلی اعتماد دارند که تبریز در همین روزها تسلیم خواهد شد ولی بموجب تمام اطلاعاتی که از مستر راتیسلا به من رسیده واضح است که تخمین عده قشون در تحت عین‌الدوله حاوی اغراق بسیار است و به عقیده مستر راتیسلا تصرف شهر بوسیله یورش برای آنها غیر ممکن است. امکان دارد بواسطه قحطی و فقدان آذوقه آن شهر تسلیم بشود ولی از مسلمیات است که تا زمانی که آذوقه آنها دوام بنماید خودداری نموده و مقام خود را نگاه خواهند داشت، چون ملیون می‌دانند که اگر يك دفعه رحیم خان داخل شهر بشود نمی‌توانند امید هیچ رحم و مروتی از او داشته باشند.

از قرار راپورت در نواحی اطراف ارومیه [= ارومیه] هم جنگ در کار است. وضع تجار در تبریز خیلی بد است و تجار انگلیسی از خسران کلی که بواسطه مسدود بودن راه جلفا برای پست و مال‌التجاره اروپا به امورات آنها وارد آمده شکایت به مستر راتیسلا برده‌اند.

امضا جارج بارکلی

مجدد - ۲۶ فوریه [۸ اسفند؛ ۵ صفر] - الان مکتوبی از جنرال قنصل

انگلیس مقیم تبریز به من رسید که سواد آن را لفا تقدیم می‌دارم.

ملفوظه در نمره ۱۱۲

مکتوب مستر راتیسلا جنرال قنصل، به سرجارج بارکلی

از تبریز، ۷ فوریه ۱۹۰۹

[۱۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۵ محرم ۱۳۲۷]

آقا

از قرار معلوم در جنگ پنج فوریه تلفات از طرف ملیون بالنسبه خیلی زیاده از آنکه بدو تصور می‌شد بوده. حصول تعداد واقعی آن مشکل است ولی به عقیده من مجموع عده مصادمین مقتول و مجروح و مفقود تماماً پنجاه نفر بوده. این جنگ مختصر بجز عقب‌نشستن شاه‌پرستان تا اردوی خودشان در سردرود که به هر صورت شب را مجبور به معاودت به آنجا می‌بودند منجر به نتیجه‌ای نگردید. از اینرو فقدان دیسپلین و تسلط کافی ملیون و با سستی و فتور جنگیدن آنها در هر مجادله‌ای که خارج از سنگرهای خودشان واقع بشود مستفاد می‌گردد.

بعضی از افراد قشون عین‌الدوله از باسمنج در این جنگ شرکت نمودند و از قرار مفهوم يك عده از آنها الحال موقتاً به قشون صمد خان ملحق شده‌اند.

محقق نیست که آیا رحیم‌خان شخصاً در این معرکه داخل شده یا خیر ولی پسر او بایک استعدادی از قره‌داغیها در حوالی سمت شرقی راه جلفا است و قشون صمدخان که از جانب غربی بطرف سردرود متفرقند با مشارالیه اتصال دارند و باعث ناامنی جاده مزبورند.

در حقیقت حالا تبریز عملاً محاصره است. هیچ آذوقه‌ای نمی‌تواند داخل شهر بشود. اشجار میوه باغها را برای سوزاندن بریده‌اند و اگر چه عجالتاً مقدار کافی غله برای خوراک اهالی موجود است ولی احساس تضییق و سختی به طرق مختلف می‌شود. عدم رضایت معتنابی در طبقه تجار که هیچ معامله و داد و ستدی ندارند احاطه دارد و با وجود این اتصال مطالبه اعانه از آنها می‌شود و آنهم برای مصرفی است که تا وقتی که آنها وسایل و مایه‌ای دارند نمی‌توانند از پرداخت آن امتناع بنمایند. مالیه ملتیان چندان امیدبخش نیست و مسئله در این است که تا چه مدت توانا خواهند بود که در پرداخت حقوق قشون خودشان مداومت بنمایند. سهم عایدات آنها از اداره تلگراف هند و اروپا در ماه ژانویه فقط هزار و دویست تومان شد در صورتیکه بتازگی وجه اعانه‌ای هم از رفقای خودشان به آنها عاید نگردیده. ضمناً پول هم خیلی کم ۱۸ از شهر خارج می‌شود و من تصور نمی‌کنم احتمال فوری اختلالی برای فقدان پول باشد.

عقیده عمومی بر این است که شاه‌پرستان به همین زودیها اقدام در تصرف شهر بوسیله یورش خواهند نمود ولی در موفقیت آنها شک است و اگر محاصره شهر و

مسدود بودن طرق تا دوسه ماه باقی بماند احتمال کلی می‌رود که ملیون را مجبور به تسلیم بنماید. از طرف دیگر مشکل شاه به وضعی باشد که تا يك همچه مدتی بتواند قشون خود را مجموع نگاهدارد.

امضا راتیسلا

نمره - ۱۱۳

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۶ مارس)

از طهران، ۱۶ مارس ۱۹۰۹

[۲۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۳ صفر ۱۳۲۷]

دیروز شاه مسیو سبلین را به دربار احضار کرد. در جواب تقاضائی که آن اعلیحضرت برای صلاح اندیشی نموده بود مسیو سبلین اظهار داشته بود که اگر آن اعلیحضرت به تشکیل يك مجمعی از نماینده‌های فرق و طبقات مختلف در طهران برای اعماق نظر در اوضاع که (پیشنهادی است که وزیر امور خارجه به اعلیحضرت معظم عرض و تقدیم داشته بود) موافقت بنماید احتمال آن می‌رود که کشمکش حاضره را مرتفع بدارد. آن اعلیحضرت وعده نمود که به این پیشنهاد موافقت بنماید. سعدالدوله به من اطلاع می‌دهد که او این پیشنهاد را به شاه به این امید نموده است که بلکه از آن مجمع يك رای متقن عالی در مساعدت و تأیید يك مشروطه‌ای بتوان تحصیل نمود. چنانچه ترکیب این مجمع مثل آن مجمع مشاورة استهزاء آمیز ماه دسامبر [آذر؛ ذی‌قعدة] نباشد و ملیون در حضور به این مجمع راضی بشوند بعضی نتایج مفیده را می‌توان امیدوار بود. سعدالدوله به من اظهار می‌دارد که او از اهمیت ترکیب این مجمع واقف است.

نمره - ۱۱۴

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۶ مارس)

از طهران، ۱۶ مارس ۱۹۰۹

[۲۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۳ صفر ۱۳۲۷]

اوضاع آذربایجان

مستر راتیسلا، جنرال قنصل انگلیس تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهد که شاه پرستان جلفای ایران را تصرف نمودند. راپورت داده شده است که سکنه آنجا از رودخانه عبور نموده و به خاک روسیه رفته‌اند.

نمره - ۱۱۵

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۷ مارس ۱۹۰۹

[۲۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۴ صفر ۱۳۲۷]

من دیروز با شارژ دافر روس صحبتی داشتم. مشارالیه اظهار نمود به حدی متوحش است که اگر غارتگران شاهپرست بخواهند در جلفا در پیش چشم روسها زنها و اطفال را قتل عام بنمایند یحتمل مداخله دولت روس در امور ایران حتمی- الوقوع بشود.

در جواب من اظهار داشتم بیم آن است که هنوز شاه آرزومند وقوع مداخله روس باشد چون آن مؤید اعلیحضرت معظم تصور خواهد شد. عقیده قطعی من براین است که اگر يك مرتبه دولت روس برآن اعلیحضرت تصریح بدارد که از مداخله بهیچوجه انتفاعی متوجه ایشان نخواهد شد بلکه از هرجهت احتمال می رود که بواسطه عدم لیاقت و کفایت او در حکمرانی مملکتش منتج به انفصال او از سلطنت بشود اعلیحضرت معظم بدون قوت و وقت اعلان يك مشروطه ای خواهد نمود که نتیجه آنی آن التیام و انحطاط اوضاع در تمام ایران خواهد بود.

بدون توصیه در تعقیب يك همچو روشی من پیشنهاد نمودم که اگر به عقیده مسیو ایسولسکی اقدام سلامت و مطمئنی است و اگر مقتضیات قطعاً این مسئله را لازم می دارد دویست هزار لیره از وجه قرضه سهمی دولت روس ممکن است فوراً پرداخته بشود. پس از آن همی که تمام قرضه را مجلس تصویب نمود سهمی ما تأدیه شود. در باب تعیین وزرای شاه من با عهده گرفتن مسئولیتی که از اتخاذ يك همچو روشی تولید خواهد شد مخالفت دارم ولی امکان دارد که قرض را مشروط به تغییر هیئت وزراء و نامزد شدن وزرائی که محل وثوق باشند نمود. پس از آنکه مطلع شدیم که شاه چه اشخاصی را به وزارت جدید خود انتخاب نموده آنوقت ما می توانیم درك بنماییم که آیا شرط مزبور بطریق مرضی به موقع اجرا گذارده شده یا خیر.

نمره - ۱۱۶

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۸ مارس)

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۲۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۵ صفر ۱۳۲۷]

اوضاع بقدرعباس

تلگراف مورخه دیروز جنرال قنسول دولت انگلیس مقیم بوشهر حاکی است که بواسطه فشار مجتهدین نجف و سادات لارستان ملتیان بقدرعباس زمام اختیار حکومت را در کف گرفته و گمرکخانه را تصرف کرده اند. جنرال قنسول مزبور از صاحب

منصب ارشد بحری تقاضا نموده است که يك فروند کشتی جنگی برای حفظ منافع انگلیس به بندرعباس بفرستند.

نمره - ۱۱۷

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۸ مارس)

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۲۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۵ صفر ۱۳۲۷]

بندرعباس

جنرال قنصل انگلیس مقیم بوشهر امروز تلگرافاً [= تلگرافی] را پورت می-دهد که بموجب اطلاع واصله از قنصل انگلیس يك فروند کشتی اعلیحضرتی دیروز به بندرعباس رسیده.

ملیون رئیس پلژیکی گمرک را مخیر نمودند که یا در استخدام ملت باقی بماند و عایدات را به ملیون بپردازد یا از آنجا حرکت بنماید. علی هذا رئیس گمرک خارج شد. همه کس مسلح است و دستجات مسلح اتصال از داخله وارد می شوند، حاکمی که از فرقه ملیون است فعلاً نظم را کاملاً مستقر داشته است.

نمره - ۱۱۸

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۸ مارس)

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۲۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۵ صفر ۱۳۲۷]

بندرعباس

تلگراف ذیل به جنرال قنصل انگلیس مقیم بوشهر راجع به تلگراف ۱۷ مارس خودش مخایره شده است:

«قایق جنگی فقط در صورتی در بندرعباس توقف نماید که قنصل انگلیس اتباع دولت انگلیس را در خطر بداند.

البته قشون بحری را فقط در صورت احتیاج فوق العاده پیاده خواهند نمود.»

نمره - ۱۱۹

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۸ مارس)

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۲۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۵ صفر ۱۳۲۷]

بندرعباس

جنرال قنصل انگلیس مقیم بوشهر در طی تلگرافی مورخه دیروز راهپورت می‌دهد که ملیون کارگزار بندرعباس را به حکومت انتخاب نموده‌اند.

نمره - ۱۲۰

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۸ مارس)

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۲۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۵ صفر ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل از جنرال قنصل انگلیس مقیم بوشهر به من رسیده:
«نظر به اخبارات امروز از بندرعباس، من درباب اوضاع اینجا با همکار روسی خودم مذاکره نموده‌ام. اهالی تا حال در پیروی تعلیمات ملاهای ملی مردد بوده‌اند ولی حالا محتمل است در تعقیب سرمشق ملیون بندرعباس قیام بنمایند. حاکم یک وجود ناقصی است و فعلاً هم غایب است. قشون ساخلو عبارت از دوست نفر سرباز ایرانی از اصفهان است و نباید انتظار داشت که آنها به اداره گمرک یا مأمورین محلی هیچ تقویت مهمی برعلیه دسته ملی بنمایند. به لحاظ امکان هرج و مرج عمومی ما این مسئله را مقرون به حزم می‌دانیم که یک فروند کشتی جنگی در اینجا یا در یک مسافتی که به سهولت به آن دسترسی باشد داشته باشیم که حفظ منافع ما را بنماید، اگر چه عجالتاً دلیلی برای خوف صدمه و تعرض عمدی خارجه‌ها [= خارچی‌ها] موجود نیست. البته جنابعالی تدقیق در این مسئله خواهید نمود که آیا نظر به مرهون بودن عایدات گمرک بوشهر فعلاً نزد ما هیچ اقدام مخصوصی لازم خواهد بود یاخیر.»

نمره - ۱۲۱

تلگراف سرجارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ مارس)

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۲۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۵ صفر ۱۳۲۷]

بندرعباس

در جواب تلگراف ۱۷ مارس جنرال قنصل انگلیس مقیم بوشهر من از قرار ذیل تلگراف نموده‌ام:

«قنصل انگلیس باید به ملیون اطلاع بدهد که عایدات گمرکات خلیج نزد دولت انگلیس مرهون است و باید از آنها تقاضا بشود که عایدات گمرک بندرعباس را به قنصلگری مسترد بدارند که با مراقبت قنصلگری منحصرأ به مصرف تأدیه فرع قرضه‌های دوات انگلیس برسد. ممکن است خاطر نشان آنها بشود که وقتی که ملیون

تبریز ملتفت شدند که عایدات گمرک آنجا نزد دولت روس رهن است دیگر مداخله‌ای در آن ننمودند.

من در صدد اطلاع دادن به دولت ایران هستم که مطالبه عایدات گمرک را من از بابت فرع قرضه خودمان می‌نمایم و حقوق گمرکی که تجار انگلیسی به ملیون پرداخته‌اند کاملاً تأدیه شده محسوب است و آنها بری‌الذمه‌اند.

نمره - ۱۲۲

تلگراف سرنیکلسن به سرادوار گری (واصله در ۱۹ مارس)

از من پترزبورگ، ۱۹ مارس ۱۹۰۹

[۲۹ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۶ صفر ۱۳۲۷]

به عقیده مسیو ایسولسکی مفتنم است که در موقع پیشنهاداتی که نمایندگان در طهران به‌شاه می‌نمایند لدی‌الاقتضاء این عقیده را هم منضم بنمایند که ناصرالملک که فعلاً در پاریس است به طهران احضار بشود.

نمره - ۱۲۳

تلگراف سر ادوارد گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۹ مارس ۱۹۰۹

[۲۹ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۶ صفر ۱۳۲۷]

ناصرالملک

رجوع به تلگراف مورخه امروز شما، من موافقت دارم که احضار ناصرالملک به ایران صلاحیت دارد.

نمره - ۱۲۴

تلگراف سر ادوارد گری به سرجارچ بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۹ مارس ۱۹۰۹

[۲۹ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۶ صفر ۱۳۲۷]

تعلیماتی را که به جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر به موجب راپورت مندرجه در تلگراف ۱۸ شهر حال خودتان داده‌اید تصویب می‌نمایم.

نمره - ۱۲۵

تلگراف سر ادوارد گری به سرچارچ بارکلی

از وزارتخارجه، ۲۰ مارس ۱۹۰۹

[۳۰ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۷ صفر ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۱۸ شهر حال شما، من از اداره بحری تقاضا نموده‌ام که يك فروند قایق جنگی به بوشهر فرستاده بشود با تعلیماتی که در مدت طفیان انقلاب تمام خارجه‌ها [= خارجی‌ها] را محافظت بنماید. من نیز تقاضا نموده‌ام که همین قسم تعلیمات به قایق جنگی که به بندرعباس اعزام شده داده بشود.

نمره - ۱۲۶

تلگراف سر چارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ مارس)

از طهران، ۲۲ مارس ۱۹۰۹

[۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ صفر ۱۳۲۷]

بموجب تلگراف جنرال قنصل انگلیس مقیم تبریز، جلفا هنوز در تصرف ملتیان است لیکن قشون شاه‌پرستان تمام قراء حوالی را غارت نموده و آتش زده‌اند.

نمره - ۱۲۷

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ مارس)

از طهران، ۲۲ مارس ۱۹۰۹

[۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ صفر ۱۳۲۷]

بموجب يك تلگرافی از کفیل ویس قنصلگری رشت قزاق روسی برای ازدیاد مستحقین قنصلگری وارد شده.

نمره - ۱۲۸

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ مارس)

از طهران، ۲۲ مارس ۱۹۰۹

[۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ صفر ۱۳۲۷]

تلگراف امروز من در باب اوضاع جلفا

بنابر حس بشریت، من و مسیو سبلین [= سابلین] مراسله سختی به دولت ایران نوشته و تاکید نموده‌ایم که شاه احکام قطعی مستقیم به رحیم‌خان صادر بنمایند که از جنگ با این قواعد وحشیانه احتراز نماید.

نمره - ۱۲۹

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۲۳ مارس)

از طهران، ۲۳ مارس ۱۹۰۹

[۳ فروردین ۱۲۸۸؛ یکم ع ۱ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل از کفیل جنرال قنسوگری انگلیس مقیم بوشهر رسیده.
«امروز سید مرتضی اهرمی از طرف ملیون بطریق مسالمت مهمام حکومت را بتصرف درآورد. برای این قصد يك عده تفنگچیان تنگستانی را وارد شهر نمود. مسئله تصرف گمرک موضوع بحث است ولی تا حال مداخله‌ای در این باب نشده. من در صدد اطلاع دادن به سید مزبور هستم که گمرکات نزد ما مرهون است. حاکم هنوز غیبت دارد. مأمورین محلی عمده مستعفی شده‌اند».

نمره - ۱۳۰

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۲۴ مارس)

از طهران، ۲۴ مارس ۱۹۰۹

[۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

شاه و مشروطه. رجوع به تلگراف ۱۶ شهر جاری من. از تشکیل مجمع منظوره اعلیحضرت شاه واضح است که آن اعلیحضرت پیش از هروقت متمایل به ارتجاع است. اگر اصلاً يك همچو مجمعی منعقد بشود بی‌شبهه بر علیه [= علیه] مشروطه رای خواهند داد.

سعدالدوله اظهار می‌دارد که من در آن مجمع حاضر نخواهم شد. مشارالیه خیلی مأیوس شده است.

من و مسیو سبلین [= سابلین] مراسله مشترکی نوشته و اشعار داشته‌ایم که تعیین اشخاص مدعوه برای حضور در مجمع را تصویب نمی‌نماییم.

نمره - ۱۳۱

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۲۴ مارس)

از طهران، ۲۴ مارس ۱۹۰۹

[۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بعضی الواطنان دیشب چهار نفر از متحصنین را در حضرت عبدالعظیم مقتول نمودند.

من و مسیو سبلین [= سابلین] مراسله مشترکی نوشته و اصرار نموده‌ایم که مرتکبین باید به مجازات برسند و اخطار نموده‌ایم که هرگاه اغتشاش عمومی که بخوبی پیروی این نوع جنایات را دربر خواهد داشت باعث صدمه و خطر اتباع انگلیس و

روس بشود چه مسئولیتی بر عهده دولت ایران وارد خواهد آمد.

نمره - ۱۳۲

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۵ مارس)

از طهران، ۲۵ مارس ۱۹۰۹

[۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بموجب تلگرافی که از جنرال قنصل انگلیس مقیم تبریز رسیده در میان طبقات فقیرتر در شهر عسرت و تضییق خیلی زیادی شیوع دارد. مستر راتیسلا یقین ندارد که این مقاومت و ایستادگی زیاد طولانی بشود.

نمره - ۱۳۳

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۵ مارس)

از طهران، ۲۵ مارس ۱۹۰۹

[۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۷]

جنرال قنصل انگلیس از تبریز راپورت می‌دهد که اعتقادات براین است که رحیم‌خان دو پست اخیری را که از اروپا می‌آمده توقیف و ضایع نموده. او به مستخدمین پستخانه گفته است هر شخصی که بعد از این پست را بیاورد او را با گلوله خواهند زد. يك همچو رویه‌ای باعث تولید خسارت بسیار به منافع تجارتی انگلیس خواهد شد. يك مقدار کثیری واردات خارجه را رحیم‌خان بغارت برده.

نمره - ۱۳۴

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۶ مارس)

از طهران، ۲۶ مارس ۱۹۰۹

[۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۲۴ شهر جاری من درباب اوضاع طهران.

شارژ دافر عثمانی به ملاقات من و همکار روسیم آمده برای اینکه به ما اظهار بدارد که او در صدد مراجعه به باغیالی برای تقاضای مستحفظ است چون براین اعتقاد دلیل دارد که يك حمله مشابه قتل جسدید در حضرت عبدالعظیم به متحصنین خودش را باید منتظر باشد. صدرالدین بیگت اصرار دارد که ما تقاضای انفصال نایب‌الحکومه طهران را بنماییم. قتل جدید را می‌توان تقریباً بطور یقین مستقیماً نسبت به او داد. صدرالدین بیگت اظهار می‌دارد که اگر ما این تقاضا را بموقع اجراء بگذاریم اسباب اطمینان من می‌شود و دیگر مستحفظ لازم نخواهم داشت.

من و مسبب سبیلین [= سایلین] در این موضوع با دولت ایران مذاکره نموده و اصرار کرده‌ایم که اقدامی را که ما تقاضا داریم متضمن خیر شاه و مصالح دولت او است چون برای هر نوع صدمه و خسارتی که از اثر اغتشاش به‌اتباع ما وارد بیاید دولت مشارالیه را مسؤول خواهیم دانست و اگر نایب‌الحکومه مزبور منفصل نشود ما وقوع خسارت و صدمه را پیش‌بینی می‌نماییم.

نمره - ۱۳۵

تلگراف سرادوارد گری به سرجارچ بارکلی

از وزارت خارجه، ۲۶ مارس ۱۹۰۹

[۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف دیروز شما

اگر شما مقتضی می‌دانید به‌معاضدت همکار روسی خودتان ممکن است به‌دولت ایران اظهار بدارید که غرامت پستیهای انگلیسی که ضایع شده است از آنها مطالبه خواهد شد و دولت انگلیس در صورت حدوث هر خسارتی که بواسطه اعمال مأمورین شاه به‌تجارت انگلیس وارد بیاید دولت ایران را مسؤول می‌داند.

نمره - ۱۳۶

تلگراف سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ مارس)

از سن پترزبورگ، ۲۷ مارس ۱۹۰۹

[۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۱۷ مارس شما

من یادداشتی به‌وزیر نوشته و از او تقاضا نمودم که به‌دادن تعلیمات به‌نمایندگان دولتین موافقت بنماید که کاملاً به‌شاه مفهوم بدارند که اگر دولت روس مداخله‌ای بنماید از آن هیچ انتفاعی برای آن اعلیحضرت حاصل نخواهد شد و اگر اعلیحضرت معظم به‌تعقیب مسلک کنونی خود که متضمن مخاطرات مهمه برای حیثیت شخصی او است مداومت بنماید آن مداخله ممکن است منجر به انفصال او از مقام سلطنت بگردد. من نیز اشعار داشتم که خوب است به‌شارژ دافر روس تعلیمات داده بشود که برای تمام خساراتی که بواسطه رحیم‌خان و متابعین او به‌منافع روس و انگلیس در شمال ایران وارد بشود دولت ایران را مسؤول قرار بدهد.

نمره - ۱۳۷

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۸ مارس)

از طهران، ۲۸ مارس ۱۹۰۹

[۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل از ژنرال قنصل انگلیس مقیم تبریز به من رسیده.

«یکی از ملیون نامی به من اطلاع می‌دهد که آذوقه در تبریز منتها تا سه هفته دیگر

بکلی تمام خواهد شد.»

نمره - ۱۳۸

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۳۰ مارس)

از طهران، ۳۰ مارس ۱۹۰۹

[۱۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بوشهر. تلگراف ذیل مورخه دیروز از جنرال قنصل انگلیس مقیم بوشهر به من

رسیده.

«اولین جواب مقطوع از سید مرتضی دیشب آخر شب به من رسیده که بطریق مراسله رسمی نزد يك نفری که واسطه است فرستاده شده و او برای من ارسال داشته بود. سید ابتدا به این بیان نموده که حفظ منافع مسلمة دولت و ملت انگلیس یکی از فرایض اولیه ملیون است. پس از آن او اشعار داشته است که برای اطمینان و استر-ضای قنصلگری در مسئله عایدات گمرکی من پیشنهادی می‌نمایم که قرارداد صحیحی باشد و آن این است که دسته ملیون برای مخارج یسومیه نگهداری تفنگچیان روزی پانصد تومان مأخوذ بدارند و بقیه نزد يك نفر تاجر ایرانی معتبری که طرفین انتخاب بنمایند سپرده بشود و تا سه ماه به رسم امانت نزد او بماند. در عرض آن مدت دسته ملیون جواب اخیر خود را به تعویق انداخته و ضمناً از مراکز هیجان ملیون دیگر کسب تکلیف خواهند نمود یا دولت انگلیس برای اثبات دعوی خود اسناد ابراز خواهند داشت.

شرح ذیل در باب وضع حاضر است: - سید مرتضی يك ملای متعصب نیمه تربیت شده است. تسلط او به اوضاع فقط بواسطه این است که او می‌تواند در هر آن از داخله ۱۹ که خودش هم اهل آنجاست يك جمعی تفنگچیان تنگستانی را به بوشهر احضار نماید چنانچه در این موقع هم نموده. تعداد واقعی در اینجا تقریباً هزار نفرند ولی باز هم یومیه می‌آیند. ایرانیان، چه ملتیان و چه سایرین، اعتقادی به صداقت و صمیمیت سید ندارند و می‌توان معتقد بود که مادامی که او به سلطه و قدرت خود در اوضاع باقی است تجار حتی الامکان کم مالالتجاره وارد و کمتر از گمرک استخراج خواهند نمود بنابراین عایدات گمرک خیلی قلیل خواهد بود. دستبردهای مختصر

تفنگچیان تنگستانی اهالی بوشهر را دچار يك خوف دائمی نموده و آنها اغلب اظهار عقیده می نمایند که هیچ چیز دیگری بجز يك نوع مداخله ای از طرف دولت انگلیس نمی تواند آسایش و نظم را اعاده بدهد. نظر به اشتیاق دولت انگلیس در حتی الامکان احتراز نمودن از چنین عملی من درصدم که پس از وصول تعلیمات ثانوی از طرف جنابعالی به سید مزبور که وضع و روش شخصی او نسبت به قنصلگری انگلیس در ظاهر خالصانه است جواب بدهم که از اظهارات دوستانه شما خیلی مشغوفم ولی نمی توانم تصور بکنم که بموجب پیشنهاد شما بهیچ وجه منافع انگلیس محفوظ و مرعی بگردد و من پیشنهاد شما را مبنای مذاکرات دوستانه ولی مجدانه من بعد مابین خودمان قرار خواهم داد.

تا زمانی که تعلیمات ثانوی از طرف جنابعالی برسد من سعی خواهم نمود که سید را متقاعد بنمایم که مبلغ مأخوذی یومیه خود را تقلیل بنماید و جلب رضایت او را به يك نوع قرارداد مناسب موقتی بنمایم که به آن وسیله بقیه عایدات به رسم امانت سپرده شود و نیز عده تفنگچیان را هم تکسیر^{۲۰} نموده و چند نفر اشخاص معتمد هم برای معاضدت خودش تهیه نماید که به رتق وفتق امورات جاریه محلی بپردازند.

نمره - ۱۳۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ مارس)

از طهران، ۳۰ مارس ۱۹۰۹

[۱۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بوشهر. تلگراف مورخه دیروز را جنرال قنصل انگلیس مقیم بوشهر به من مخابره نموده:

«رجوع به تلگراف اخیر ما قبل خودم کشتی اعلیحضرتی موسوم به «ردبرست» وارد اینجا شده. تا حدی که اتباع انگلیس منظورند همچو لزوم مخصوص نیست که فعلاً من را مجبور به تقاضای استعداد بیشتری بنماید اگر چه تعداد افراد نظامی جهاز «ردبرست» بی نهایت قلیل است و من گمان می کنم يك فروند جهاز جنگی دیگر که محتوی دو یست الی سیصد نفر سرباز اروپایی باشد باید اعزام بشود.»

نمره - ۱۴۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ مارس)

از طهران، ۳۰ مارس ۱۹۰۹

[۱۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

۲۰) تکسیر: کم کردن (در این جمله). - م.

تلگراف ذیل را به جنرال قنصل انگلیس مقیم بوشهر مخابره نموده‌ام:
 «باید به سید مؤکداً خاطر نشان بنمایید که دولت انگلیس به تأدیه مرتب اقساط ماهانه به بانک شاهنشاهی از بابت فرع قرضه مدیونی به انگلیس که عایدات گمرکات بوشهر وثیقه آن است خیلی زیاد اهمیت قرار می‌دهد. باضافه باید به او اخطار بنمایید که ممکن است من ناچار بشوم که به دولت انگلیس توصیه بنمایم که اقدامات برای حصول پرداخت این اقساط بنمایند.

باعث تعجب است که سید برای اثبات حق ما به قول شما اقناع نشده.
 جواب شما به سید را تصویب می‌نمایم، بهمچنین روشی را که در عبارت اخیر تلگراف ۲۹ مارس خودتان پیشنهاد نموده‌اید.»

نمره - ۱۴۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ مارس)

از طهران، ۳۰ مارس ۱۹۰۹

[۱۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

در کرمانشاه شورش و طغیانی بروز نموده که مبنای عمده آن بر علیه [= علیه] یهودیان بوده. چندین نفر از یهودیان مقتول شده‌اند. خانه یکی از اتباع انگلیس را قشون غارت نموده‌اند.

من از مأمورین محلی شکایت سختی به دولت ایران نموده و مطالبه غرامت خسارت وارده به اموال انگلیس را کرده‌ام.

ظاهراً کاپیتان هاوارت برای اسکات و آرامی اوضاع حتی القوه جد و جهد نموده.

نمره - ۱۴۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ مارس)

از طهران، ۳۰ مارس ۱۹۰۹

[۱۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

جنرال قنصل انگلیس تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهد که اوضاع در تبریز رو به بدی می‌رود. چندین نفر از جوع تلف شده‌اند. دسته نظامی تصمیم عزم نموده‌اند که جنگ را ممتد بدارند در صورتی که یک قسمت از ملیون برای مذاکره صلح حاضرند. ستارخان می‌گوید همین که کلیه ذخایر اغذیه مستهلك شد اهالی باید از شهر خارج شوند. مشارالیه اظهار می‌دارد که یک ذخیره احتیاطی برای اشخاص جنگی نگاهداشته شده است.

آتیۀ اتباع خارجه در يك همچو صورتی ظاهراً باعث نگرانی مستر راتیسلا شده.

نمره - ۱۴۳

تلگراف سرادواردگری به سرچارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۳۱ مارس ۱۹۰۹

[۱۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

نظر به اهمیت ترتیب اوضاع تبریز که در طی تلگراف ۳۰ شهر جاری شما را پورت داده شده باید به شاه اخطار بشود که برای هر صدمه و تعرضی که به قنصلگری انگلیس و جان و مال اتباع انگلیس وارد بیاید دولت انگلیس آن اعلیحضرت را مسئول خواهد دانست.

از دولت روس هم تقاضا شده است که به نمایندۀ طهران خودشان همین قسم تعلیمات بدهند.

نمره - ۱۴۴

تلگراف سر ادواردگری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۳۱ مارس ۱۹۰۹

[۱۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

لطف نموده از دولت روس تقاضا بنمایید که بنحوی که در تلگراف مورخۀ امروز من به سر چارج بارکلی مصرح است يك اخطاری به شاه بنمایند.

نمره - ۱۴۵

تلگراف سرادواردگری به سرچارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۲ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۱ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۳۰ مارس شما

يك فروند جهاز سیار جنگی اعلیحضرتی از درجۀ دوم موسوم به «فاکس» تا حال از هنجام ۲۱ بعزم بوشهر حرکت کرده است.

نمره - ۱۴۶

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۳ آوریل)

از طهران، ۳ آوریل ۱۹۰۹

[۱۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل از جنرال قنصل انگلیس مقیم تبریز به من رسیده:
«ملیون ارومیه که اکنون به جنبش آمده‌اند حاکم ارومیه را به سلماس نقل نموده‌اند.»

نمره - ۱۴۷

مکتوب سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۵ آوریل)

از سن پترزبورگ، اول آوریل ۱۹۰۹

[۱۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

باکمال افتخار سواد مراسله واصله از مسیو ایسولسکی را که حاکی از اطلاع متزاید نمودن مستحفظین قنصلگری روس در استرآباد است لفا ارسال می‌دارم.

امضا نیکلسن

ملفوفه در نمره ۱۴۷

ترجمه مراسله مسیو ایسولسکی به سر نیکلسن

به تاریخ ۳۱ مارس ۱۹۰۹

[۱۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

سفیرکبیر عزیزم

محترماً خواطر [= خاطر] شما را مستحضر می‌دارم که انقلاب مهم در استرآباد بروز نموده و ما مصلحت دیده‌ایم که ۲۵ نفر به عده مستحفظین قنصلگری خودمان در آن شهر بیفزاییم.

امضا ایسولسکی

نمره - ۱۴۸

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری (واصله در ۶ آوریل)

از سن پترزبورگ، ۶ آوریل ۱۹۰۹

[۱۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

دولت روس عده مستحفظین قنصلگری مشهد خود را اضافه نموده.

مسیو ایسولسکی امروز به من اطلاع داد که عیناً در تحت همان شرایطی که مستحفظین قنصلگری رشت اضافه شده بود عده مستحفظین قنصلگری مشهد هم اضافه شده.

نمره - ۱۴۹

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۶ آوریل)

از طهران، ۶ آوریل ۱۹۰۹

[۱۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۵ ع ۱۳۲۷]

جنرال قنصل انگلیس مقیم تبریز راپورت می‌دهد که اولین دفعه‌ای که شاه‌پرستان به‌داخل شهر بمبارده کردند دیروز در ضمن مقابله توپخانه طرفین بود. يك اندازه خرابی و خسارات به‌عمارات وارد شده و بسیاری از اشخاص خارج از جنگ مقتول و مجروح گردیدند.

نمره - ۱۵۰

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۶ آوریل)

از طهران، ۶ آوریل ۱۹۰۹

[۱۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۵ ع ۱۳۲۷]

اوضاع آذربایجان

تلگراف ذیل از جنرال قنصل انگلیس مقیم تبریز رسیده.

«دسته‌ای که در اینجا خواهان اصلاح هستند سعی دارند که مستقیماً با شاه داخل

در مذاکرات صلح بشوند.»

در چندی قبل شهرت داشت که يك استعداد مکملی برای کمک و استخلاص از سلماص

خواهد رسید. ظاهراً این خبر به تحقیق پیوسته و از قرار معلوم استعداد مزبور به دز-

خلیل رسیده.

نمره - ۱۵۱

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری (واصله در ۷ آوریل)

از سن پترز بورغ، ۷ آوریل ۱۹۰۹

[۱۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۶ ع ۱۳۲۷]

یادداشتی از طرف دولت روس به من‌رسیده مبنی بر اینکه نظر به ازدیاد مخاطرات

در شمال ایران و قصور اقداماتی که تا حال برای جلوگیری از عبور اسلحه و آتارشیست-

های قفقازی به ایران شده دولت روس رأی قطعی خود را بر این قرار داده که يك

فروند جهاز جنگی به‌انزلی بفرستد که در آنجا مقیم باشد و کشتی جنگی دیگری برای

انجام وظایف پلیسیه در خارج انزلی اعزام بدارد.

همین قسم اقدامات هم در خلیج استراباد خواهد شد.

نمره - ۱۵۲

تلگراف سرادواردگری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۷ آوریل ۱۹۰۹

[۱۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۶ ع ۱ - ۱۳۲۷]

راجع به تلگراف ششم شهر جاری شما
باید از دولت روس تقاضا بنمایید که به مستحفظین روسی در مشهد تعلیمات
بدهند که در صورت لزوم محافظت جانی از اتباع انگلیس مقیم آنجا بنمایند.

نمره - ۱۵۳

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری (واصله در ۸ آوریل)

از سن پترز بورغ، ۸ آوریل ۱۹۰۹

[۱۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

راجع به تلگراف هفتم شهر جاری جنابمالی
مسیو ایسولسکی به من اطلاع می دهد تعلیمات داده خواهد شد که مستحفظین روسی
در مشهد جان و مال اتباع انگلیس را حفظ بنمایند.

نمره - ۱۵۴

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری (واصله در ۸ آوریل)

از سن پترز بورغ، ۸ آوریل ۱۹۰۹

[۱۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

در ضمن ملاقات امروز من با مسیو ایسولسکی، جناب معزی الیه به من اطلاع داد
که از طرف سفارت روس در طهران يك نفر ترجمان و پنج نفر قزاق به قزوین اعزام
شده که اجزای اداره راه را در آنجا محافظت بنمایند.

نمره - ۱۵۵

تلگراف سرجارج یارکلی به سرادواردگری (واصله در ۸ آوریل)

از طهران، ۸ آوریل ۱۹۰۹

[۱۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

اصفهان

بموجب راپورتی که از جنرال قنصل انگلیس مقیم اصفهان رسیده انتظار هست که تا يك هفته دیگر سردار اسعد با يك عده سواری که از قرار مذکور دو هزار نفرند وارد اصفهان بشوند.

دو نفر از خوانینی که از طهران رفته بودند در پنجم شهر جاری از کاشان بعزم اصفهان حرکت کردند، چندین نفر خوانین از اصفهان حرکت خواهند نمود که در مورچه خورد آنها را ملاقات بنمایند. بختیارپا در اصفهان اعلان داشته اند که در غره ماه نو (۲۰ شهر جاری) قصد عزیمت بطرف طهران را دارند.

نمره - ۱۵۶

تلگراف سراد واردگری به سرجارچ بارکلی

از وزارت خارجه، ۸ آوریل ۱۹۰۹

[۱۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بموجب اطلاعی که به دولت روس رسیده اهالی تبریز حاضر خواهند بود که در صورت حصول شرایط مناسب و معقولی از شاه تسلیم بشوند. علی هذا دولت مشارالیه پیشنهاد نموده اند که نماینده های دولتین انگلیس و روس مقیمین طهران به جنرال قنصلهای تبریز خودشان تعلیمات بدهند که نظریات خود را راپورت بدهند که چه طریقی را برای قرارداد بین شاه پرستان و ملیون میسر و مجری تر تصور می کنند برای اینکه از خونریزی که ممکن است در آن شهر واقع بگردد جلوگیری بشود.

نمره - ۱۵۷

تلگراف سرجارچ بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۹ آوریل)

از طهران، ۹ آوریل ۱۹۰۹

[۲۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

در طی يك تلگرافی مورخه امروز، جنرال قنصلگری انگلیس مقیم بوشهر راپورت می دهد یکی از دسته های متعددی که سید مرتضی داخل شهر نموده دیروز از اختیار او بیرون رفته و در عرض روز به يك قسمت از بازار هجوم بردند. در عرض شب سرقت های بسیار واقع شده که بعضی متضمن مقدار معتنا بیهی مال التجاره انگلیس بوده. ماژرکاکس نیز اشعار می دارد که از اثر این حادثه امروز بازارها بسته شده.

نمره - ۱۵۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۹ آوریل)

از طهران، ۹ آوریل ۱۹۰۹

[۲۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل مورخه هشتم آوریل از جنرال قنسول مقیم بوشهر رسیده:

«وضع بیش از آنچه در تلگراف اخیر ماقبل خودم راپورت داده‌ام جالب اهمیت شده.»

همکاران روسی و عثمانی و آلمانی من امروز در باب لزوم مداخله دولت انگلیس برای اعاده نظم به من اظهارات فوری نمودند.

سید مرتضی مسؤولیت نگهداری نظم را بکلی از عهده خود منتزع می‌نماید. دستجات نامنظم تفنگچیان چریکی که او مجتمع نموده ظاهراً حالا بکلی عنان اختیارشان از کف ساقط شده.

از طرف دیگر دسته مشروطه‌خواهان صادق‌العقیده امروز به من اطلاع داده‌اند که ما قطع اتصال با سید مزبور نموده‌ایم و دیگر نمی‌توانیم مسؤولیت داشته باشیم. در عرض هفته ماضی آنها جد و جهد نمودند که یا او را طرد نمایند یا به‌صراط مستقیمی داخل نمایند ولی موفق نشدند.

امروز عصر من به‌سید مرتضی اطلاع دادم که با وصف اصرار او در نگهداری این تفنگچیان و تحمل طغیان نامشروع دیشب آنها من دیگر نمی‌توانم اظهارات صمیمیت و خلوص او را اعتقاد بنمایم. بعلاوه من او را مستحضر نمودم که اگر فوراً تفنگچیان را اخراج نکنند یا عده آنها را خیلی کسر ننمایند من به‌دولت متبوعه خودم راپورت خواهم داد که ما دیگر نمی‌توانیم به مقاصد حسنه شخصی که خود را پیشوای ملیون می‌نامد اعتماد بنماییم و برای حفظ منافع انگلیس باید اقدامات بشود. امروز غروب مشارالیه جواب داده است که اگر چه من هنوز کلیتاً مسؤولیت را از عهده خود ساقط می‌دانم باوجود این نهایت سعی را در استقرار نظم دارم و فعلاً در صدد پرداخت حقوق تفنگچیان خودم هستم و کمال جد و جهد را در طرد نمودن آنها خواهم داشت.

امشب شلیک منقلبیه دیشبی تجدید شده و به‌نظر من همچو می‌آید که اگر عناصر شورشیه تا فردا طرد یا تکسیر نشوند نهایت لزوم را دارد که خودمان برای اعاده نظم اقدامات بنماییم.

چنانچه من مجاز بودم که به سید و رؤسای تفنگچیان اخطار بنمایم که اگر آنها به‌طیب خاطر عزیمت ننمایند کشتی جنگی اعلیحضرتی موسوم به «فاکس» قشون و توپ پیاده خواهد کرد که آنها را طرد بنماید گمان می‌کنم تهدید کافی می‌بود در صورتی که دولت اعلیحضرتی انگلیس برای بموقع اجراء گذاردن این امر حاضر باشند.

من مبادرت به این اظهار می‌نمایم که این فقط يك مسئله مرتفع داشتن غارتگری است و مربوط به مداخله و ممانعتی در جنبش ملی نیست.

نمره - ۱۵۹

تلگراف سرجارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۹ آوریل)

از طهران، ۹ آوریل ۱۹۰۹

[۲۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بوشهر. امروز من تلگراف ذیل را به جنرال قنصل انگلیس مقیم بوشهر مخابره نموده‌ام:

«شما مجازید تهدیدی را که در تلگراف مورخه دیروز خودتان پیشنهاد نموده بودید بکار ببرید. اگر از این تهدید بهبودی حقیقی در اوضاع حاصل نشد شما ممکن است این امر را به موقع اجراء بگذارید.

در صورتیکه پیاده نمودن قشون لازم بشود قبل از پیاده نمودن باید اعلانی منتشر بنمایید مبنی براینکه این اقدام فقط برای حفظ اتباع انگلیس و سایر خارجه‌ها [= خارجی‌ها] است.

از این ترتیب به مسیو سبلین [سابلین] هم اطلاع داده شده.

نمره - ۱۶۰

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۰ آوریل)

از طهران، ۱۰ آوریل ۱۹۰۹

[۲۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

از قرار مفهوم عده قشون شاه پرستان که اکنون در تحت فرماندهی تائب الحکومه شاهزاده فرمانفرما در کاشان هستند قریب ۱۶۰۰ نفرند. این احتمال مساوی است که آیا آنها با صمصام السلطنه جنگ خواهند کرد یا طرفدار او خواهند شد.

نمره - ۱۶۱

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۰ آوریل)

از طهران، ۱۰ آوریل ۱۹۰۹

[۲۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

من نظریات مستر راتیسلا جنرال قنصل را در باب ارائه طریق دولت روس مندرجه در تلگراف هشتم شهر جاری شما به من، خواستار شده‌ام.

در نتیجه مذاکرات مقدماتی که ملیون مستقیماً با شاه نموده‌اند دسته مؤید صلح در تبریز امروز نماینده می‌فرستند که در باسمنج افتتاح باب مذاکرات صلح را بنمایند.

نمره - ۱۶۲

تلگراف سرادواردگری به سرجارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۰ آوریل ۱۹۰۹

[۲۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

راجع به تلگراف نهم شهر جاری شما، تعلیمات شما به نمایندۀ دولت انگلیس در بوشهر را تصویب می‌نمایم.

نمره - ۱۶۳

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۱۱ آوریل)

از طهران، ۱۱ آوریل ۱۹۰۹

[۲۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

مذاکرات صلح بین تبریز و شاه راجع به تلگراف دیروز من

تلگراف ذیل مورخه دهم آوریل از جنرال قنصل انگلیس مقیم تبریز به من رسیده: «اگر چه اجماع اهالی هر قرارداد رضایت بخشی را که متضمن تأمین جانی و مالی باشد قبول خواهند نمود ولی دسته ملیون محتمل است هنوز برای گرفتن يك مشروطه‌ای استقامت بنمایند.

من تصور می‌کنم قبل از داوطلب شدن برای وساطت، ما تأمل بکنیم تا يك تقاضائی از طرف ملیون بشود یا لااقل منتظر موقع مقتضی بشویم. ضمناً من و همکار روسیم ممکن است در ارائه طریقی که باید بشود موافقت نموده و بطور غیررسمی از ملیون استعمال بنماییم که چه شرایطی را حاضر خواهند بود، که قبول بنمایند.»

نمره - ۱۶۴

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۱۱ آوریل)

از طهران، ۱۱ آوریل ۱۹۰۹

[۲۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

پیاده نمودن قشون بحری در بوشهر

تلگراف ذیل مورخه دهم شهر جاری از طرف جنرال قنصل انگلیس مقیم بوشهر به من مخابره شده:

«چون جواب مهمی در مقابل التیماتی که به ترتیب مصوبه جنابعالی دیروز در ساعت پنج بعد از ظهر نمودم نرسید من بر طبق تعلیمات جنابعالی اعلانی اشاعه داده و صد نفر از قشون را از کشتی پیاده نمودم. تفنگچیان هنوز در جزیره بودند و بیشتر از هر وقت خودسر و خارج از اطاعت. برای تمام اروپاییانی که محتاج حفاظت بودند

مستحفظ گماشته شد.

در پیاده شدن قشون هیچ مخالفتی ظاهر نگردید و بدون هیچ نوع تصادفی پیاده شدند. پنجاه نفر از آنها درگمرک گماشته شد و پنجاه نفر درقنسلخانه انگلیس در شهر.»

نمره - ۱۶۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ آوریل)

از طهران، ۱۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲۳ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۱ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل را جنرال قنسل انگلیس مقیم تبریز مخابره نموده:

«انجمن اظهار امیدواری کامل در امکان نجات شهر به دست قشون امدادی ازسلماس که علی قول ۳۰۰۰ نفرند می نماید (محتمل است این تعداد اغراق باشد). بموجب مکتوبی که از این استعداد رسیده آنها در صدد حمله بردن هستند.»

نمره - ۱۶۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ آوریل)

از طهران، ۱۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲۳ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۱ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل را جنرال قنسل انگلیس مقیم تبریز به من مخابره نموده:

«دیروز در جنرال قنسلگری انگلیس اجلاسی منعقد گردید که قنسلهای فرانسه و عثمانی و روس و آمریکا در آن حضورداشتند. آراء براین قرار گرفت که نظر به ترتیبات حاضره از سفارتهای متبوعه خودمان خواهش بنماییم که ۱۷۱ خروار آرد برای مابقرستند هفت خروار برای مصرف اتباع انگلیس درشهر و بقیه برای اتباع خارجه و خانواده شان.

«اگر چه انجمن ایالتی هنوز اقدام قطعی در این مسئله ننموده ولی از قراری که بر من معلوم شده تا حال صلاحیت این مطلب موضوع مذاکره بوده که به قنسلها اخطار بنمایند که من بعد شهر نمی تواند آذوقه به اتباع خارجه برساند. گرچه اتباع انگلیس مثل سایرین اینقدرها در فشار و مضیقه نیستند ولی مسئله تحصیل آذوقه برای متابعین قنسلگری ممکن است هرآن بروز بنماید و ما در تهیه اغذیه برای مستخدمین خودمان با مشکلات معتناهی مصادف هستیم.»

نماینده های دول پنجگانه درمفاد فوق مراسلات به دولت ایران تقدیم داشته اند.

پس از مشاوره با جنرال قنسل انگلیس، من از دولت مشارالیه تقاضا نموده ام که دستورالعمل کلی به عین الدوله داده بشود که در صورت تقاضای مستر راتیسلا

وسایل رفتار اطمینان بخشی را برای تمام اتباع انگلیس فراهم بنماید.
به شارژ دافر عثمانی که ۵۰۰ نفر اتباع در تبریز دارد خبر رسیده است که شاه
از اجازه دخول آرد به شهر امتناع خواهد نمود.

نمره - ۱۶۷

مراسله سرچارج بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۰ مارس ۱۹۰۹

[۳۰ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۷ صفر ۱۳۲۷]

آقا

باکمال افتخار سواد مراسله ای را که در ماه فوریه، وقتی که در اینجا اشتهار داشت که
عین الدوله یورش عمومی به شهر تبریز را در نظر دارد، به دولت ایران نوشته ام لذا
تقدیم می دارم. و نیز سواد مراسله ای را که بر طبق تعلیمات مندرجه در تلگراف پنجم
شهر جاری جنابعالی در باب جنرال قنصلگری دولت انگلیس و جان و مال اتباع انگلیس
در آن شهر به دولت ایران اخطار نموده ام به انضمام جوابی که در این موضوع از وزیر
امور خارجه رسیده لذا ارسال می دارم.

امضا جارج بارکلی

ملفوفه اول در نمره ۱۶۷

مراسله سرچارج بارکلی به سعدالدوله

طهران، ۲۱ فوریه ۱۹۰۹

[۳ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۹ محرم ۱۳۲۷]

جناب مستطاب... وزیر

در بعضی مراکز طهران مشهور است که عین الدوله در صدد یورش بردن به تبریز
است. من نمی دانم چه اعتباری به این اشتهارات می توان انتساب داد ولی وظیفه خود
می دانم که از جنابعالی خواهش بنمایم که مقرر دارید احکام مؤکده به تمام فرماندهان
قشون شاه صادر بشود که در صورت هر نوع یورشی به شهر جنرال قنصلگری دولت
انگلیس باید در نهایت مواظبت منظور و متوجه بگردد و خاطر محترم را متذکر می دارم
که برای هر صدمه و خسارتی که به اتباع و منافع انگلیس وارد بیاید دولت ایران
مسئول خواهد بود.

امضا جارج بارکلی

ملفوظه دوم در نمره ۱۶۷

مراسله سر جارج بارکلی به سعدالدوله

طهران، ۹ مارس ۱۹۰۹

[۱۹ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۶ صفر ۱۳۲۷]

جناب مستطاب... وزیر

من از طرف دولت اعلیحضرتی انگلیس مأمورم که اخطار بنمایم که برای هر صدمه و خسارتی که بواسطه اعمال قشون شاه به جنرال قنسولگری انگلیس در تبریز وارد بیاید دولت ایران مسؤول خواهد بود.

چنانچه خاطر محترم جنابعالی مسبوق است، قبل از این هم مفتخراً برای لزوم مراقبت کامل در حفظ مراتب جنرال قنسولگری دولت انگلیس به دولت ایران اخطار نموده ام ولی چون تاحال جوابی در مقابل این مراسله نرسیده است من مجدداً مبادرت به مراجعه به این مطلب نموده ام.

امضا جارج بارکلی

ملفوظه سوم در نمره ۱۶۷

مراسله سعدالدوله به سر جارج بارکلی (واصله در ۱۹ مارس ۱۹۰۹)

[۲۹ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۶ صفر ۱۳۲۷]

در جواب مراسله مورخه نهم شهر جاری جنابعالی در موضوع تعلیماتی که از طرف دولت فخیمة انگلیس راجع به تبریز و اعمال قشون ایران به جنابعالی رسیده با کمال احترام خاطر عالی را مستحضر می دارم که دوستدار مسئله را به عرض اعلیحضرت همایونی رساندم و احکام لازمه به مأمورین مخابره شد.

بعلاوه، به دوستدار امر شده که ضمناً خاطر محترم را مطلع بدارم که مبادمی که جنرال قنسولگری در تبریز و اتباع انگلیس به متمرّدین تقویت نمایند و به آنها معاضدت نکنند و در جزو متمرّدینی که با قشون مدافعه می نمایند داخل نشوند دولت ایران تأمین جانی و مالی اعضای جنرال قنسولگری دولت انگلیس را ضمانت می نماید.

امضا سعدالدوله

نمره - ۱۶۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۲ مارس ۱۹۰۹

[۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ صفر ۱۳۲۷]

آقا، مسیو بیزو راپورت خود راجع به مالیه را به انجام رسانیده و ملاطفت نموده اختتام رأی خود را به من اطلاع داده که ممکن است خلاصه آن را از قرار ذیل شرح داد:

از اقوی استدراکی که او توانسته از بودجه حاصل بنماید معلوم شده که امسال ۳۶،۰۰۰ لیبره کسر دارد. در اینصورت کسر حقیقی سالیانه باید خیلی بیش از این

مبلغ بشود چونکه مخارج در این بودجه قلمداد نشده.
يك رشته از كسوری كه هرساله تولید شده قرض نامحدودی بوجود آورده كه متصل در تزايد است.

بعلاوة ۳۲،۵۰۰،۰۰۰ منات قرض به دولت روس و ۲۹۰،۰۰۰ لیره قرض به ما در ماه اکتبر گذشته دولت ایران لااقل ۱،۸۵۰،۰۰۰ لیره مقروض بوده و از آن وقت تا به حال مبلغ معتنایهی به این اضافه شده. این به استثنای دعاوی خارجه است یعنی از بابت مسروقات پستی و طرق (كه آنهم باید مبلغ گزافی باشد). يك قسمت این قرض مشتمل به استقراض از دو بانك است كه بعضی از آن را اساساً افراد خصوصاً وزرای كابینه و شاهزادگان منسوبین به سلطنت قرض نموده اند ولی دولت حاضره به عهده گرفته است (كه بی شبهه مجلس در آن خصوص گفتگو خواهد نمود) و يك قسمت دیگر حوالجات لاوصولی است كه از بابت مالیات به شعب مختلف حواله شده. برای استعلاج ۲۲ مسیو بیزو اقدامات ذیل را توصیه می نماید:

(۱) بودجه باید بقاعده ترتیب داده بشود؛
(۲) خزانه دار كل اروپایی باید تعیین بشود كه بودجه مزبور را بموقع اجراء بگذارد؛

(۳) تأسیس دیوان محاسبات.
این بودجه ناگزیر متضمن يك كسری خواهد بود مگر اینکه:
(۱) مالیاتی كه در شهرها متعجبانه سبك است زیاد بشود؛
(۲) صورت مستمریات جرح و تعدیل بشود؛
(۳) قریب ۱،۲۰۰،۰۰۰ لیره قرض دولت به دو بانك تبدیل به قرض دیگری بشود. نظر به مصارف لازمه برای اصلاحات حتی به این نهج هم باز تا چند سال كسر خواهد داشت.

يك استقراضی برای تبدیل قروض بانك و برای تأدیة طلب سایر طلبكارها و مصارف اصلاحات لازم خواهد بود. تا يك پركرامی برای اصلاحات ترتیب داده نشود و طلب سایر طلبكاران خصوصاً دارندگان حوالجات لاوصول حساب نشود مبلغ این استقراض را نمی توان تعیین كرد.

صورتی به مسیو بیزو ارائه شده كه بموجب آن مبلغ حوالجات تأدیة نشده تا قبل از سنه ۱۹۰۸ بالغ به ۵۴۰،۰۰۰ لیره می شود. مسلماً از آن زمان تا حال باید این مبلغ زیادتیر شده باشد ولی بی شبهه در موقع رسیدگی به حساب دارندگان این حوالجات مبلغ معتنایهی از آن تكسیر خواهد شد.

در خاتمه مسیو بیزو در لزوم سرعت تعیین يك نفر خزانه دار كل اروپایی تأکید می نماید.

امضا جارج باركلي

(۲۲) به همین گونه است در اصل - ولی گویا منظور استعجال [= با شتاب کاری را خواستن، در انجام کاری شتاب داشتن] - علی العجالة بوده است - م.

نمره - ۱۶۹

مکتوب سرجار ج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۱۳ آوریل)
از طهران، ۲۳ مارس ۱۹۰۹
[۳ فروردین ۱۲۸۸؛ یکم ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

در تعقیب مشروحه مورخه ۲۳ شهر ماضی خودم باکمال افتخار حوادث در ماه گذشته رشت را ذیلا راپورت می‌دهم:

چنانچه در تلگراف اول مارس خودم راپورت دادم وزیر امور خارجه در طی يك مراسله‌ای مورخه ۲۸ فوریه [۱۰ اسفند ۱۲۸۷؛ ۷ صفر ۱۳۲۷] شرح تلگرافی را اشعار داشته بود که از طرف مجلس مشاوره وزراء به علماء و امیان و اهالی گیلان مبنی به تقبیح سپهدار و اخطار به آنها که از شورش احتراز نمایند و تخویف آنها به اهدار ۲۳ جان و مال مقصر و بیگناه متساویاً، در صورت تجهیز قشون دولتی به رشت برای مرتفع داشتن هیجان، مخابره شده بود.

در دوم مارس کفیل ویس قنصلگری رشت تلگراف نمود که فعلاً بروزات جدیدی نیست ولی بیست یا سی نفر قفقازی یا مرگشتی وارد می‌شوند و انتظار هست که با چهار پستی که در همان روز وارد شدنی است پنجاه نفر قزاق روسی به اسم مستحفظین قنصلگری بیایند. بهر حال مستحفظین تا بیستم مارس پیاده نشدند. در ۲۲ مارس تلگرافی از طرف انجمن ایالتی گیلان به من رسید که سواد آن هم برای سایر نماینده‌های خارجه مقیمین طهران فرستاده شده بود. تلگراف مزبور تذکار می‌نمود که ملیون دائماً برای تأمین اتباع خارجه در جد و جهد هستند.

در خاتمه سواد یادداشتی را که مستر چرچیل هنگام عبور خودش از راه رشت در مراجعت از اروپا راجع به اوضاع آنجا و کنترلی که ملیون در قسمت شمالی جاده رشت به طهران برقرار نموده‌اند نگاشته است لغاً ارسال می‌دارم.

امضا جارج بارکلی

ملفوفه در نمره ۱۶۹

یادداشت مستر چرچیل

در چند روز قبل که من از رشت عبور می‌نمودم به دیدن سردار همایون و سردار معتمد رفتم و شرح حوادثی را که در هشتم فوریه و بعد از آن در آنجا رخ نموده بود از آنها اکتساب نمودم. بعلاوه بر حسب اظهار اشتیاقی که از طرف سپهدار در ملاقات من شد معزای الیه را هم دیدن کردم ولی در عرض مدت ملاقات من با ایشان یکی از

اعضای کمیته رولوسیونر ۲۴ها هم حضور داشت.

هم از مناظره شخصی خودم، هم از اکتساباتی که از منابع مختلفه نمودم کاملاً بر من مکشوف گردید که کلیه طرح نقشه این هیجان رشت در قفقاز ریخته شده و بتوسط يك عده قفقازی داوطلبی که تعداد آنها بالغ بر پنجاه نفر نبوده به موقع اجراء گذارده شده. در عرض شش ماهه‌ای که از آن زمان گذشته بر عده اینها افزوده شده و از قراری که به من اظهار شده فعلاً علی‌التخمین عده آنها به ۳۵۰ نفر رسیده. در این ضمن يك عده معتنا بهی از ایرانیان تبعید شده هم به رشت آمده‌اند. سه نفر اخوان برادرزاده‌های سردار منصور که موسوم به معزالسلطان و عمیدالسلطان و کریمخان‌اند در عرض این مدت معیت خیلی نمایانی با قفقازیان نموده‌اند.

بازارها باز بود و تجارت در يك روش معنوی جریان داشت بیدقهای سرخ تقریباً در بالای هر خانه‌ای متصاعده ۲۵ بود و منازلی که این علامت حریت را مظهر خود قرار نمی‌داد بیدق روس یا بیدق عثمانی را مرئی می‌داشت که دال بر محرومیت سکنة آنها در تحت حفاظت دول مشارالیه‌ها می‌بود. من نیز دو بیدق انگلیس را هم رؤیت نمودم. در ضمن صحبت سپهدار اظهار داشت که من در تقویت مشروطه مصمم شده‌ام و مادامی که قشون به مقابله من اعزام نشود در استقرار نظم در رشت مداومت خواهم نمود. ولیکن اگر قشون بر علیه [= علیه] من تجهیز بشود مسئولیت نتایج آن را نمی‌توانم به عهده بگیرم اگر چه من اطمینان دارم که یاهر عده قشونی که شاه بتواند گسیل بدارد می‌توانم مقابله نمایم. من از این نوع اعمال از قبیل توقیف شماع السلطنه اظهار کراهت نمودم و سپهدار به من اطلاع داد که تا حال باین اقدام قفقازیان مخالفت نموده و تهدید نموده‌ام که اگر در تعقیب این روش مداومت بنمایند من از رشت عزیمت خواهم نمود.

کاملاً واضح بود که در باب ورود بظاهر غفلتی سپهدار در موقع قتل حکمران با نهایت دقت قبلاً با قفقازیها قرار داده شده بود ولی از طرف دیگر، همانطور مطمئنم که نه سردار همایون و نه سردار معتمد با قاتلین همدست بوده‌اند اگر چه گمان می‌کنم که ظن عمومی درباره آنها اینطور است که مشارکت داشته‌اند. این باور نکردنی است که این دونفر اشخاص خائف با داشتن سابقه از ورود قهری يك دسته قفقازی به مدیریت به قصد قتل حکمران و یکی دونفر اشخاص دیگر مظنون به ارتجاعی در آن روز دوشنبه مهلك (۸ فوریه) برای قمار به آن محل رفته باشند. چنانچه آنها داخل در این قضیه می‌بودند مسلماً برای حضور نداشتن در محل شلیک که احتمال تصادف بایک گلوله به خطا یا حتی به اشتباه زده شدن می‌رفت عذری می‌جستند چونکه قفقازیان هیچیک از آن جمع را صورتاً نمی‌شناختند.

معزالسلطان آن دسته را راهنمایی به مدیریت کرد و خودش حاکم را که در صدد پنهان شدن بود پیدا کرده و سرداری او را نگاهداشته بود تا قفقازیان او را مقتول

۲۴) رولوسیونر: انقلابی - م.

۲۵) به همین گونه است در اصل - م.

نمودند.

جاده به طهران قریب صد میل الی «یوزباشی چای» را من در تحت سلطه قفقازیان دیدم. من هیچ سنگری در راه ندیدم ولی در نقاط بسیار خندقها درست نموده و برای دفاع از عبور از پل منجیل اقدامات کرده بودند و به همچنین در بسیاری از مقامهای سهل الدفاع دیگر در جاده. در چهار نقطه دسته‌های مختصر مأمورین من را نگاهداشته و در باب شغل و مقصد و جنس بنه من تحقیقات نمودند. اگر چه بلیط عبور معمولی کمیته جنگی رشت را که فعلاً به کلیه مسافرین که اجازه حرکت از رشت را دارند داده می‌شود من همراه نداشتم ولی در اقناع نمودن آنها اشکالی نداشتم. بموجب شماره من، بالغ بر شصت نفر مردمان مسلح در عرض راه بودند و دسته‌ای که پس از مقتول نمودن یکی از خوانین کرد و یک نفر از ملتزمینش در شب دوازدهم مارس از طرف شاه به «یوزباشی چای» اعزام شده بود بطرف رشت مراجعت می‌کردند مرکب از ۲۴ نفر سوار بود [که] به نظر من همه آنها قفقازی بودند.

تقریباً سی نفر قفقازی در کشتی که من با آن از بادکوبه به انزلی مسافرت نمودم بودند که به فاصله قلیل مدتی بعد از حرکت از بادکوبه یک مقدار اسلحه ابراز داشتند. همکاران آنها در رشت با تهنیت و شادی کامل آنها را پذیرفتند. در رشت سپهدار و سایرین به من اطلاع دادند که این اشخاص اتصال می‌آیند و بموجب تخمین من قریب سیصد نفر از آنها در آنوقت در رشت بودند.

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۲۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۵ صفر ۱۳۲۷]

امضا ج. پ. چرچیل

نمره - ۱۷۰

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۴ مارس ۱۹۰۹

[۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

در ۲۵ شهر ماضی قشون عین‌الدوله و حاکم مراغه شروع به یورش به تبریز نمودند. بمباردمان به سنگرهای شهر در عرض ۲۴ و ۲۶ معتد بود ولی بدون هیچ اثری و قشون شاه‌پرستان بالاخره با تلفات بسیار عقب نشانده شدند.

این مجاهدت قشون شاه برای مقهور نمودن تبریز بی‌شبهه همان یورشی است که معتمدانه در باغ شاه امیدوار بودند که باعث تسلیم شهر خواهد شد چنانچه در مشروح ۲۵ شهر ماضی خودم اطلاع دادم. قصور عین‌الدوله در انجام مقصود خودش او را مجبور به بازگشت به باسمنج نمود و هیچ مجادله دیگری واقع نشد تا پنجم شهر حال که قشون مراغه از خط قره‌ملک که بتازگی متصرف شده بودند شروع به یورش

نمودند و در همان وقت توپخانه باسمنج محله خیابان را بمبارده کرد. این بمباردمان بی‌ثمر بود و عاقبت توپخانه به مقام خود بازگشت نمود. قشون مراغه هم با تلفات کثیره عقب نشانده شد. در پنجم یا ششم ماکوپیها مرند را اشغال نمودند و قره‌داغیها در تحت سرکردگی رحیم‌خان در ۱۵ جلفا را تصرف نمودند ولی ظاهراً بعد از آن ملیون مجدداً آنجا را تصرف نمودند. انهدام قراء حوالی جلفا و رفتار وحشیانه با اهالی بتوسط رحیم‌خان چنانچه در تلگراف ۲۲ خودم راپورت دادم مبنای اظهارات مشترکه من و همکار روسیم به دولت ایران گردید.

در سوم شهر حال رحیم‌خان سیم تلگراف کمپانی تلگرافی هند و اروپا بین تبریز و جلفا را قطع نمود، مستخدمین کمپانی از ترس تابعین رحیم‌خان جرئت بیرون رفتن از تبریز برای تعمیر سیم را نمی‌نمودند و با وجود احکامی که عین‌الدوله اظهار می‌داشت صادر نموده رحیم‌خان امتناع نمود که بگذارد نماینده کمپانی در تبریز در اجرای تعمیرات اقدام بنماید. در همان ضمن شارژ دافر روس پرتست سختی به دولت ایران نموده و از جانب کمپانی دعوی روزی پانصد لیره خسارت در عرض مدت خرابی سیم را پیشنهاد کرد. اظهارات او که من تأیید نمودم بالاخره منتج به این گردید که اوامر مستقیم به رحیم‌خان شد و در ۱۹ مجدداً مخابرات مفتوح شد.

امضا ج. بارکلی

مجدد: سواد مکتوبی را که مستر راتیسلا جنرال قنصل نگاشته و جزئیات جنگ در ۲۵ شهر ماضی و ۵ شهر حال را شرح داده لذا ارسال می‌دارم. عبارت اخیر ایسن مکتوب خرابی را که قشون شاه وارد نموده‌اند مختصراً شرح می‌دهد. ج. ب.

ملفوفه در نمره ۱۷۰

مکتوب مستر راتیسلا جنرال قنصل به سر جارج بارکلی

از تبریز، ۷ مارس ۱۹۰۹

[۱۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۴ صفر ۱۳۲۷]

آقا

در دو یورشی که قشون مراغه در تحت سرکردگی صمدخان به تبریز بردند یورش دومی با قوای زیادتر و عزم جزم‌تری بود ولی حتی در حمله اولی در ۲۵ فوریه هم مهاجمین رشادت غیرمنتظره‌ای بروز دادند و اگر چه چندان کار بر مدافعین سخت نشد ولی بالاخره برای عقب‌نشاندن دشمن حضور شخص ستارخان و چندین صد نفر اشخاص لازم گردید. حمله از سرد رود شروع شد و جنگ در خیابانهای خطیب در جلو مقامهای خارجی ملیون درگرفت. يك نفر از شاه‌پرستان اسیر و نعش ده نفر از آنها از جوار سنگرهای ملیون برداشته شد. از رد خون در برف واضح بود که يك عده زیادتری مقتول و مجروح را رفقایشان صبح زود حرکت داده بودند. تلفات ملیون سه نفر مقتول و پنج نفر مجروح بود.

در دوم مارس صمدخان مرکز خود را از سرد رود به قره‌ملك که قریه بزرگی

در طرف شرقی است و خیلی به تبریز نزدیک تر است تبدیل نمود و در طلوع صبح پنجم شهر حال يك عده کثیری مرکب از سواران چهار دوالی و پیاده نظام با يك مراده توپ در جاده ای که به محله های اهونی و حکم آباد می رود پیش آمدند. آنها راهی برای دخول به حکم آباد بدست آوردند ولی در عوض تعقیب پیشرفت خودشان چهار دوالیها شروع به غارت خانه ها نمودند و به این واسطه فرصت به دست قشون امدادی ملیون دادند که در رسیده و در ساعت چهار هردو یورش را عقب نشانده و قشون شاه پرستان کاملاً منهزم گردیدند. حتی آنها نتوانستند يك قسمت بیشتر از اموال منهویه از حکم آباد را با خود ببرند. پنج نفر از آنها به اسیری گرفتار شدند و بعلاوه غنیمتهای میدان جنگ از قبیل طبل و الاغ حامل نهار [= ناهار] صمدخان هم به دست فاتحین افتاد. نعش دوازده نفر از شاه پرستان را برداشته به شهر آوردند. مجموع تلفات آنها، مقتول و مجروح، باید يك مقدار معتنا بهی شده باشد.

از طرف ملیون پنج نفر مقتول و ده دوازده نفر مجروح بود. این یورش باعث تزلزل و نگرانی بسیار در تبریز شده بود چون در حقیقت حکم آباد يك قسمت از شهر است و شاه پرستان قبل از این اینقدر نزدیک به شهر نیامده بودند یا همچه ایستادگی و عزمی بروز نداده بودند. در این مجادله يك عده از ملاها به قشون ملیون ملحق شده بودند و اگرچه نباید انتظار داشت که آن مقدسین محترم چندان قتال واقعی نموده باشند ولی مسلماً حضور آنها باعث تشجیع مردان جنگی شده.

در این جنگ، چنانچه در سایر مواقع هم، ستارخان رشادت شخصی قابل تحسینی بروز داد ولی او خیلی بیش از اندازه ای که يك نفر سرداری که تمام حسیات ملی در تبریز بسته به حیات او است خود را در معرض خطر می گذارد. در طی مجاهدت بی نتیجه ای که در ۲۲ فوریه برای افتتاح راه جلفا بعمل آمد يك موقعی او در نهایت خطر بود که قسمت عمده قشون او از او جدا شده بودند و او با يك عده خیلی ارامنه در يك مقام متزلزلی مانده بودند که با زحمت بسیار خود را از آنجا مستخلص نمود. باضافه، در پنجم شهر حال، معزیه الیه انسانیت خود را مشهود داشت که بواسطه اقدام در نجات اسراء از دست يك جمع غضب آلوده ای تا حدی شخص خود را با مخاطرات مصادف نمود.

اعمال اردوی باسمنج بکلی مجهول و مبهم است. در ۲۵ فوریه اردوی مزبور بواسطه يك بمباردمان ضعیفی به محله خیابان یورش به خطیب را تقویت نمودند ولی نتیجه آن فقط مجروح شدن دو نفر از ملیون بود. این بمباردمان باهمان قسم فقدان اثر روز بعد هم تجدید شد و سنگری که در عرض تمام روز سه مراده توپ به آن شلیک می نمودند به هیچ وجه با یکی از گلوله های توپ تصادف ننمود لیکن از شلیک تفنگ ملیون قدری صدمه به توپچیان وارد شد.

در ضمن حمله ای که در پنجم به حکم آباد شد مجدداً خیابان را بمبارده نمودند ولی در این وهله ملیون به محل توپخانه شاه پرستان حمله بردند و قبل از عقب نشانده شدن صمدخان معجلاً توپها عودت داده شد. هرگاه يك یورش کاملی به خیابان برده شده

بود مانع مدد رساندن باقرخان که فرماده آن خط است به ستارخان می‌شد و ممکن بود کار براو سخت بشود.

در همان روز دسته قلیلی از سواران شاه‌پرستان با پیش‌قراول ملیون در خطیب روبرو شدند و مدافعین توپهای خود را برداشته تا سنگرهای داخلی عقب نشستند لیکن محل پیش‌قراول را مجدداً در همان روز تصرف نمودند.

از بیانات اسراء همچو استنباط می‌شود که به تمام عساکر شاه‌پرستان تعلیم شده که تبریزیها بابی شده‌اند و مجادله با آنها از فرایض مذهبی است.

از وقتی که قره‌داغیها سیم تلگراف کمپانی هند و اروپا را قطع نموده‌اند از اعمال آن راهزنان کمتر اطلاعی بدست آمده ولی از قراری که راپورت داده شده و به عقیده من متضمن صحت هم هست آنها مرنند را تصرف نموده و در کار تهدید نمودن جلفا هستند. آنها هیچ وقعی به اوامری که عین‌الدوله به آنها می‌نماید قرار نمی‌دهند. در هفته ماضی يك نفر مسافر یونانی و يك نفر مسافر سوئیسی را که به جلفا می‌آمده و سفارش‌نامه‌ای از نواب معظم‌الیه [= معظم‌له] با خود داشته‌اند لخت نموده و تمام متعلقات آنها را به سرقت برده‌اند.

مسئله نان هنوز در شهر غامض نشده اگر چه مقداری که تهیه می‌شود بندرت کفاف احتیاجات یومیة اهالی را می‌دهد. در ۲۸ فوریه يك ناوایی که با وجود اخطار قیمت آرد را گرانتر از نرخ مدینه انجمن فروخته بود بقتل رسید و روز بعد يك نفر مرتجع به تقصیر خیانت به همان نوع مجازات گرفتار شد.

وضع عمومی ایالت بیش از آنچه بتوان شرح داد بد است. از زنجان تا باسمنج دهاتیانی که قشون شاه‌پرستان آنها را از هستی ساقط نموده‌اند در عرض جاده هرکسی را که بتوانند بدست بیاورند لخت و سرقت می‌نمایند. قره‌داغیها در راه جلفا به هرچه دسترسی یافته‌اند غارت کرده‌اند.

امضا ا. س. راتیسلا

نمره - ۱۷۱

مکتوب سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۴ مارس ۱۹۰۹

[۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

جنبش ملی فعلاً تا بنادر خلیج فارس منبسط گردیده. بوشهر و بندرعباس سر از انقیاد و اطاعت شاه پیچیده و بدون خونریزی در تحت سلطه سلسله ملی قرار گرفته‌اند.

در آخر فوریه قنصلگری دولت فخمه از بوشهر راپورت داد که سید مرتضی اهرمی یکی از ملاهای نامی بوشهر در صدد است که يك عده از تفنگچیان ایلپاتی را به قصد

تولید انقلاب وارد بوشهر بنماید. ماژور کاکس شرحی به حکومت محلی نوشته و تأکید نموده که اگر این شهرت متضمن صحتی است اقدامات احتیاطی را بعمل بیاورند. کفیل جنرال قنسولگری روس با ماژور کاکس مشورت نموده و اظهارات مجدد به نایب‌الحکومه کردند و او جواب داده بود که مشغول اقدامات لازمه برای جلوگیری از اغتشاش هست.

بعلاوه ماژور کاکس راپورت داد که در اواسط فوریه ملیون تهدید می‌نمودند که داخل بندرعباس شده و گمرک را تصرف بنمایند. او اظهار می‌دارد که به‌هرصورت فعلاً نظر به‌خوف از مداخله خارجه بواسطه رؤیت جهاز جنگی خارجه از هیجان احتراز شده و ورود کشتی جنگی اعلیحضرتی موسوم به «پرسیوس» در ۱۶ فوریه [۲۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۴ محرم ۱۳۲۷] به بندرعباس تا چند روزی اثرات سکون و آرامی بخشید. به‌هرصورت در ۱۷ مارس [۲۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۴ صفر ۱۳۲۷] راپورت رسید که نظر به تأکید و فشار علمای نجف و سید لاری ملیون در بندرعباس مهام حکومت را در دست گرفته و گمرک را تصرف نموده و کارگزار را به‌سمت حکومت تعیین کردند. در طی تلگرافی که حاکی این خبر بود قنسولگری انگلیس از بوشهر اشعار داشته بود که از صاحب‌متصب ارشد بحری تقاضا شده يك فروند کشتی جنگی برای محافظت اتباع انگلیس به بندرعباس اعزام دارند. ماژور کاکس نیز اظهار داشته بود همچو تصور می‌کنم که قنسول دولت فخمیه باید شخصی را که عملاً حاکم است به‌این سمت بشناسد و تجار انگلیس در گذراندن مال‌التجاره خود از گمرکخانه باید گمرک را به‌اشخاصی که متصدی و مجری هستند بپردازند. من جواب دادم که قنسول انگلیس باید بدون اینکه کارگزار را رسماً به سمت حکومت بشناسد. با او معامله بنماید و باید به‌کارگزار اظهار بدارد که گمرکات جنوب نزد دولت انگلیس مرهونند و تقاضا بنماید که عایدات گمرک بندرعباس به قنسولگری تحویل بشود. دیگر اینکه من در کار اطلاع دادن به‌دولت ایران هستم که گمرک وارداتی که تجار انگلیسی به ملیون پرداخته‌اند کاملاً تأذیه شده محسوب است باین معنی که بکلی ذمه آنها بعد از گمرکی که داده‌اند بری خواهد بود و عایدات گمرک را هم از ملیون مطالبه نموده و از بابت مرابحه وجه استقراضی خودمان که گمرکات جنوب وثیقه آن است و موعدهش منقضی شده محسوب خواهم داشت. دیگر ماژور کاکس راپورت داده که رئیس بلژیکی گمرک را مخیر نمودند که یکی از دو شق را اختیار نماید یا داخل در استخدام ملیون شده و عایدات را به‌آنها بپردازد و یا از گمرک خارج شود و مشارالیه شق ثانی را مرجع دانست.

اخبار دیگر مبنی براین بود که نظم و تمشیت واقعی برقرار داشته‌اند ولی خطر در این مسئله است که همه‌کس در شهر مسلح است و دستجات مسلح هم اتصال از داخله وارد می‌شوند. در ۲۳ مارس [۳ فروردین؛ یکم ع ۱] قنسول انگلیس مقیم بندرعباس از ملاقات خودش با کارگزار راپورت داد. کارگزار استفسار نموده بود که آیا دولت انگلیس می‌خواهند که کلیه عایدات گمرک به‌آنها تسلیم بشود و آیا به‌پرداخت نصف عایدات یومیه به قنسولگری اقناع خواهند شد یا خیر. کاپیتان شکسپیر در ضمن راپورت

دادن این مذاکره اصرار نمود که برای خاطر آرامی و سکونت صلاح براین است که يك قسمت از عایدات گمرک به ملیون تفویض بشود که به مصرف حقوق اشخاص تحت السلاح برسانند علی هذا من به او اختیار دادم که عقیده خود را در این مسئله اعمال نماید.

سرعت سیر حوادث در بندرعباس ظاهراً امور را در بوشهر هم به اقصی نقطه رسانیده است. در ۱۷ مارس قنصلگری بوشهر راپورت داد که تا حال اهالی اینجا از متابعت با نقشه ملیون مردد بوده اند لیکن احتمال آن می رفت که اخبارات بندرعباس باعث ترغیب آنها در تعقیب همان روش بگردد. حاکم در شهر حاضر نیست و ندرتاً می توان انتظار داشت که قشون ساخلو که مرکب از دوست نفر سرباز اصفهانی است تقویت مهمی از اداره گمرک یا مأمورین محلی بر علیه [= علیه] دسته ملیون بنمایند. ماژور کاکس نیز اشعار داشته بود که در باب اوضاع با همکار روسی خودش مشاوره نموده و اگر چه فعلاً دلیلی برای خوف و احتیاط از تعرض و صدمه اتباع خارجه موجود نیست مع هذا نظر به امکان اغتشاش عمومی و مسئله مرهون بودن عایدات گمرکات بوشهر نزد ما مصلحت در آن است که يك فروند کشتی جنگی برای حفظ منافع خودمان به فاصله دست رسی داشته باشیم.

در ۲۲ مارس به من راپورت رسید که سید مرتضی اهرمی يك عده تفنگچی تنگستانی داخل شهر نموده و با سکونت، سر رشته مهم حکومت را از جانب ملیون در دست گرفته و مأمورین عمده محلی مستعفی شده اند و اگر چه تا حال مداخله ای در گمرک نشده ولی مسئله تصرف آن در تحت مذاقه و امان نظر است. کاپیتان ترور که هنگام غیبت ماژور کاکس کفیل قنصلگری دولت فخمیه بود بعلاوه اشعار داشته بود که در صدد اطلاع دادن به سید است که عایدات گمرک نزد دولت فخمیه مرهونند. من جواب دادم که من مخالفتی با تصرف نمودن ملیون گمرک را ندارم بشرط اینکه يك قسط ماهانه ای مرتباً به بانک شاهنشاهی پرداخته بشود که فرع استقرار دولتی ما و فرع قروض بانک شاهنشاهی را مستهلک بدارد.

در ۲۳ مارس کاپیتان ترور راپورت داد که سید مرتضی رسماً به قنصلخانه ها نوشته و اعلام داشته است که خودش مهم حکومت را از جانب ملیون در دست گرفته و وظایف مأمورین محلی را موقتاً عهده دار است و ترتیب حفظ جان و مال اتباع خارجه را خواهد داد. تا حال خلاف نظم و اغتشاشی واقع نگردیده و مداخله ای هم در گمرک نشده ولی سید اظهار داشته که در این موضوع به تیریز مراجعه نموده. برای اینکه امورات محلی قنصلگری به عهده تعطیل نیفتد کاپیتان ترور استعمال نمود که آیا او می تواند با شخصی که عملاً حاکم است رسماً ارتباط داشته باشد و من جواب دادم که ممکن است بدون اینکه بالصراحه او را به این سمت بشناسد با او معامله بنماید.

اخبارات اخیره مبنی بر اینند که در ۲۳ مارس سید گمرک را تصرف نمود و مأمورین بلژیکی خارج شدند. صبح همان روز اجلاسی در منزل میرپنج فرمانده قشون ساخلو دولتی واقع شد که سید مرتضی از جانب دسته ملیون و کارگزار و رئیس پستخانه و

رؤسای سایر دواير و تقريباً شش نفر از تجار محترم در آن حضور بهم رساندند. همينکه به ميرپنج اصرار شد که آيا او بامليون همراه است يا مخالف، مشاراليه استعفاي خود را عرضه داشت و ساير مأمورين دولتي هم همان روش او را تعقيب نمودند. پس از آن سيد ياتفاق متابعين خود به دارالحکومه رفته و در آنجا بيدق سلطنتي را خوابانده و بجای آن بيدق ملي را نصب نمودند و بيستويک تير توپ هم به رسم سلام شليك شد. همچو اظهار می شود که اين انقلاب بی خونريزی بواسطه اين است که تمام طبقات در بوشهر به انضمام مأمورين دولتي قلباً ملت خواه هستند.

امضا ج. بارکلی

نمره - ۱۷۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۳ آوريل)

از طهران، ۲۴ مارس ۱۹۰۹

[۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

هيجان و جنبشهای انقلابی در مسلك ظاهرأ اکنون بطرف ولايات شمال شرقی ايران سرايت و نشر کرده.

جنرال قنسل انگليس مقيم مشهد در ۱۳ فوریه [۲۴ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۱ محرم ۱۳۲۷] راپورت داد که علی الظاهر بنياد يك هيجان تجددخواهانه سختی نهاده شده بود ولی رکن الدوله والی مواظب حال تجددخواهان است و چون اينها خائف هستند و اظهار مخالفت مخصوصی نمی نمایند امکان دارد که شهر آرام بماند. يك هفته بعد از آن ماژورسایکس راپورت داد که يك تعطيل ناقصی در بين پلیسهای مشهد واقع شد که سعی نمودند سربازان را متقاعد بنمایند که با آنها شرکت بنمایند ولی ثمری نبخشید. تا آخر فوریه همچو می نمود که چنانچه سفارتین به دولت ايران توصیه نموده اند تعيين رکن الدوله به ایالت خراسان در عيد نوروز تجديد خواهد شد. راپورت داده شد که اگر چه مجاهدت در تحريك مردم شده است که مالیات ندهند و احساسات عمومی متوجه است که يك نوع نمایشی باید اعمال بشود که معاضدت با دسته تجددخواه را مشهود بدارد مع هذا آنچه ظاهر است کلیه مردم از حاکم حالیه خودشان ناراضی نیستند. به هر صورت در اوایل مارس راپورت داده شد که رکن الدوله معزول شده و شاهزاده نیرالدوله را که شخصاً در خراسان منفور عامه است به مناسبت تقریباً ۲۴۰۰ لیره پیشکشی که برای این مقام داده است به ایالت تعیین نموده. در ۴ مارس [۱۴ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۱ صفر ۱۳۲۷] رکن الدوله از مشهد عزیمت نمود و در ۷ مارس ماژورسایکس راپورت داد که انقلاب در مشهد شروع شده است.

در منزل برادرزاده ایالت جدید يك بمب انداخته شد. شورشیان تلگرافخانه را تصرف نمودند. دكاكين شهر بسته شد و برای حفظ مقر ایالت توپها آماده شد.

شورشیان نایب‌الحکومه را دستگیر و حبس نموده و انجمن جدیدی از طرف دسته تجدیدخواهان تأسیس گردید. جنرال قنصل انگلیس راپورت داد که نظر به فقدان تمام مأمورین مسؤل دائمی دولت کارگزار سابق که شخصی بود دارای اعتبارات مستحسنه و نفوذ محلی کامل ولی بتازگی دولت ایران او را منقصل نموده باید منتظر پروژات مهمه بود.

ضمناً دامنه انقلاب تاتریت‌حیدری متسع و منبسط شده و در ۱۶ مارس [۲۶ اسفند؛ ۲۳ صفر] ماژور سایکس راپورت داد که يك دسته شورشیان در تحت سرکردگی بلوچها به کفیل حکومت حمله برده و او را مقتول نمودند. او نیز اطلاع داد که این پیشرفت و موفقیت‌های دیگری که بموجب راپورت در سایر نقاط ایران برای انقلابیون حاصل شده باعث قدرت انجمن مشهد گردیده.

در عرض هفته ماضی راپورت دیگری از مشهد نرسیده ولی ظاهراً هیچ دلیلی نیست که بتوان فرض نمود که فعلاً انقلابیون قصد عودت به اطاعت حکومت مرکزی را داشته باشند.

امضا ج. بارکلی

نمره - ۱۷۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۵ مارس ۱۹۰۹

[۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

باکمال افتخار راپورت می‌دهم که بموجب خبر تلگرافی که الساعة به من رسیده شهر شیراز و همدان جزو جنبش ملیون شده‌اند.

علی‌الظاهر در اجلاسی که دیروز بعد از ظهر در شیراز تشکیل یافته و بیگلربیگی نصرالدوله (رئیس دسته قوامی) و سایر معاریف در آن حضور داشته‌اند آراء براین قرار گرفته که امروز اعلان مشروطیت منتشر بگردد و انجمن ایالتی تأسیس بشود. در همدان که مشروطیت اعلان شده بود کفیل حکومت به‌نمایش ملی ملحق شده ولی پدرش او را به‌بروچرد احضار نموده. پس از آن شاه حاکم جدیدی تعیین نمود ولی اهالی به اعلیحضرت معظم جواب دادند که اگر آن حاکم وارد همدان بشود او را قطعه قطعه خواهند نمود. در ضمن راپورت دادن این خبر قنصل انگلیس مقیم کرمانشاه اشعار می‌دارد که جنبش ملی در آن قسمت مملکت برطبق دستورالعمل واصله از کربلا بوده.

امضا جارج بارکلی

نمره - ۱۷۴

مکتوب سرچارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۵ مارس ۱۹۰۹

[۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۳ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

باکمال افتخار خلاصه وقایع ماهانه معمولی را که راجع به چهار هفته ماضی است
لفا تقدیم می‌دارم.

امضا ج بارکلی

ملفوفه در نمره ۱۷۴

خلاصه وقایع ماهانه

طهران

شاه در اردوی مسلح خود در باغ شاه در وسط حامیان مرتجع خود و سپهسالار
(امیربهادر) سر سلسله آنها کماکان اقامت دارند. مشاوره‌های مرتجع مشدد شیوع
دارد و شاه که ده روز قبل راپورت داده شده بود که خیلی متأثر و محزون هستند از
قرار بیانات اروپاییانی که همه روزه آن اعلیحضرت را ملاقات می‌نمایند اکنون بشماش
هستند و اخبار موفقیت ملیون در تربت و بندرعباس و بوشهر و شیراز و همدان
را با بی‌اعتنائی کامل دریافت نموده‌اند.

بازارهای طهران بسته مانده است و متحصنین هنوز در سفارت کبرای عثمانی
هستند.

اوضاع پلتیکی باعث عدم جریان امور تجارتي و پولی گردیده. در امورات بانک
شاهنشاهی بواسطه اشکالات و مخاطراتی که برای ارسال قوافل پول به ولایات موجود
است اخلاص بسیار حاصل شده. بروات خارجه را که در تبریز ورشت و مشهد برای
فروشش حسن طلب می‌شود نمی‌توانند بخرند چون فرستادن پول به آنجاها برای این
مقصود مقدور نیست. نتیجه این شده که مظنه به میزان گران برقرار است. نرخ پوند
امروزه پنج تومان و پنج قران و پانزده شاهی است.

امضا ج. پ. چرچیل ۲۶ مارس ۱۹۰۹

[۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

استراباد

در سوم فوریه [۱۴ بهمن؛ ۱۱ محرم] امیر مکرم حکمران ارگت را سنگربندی
نمود و ۱۵۰ نفر سرباز در قلعه قدیم نصب نمود. روز بعد ملیون دکاकिन خود را
بسته و در يك مسجدی جمع شدند و رؤسای آنها رای قطعی دادند که حاکم باید از
شهر خارج شود. حکومت به فرمانده فوج هزار جریب که از جمله ملیون بود امر نمود
که با فوج خود به کافشگر برود. در موقع خروج از شهر او بیست قبضه تفنگ به
ملیون داد و دو بیست نفر از دهات حوالی فرستاد که به آنها کمک بنمایند. در اوایل

مارس بعضی از مأمورین محلی در صورتیکه ظاهراً از فرقهٔ ملیون هم نبودند تلگرافی به شاه نموده و استدعای عزل حاکم را کردند. در ۷ مارس [۱۷ اسفند؛ ۱۴ صفر] صدراعظم جواب داد که حاکم احضار شده ملیون محض اینکه مشهود بدارند که اعتبارات عزل حاکم راجع به آنها بوده نه به مأمورین محلی، بازارها را بسته و عدهٔ کثیری در یکی از مساجد جمع شدند.

کرمان

صاحب اختیار حکمران نایب را رها نموده و ناظم را اجازهٔ معاودت به کرمان داده. معزیه‌الیه نیز استعفای خود را عرضه داشت ولی نظر به وضع مغشوش مملکت دولت ایران نمی‌تواند شخص دیگری برای منصوب نمودن به این مقام بدست بیاورد. اگر حاکم مقتدری تعیین نشود قنصل انگلیس وقوع اغتشاش را پیش‌بینی می‌نماید. قنصل انگلیس در ۱۴ مارس تلگراف نمود که افشاریه‌ها شورش نموده و حاکم بافت را مقهور نموده‌اند. حاکم را با زخم متکری که برداشته بود به کرمان آوردند و افشاریه‌ها بیشتر اردو واثائیة او و يك عراده توپ و مالیاتی را که او دریافت داشته بود به یغما بردند.

کرمانشاه

در ۲۴ قوریه [۶ اسفند؛ ۳ صفر] کاپیتان هاورت از همدان تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت داد که يك عدهٔ قلیلی از ملیون نامی آن شهر در آژانس قنصلگری عثمانی متحصن شده و در باب اوضاع کنونی ایران به سفارت کبرای عثمانی و باب عالی تلگرافات مخابره نموده‌اند. ملیون معتقد بودند که به معاضدت عشایر خداپنده‌لو می‌توانند دوهزار سوار تهیه نمایند ولی کاپیتان هاورت این را اغراق تصور می‌کند و عقیده‌اش براین است که تا آنها اطمینان حاصل ننمایند که می‌توانند تا اندازه‌ای سوار حاضر نمایند که با افواج و رؤسای محلی که از طرف شاه هستند مقاومت نمایند علناً عنوانی برای مشروطیت نخواهند نمود. از قرار مذکور دوهزار لیره برای تهیهٔ قشون ملی جمع‌آوری شده. کفیل حکومت به کاپیتان هاورت اطلاع داده‌است که مکرر استعفا نموده ولی شاه فقط در جواب امر نموده است که از کلیهٔ هیجان مشروطیت جلوگیری بنماید. کفیل حکومت اظهار داشته است که اگر او امر شاه را بموقع اجراء بگذارد مردم او را به قتل می‌رسانند و هرگاه ازان اوامر تخطی بجوید شاه او را می‌کشد. معزیه‌الیه استعلام نموده بود که آیا می‌تواند به نمایندگی انگلیس پناهنده شود و کاپیتان هاورت جواب داده بود که دولت فخیمه فقط کسی را پناه می‌دهد که جان او در خطر باشد.

یزد

همچه معلوم می‌شود که دستهٔ دویست نفر سارقینی که در خلاصهٔ وقایع ماه گذشته

اشعار شده است که بختیاری بودند در حقیقت مرکب بوده اند از اهالی فراقه که يك قرية مشهور به مسکن سارقین و واقع بین آباده و ابرقو است و يك عده از تفتیها که به آنها ملحق شده بودند. صمصام السلطنه اظهار کرد که هیچ ارتباطی با آنها ندارد. آن دسته در تحت سرکردگی يك شخصی خسروخان نام تامسافت قلیلی به یزد نزدیک شدند. این باعث بروز تشویش و هراس در شهر شد و حکومت استعدادی به مقابل آنها اعزام داشت که پس از مختصر جدالی با غارتگران مزبور عقب نشستند. خسروخان اعلان نمود که برای اعاده حکومت شوروی آمده است ولی اهالی یزد که اعتقادشان براین بود که او و تفتیها فقط می خواهند شهر را غارت بنمایند جوابی در مقابل عنوانات او ندادند. چون دسته مزبور در جلب تقویت یزدیها یا مخابره شدن تلگرافی از طرف آنها به صمصام السلطنه موفق نشدند رجعت نمودند و حرکات و اعمال من بعد آنها هنوز معلوم نیست.

در خصوص تعرض و سوءرفتار نسبت به پارسیان در حوالی یزد ظاهراً مهاجمین به یکی از قراء پارسیان تفتیها بوده اند که سه نفر مرد را به اسارت برده بودند و بالاخره متعلقان آنها استخلاص اسرا را خریده بودند. کفیل ویس قنسولگری دولت انگلیس به حکومت اظهارات نمود و در اواخر فوریه حاکم قریب هزار نفر استعداد جمع نمود که به مقابله تفت بفرستند. ضمناً تفتیها که علی الظاهر دوستان متنفذ در یزد دارند در صدد بند و بست اصلاح ظاهری برآمدند و هنوز استعدادی به مقابله آنها نرفته.

يك عده دستجات سارقین هنوز در طرق پراکنده اند و سرقتهای بسیار واقع می شود. شاید راه کرمان بیش از همه ناامن باشد.

در بیستم فوریه [۲ اسفند؛ ۲۸ محرم] تلگرافی از طرف آقانورالله از اصفهان به نائین رسید که تمام اشخاصی را که حاضرند برای تقویت این راه حق تحت سلاح بروند به اصفهان دعوت نموده بود. راپورت داده شد که انتظام الملك حاکم سابق یزد هم در امیرآباد مشغول جمع آوری قشون بوده. از آن زمان او در اصفهان به بختیاریها ملحق شده.

شیراز

مرکز ثقل پلتیک فارس هنوز لارستان است. ظاهراً قوامیها برای پول در فشارند. در چهاردهم فوریه [۲۵ بهمن؛ ۲۲ محرم] پیشکار قوام از طهران تلگراف نمود که اگر نتوانند پیشرفتی بنمایند کار آنها بکلی تمام خواهد بود. نصرالدوله که در اواسط فوریه غفلتاً از لارستان مراجعت نمود به مستر بیل اطلاع داده بود که قشون قوامیها لاریها را مغلوب نموده اند ولی عقیده مستربیل براین است که این روایت ساختگی بوده و احتمال نمی رود که قوامیها بتوانند موفقیتی در مقابل لاریها حاصل بنمایند. نصرالدوله اصرار نموده بود که سید لاری برای شخص خودش کار می کند و همانطور که به او امرشاه واقعی نمی گذارد به احکام يك حکومت شوروی هم اعتنائی

نخواهد داشت. ضمناً بختیاریها تلگراف سختی به صولتالدوله مغایره کرده و او را توبیخ نموده بودند که با وجود آنهمه مواعیدی که نموده هیچ اقدامی نمی‌کند از طرف دیگر ظاهراً به تحقیق [= تحقیق] پیوسته که قوامیها در صدد طرح قراردادی با صمصام السلطنه هستند و فی الجمله موفقیتی هم حاصل نموده‌اند و در همه‌چه صورتی صولتالدوله ممکن است دریابد که بواسطه اهمال موقع را از دست داده است. خبر جدید این است که قوام قشون خود را در فسا گذارده و در هفتم مارس [۱۷ اسفند؛ ۱۴ صفر] به شیراز رجعت نموده.

در خود شیراز در اوایل مارس در تحت سرکردگی روحانیون جنبش ملایمی به تأیید مشروطه بروز نمود. چنین معلوم می‌شود که ایالت بعلاوه جلوگیری نکردن از آنها پیغامات همراهی و هم خیالی هم فرستاده است.

در ۲۱ فوریه [۳ اسفند؛ ۲۹ محرم] یکی از نوکرهای ایالت که مست بود به دونفر پارسی حمله سختی برده و زخم منکری به آنها زده. مستر بیل منشی قنصلگری را با مراسله خصوصی نزد حاکم فرستاده و بضد این واقعه که آسایش عامه را سخت تهدید می‌نماید پرتست نموده [= نمودم]. مرتکب دستگیری شد ولی از دحام کثیری منزل شخص پارسی را که ارباب حضرات مضروب بود محاصره نموده و او را تخویف کردند که شخصاً به دارالحکومه رفته و استخلاص فوری مقصر را تصویب بنماید.

در ۱۱ مارس [۲۱ اسفند؛ ۱۸ صفر] در حوالی یزد خواست به قافله‌ای که زوار همراه داشت حمله برده شده یکی از زوار به ضرب گلوله مقتول شد و چهار نفر از سایرین زخم مهلکی برداشتند. سیزده رأس قاطر با حمل آنها را بسرقت بردند. یکی از صندوقهای سرقتی محتوی سی قبضه تفنگ مسلسل بوده.

در بیستم مارس [۳۰ اسفند؛ ۲۷ صفر] قنصل دولت انگلیس تلگراف نمود که نماینده کمپانی زیگلر را سارقین در حوالی سیوند لخت نموده و اشیائش را بسرقت بردند و همه‌چه تصور می‌شود که سارقین لشتی بوده‌اند. ایالت سی نفر فرستاد که در گرفتاری سارقین سعی بنمایند. مستر بیل نیز راپورت داد که ایلات حوالی زرقون [= زرقان] در عرض هفته دویست عدد مقرر تلگراف را شکسته و چندین فقره سرقت در جاده طرف جنوب آباده واقع شده.

خلیج فارس

بوشهر

راپورت داده شده که دریابگی مجدداً به حکومت بنادر خلیج منصوب گردیده.

محمرة

در اوایل فوریه از رامهرمز شهرت یافت که سایر خوانین بختیاری حسن طلب کرده‌اند که با صمصام السلطنه صلح بنمایند و ترتیبات سابقه را اعاده داده او را به ایلخانی‌گری بشناسند یحتمل بواسطه موفقیت اخیر او در اصفهان.

امضا ث. ب. ا. ماژور استکس، اتاشه میلتر

نمره - ۱۷۵

مکتوب سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۶ مارس ۱۹۰۹

[۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

در تعقیب تلگرافات ۲۴ و ۲۶ مارس خودم با کمال افتخار سواد دو طغرا مراسله‌ای را که بنده و همکار روسیم در خصوص قتل‌های جدید در شاهزاده عبدالعظیم به دولت ایران نوشته‌ایم لذا ارسال می‌دارم.

امضا جارج بارکلی

ملفوفه ۱ درنمره ۱۷۵

مراسله سرجارچ بارکلی و مسیو سبلین [= سابلین] به سعدالدوله

۲۴ مارس ۱۹۰۹

[۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

جناب مستطابا

سفارتین انگلیس و روس متأسفانه کسب اطلاع نموده‌اند که دیشب بعضی از متحصنین در شاهزاده عبدالعظیم مقتول شده‌اند. شرح جزئیات این مسئله مجهول است ولی از قرار مذکور اشخاص مرتکب از جمله مستخدمین نایب‌الحکومه طهرانند. مسلماً لازم است که برای جلوگیری از تکرار وقوع این نوع جنایات مجلس محاکمه‌ای تشکیل شده و مرتکب مجازات بشود و سفارتین محترماً خاطر جنابعالی را مستحضر می‌دارند که در صورتی که مدلل بشود که اشخاص مقصر حسب الامر نایب الحکومه اقدام به این امر نموده، نهایت لزوم را خواهد داشت که مفاخرالملک بدون تأخیر منفصل بشود. خاطر جناب مستطاب عالی تصدیق خواهد نمود که يك همچو اقدامی برای جلوگیری از اینکه جنایات شب گذشته منجر به اغتشاشات وسیع‌تری نگردد که ممکن است مضر به مصالح اتباع دوسفارت شده و همچنین می‌تواند به عهده دولت شاهنشاهی مسئولیت‌های وزین عمده‌ای که سفارتین میل به منع آن دارند وارد آورد بهترین وسیله خواهد بود.

ملفوفه ۲ درنمره ۱۷۵

مراسله مشترکه خطاب به سعدالدوله

سفارتین راجع به مراسله مشترکه مورخه ۲۴ شهر حال خودشان باکمال احترام خاطر نشان دولت ایران می‌نمایند که شهرت مسؤل بودن مفاخرالملک برای قتل‌های در شاهزاده عبدالعظیم بحدی شیوع دارد که سفارتین برخود فرض می‌دانند که برای اسکات انقلاب حاضر در پایتخت تقاضای انفصال مشارالیه را بنمایند.

سفارتین یقین دارند که پیشنهاد این تقاضا متضمن بالاترین منافع اعلیحضرت شاه و مصالح دولت ایشان است، چون در صورت تمکین ننمودن به تقاضای مزبور هر اتفاقی که از اثر اغتشاشات برای اتباع انگلیس و روس رخ بنماید سفارتین آن را حمل به عدم تمکین به این تقاضا نموده و اعلیحضرت همایونی و دولت او را کاملاً برای آن مسؤول خواهند دانست.

سفارتین از جناب مستطاب عالی خواهش می نمایند که شرح فوق را به اعلیحضرت شاه تقدیم بدارید.

به تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۰۹

[۶ فروردین ۱۲۸۸: ۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

نمره - ۱۷۶

مکتوب سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از سن پترزبورگ، ۲ آوریل ۱۹۰۹

آقا

امروز مسیو ایسولسکی به من اظهار داشت نکته مهمی که در پیش است مسئله تأمین راه رشت به طهران است. از مهندسین در قزوین راپورتهای تشویش آمیز به من رسیده است که اظهار خوف از انقلابیون قفقازی که آن قسمت ایران را در حیطه تصرف درآورده اند نموده اند. من همیشه راپورت اشخاصی را که در معرض مخاطرات معینه هستند تخفیف می دهم ولی نمی توانم بکلی از آن راپورتهای صرف نظر بنمایم. خوف آن می رود که ممکن رابطه بین طهران و رشت مقطوع بشود. من تقریباً در یک بغرنجی گرفتار هستم، اختیار نمودن اقدامی فقط برای حفظ رابطه بین طهران و رشت باعث مسؤولیت عمده ای است. مع هذا من نمی توانم انکار بنمایم که هر اقدامی بشود در ردیف مداخله محسوب خواهد شد. عقیده من براین است که یک ویس قنسول بایک عده مستحفظی به قزوین فرستاده بشود ولی این مسئله هم ممکن است باعث تهییج بشود نه مرعوب کردن انقلابیون (مقصود جناب معزی الیه انقلابیون قفقازی بود چون از ایرانیان بی می نداشت). هرگاه یک استعداد کافی هم اعزام بشود که در نقاط معینه جاده چاتمه بزنند و قراولی پل منجیل را نموده و اجزای اداره راه را در قزوین تحت حراست داشته باشند، بی شبهه این هم تعبیر به مداخله خواهد شد.

امضا ا. نیکلسن

نمره - ۱۷۷

مکتوب سرنیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۱۳ آوریل)

از سن پترز بورخ، ۸ آوریل ۱۹۰۹

[۱۹ فروردین ۱۲۸۸: ۱۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا، راجع به مشروحه سوم فوریه جنابعالی باکمال افتخار سواد یادداشتی را که از طرف وزارت امور خارجه اعلیحضرت امپراطوری درباب پرگرام اصلاحات ایران رسیده است لغاً ارسال می‌دارم.

امضا .۱ نیکلسن

ملفوفه در نمره ۱۷۷

آخرین صورت پرگرام صلاح‌اندیشی که دولتین روس و انگلیس به اعلیحضرت شاه عرضه بدارند از قرار ذیل خواهد بود:

(۱) دولتین روس و انگلیس تقاضای انفصال فوری صدراعظم را از شاه خواهند نمود و بهمچنین انفصال امیر بهادر جنگ را. انفصال امیر بهادر جنگ متضمن منفصل شدن او از تمام مقاماتی است که داراست هم مقامات درکابینه و هم در دربار. لیکن اگر شاه اظهار مخالفت زیادی در اخراج این شخص از دربار بنماید دولتین در این نکته چندان اصراری نخواهند نمود.

(۲) دولتین روس و انگلیس تجدید تأسیس حکومت شوروی در ایران را بوسیله اجرای فوری اصلاحات مشروحه در مواد ذیل از شاه تحصیل خواهند نمود:

(۳) دولتین از شاه تقاضا خواهند نمود که کابینه‌ای تشکیل بدهند که مرکب باشد از اشخاص قابل‌اعتماد ثقه. بهمچنین بدون تأخیر افزوده شدن يك عده اشخاص تربیت شده از فرق مختلف به مجلس شورای مملکتی. و به مجلس شورای مزبور اختیار داده بشود که قانون انتخابات جدیدی طرح و تهیه نمایند. سفارتین انگلیس و روس در طهران بطور خصوصی يك صورتی از اشخاص داوطلب که برای ترکیب کابینه و مجلس شورای مملکتی انطباق و اصوب باشند به اعلیحضرت شاه تقدیم خواهند داشت. معلوم است اگر اراده شاه به انتخاب اشخاصی تعلق بگیرد که محل اعتماد و وثوق لازم نباشند بهمیچوجه پولی به دولت ایران قرض داده نخواهد شد.

(۴) دولتین از اعلیحضرت شاه تقاضا خواهند نمود که به تمام اشخاصی که بر علیه [= علیه] او تحت سلاح رفته‌اند و مقصرین پلیکی هستند عفو عمومی اعطاء نمایند. این اقدام طبیعتاً شامل حال آن انقلابیونی که مرتکب خلاف و تمرّد نسبت به قانون عمومی شده‌اند نخواهد بود. در خصوص اشخاص متهم به چپاول و سایر جنایات که هیجان و غلیان مشروطیت را برای مبادرت به خطا یا بضد قانون عمومی مفتنم شمرده‌اند از دولت اعلیحضرت شاه تقاضا خواهد شد که اطمینان بدهند که هیچ مجازاتی در حق آنها اعمال نخواهند نمود بجز اینکه در محکمه بیطرفی آنها را تحت محاکمه بیاورند چنانچه در مورد اشخاصی که به سفارت انگلیس در طهران پناهنده شده بودند معمول گردید.

(۵) دولتین روس و انگلیس بعلاوه تقاضا خواهند نمود که فوراً موعدی برای انتخابات پارلمانی معین بشود بهمچنین برای تشکیل مجلس. این موعدا باید بدون تأخیر به تمام مملکت اعلان بگردد.

(۶) همینکه اقدامات مسطور در مواد پنجگانه فوق را اعلیحضرت شاه به موقع اجراء گذاردند دولت روس ممکن است اگر لازم بداند مبلغ دومیلیون و پانصد هزار فرانك به جهت مصارف فوری که برای اصلاحات مقدماتی لازم است به دولت ایران قرض بدهد. دولت انگلیس هم از طرف خودشان اگر لازم دانستند بمحض اینکه مجلس منتخبه پروژه يك استقراض خارجی را که یا مبلغ معتنایهی باشد یا مبلغ کمی تصویب نمود يك همچو مبلغی به دولت اعلیحضرت شاه قرض خواهند داد. در صورت چنین تصویبی از طرف مجلس دولتین برای اختتام عمل این استقراض با دولت ایران تقویت و مساعدت خواهند نمود. عقیده دولت اعلیحضرت امپراطوری براین است که اجرای پرگرام فوق الذکر متضمن یگانه وسایل رهایی دولت ایران از وضع چاره ناپذیر کنونی است که در آن مستغرق است و اگر اعلیحضرت شاه این پرگرام را با تمام جزئیاتش قبول نمایند تنها طریقی که برای دولت روس و دولت انگلیس باقی بماند این است که دست از صلاح اندیشی خود برداشته و محمد علی شاه را به حال خود بگذارند و پس از آن اعلیحضرت معظم دیگر نمیتواند متکی به مساعدت دولتین بوده و مترصد تقویتی از طرف آنها باشد. بنابراین دولت روس مصلحت براین می داند که نمایندگان دولتین روس و انگلیس در ضمن تقدیم داشتن پرگرام فوق الذکر به اعلیحضرت شاه يك اظهار قطعی به این مفاد بنمایند.

بمحض اینکه سفارت کبرای دولت انگلیس به وزارت امور خارجه اعلیحضرت امپراطوری اطلاع بدهد که کابینه لندن مخالفتی در پیشنهاد مواد پرگرام مندرجه در این یادداشت ندارند فوراً این پرگرام تلگرافاً [= تلگرافی] به شارژ دافر دولت روس مقیم طهران مخابره خواهد شد که باتفاق وزیرمختار دولت انگلیس مراتب مصوبه را به شاه عرضه بدارند.

از سن پترز بورغ، ۸ آوریل ۱۹۰۹

[۱۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

نمره - ۱۷۸

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۱۳ آوریل ۱۹۰۹

[۲۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

عایدات گمرک بوشهر

تلگراف ذیل مورخه ۱۲ شهر جاری از جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر رسیده:

«در هشتم آوریل سید مرتضی به تجاری که عایدات به اسم آنها امانت سپرده شده فشار آورد که مداخله ننموده و تتمه عایدات را به او به پردازند. لهذا کلیه عایدات از ۲۳ مارس را که قریب بیست هزار تومان بود سید و متابعینش دریافت داشتند. پنجاه نفر از قشون بحری که دیروز پیاده شدند در اسکله گمرک که بعد کفایت محل برای آنها دارد گماشته شد. بعلاوه، نظر به وضع هوا و سهل بودن جلوگیری از آنجا از ورود تفنگچیان دیگری که انتظار ورود آنها از طرف بندر هست آن محل بسیار مناسبی است.

اگر قبل از قرارداد اخیر این مسئله، باز سید درصدد دریافت عایدات بیشتر برآید گمان می‌کنم بواسطه همین عده قشونی که فعلا در اینجا گماشته شده ممکن است جلوگیری از این اقدام نمود.»

شرح ذیل را من در جواب مخابره نموده‌ام:

«با پیشنهاد مسطوره در عبارت آخر تلگراف شما مخالفتی نیست.

لطف نموده به سید مرتضی و سایر ملیون بگویید که اگر يك قرار مرضی که باعث تأمین حقوق ما باشد داده نشود ما مجبور خواهیم شد که در امکان تصرف نمودن گمرک اعماق نظر بنماییم. و حال آنکه ما نهایت اشتیاق را داریم که از اقدام به چنین امری احتراز بجوئیم. بهترین شقوق این است که عایدات گمرک را مأمورین بلژیکی در گمرکخانه نگاه بدارند تا ما يك قرار رضایت بخشی با اولیای يك دسته ملیون مسؤلی بدهیم.

نمره - ۱۷۹

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۳ آوریل ۱۹۰۹

[۲۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

لطف نموده نظریات دولت روس را در باب پیشنهاد قنصل مندرجه در تلگراف ۱۱ شهر جاری از طهران که به شما هم مخابره شده کسب بنمایید.
من در آن پیشنهاد مخالفتی فرض نمی‌کنم و در صورتی که دولت روس هم مخالفتی نداشته باشند آن را تصویب نموده و برطبق آن تعلیمات خواهم داد.

نمره - ۱۸۰

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۴ آوریل)

از طهران، ۱۴ آوریل ۱۹۰۹

[۲۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۱ - ۱۳۲۷]

کرمان

من در صدد جلب توجه دولت ایران به اوضاع کرمان هستم که سوای جاده به مشهد تمام طرق مسدودند. بهر صورت بجز عجله نمودن در حرکت حاکمی که جدیداً تعیین شده هیچ کار دیگری نمی‌توان کرد.
 قنصل انگلیس را پورت می‌دهد که تمام قدرت در شهر زایل شده، نان کمیاب است و اجماع گرسنه دکانهای خبازی را چپو کرده‌اند.

نمره - ۱۸۱

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۴ آوریل)

از طهران، ۱۴ آوریل ۱۹۰۹

[۲۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بوشهر

تلگراف ذیل، مورخه ۱۴ آوریل از جنرال قنصل انگلیس مقیم بوشهر رسیده:
 «سید مرتضی هنوز در نگاهداشتن دویست الی سیصد نفر تفنگچی اصرار دارد. شهر به حالت وحشت‌زدگی است و امور به عهده تعطیل است. تهاجمی از طرف این تفنگچیان پیش‌بینی می‌شود و باین جهت بازارها و حتی دکانها هنوز بسته‌اند. اگر يك راه نجاتی بزودی حاصل نشود بیم آن است که اهالی بالتمام در جنرال قنصلگری انگلیس پناهنده شوند.

تمام مردم اکنون تصدیق دارند که غرض سید از خودآرایی به لباس ملیت فقط اجرای مقاصد غارتگری خودش است. سه نفر از رؤسای نامی دشتی و تنگستان شرحی به من نوشته و از نیت خودشان در موافقت با تقاضاهای من اشاره نموده‌اند. ملیون و شاه‌پرستان عمده در بین اهالی ایرانی نظریات خودشان را در باب اوضاع به من ابراز داشته‌اند. آنها بلااستثناء تصور می‌کنند که سید باید از بوشهر خارج شود و ارائه طریق می‌نمایند که روانه نجف بشود که علمای آنجا هم از اعمال او مسبقند. بر همه آنها متساویاً یقین است که با بودن او اعاده نظم غیرممکن است. نظر به این مقتضیات می‌توانید به بنده اجازه بدهید که چون ملیون بدون کمک ماقوت کافی برای تبعید او ندارند من اقدام به اجرای این امر بنمایم؟ نهایت لزوم را دارد که این اقدام بفوریت اعمال بشود.»

در جواب شرح ذیل را من به ماژور کاکس مخبره نمودم:

«قبل از این به شما اختیار داده شده که اگر حضور تنگستانیها متضمن خطر حقیقی برای جان اتباع خارجه باشد قشون بحری را برای اخراج آنها بکار ببرید. من نمی‌توانم پیشنهاد شما را بدون اجازه دولت اعلیحضرتی تصویب بنمایم مگر اینکه حضور سید يك همچو خطری را در بر داشته باشد.»

نمره - ۱۸۲

تلگراف سرادودگری به سرجارچ بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۴ آوریل ۱۹۰۹

[۲۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۱ - ۱۳۲۷]

اقدام شما را که در طی تلگراف ۱۲ آوریل راپورت داده بودید تصویب می‌نمایم. دولت ایران بموجب عهدنامه متعهد شده‌اند که اتباع دول واهل ممالك خارجه را «محترم داشته و مؤثرانه محفوظ بدارند».

علی‌هذا درموقع لزوم شما باید به دولت مشارالیه‌ها اصرار بنمایید که یا بگذارند اتباع خارجه مقیمین تبریز از شهر خارج بشوند یا بگذارند مقدار کافی آذوقه داخل شهر بشود.

نمره - ۱۸۳

تلگراف سر ادودگری به سر جارچ بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۴ آوریل ۱۹۰۹

[۲۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۱ - ۱۳۲۷]

ارائه طریقی که جنرال قنسل انگلیس در تبعید سید از بوشهر در طی تلگراف خودش نموده بود و شما در تلگراف ۱۴ آوریل خودتان به‌من تکرار کرده بودید که ظاهراً ملیون و شاه‌پرستان دراین تقاضا متفق شده‌اند از مقصودی که برای آن قشون پیاده شده تجاوز خواهد کرد یعنی حفظ جان و مال اتباع انگلیس و سایر ملل مقیمین آنجا. بعلاوه، اگر ما باید سید را تبعید بنماییم تصمیم اینکه حکومت بوشهر به کی باید تفویض بشود هم به‌عهده ما باید باشد. اقدام به‌اخراج او عملاً ما را به‌حکومت آن شهر برقرار می‌دارد و مشکل است بتوان تصور کرد که چه وقت این وضع امور خاتمه‌پذیر خواهد شد چون هیچ‌قدرت رضایت‌بخش دیگری نخواهد بود که بتواند قائم مقام آن بشود. لهذا هیچ دلیلی ندارد که چرا نباید به‌سید اخطار بشود که اگر به اتباع انگلیس یا خارجه حمله برده بشود در صورت لزوم برای حفظ آنها به‌قوة قهریه بر علیه [= علیه] او اقدام خواهد شد.

نمره - ۱۸۴

تلگراف سر جارچ بارکلی به سر ادودگری (واصله در ۱۵ آوریل)

از طهران، ۱۵ آوریل ۱۹۰۹

[۲۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وضع جاده شیراز به اصفهان

جنرال قنسل انگلیس مقیم اصفهان به‌اتباع انگلیس اخطار نموده است که در

جاده شیراز به اصفهان مسافرت ننمایند و بن کار دستورالعمل دادن به قنصل انگلیس مقیم شیراز هستم که يك اخطاریه ای به همین مفاد صادر بنماید.
طوایف کهکلوئییه [= کهگیلویه] در حدود یزدخواست مشغول قتل و غارت آشکارند و وضع تمام جاده رقت انگیز است.

نمره - ۱۸۵

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ آوریل)

از طهران، ۱۵ آوریل ۱۹۰۹

[۲۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

مذاکرات صلح تبریز

در طی تلگراف ۱۱ شهر جاری خودم اشاره نمودم که پاره ای مذاکرات معینه صلح در تحت مذاقه و نظر ملیون تبریز و شاه پرستان است.
این مذاکرات از باسمنج (اردوی عین الدوله) با طهران در میان است. تا حال علائم خوشی از آن مستفاد نشده.

نمره - ۱۸۶

مکتوب سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۵ آوریل ۱۹۰۹

[۲۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

معاون سفیر کبیر دولت روس در ۱۰ شهر حال به این اداره آمد و به مستر ملت اطلاع داد که تلگرافی از وزیر امور خارجه دولت روس به او رسیده مبنی بر اینکه وزیر معظم به جنابعالی اطلاع داده است که دولت روس مشغول اعماق نظر در صلاحیت اعزام قشون برای مفتوح نگاهداشتن راه بین انزلی و طهران هستند ولی بدون اعلان قبل از وقت به دولت اعلیحضرتی انگلیس اقدامی در اجرای این عزم نخواهند نمود.
مسیو یکلوسکی معاون مزبور عقیده اش این بود که اگر این اقدام با اظهارات مشترکه به اعلیحضرت شاه برای اعطای مشروطه مصادف بشود نمی توان حمل به این نمود که این اقدام محض تقویت اعلیحضرت معظم اعمال شده.

امضا ا. گری

نمره - ۱۸۷

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ آوریل)

از سن پترزبورگ، ۱۶ آوریل ۱۹۰۹

[۲۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۱۳ شهر جاری جنابعالی

پیشنهاداتی را که جنرال قنسل انگلیس مقیم تبریز نموده دولت روس قبول کردند و به نمایندگی قنسلگری تبریز خودشان تعلیمات دادند که به معیت مستر راتیسلا عمل بنماید.

از اطلاعاتی که به دولت روس رسیده عقیده‌شان براین است که تقاضای ملیون از این قرار است که يك مشروطه‌ای و يك عفو عمومی کاملی باید اعطاء ی‌شود و به کسانی که اسلحه‌شان متعلق به خودشان است اجازه داده شود که اسلحه خود را نگاه بدارند لیکن اسلحه‌ای که متعلق به دولت ایران باشد تسلیم خواهد شد و بالاخره يك تأمین دیپلوماسی لازم است که اساس سابقه مجدداً تأسیس نخواهد شد.

به عقیده دولت روس صلاح‌اندیشی که دولتین می‌خواهند بطریق مؤکدی به‌اعلیحضرت شاه عرضه بدارند با حوائج ملیون موافقت دارد. در باب تأمین دیپلوماسی منظوره دولت روس ارائه طریق می‌نمایند که یحتمل بشود به‌اولیای ملیون خاطر نشان نمود که بواسطه اعمال اصلاحاتی که دولتین به‌شاه اصرار دارند که قبول بنماید اساس سابقه بکلی خاتمه خواهد پذیرفت.

نمره - ۱۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ آوریل)

از طهران، ۱۶ آوریل ۱۹۰۹

[۲۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

اتباع خارجه در تبریز

تا حال جوابی در باب دخول آذوقه در شهر به‌من نرسیده.

جنرال قنسل انگلیس راپورت می‌دهد که اتباع روس در خروج از شهر بی‌میلند و تصور می‌کند که اتباع انگلیس هم از خروج امتناع بنمایند و به هر صورت ملیون نخواهند گذارد که آنها از شهر خارج بشوند. او صلاح نمی‌داند که در این موضوع به‌شاه اصرار بشود چونکه او ممکن است اسباب تسهیل خروج آنها را از شهر فراهم بیاورد و آنوقت هر نوع مسولیت دیگری را از عهده خود ساقط بداند. او نیز راپورت می‌دهد که اتباع انگلیس می‌توانند با جزئی زحمتی تا يك مدت دیگری مداومت بنمایند. من با نظریات مستر راتیسلا موافقت دارم و بجز اقدامی که در تلگراف ۱۲ شهر حال خودم راپورت داده‌ام فعلاً من اقدام دیگری در باب سلامت خارج شدن آنها از شهر تصور نمی‌نمایم. این شرح راجع به تلگراف ۱۴ شهر جاری جنابعالی است.

نمره - ۱۸۹

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ آوریل)
از طهران ۱۶ آوریل ۱۹۰۹
[۲۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل از جنرال قنصل انگلیس به من رسیده:
«ما هنوز منتظر نتیجه مذاکرات صلح در باسمنج هستیم. آنهایی که از دسته ملیون
زمام اختیار شهر در دست آنهاست از تقاضاهای اصلی خود تجاوز نخواهند نمود و آن
تقاضاها از قرار معلوم اینند:

- (۱) اعاده مشروطیت؛
- (۲) عفو عمومی کامل؛
- (۳) حرکت تمام قشون دولتی خصوصاً قشون چریک؛
- (۴) نگاهداری کلیه اسلحه‌ای که متعلق به دولت نیست؛
- (۵) تعیین والی که مقبول تبریز باشد. (سه فقره اسامی ذیل در این مورد ذکر شده:
سعدالدوله، مخبرالسلطنه، امامقلی میرزا)؛
- (۶) دول خارجه باید ضمانت این شرایط را بنمایند.

از طرف دیگر عامه اهالی هیچ چیز نمی‌خواهند مگر اینکه خاتمه پذیرفتن وضع
پر زحمت حاضره را ببینند. اگر دولتین مقتضی بدانند برای انجام این امر باید به‌شاه
فشار بیاورند که این شرایط را قبول بنماید یا آن نوع عبارات جرح و تعدیل‌شده‌ای
را که ممکن است ملیون بواسطه مقتضیات عسرت و تضییق مجبور به قبول آن بشوند.
شهر فعلاً آرام است ولی تنگی آذوقه خیلی مؤثر است.

قسمت ۲: يك ضمانت خارجی برای حکومت شوروی به عبارت جرح و تعدیل‌شده‌ای
زودتر این معما را حل خواهد نمود.

بهرجهت من و همکار روسیم تصور می‌کنیم که در صورت اصرار به تسلیم شهر
شرایط ذیل بفوریت لازم است:

- (۱) ایللیاتیان در تحت رحیم خان و صمدخان باید لااقل به مسافت بیست میل دور
بشوند و در هیچ صورتی مجاز به داخل شدن شهر نباشند.
- (۲) هر شخصی که از عفو عمومی مستثنی بشود باید موافق عادت معمول گذارده بشود
که در قنصلگریها تحصن اختیار نماید.
- (۳) برای تسلیم اسلحه و آلات ناریه باید طرفین قراری مابین خود بدهند.
- (۴) باید تعلیمات داده بشود که جمیع استعداد عین‌الدوله در محل کنونی خود باقی
بمانند لیکن فقط به قزاق ایرانی اجازه داده بشود که برای استقرار نظم با عین‌الدوله
داخل شهر بشوند.

(۵) باید به عین الدوله تعلیمات داده بشود که در استقرار نظم در شهر مراقبت نموده و با اظهارات مشترکی که راجع به تسلیم شهر از طرف ما بشود موافقت بنماید.

ما صلاح نمی دانیم که هیچ تقویت تقاضا نشده ای در موضوع فوق عرضه بشود ولی اگر مذاکرات صلح به جایی نکشد (چون احتمال آن می رود) و کمکی از خارج نرسد ملیون مجبور خواهند شد که مسئله تسلیم را با شرایط سهل تری در نظر بگیرند پس از آن محتمل است که به ما مراجعه نمایند و به عقیده ما آن موقعی است از برای اینکه ما پیشنهادات خودمان را اظهار بداریم.

در خصوص ضمانت دادن احتیاط زیاد لازم است.

قسمت ۳: مقتضیات فعلی باعث اتخاذ این تصمیمات شده ولی اگر ملیون موفقیت غیرمنتظره ای در قسمت دیگر ایران حاصل نمایند و یا منازعات داخلی یا بروز خیانت ممکن است صفحه اوضاع را کلی تغییر دهد و از نتیجه آن تغییر در تصمیم ما هم تغییر حاصل شود.

این بود تلگراف قنصل مزبور اما در خصوص قسمت اول دو ماده مهم ترین آن را اظهارات کلی ما بقدر کفایت حاوی است. اگر اظهارات ما نتیجه بخشید مواد ۳ و ۴ و ۵ نیز ضمناً حاصل خواهد شد اما در باب ماده ششم بیش از این ضمانت داده نخواهد شد که بدانند امتیازات حقوقی را که شاه می دهد از اثر نمایشهای ما است و بیش از اینهم لازم نیست. اما در خصوص قسمت ثانی که فقط در صورت بی نتیجه ماندن اظهارات ما لازم خواهد شد اگر لزوم پیدا کرد قنسولها باید اهتمام در تحصیل شرایط مزبور بنمایند و ما از اینجا آنها را تأیید و تقویت می نماییم.

نمره - ۱۹۰

تلگراف سر چارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۶ آوریل)

از طهران، ۱۶ آوریل ۱۹۰۹

[۲۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

اتباع خارجه در تبریز

دولت ایران به عین الدوله تعلیمات داده اند که اسباب تسهیل خروج اتباع خارجه را فراهم نموده و آنها را مأمون بدارد و ارائه طریق نموده اند که آنها باید الان از شهر خارج شوند. چنانچه من انتظار داشتم دولت مشارالیه از اجازه دخول آذوقه امتناع دارند. چنانچه قبل از این راپورت داده شده اتباع انگلیس و روس میل ندارند از تبریز خارجه بشوند.

نمره - ۱۹۱

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ آوریل)

از سن پترزبورگ، ۱۷ آوریل ۱۹۰۹

[۲۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۶ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وزیر امور خارجه از شارژ دافر روس مقیم طهران شنیده است که دولت ایران از اجازه دخول آذوقه به تبریز امتناع دارند و تقاضا نموده‌اند که قنسولها از آن شهر خارج بشوند. وزیر امور خارجه براین عقیده است که دخول مقدار کثیری آذوقه برای قنسولگریها ممکن است قنسولگریها را در معرض خطر تهاجم اهالی قحطی‌زده بدارد و جناب معزی الیه استعلام می‌نماید که آیا این اقدام اعمال شدنی هست که از شاه تحصیل اجازه بشود که مقدارهای قلیل آذوقه گاه بگاه برای صرف قنسولگریها و اتباع خارجه داخل بگردد. اگر جنابعالی این پیشنهاد را عمل شدنی تصور می‌نمایید جناب معزی الیه ارائه طریق می‌نماید که به نمایندگان انگلیس و روس تعلیمات در این باب داده بشود.

نمره - ۱۹۲

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ آوریل)

از سن پترزبورگ، ۱۷ آوریل ۱۹۰۹

[۲۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۶ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وزیر امور خارجه روس به من اطلاع می‌دهد که نظر به وقوع حوادث در استرabad و خطر غارت شدن شهر به کمیسر سرحدی روس مقیم گنبد قابوس امر شده است که به عجله تمام با استعداد همراه خودش به استرabad برود.

نمره - ۱۹۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۷ آوریل ۱۹۰۹

[۲۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۶ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به مکتوب هشتم آوریل شما

این مسئله باید معلوم باشد که ما نمی‌توانیم در این موقع خود را آلوده قرض بزرگی به دولت ایران بنماییم. چون اظهارات در طهران حالا بفوریت لازم است شما باید از مسیو ایسولسکی خواهش بنمایید که بدون تأخیر زیادتری به شرح عبارتی که من پیشنهاد می‌نمایم موافقت بنمایند.

ارائه طریقی که من می‌نمایم از قرار ذیل است:

۱) از ماده ششم یادداشت ملفوفه در مکتوب شما عبارت «پروژه يك استقراض خارجی را که یا مبلغ معتنا بهی باشد یا مبلغ کمی» حذف بشود و کلمات ذیل به جای آن نصب بگردد: «بمحض اینکه مجلس منتخبه این استقراض را تصویب نمود.»

(۲) بعد از عبارت فوق جمله ذیل باید به جای «در صورت چنین تصویبی از طرف مجلس دولتین برای اختتام عمل این استقراض با دولت ایران تقویت و مساعدت خواهند نموده» نصب بشود:

«اگر چنانچه قرضه بزرگتری من بعد برای دولت ایران لازم بگردد متتها وسایل تسهیل آن قرضه حصول تأمینات معینی خواهد بود که در خصوص آن تأمینات مابین دولت ایران از طرفی و دولتین انگلیس و روس از طرف دیگری بعدها مذاکرات بعمل خواهد آمد.»

نمره - ۱۹۴

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۱۸ آوریل ۱۹۰۹

[۲۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف دیروز جنابعالی

جرح و تعدیلی را که جنابعالی پیشنهاد نموده اید دولت روس قبول دارند و فردا تلگرافاً [= تلگرافی] به شارژ دافر روس مقیم طهران تعلیمات لازمه خواهند داد که بدون تأخیر زیادتری پرگرام مزبور را به اعلیحضرت شاه تقدیم بدارد.

نمره - ۱۹۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ آوریل)

از طهران، ۱۸ آوریل ۱۹۰۹

[۲۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وضع اتباع خارجه در تبریز

تلگراف ذیل مورخه ۱۷ آوریل از جنرال قنصل انگلیس مقیم تبریز به من رسیده: «عقیده من براین است که مقدار آذوقه عامه خیلی کمتر از اندازه ای است که بدو به من اطلاع داده شده بود. لیکن از قرار معلوم يك مقداری برای عساکر هست که میزان آن را ظاهراً نمی شود معین کرد. اوضاع خیلی متزلزل است و اعضاء انجمن اشاره نموده اند که شدت هرج و مرجی که احتمال وقوعش تهدید می نماید بر اروپائیان هم تحمیل خواهد نمود.

امروز عصر من و همکار روسیم به انجمن دعوت شده بودیم. اعضاء انجمن اظهار داشتند که اگر بغوریت يك کاری برای رهایی از وضع حاضره نشود احتمال بلوا و انقلاب وخیمی می رود چون مقدار آذوقه (بجز برای عساکر) خیلی قلیل است. آنها از

ما خواهش نمودند که تمنای آنها را به سفارتین تبلیغ بنماییم که شاه را مجبور به قبول پیشنهادات ذیل بنمایند:

- (۱) صد و پنجاه خروار گندم برای فقراء که آنها تمهید می نمایند صرف جنگیان نشود از راه باسمنج که برای این امر باید مفتوح بشود ارسال بگردد.
 - (۲) جنگ باید متارکه بشود و متعاقب آن راه مفتوح بگردد.
 - (۳) آنها با شاه و سایر شهرهای ایران داخل مذاکرات خواهند شد برای اینکه بتوسط نماینده های منتخبه ایشان يك قرار کلی داده شود.
- انجمن مزبور از سفارتین استدعا دارند که در این تقاضا بدانها تقویت نموده و به شاه خاطر نشان بنمایند که اهالی آذربایجان جنگ و جدالی با آن اعلیحضرت ندارند بلکه فقط برای حفظ قانون اساسی و مشروطیت تحت سلاح رفته اند.
- معهود بود که رؤسای نظامی هم در این موقع حضور بهم رسانند ولی حاضر نشدند.
- من و همکار روسیم اظهار داشتیم گرچه احتمال مقبول افتادن پیشنهادات آنها نمی رود ولی وعده نمودیم که با تقاضای آنها موافقت بنماییم.
- امروز صبح انجمن ایالتی شرحی برطبق بیانات فوق به قنسولها نوشته و درخواست نموده بودند که برای خیر اتباع داخله و خارجه متساویاً اقدام بنمایند. دیگر اشعار داشته بودند که تا حال همانطور که به اهل شهر آذوقه داده شده به اتباع خارجه هم رسانده شده ولی از این به بعد آذوقه کمیاب خواهد بود.
- در جواب من به جترال قنسول انگلیس تعلیمات دادم که به ملیون اطلاع بدهد که هرآسیبی بتوسط آنها به اتباع خارجه وارد بیاید ممکن است باعث خسران چاره ناپذیر برای مقاصد آنها بگردد.
- به نظر من اهتمام در قبولاندن پیشنهادات انجمن به شاه بکلی بی فایده است.

نمره - ۱۹۶

تلگراف سر چارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ آوریل)

از طهران، ۱۸ آوریل ۱۹۰۹

[۲۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

همکار روسیم به من اطلاع می دهد که يك استعدادی از شاهسونها بطرف رشت حرکت نموده اند. این قشون در تحت فرمان شاه است.

او نیز به من اظهار می دارد که ظاهراً استراباد دستخوش ترکمانهایی است که مطیع اوامر اعلیحضرت معظم هستند.

نمره - ۱۹۷

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ آوریل)

از طهران، ۱۸ آوریل ۱۹۰۹

[۲۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بدبختانه بواسطه خبر وقایع جدید در اسلامبول وضع و مسلك اعلیه حضرت تقویتی حاصل نموده.

تمام دسته مرتجع نیز بواسطه وضع متزلزل تبریز و موفقیت های ترکمانها در استراباد و امید حمله شاهسونها به رشت که در تلگراف امروزه بنده مذکور شده جرأت و قدرت بسیار پیدا نموده.

مسیو سبلین [= سابلین] با من متفق الرای است که نظر به وخامت وضع تبریز ما باید فوراً اظهارات کلی خود را به شاه بنماییم.

نمره - ۱۹۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر چارچ بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

پیشنهادات روس و انگلیس در طهران

اظهارات کلیه مشترکه را دفعتاً شروع بنمایید.

نمره - ۱۹۹

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)

از سن پترزبورگ، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

دولت روس صلاحیت این مسئله را تحت نظر آورده اند که شاه را تهدید بنمایند که اگر مقدار معینی آذوقه داخل شهر نشود خود آنها اقدام در دخول آذوقه خواهند نمود و اگر لازم بشود برای اجرای این امر متوسل به قوای قهریه خواهند شد. مسیو ایسولسکی اظهار می دارد بواسطه تجهیز يك قشونی از جلفا این تصمیم را می توان اعمال نمود و در این موضوع با همکاری خود در کابینه مشورت خواهد نمود. جناب مغزی الیه تصریح می نماید که نمی توان گذارد اتباع خارجه در تبریز از جوع تلف بشوند.

مسیو ایسولسکی به من اطلاع داد که قفقازیان از رشت، استارا و جان قنسول روس مقیم آنجا را تهدید می نمایند. چون در جوار سرحد روس واقع است احتمال دارد برای محافظت قنسول روس قشون حرکت داده بشود.

پرگرام امروز عصر به مسیو سبلین [= سابلین] مخابره شد.

نمره - ۲۰۰

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)

از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل مورخه ۱۸ شهر حال از جنرال کنسول انگلیس مقیم تبریز رسیده:
«امروز نان خیلی کساد بود و تا فردا باز کمیاب تر هم خواهد شد. منبع خطر عمده فعلا در کثرت عده فقرای گرسنه است که ممکن است هر آن به خانه هایی که تصور بکنند احتمال یافت شدن اغذیه در آنها می رود هجوم ببرند. عجالتاً از طرف خود ملیون خطر کمتر است.»

نمره - ۲۰۱

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)

از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تهدید تهاجم به کنسولگریها در تبریز

تلگراف ذیل از جنرال کنسول انگلیس مقیم تبریز به من رسیده.
«زنہا در يك امامزاده ای جمع شده و برای نان فریاد و فغان می کنند.
«مسئله مذاکرات صلح محل بحث گردیده لیکن از قرار مسموع رؤسای نظامی مخالف این عقیده هستند. ثقة الاسلام که قبل از این از باسمنج با شاه مشغول مذاکرات صلح بوده از انجمن تقاضا نموده که نمایندہ بفرستند.
«هم به من و هم به همکار روسیم خبر رسیده که ملیون امیدی دارند که بواسطه حمله به کنسولگریهای روس و انگلیس و اتباع آنها مداخله روس را که برتسلیم شدن به شاه مرجع است حاصل بنمایند.
«اهالی بکلی عقلشان زایل شده و هر التجاء و تشبثی به حسیات مشروطه خواهی آنها بی حاصل است. لہذا اگر موقع مقتضی بدست بیاید من به آنها خواهم گفت که جان یکنفر کنسول انگلیسی برای دولت اعلیحضرتی انگلیس اینقدرها قدر و قیمتی ندارد و از مقتول نمودن يك نفر نباید امید نتیجہ خیلی زیادی داشته باشند.»
من به مستر راتیسلا اطلاع دادم که ما امیدواریم اظهارات خودمان را فردا یا روز

پرگرام امروز عصر به مسیو سبلین [= سابلین] مخابره شد.

نمره - ۲۰۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)

از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل مورخه ۱۸ شهر حال از جنرال قنصل انگلیس مقیم تبریز رسیده:
«امروز نان خیلی کساد بود و تا فردا باز کمیاب تر هم خواهد شد. منبع خطر عمده
فعلا در کثرت عده فقرای گرسنه است که ممکن است هر آن به خانه هایی که تصور بکنند
احتمال یافت شدن اغذیه در آنها می رود هجوم ببرند. عجالتاً از طرف خود ملیون خطر
کمتر است.»

نمره - ۲۰۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)

از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تهدید تهاجم به قنسولگریها در تبریز

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز به من رسیده.

«زنبا در يك امامزاده‌ای جمع شده و برای نان فریاد و فغان می‌کنند.
 «مسئله مذاکرات صلح محل بحث گردیده لیکن از قرار مسموع رؤسای نظامی مخالف
 این عقیده هستند. ثقة‌الاسلام که قبل از این از پاسبانج با شاه مشغول مذاکرات صلح
 بوده از انجمن تقاضا نموده که نمایند بفرستند.
 «هم به من و هم به همکار روسیم خبر رسیده که ملیون امیدی دارند که بواسطه حمله
 به قنسولگریهای روس و انگلیس و اتباع آنها مداخله روس را که برتسلیم شدن به شاه
 مرجع است حاصل بنمایند.
 «اهالی بکلی عقلشان زایل شده و هر التجاء و تشبثی به حسیات مشروطه‌خواهی آنها
 بی‌حاصل است. لهذا اگر موقع مقتضی بدست بیاید من به آنها خواهم گفتم که جان یکنفر
 قنسول انگلیسی برای دولت اعلیحضرتی انگلیس اینقدرها قدر و قیمتی ندارد و از
 مقتول نمودن يك نفر نباید امید نتیجه خیلی زیادی داشته باشند.»
 من به مستر راتیسلا اطلاع دادم که ما امیدواریم اظهارات خودمان را فردا یا روز

چهارشنبه بنماییم. من به او تعلیمات دادم که از این مسئله ملیون را آگاه بنمایم.

نمره - ۲۰۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)

از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل راجع به تلگراف امروز من از جنرال قنسل انگلیس مقیم تبریز رسیده:

«در اینجا صحبت است که آخرین جد و جهد را برای برداشتن محاصره امشب بعمل بیاورند.

«ستارخان و باقرخان که از هیجان و طغیان عامه بر علیه قوای نظامی خوف دارند از قرار مسموع امیدوارند تحریفی در این هیجان بنمایند که منجر به مداخله خارجه بشود و در نتیجه این اقدام ممکن است فردا به قنسلگریها حمله برده شود.»

نمره - ۲۰۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)

از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

به جنرال قنسل انگلیس مقیم تبریز اطلاع داده‌ام که اگر به من و همکار روسیم تعلیمات برسد فردا ما پیشنهادات خود را به شاه تقدیم خواهیم داشت ولی به هر صورت ما در صد دیدیم که فردا به حضور شاه شرفیاب بشویم و در موقع تشرف ما به اعلیحضرت معظم اخطار خواهیم نمود که هر گاه صدمه‌ای به قنسلگریهای ما یا سایر اتباع خارجه وارد بیاید ما شخص آن اعلیحضرت را مسؤول خواهیم دانست. ضمناً ما در لزوم متارکه جنگ و دخول آذوقه به شهر به آن اعلیحضرت اصرار خواهیم کرد. ما این اظهارات را بجهت مخاطرات مهمه‌ای که اتباع خارجه را در تبریز تهدید می‌نماید خواهیم کرد.

نمره - ۲۰۴

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۱۷ شهر جاری شما

ممکن است مصلحت براین بشود که دولتین روس و انگلیس به قنسولهای خودشان اصرار بنمایند که از تبریز خارج بشوند و هر يك از اتباع خارجه دیگری را هم که مایل به خروج از شهر باشند همراه خود ببرند. باید به شاه اخطار بشود که هر نوع خسران و ضرری که به آنها وارد بیاید باید کاملاً جبران بشود و از این بابت باید قنسولها و اتباع خارجه را هم مستحضر نمود.

نمره - ۲۰۵

تلگراف سرادوارد گری به سرجارچ بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

چنانچه در تلگراف امروز خودتان راپورت داده اید تعلیمات شما به جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز را تصویب می‌نمایم.

علی الظاهر چندان امیدی در بموقع رسیدن قشون که فایده‌ای برای نجات خارجه‌ها [= خارجی‌ها]ی مقیم تبریز داشته باشد نیست ولی البته در صورتی که دولت روس بخواهد آنها را اعزام بدارد ما نمی‌توانیم مخالفتی داشته باشیم.

نمره - ۲۰۶

تلگراف سرنیکلسن به سرادوارد گری (واصله در ۲۰ آوریل)

از سن پترز بورغ، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وضع تبریز

دیروز به شارژ دافر روس مقیم طهران تعلیمات داده شد که دفعتاً به شاه اطلاع بدهد که اگر فوراً به تبریز امر نشود که روزی صد و پنجاه خروار گندم وارد شهر نمایند خود دولت روس اقدامات برای دخول مقدار لازمه آذوقه بعمل خواهد آورد. بعلاوه به قنسول روس مقیم تبریز تعلیمات داده شد که از مفاد این اظهار که به شاه شده اهالی تبریز را مستحضر بدارد.

در جواب سؤال امروز من که آیا دولت روس يك عده قلیلی قزاق نخواهند فرستاد که قنسولها و سایر اتباع خارجه‌ای را که میل به متارکه شهر داشته باشند از شهر بیرون ببرند مسیوایسولسکی اظهار داشتند که اعزام يك عده قلیلی خطر خواهد داشت و يك دسته معتنابهی قشون لازم خواهد بود. عده لازمه را مأمورینی که در آن محل هستند باید معین بنمایند. قزاق در حرکت اجباری ممکن است دو روزه از جلفا

به تبریز برسد ولی قشون دیگری سه روزه خواهد رسید. مسیو ایسولسکی اظهار نمودند آیا اولی آن نیست که شروع به عملیات را بیست و چهار ساعت دیگر تعویق بیندازیم تا نتیجه اقدامات مسیو سبلین [= سابلین] در طهران و نتیجه شایعه قنسول روس در تبریز معلوم بگردد؟ اگر چنانچه تهدید شده امروز حمله‌ای به قنسولگریها برده شود دیگر قشون بموقع نخواهد رسید و از طرف دیگر ممکن است که شاه برطبق پیشنهادی که مسیو سبلین [= سابلین] به او نموده است عمل نماید. در این موضوع من جواب دادم که بموجب اطلاعی که به من رسیده چندان امیدی در توافق شاه نمی‌رود. تأمین قنسولها مقصود عمده‌ای است که باید منظور بگردد. مسیو ایسولسکی وعده نمود که با وزیر جنگ مشورت نموده و از نتیجه رای قطعی خودشان امروز عصر من را مطلع بدارد.

نمره - ۲۰۷

تلگراف سرنیکلسن به سرادوار گری (واصله در ۲۰ آوریل)

از سن پترزبورگ، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف امروز من

الان مسیو ایسولسکی به من اطلاع داده که رای قطعی داده شده که يك عده قشون روس به تبریز اعزام بگردد.

تعلیماتی که به فرمانده قشون داده خواهد شد از این قرار است که وسایل تسهیل ورود آذوقه لازمه به شهر را فراهم نماید و قنسولگریها و اتباع خارجه را محافظت نموده و به اشخاصی که میل دارند از شهر خارج شوند کمک بنماید.

نمره - ۲۰۸

تلگراف سرنیکلسن به سرادوار گری (واصله در ۲۰ آوریل)

از سن پترزبورگ، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

دولت روس بهیچوجه قصد اقدامی در تأیید هیچ يك از فریقین مخاصمین ندارد ولی به نظر من از مسلمیات است که ورود قشون روس به تبریز باعث جریان ورود آذوقه به شهر خواهد شد که در واقع با مرتفع داشتن محاصره شهر مساوی است. امروز در ضمن این مذاکره مسیو ایسولسکی اظهار داشت که دخول آذوقه منحصر برای اتباع خارجه از محالات است چون فوراً جماعت قحطی‌زده برای چپاول آن جدو جهد خواهند نمود یا اینکه جمعیت جوع‌زده انتقام خود را از خارجه‌ها [= خارچی‌ها]

خواهند کشید و نتیجه آن [یکی خواهد] بود. به نظر من ملیون از ورود قشون روس منتفع خواهند شد ولی من پیشنهاد می‌نمایم که مقصود عمده‌ای که باید منظور باشد تأمین قنسولهاست حتی بوسیله اقداماتی هم باشد که مقتضیات آن را لازم نموده و برای جنبش عمومی در تبریز نافع واقع گردیده.

نمره - ۲۰۹

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۲۰ آوریل)

از طهران، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وضع اتباع خارجه در تبریز

امروز صبح من تلگرافاً [= تلگرافی] به جنرال قنسول انگلیس تعلیمات دادم که اگر ممکن باشد اشاعه بدهد که نتیجه طغیانی که بر علیه [= علیه] اتباع خارجه در نظر است مجازات و تنبیه سخت اشخاص مسؤول خواهد بود و کسانی که دخیل در این امر بشوند از عفو عمومی که ممکن است اعطاء بشود مستثنی خواهند گردید.

نمره - ۲۱۰

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۲۰ آوریل)

از طهران، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

در موقع شرفیابی امروز صبح من و همکار روسیم، اعلیحضرت شاه وعده نمودند که تعلیمات تلگرافی به عین الدوله بدهند که تا ظهر روز ۲۶ شهر حال اجازه دخول آذوقه به تبریز داده شود. در عرض مدت مزبور جنگ متارکه خواهد بود. دخول آذوقه البته مشروط به احتراز ملیون از هر حمله‌ای به قشون شاه پرستان است.

ما به جنرال قنسولهای تبریز خودمان اطلاع دادیم که اگر دسته ملیون بخواهند نتیجه اصلاحی از مذاکرات صلح اخذ شود لازم است که تقاضاهای آنها از مبنای اظهارات کلی ما که امیدواریم فردا بنماییم تجاوز ننماید و نیز به آنها تعلیمات دادیم که از شرایط متارکه جنگ ملیون را مستحضر نموده و آنها را متقاعد بنمایند که شرایط مزبور را رعایت بنمایند. متارکه جنگ موقع مفتنمی را برای مذاکرات صلح می‌دهد.

نمره - ۲۱۱

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۰ آوریل)
از طهران، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹
[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

رجوع به تلگراف امروز من. تلگراف ذیل از جنرال قنسل انگلیس مقیم تبریز
رسیده:
«امروز طلوع صبح ملیون به محل صمد خان حمله بردند. نتیجه آن مجهول است
ولی احتمال کلی دارد که خالی از اهمیت باشد.
دیروز ستارخان تقصیر سوء قصد نسبت به قنسلگریها را به عهده باقرخان وارد
نموده و اظهار داشت که من هیچ دخالتی در آن نداشتم.»

نمره - ۲۱۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹
[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]
در باب پیشنهادات برای تقویت و محافظت اتباع خارجه در تبریز که در تلگراف
۱۹ شهر جاری شما اشعار شده هراقدامی را که دولت روس برای محافظت اتباع
خارجه از تهاجم یا برای تهیه آذوقه بجهت آنها اعمال بنمایند ما با کمال صمیمیت
تصویب می نماییم. اقدام سریع لازم است. این مسئله را محتاج به ذکر نمی دانم که بر
دولت انگلیس همچو مفهوم است که این نوع اقدامات منحصرأ برای حفظ جان اتباع
خارجه مقیمین تبریز اعمال می شود و هیچ اقدامی در تأیید و مساعدت هیچکدام از
طرفین مختصمین نخواهد شد.

نمره - ۲۱۳

تلگراف سرادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹
[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]
من با پیشنهاد مذکوره در تلگراف بیستم آوریل شما موافقت دارم که نظر به شش
روز اجازه ورود آذوقه به شهر و متارکه جنگ اولی آن است که تجهیز قشون روس
به تبریز به تعویق بیفتد تا کسب اطمینانی از نتیجه اظهارات مشترکه ما بشود. بهر

صورت در عرض این مدت مهلت اینقدر وقت خواهد بود که اگر اظهارات ما نتیجه‌ای نبخشد قشون اعزام بگردد.

نمره - ۲۱۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

اقدامی را که در طی تلگراف بیستم آوریل خودتان راپورت داده‌اید تصویب می‌نمایم.

رجوع به تلگراف ۱۶ آوریل شما، من با دولت روس مشغول مذاکره هستم و اکنون باید به هردو قنصل اختیار داده شود که لدی‌الاقضاء وساطت خود را تکلیف بنمایند.

نمره - ۲۱۵

تلگراف سرنیکلسن به سرادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل)

از سن پترزبورگ، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹

[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف دیروز از طهران در یاب تبریز

نظر به اعطاء نمودن شاه شش روز متارکه جنگ و اجازه دخول آذوقه به تبریز، مسیو ایسولسکی به من اطلاع می‌دهد که به قشون روس امر شده که از سرحد تجاوز ننمایند.

نمره - ۲۱۶

تلگراف سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل)

از سن پترزبورگ، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹

[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

دولت روس قشون خود را در جلغا حاضر نگاه خواهند داشت تا ببینند که از متارکه جنگ چه اثری در تبریز حاصل خواهد شد و پس از انقضای مدت متارکه چه تغییری محتمل است در وقایع روی بدهد.

امروز در ضمن صحبت با مسیو ایسولسکی جناب معزی‌الیه نظر به بقای ناامنی طرق داشتند و يك اشاره‌ای در باب اعزام يك دسته كوچکی قزاق به تبریز برای بدرقه نمودن اشخاصی که ممکن است مایل به خروج از شهر باشند نمودند.

نمره - ۲۱۷

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل)
از طهران، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹
[یکم اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

قشون روس برای محافظت اتباع خارجه در تبریز
رجوع به تلگرافات جنابعالی به بنده و به سرنیکلسن که هر دو مورخه ۲۰ شهرخال بودند:

اگر از اظهارات کلی ما و اقدامات دو جنرال قنسول نتیجه‌ای که دلالت به صلح بنماید حاصل نشود باز اتباع خارجه در خطر خواهند بود. علی‌هذا به اعتقاد من قشون روس باید در جلفا حاضر باشند که در هر آن بتوانند حرکت بنمایند.
قشون چریک شاه هم ممکن است از حکم و اختیار عین‌الدوله خارج بشود و آنوقت يك استعدادی برای همراه بودن با آذوقه‌ای که از جلفا می‌آید لازم خواهد بود.

نمره - ۲۱۸

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل)
از طهران، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹
[یکم اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف دیروز جنابعالی در باب وساطت بین شاه و ملیون در تبریز:
تلگراف ذیل را به جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز مخابره نموده‌ام:
«رجوع به تلگراف ۱۵ آوریل شما وزیر امور خارجه دولت فخمیه به من دستور داده‌اند که به شما اجازه بدهم چنانچه مقتضیات وقت موجود بشود به اتفاق همکار روسی خودتان برای مساعدت در مذاکرات صلح بین طرفین مخاصمتین حسن‌طلب بنمایید.

«اگر ملیون ضمانت بخواهند همینقدر برای شما کافی خواهد بود که به آنها اطلاع بدهید که دولتین انگلیس و روس به شاه اصرار دارند که طریقه اصلاحاتی را که کاملاً حکومت مستبده سابقه را خاتمه خواهد داد اختیار بنمایند.»

نمره - ۲۱۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹

[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

در جواب تلگراف بیستم شهر جاری شما اگر شاه صلاح‌اندیشی ما را رد بنماید برای هرانتفاع اتفاقی که بواسطه مداخلت دولت روس در تبریز برای نجات اتباع خارجه ممکن است متوجه مرام ملیون بگردد آن اعلیحضرت بکلی مورد ملامت خواهد بود و من تصور می‌کنم يك همچو نتیجه‌ای برای اخطار به اعلیحضرت معظم فایده بسیاری داشته باشد. از طرف دیگر اگر آن اعلیحضرت صلاح‌اندیشی ما را قبول بنماید در خصوص ترتیب شرایط برای شهر چندان اشکالی باقی نخواهد ماند.

نمره - ۲۲۰

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل)

از طهران، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹

[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

اظهارات کلی به‌شاه

چون موقع بار یافتن امروز به‌حضور شاه بواسطه کسالت مزاج آن اعلیحضرت به عهده تعویق افتاد ما برای شرفیابی فردا اصرار داریم.

نمره - ۲۲۱

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل)

از طهران، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹

[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل مورخه ۲۰ آوریل از جنرال قنسل انگلیس مقیم تبریز رسیده: ما فوراً قرارداد مذاکره در تلگراف دیروز شما را به‌انجمن تبلیغ نموده و تقاضا نمودیم که از مفاد آن ستارخان را مطلع بدارند و معزی‌الیه بمحض استماع این خبر فرمان به متارکه شلیک داد. آنها از ما تمنا نمودند که تشکرات فائقه صمیمی آنها را به‌سفارتین تبلیغ بنماییم.

من و همکار روسیم شرحی به عین الدوله نوشته و با زحمت بسیار انجمن را هم متقاعد نمودیم که همین اقدام را بنمایند. ما به نواب معظم له اطلاع دادیم که انجمن متارکه جنگ را قبول نموده و وعده رعایت آن را داده اند. يك نفر نماینده جنرال قنسولگری روس و ویس قنسول انگلیس که حامل مراسله ما به اردو بودند در آنجا خواهند ماند که قرار جزئیات مسئله را داده و در امورات نظارت داشته باشند. ما نیز از عین الدوله خواهش نمودیم که فوراً اقدام در ارسال آذوقه بنمایند. آیا می‌توانید اصرار بنمایید که از طهران به عین الدوله تأکید بشود که قدری آذوقه از ذخایر خودش برای ما بفرستد؟ چون اگر این اقدام نشود بیم آن را دارم که دوسه روز طول بکشد تا آذوقه تحصیل بشود. ما امیدواریم فردا ستارخان را ملاقات نموده و به‌توسط او آنچه را که بتوانیم انجام دهیم.

نمره - ۲۲۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

اظهارات کلی به شاه

امروز صبح اعلیحضرت شاه با نهایت دقت اظهارات کلی را که من و همکار روسیم برای آن اعلیحضرت شرح دادیم اصغاء فرمودند. اعلیحضرت شاه بظاهر متأثر می‌نمودند و اگر چه هیچ داخل در مذاکره نشدند ولی اظہار رضایت از دریافت اظهارات ما فرمودند و وعده دادند بهرزودی که ممکن بشود يك جوابی به‌توسط وزیر امور خارجه به ما بدهند. در جواب اصرار ما برای تعیین موعدی، آن اعلیحضرت فقط توانستند به ما اطمینان بدهند که بدون تأخیر جواب خواهند داد. ما یادداشتی در موضوع اظهارات مزبور به آن اعلیحضرت تقدیم داشتیم.

نمره - ۲۲۳

تلگراف سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از سن پترزبورگ، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

قنسول روس مقیم تبریز به وزیر امور خارجه تلگراف کرده است که هیچ دستورالعملی در باب متارکه جنگ به عین الدوله نرسیده ولی او راضی شده است که راه با سمنج را برای ورود آذوقه مفتوح بدارد. مسیو ایسولسکی از علناً ایفاء ننمودن

شاه به وعده خود و این عمل آن اعلیحضرت که برای تفکر در اظهارات سرچارچ بارکلی و مسیو سبلین [= سابلین] مدت خواسته اند متغیر است. جناب معظّم له متوحش است که اوضاع در تبریز مجدداً اهمیت حاصل نماید و عقیده آنجناب بر این است که برای اطمینان داشتن از صحت ورود آذوقه و محافظت اتباع خارجه در صورت غفلتاً خطرناک شدن وضع بهتر آن است که قشون روس از جلفا حرکت نموده و از سرحد بگذرند.

نمره - ۲۲۴

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

چون تا دیروز بعد از ظهر هنوز تعلیمات به عین الدوله نرسیده بود ما تقاضا نموده ایم که سی و شش ساعت دیگر به مدت متارکه جنگت افزوده بشود.

نمره - ۲۲۵

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

من به جنرال قنسل انگلیس اجازه داده ام که اگر نماینده هایی که بنا بود دیروز انتخاب بشوند از او تقاضا بنمایند به معیت همکار روسی خودشان باتفاق آنها برود. قنسلوها تصور می کنند که ستارخان که دیروز با آنها ملاقات نموده اظهارات مناسب و معقول را خواهد پذیرفت.

نمره - ۲۲۶

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

دخول آذوقه به تبریز

رجوع به تلگراف ۱۹ آوریل سرتیکلسن و تلگراف ۲۱ آوریل بنده هردو جنرال

قنسولها مقیمین تبریز به عین الدوله اظهار داشته اند که نظر به احتمال خارج شدن عنان اختیار قشون چریک رحیم خان از دست و باین واسطه یحتمل مانع از حمل آذوقه از طریق جلفا شدن يك عده کافی قشون به اتفاق آذوقه ای که از جلفا حمل می شود حرکت خواهند کرد که در مقابل هر مخالفتی که ممکن است اعمال بشود صحت عبور آذوقه را مأمون بدارند مگر اینکه سایر طرقی که به تبریز می آید مفتوح شود.

من تقاضا نموده ام که در این موضوع اوامر مستقیمه به رحیم خان بشود و اقدام جنرال قنسول انگلیس را هم تصویب کرده ام.

نمره - ۲۲۷

تلگراف سرچارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

رجوع به تلگراف امروز خودم

در ضمن شرقیابی امروز صبح من و همکار روسیم تقاضا نمودیم که مدت متارکه جنگ ممتد بشود و از تأخیر بسیاری که آن اعلیحضرت در صدور احکام به سرکردگان خود برای ورود آذوقه به شهر مرمی داشته اند شکایت کردیم.

اعلیحضرت شاه به ما اطمینان دادند که تا حال تعلیمات قطعی در این باب داده شده.

اما در خصوص امتداد مدت متارکه جنگ، باوجود اصرار ما، اعلیحضرت معظم امتناع نموده و از ما تقاضا نمودند که بلحاظ اظهارات کلی که ما در شرف عنوان نمودن آن هستیم این مسئله را به عهده تعویق بگذاریم.

همینکه نتیجه مذاکرات صلح در تبریز و اثر اظهارات کلی ما معلوم شد اگر لازم بشود ما باز با آن اعلیحضرت اصرار خواهیم نمود.

نمره - ۲۲۸

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس به من رسیده:

«ما الان از حاکم ملیون استماع نمودیم که قشون چریک صمد خان محل مهم ملیون

در خطیب را تصرف نموده‌اند. این خیلی اهمیت دارد چون به عقیده من چندان قدرت مقاومتی برای محصورین باقی نمی‌ماند.»

نمره - ۲۲۹

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

جنرال قنصل انگلیس به من اطلاع می‌دهد که هنوز هیچ مقدار از آذوقه موعود به شهر فرستاده نشده. مشارالیه نیز اشعار داشته که به عقیده هردو قنصل باید مراقبت بنمایند که آذوقه تحصیل بشود و حالا که آنها ملیون را تعقیب نموده‌اند که محض این دو شرط دست از جنگ بکشند باید مواظبت بنمایند که شرط متارکه جنگ اکیداً منظور و معمول بگردد. او و همکار روسیش توافق رای دارند که قوافل از جلفا که به هر صورت زودتر از یک هفته دیگر وارد نخواهند شد باید در تحت حراست قزاق بعزم تبریز حرکت نمایند که قزاقها راه را هم مفتوح نگاهدارند.

نمره - ۲۳۰

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل را من به جنرال قنصل انگلیس مخیره نموده‌ام:
«من و همکار روسیم برای عمل صمدخان پرتست سختی نموده‌ایم:
چون در شرفیابی امروز صبح مقصود ما عرضه اظهارات بطور کلی بود ما به آن شدتی که باید برای امتداد مدت متارکه جنگ اصرار ننمودیم ولی اگر لازم بشود تا منتهی درجه قدرت خودمان در این باب فشار خواهیم آورد.
اگر شما تصور بکنید که مدت شش روز اینقدر کافی نخواهد بود که بتوان مقدار لازمه آذوقه را تهیه نمود شما نباید بگذارید که لزوم مدت طولانی‌تری در موعده محدوده متارکه جنگ اخلال نماید.

چقدر آذوقه را برای صرف ۶ روز مناسب می‌دانید که تقاضا بشود؟
مشکل ما بتوانیم همچو انتظاری از عین‌الدوله داشته باشیم که از ذخایر خود بکاهد.

اقوی امید می‌توانیم داشته باشیم این است که هر نوع تقویتی شما برای تحصیل آذوقه بخواهید ما در حق شما اعمال بداریم.»

نمره - ۲۳۱

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از سن پترزبورگ، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

اوضاع تبریز

رجوع به تلگراف دیروز بنده

وزیر امور خارجه دولت روس به من اطلاع داده که به دسته قشون روس امر شده که از جلفا به تبریز بروند. بموجب تلگرافی که از قنصل روس رسیده وضع تبریز بیش از هر وقت تهدید می‌کند و به این جهت دولت روس تصور می‌کند که دیگر نباید هیچ تردیدی از طرف دولت اعمال بشود.

نمره - ۲۳۲

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از سن پترزبورگ، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

قشونی که به تبریز اعزام خواهد شد از این قرار مترتب گردیده: چهار اسکادران ۲۶ قزاق - سه باطالیون ۲۷ سرباز - دو باطری ۲۸ توپخانه و یک دسته سرباز مهندس که همه به قدم صلح حرکت خواهند نمود.

چون باید برای حفظ راه دستجات گماشته شود لهذا تجهیز قشون قلیل تری متضمن خطر خواهد بود. به فرمانده قشون تعلیمات داده شده که نه به وظایف حکومتی دخل و تصرف بنماید و نه در مجادله بین طرفین مداخله بکند.

همینکه امورات خاتمه پذیرفت این قشون اعاده داده خواهد شد. برای قشون غیر مقدور است که به اندازه کفایت تمام تبریز آذوقه همراه ببرند ولی آنها جاده را مفتوح نگاه خواهند داشت که آذوقه وارد بشود. دولت روس توضیحات در باب لزوم تجهیز قشون و غیره را بطریق متحدالعمل به دول اعلام خواهد داشت.

۲۶) اسکادران = سوار نظام - اسواران - واحد سوار نظام برابر با تالیون پیاده نظام

۲۷) با تالیون = گردان نظامی - قسمتی از هنگ پیاده یا توپخانه

۲۸) با تری = واحد توپخانه - آتشبار - م.

نمره - ۲۳۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

در تعقیب تلگراف بلافاصله ماقبل خودم. با وجودی که شاه اظهار داشتند که احکام به فرمانده کل و سایر سرکردگان صادر شده است هیچ اقدام برای تسهیل دخول آذوقه نشده و شرط متارکه جنگ هم رعایت نگردیده.

خواه این مربوط به تمرد و عدم اطاعت سرکردگان باشد خواه به بدقولی در باغ شاه، من تأکید می‌نمایم که به کارگزاران و مأمورین در جلفا تعلیمات داده بشود که يك استعداد کاملی همراه آذوقه بفرستند. همکار روسی من هم در باب اعزام استعداد به اتفاق آذوقه تأکید نموده است.

الحال نمی‌توان آذوقه را قبل از انقضای مدت شش روز معهوده به تبریز رسانید ولی برای تجدید آن اصرار خواهیم نمود و بعد از آنکه سرکردگان شاه‌پرست از شرط متارکه جنگ تخطی نموده‌اند يك مقدار آذوقه در شش روز باید با رضایت یا بی‌رضایت شاه داخل بشود.

نمره - ۲۳۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

از قرار معلوم امیر بهادر جنگ، وزیر جنگ به رئیس گمرکات اظهار داشته است که اگر دوست هزار تومان فوراً به قشون پرداخته نشود دولت ایران دیگر نمی‌تواند از رفتار قشون در پایتخت جلوگیری بنماید.

نمره - ۲۳۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

بنحوی که در تلگراف ۲۲ آوریل خودم را پورت داده‌ام دیروز محله خطیب واقعاً تصرف نشده. الحال قشون شاه‌پرستان از حوالی آن محل خارج شده‌اند.

نمره - ۲۳۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

از راپورت‌های جنرال قنصل انگلیس همچو مستفاد می‌شود که قشون شاه‌پرستان بهیچوجه قصد ندارند که بگذارند آذوقه داخل تبریز بشود و مبنای متارکه جنگ گویا موهوم است.

نمره - ۲۳۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

چون عین‌الدوله اسباب تسهیل ورود آذوقه به شهر را برای دو قنصلها فراهم ننموده لهذا آنها هم نماینده‌های خود را از باسمنج احضار نموده‌اند. ما به آنها تعلیمات دادیم که علت این اقدام را به نواب معظمه اطلاع بدهند.

نمره - ۲۳۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

بنا به تعیین وقت امروز بعد از ظهر من و همکار روسیم در سفارت روس با وزیر امور خارجه که رافع ۲۹ پیغامی از طرف شاه بود ملاقات نمودیم. ما به او اطلاع دادیم که مایلیم در باب اشخاصی که به عقیده ما محل وثوق و اعتماد هستند و برای عضویت در کابینه و مجلس مشاوره لایقند به او ارائه طریق بنماییم.

اعلیحضرت شاه تقاضای يك مبلغ قرضی نموده بود که بیش از صد هزار لیره باشد. ما جواب دادیم که ما بخوبی از احتیاجی که به يك استقراض واقعی هست

(۲۹) آورنده - تقدیم کننده (شکوائیه، عریضه و مانند آن) - م.

آگاهیم. يك همچہ استقراضی را ما در حقیقت در اظهارات خودمان که قبل از این عرضه شده پیش‌بینی نموده‌ایم ولی وقتی که مجلس شورای ملی منعقد گردید و يك وزارت مالیه اصلاح شده‌ای مرتباً بکار افتاد ما منتها درجه جد و جهد خودمان را در سرعت اقدام به مساعدت پولی که در اظهارنامه ما مسطور است اعمال خواهیم نمود.

نمره - ۲۳۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل از جنرال قنسل انگلیس مقیم تبریز به من رسیده:
«جنرال قنسل روس اظهار می‌دارد که رأی قطعی به اعزام قشون روس به تبریز
علاقه گرفته.

چون خبر تجهیز قشون روس باید لزوماً قبل از ورودشان به اینجا معلوم بگردد ما تصور می‌کنیم مقرون به‌حزم خواهد بود که برای جلوگیری از مخاطرات ممکنه متعاقب آن خود ما از این بابت ملیون را مستحضر بداریم. بعلاوه ما استدعا می‌نماییم به‌ما اجازه داده بشود که اطمینانهای ذیل را به آنها بدهیم:

قشون مزبور برای این به تبریز می‌آید که اتباع خارجه و ایرانیان را از قشون شاه محفوظ داشته و راه را مفتوح بدارند. قشون شاه را نگذارند داخل شهر بشوند و به هیچکس از هر قومی که باشد برای داخل بودن در وقایع جدید صدمه و تعرضی وارد ننمایند و اقامت قشون فقط تا وقتی خواهد بود که بین شاه و ملتش صلح جاری بگردد.

برای اینکه مردم مقدماتاً بفهمند که وضعیت و روش ما از چه قرار خواهد بود ما به آنها اطلاع داده‌ایم که ما عین‌الدوله را تهدید نموده‌ایم که به‌قوة قهریه راه را مفتوح خواهیم کرد.

من اقدام مستر راتیسلا را تصویب نموده و با همکار روسی خودم متفقاً اختیاراتی را که قنسلها در خواست نموده بودند به آنها داده‌ایم.

نمره - ۲۴۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف امروز شما

حالا که از قرار معلوم ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم که قشون شاه‌پرستان در خارج تبریز رعایت هیچ شرطی را بنمایند خواه این مربوط به سوء اعمال آنها باشد خواه مربوط به صادر نمودن شاه احکام بطلی [بسی؟ = قطعی] کافی، و حالا که شاه در دادن جواب رضایت‌بخشی به اظهارات ما تأخیر نموده تنها روشی را که بتوان اختیار نمود و متضمن تأمین باشد همان روشی است که مسیو ایسولسکی توصیه نموده و در تلگراف سابق‌الذکر شما مسطور بود.

اگر بواسطه تخطی نمودن قشون شاه از شرایطی که بتوسط نماینده‌های ما به ملیون تبریز وعده شده اهالی تبریز قرین یأس و حرمان بشوند دست انتقام خود را به اتباع و قنسولگریهای ما دراز خواهند نمود. لازم است که دولت روس در مقابل این خطر توجه و حراست بنمایند. به هر صورت ظاهراً مصلحت در این است که يك اشعارنامه مستند مستحکمی صادر بشود مبنی بر اینکه هر مداخله‌ای که از طرف هر يك از دولتین در هر نقطه ایران اعمال بشود بکلی عمل موقتی است و از مقصودی که از قبیل نقطه نظر کنونی در تبریز باشد که باعث لزوم اقدامات ما در پوشهر شده و بهمچنین باعث اعمال احتیاطی دولت روس در سایر نقاط گردیده تجاوز نخواهد نمود. گمان می‌کنم از طرف مسیو ایسولسکی مخالفتی در صدور يك همچو بیان‌نامه‌ای نباشد.

نمره - ۲۴۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ آوریل)

از طهران، ۲۴ آوریل ۱۹۰۹

[۴ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل دیشب از جنرال قنسول انگلیس رسیده:

«صاحب‌منصبان شاه‌پرست در اجازه دخول آذوقه به شهر سخت مخالفت داشته و در صدد مخایره تلگراف متمرده‌ای در این موضوع به‌شاه برآمدند. لیکن بواسطه دایر نبودن خط تلگراف این مسئله انجام‌پذیر نشد. ظاهراً عین‌الدوله بالشخصه برای دادن این اجازه حاضر بود و بعد هم بواسطه تهدید ما در باب قهراً مفتوح نمودن راه جلفا خیلی مشوش شده بود.

علی‌الظاهر این تهدید اثری هم به صاحب‌منصبان نموده.

مراتب فوق را من از يك راپورتی که نماینده‌های ما از باسمنج داده‌اند کسب

نموده‌ام.»

نمره - ۲۴۲

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ آوریل)

از طهران، ۲۴ آوریل ۱۹۰۹

[۴ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

امروز من خلاصه راپورتهای واصله از جنرال قنسول انگلیس در پساب روش مخالفان سرکردگان شاهپرست در مسئله آذوقه برای تبریز را بجهت وزیر امور خارجه قرائت نمودم.

آن جناب جواب دادند که بی شبهه امیرچنگت احکام به صاحب منصبان جزء فرستاده و به این واسطه این مشکلات پیش آمده. دیگر جناب معظم له به من گفتند که از تشکیک در نفرستاده شدن، تعلیمات موعود به سرکردگان شاه بسیار مکدر شده و اظهار نمود که آن اعلیحضرت تعلیمات داده اند.

نمره - ۲۴۳

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ آوریل)

از طهران، ۲۵ آوریل ۱۹۰۹

[۵ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس رسیده:

«بعضی از اعضاء انجمن ایالتی دیشب به تلگرافخانه رفتند به امید اینکه طرح قراردادی با شاه بنمایند و امروز صبح هم مجدداً به تلگرافخانه رفته اند.»

نمره - ۲۴۴

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ آوریل)

از طهران، ۲۵ آوریل ۱۹۰۹

[۵ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۲ - ۱۳۲۷]

نظر به تأخیر در اعزام قشون به تبریز من و همکار روسیم برای شش روز امتداد مدت متارکه جنگ اصرار داریم.

نمره - ۲۴۵

تلگراف سر چارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ آوریل)
از طهران، ۲۵ آوریل ۱۹۰۹
[۵ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۲ - ۱۳۲۷]

اذوقه برای تبریز

تلگراف ذیل را من و جنرال قنسل انگلیس مخبره نموده ایم:
«الان وزیر امور خارجه به من نوشته است که بنا به استدعای انجمن تبریز
املیحضرت شاه به تمام سرکردگان خودش تعلیمات تلگرافی داده است که وسایل تسهیل
به آزادی داخل شدن اذوقه به شهر را بدون تحدید مقدار یا مدت فراهم نمایند. ضمناً
به متارکه کامل جنگ هم امر شده.»

نمره - ۲۴۶

مکتوب سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ آوریل)
از سن پترزبورغ، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹
[یکم اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار ترجمه اشعارنامه‌ای را که امروز صبح در روزنامه رسمی راجع
به اوضاع تبریز و تعلیماتی که به جانشین قفقاز برای حاضر بودن در اعزام يك عده
قشون روس به آن شهر طبع شده لذا ارسال می‌دارم.

امضا نیکلسن

ملفوفه در نمره ۲۴۶

قسمتی از جریده «افیشیال مسنجر» ۲۱ آوریل ۱۹۰۹
[یکم اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بموجب اطلاعی که از جنرال قنسل روس مقیم تبریز به اداره تلگرافی رسید، اهالی
آن شهر که بواسطه جوع قرین یاس و حرمان گردیده‌اند در تحت سرکردگی مجاهدین
تصمیم عزم نموده‌اند که برای تحصیل نان محله آرامنه را که قنسولگری روس و
انگلیس هم در آنجا واقعند غارت بنمایند.

مؤسسين این تهییج ظاهراً چنین تصور می‌کنند که به این وسیله و بلکه تا حد وافی
بواسطه مقتول نمودن یکی از قنسولها مداخله روس اعمال خواهد شد و باعث تأخیر
تسلیم تبریز به قشون شاه شده و برای انقلابیون ممکن خواهد بود که خود را پنهان

بدارند.

نظر به این ترتیب اوضاع دولت روس به نمایندۀ طهران خودشان تعلیمات دادند که از شاه تقاضای قطعی بنماید که امر بنمایند فوراً مقدار کافی آذوقه برای احتیاجات قنسولگریها و ادارات و اتباع خارجه و بهمچنین برای اهالی بی طرف شهر داخل تبریز بشود. بعلاوه به شارژ دافر روس دستورالعمل داده شد که به دولت ایران اطلاع بدهد که اگر در انجام این تقاضا قصور برود دولت روس مجبور خواهد شد که برای افتتاح راه دخول آذوقه به تبریز و حراست اماکن و اتباع روس و خارجه به قوه قهریه اقدامات سریع قطعی بنماید.

بیست و چهار ساعت قبل اخبار جدید تهدیدآمیز در باب مجاری امور در آن شهر از جنرال قنسول روس مقیم تبریز رسیده من جمله خبر تصمیم عزم اهالی قحطی زده و فداییان که در آتیۀ نزدیکی به قنسولگریهای روس و انگلیس حمله ببرند. همین قسم اطلاعات هم به دولت انگلیس رسیده دولت مشارالیه از طرف خود صلاحیت اعزام را به تبریز برای تقویت به اتباع خارجه ای که بخواهند از شهر پیرون بروند به دولت اعلیحضرت امپراطوری اعلام داشت.

نظر به مراتب فوق و حسب الامر اعلیحضرت امپراطور به جانشین قفقاز تعلیمات داده شد که فوراً يك عده کافی قشون به تبریز اعزام دارند که اماکن و اتباع روس و خارجه را حفظ نموده و ترتیب حمل آذوقه برای آنها داده و رابطات بین تبریز و جلفا را هم مأمون و برقرار بدارند.

به لحاظ اطلاع واصله که بواسطۀ حکم شاه برای شش روز متارکۀ جنگ و دخول آذوقه در شهر محصور فعلاً آرامی و سکون در تبریز احاطه دارد به جانشین قفقاز امر شد که گذشتن قشون از مرحد به عزم تبریز را معوق بدارد تا تعلیمات ثانوی داده بشود ولی به هر صورت اقدامات در تدارك آن را موقوف ندارد که در صورت وقوع اختلال دیگری حاضر باشند.

نمره - ۲۴۷

مکتوب سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

آقا

دیروز مسیو ایسولسکی به من اظهار داشت که اخباراتی که از تبریز رسیده رضایت بخش نیست. عین الدوله گفته است که حکمی در باب متارکۀ جنگ به او نرسیده لیکن بعد از قدری مذاکرات راضی شده که اجازه افتتاح يك راه برای حمل آذوقه را بدهد. عقیدۀ نواب معظم له بر این بوده که چون خط تلگراف از باسمنج به طهران دایر نبوده محتمل است به این واسطه تعلیمات در باب متارکۀ جنگ از طهران به او نرسیده

باشد. عقیده مسیو ایسولسکی این است که به این حرف عین الدوله نمی توان چندان اعتماد و وثوقی قرار داد و شاید برای تأمین عبور آذوقه مشکلاتی روی بدهد. بعلاوه، شاه به نمایندگان دولتین اطلاع داده است که در باب پیشنهاداتی که در خصوص تأسیس مشروطه و غیره به او تقدیم شده باید اعماق نظر بنماید. وضع تبریز محتمل است هر آن مجدداً خطرناک بشود و او در صدد است با وزیر مالیه و وزیر جنگ و سپهسالار مشورت بنماید که آیا با این مقتضیات مقرون به حزم و احتیاط نیست که به قشون روس امر بشود به تبریز بروند؟ این اقدام آزادانه عبور نمودن آذوقه را تأمین خواهد نمود و نیز ممکن است يك اثری هم به شاه بنماید که در تسریع جواب مساعدی به اظهارات نمایندگان دولتین بکوشد.

دیشب آخر شب مراسله ای از مسیو ایسولسکی به من رسید مبنی بر اینکه خط تلگراف بین باسمنج و طهران خراب نبوده و جنرال قنصل روس تلگراف نموده که اوضاع بیش از هر وقت تهدید می کند.

نظر به مقتضیات فوق دولت روس تصور می کند که دیگر نمی توان تردید داشت و احکام صادر شده که قشون از جلفا حرکت داده شود.

امضا نیکلسن

نمره - ۲۴۸

تلگراف مسیو ایسولسکی به کنت بنکندورف (که در ۲۶ آوریل بتوسط کنت بنکندورف تبلیغ شده)

از سن پترزبورگ، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

بموجب راپورتهای جدیدی که از جنرال قنصل روس مقیم تبریز رسیده قحطی که در آن شهر بروز نموده قنصلگریها و اتباع خارجه و روس را دچار مخاطرات مهمل می نماید.

علی هذا به شارژ دافر روس مقیم طهران تعلیمات داده شد که به شاه اظهار بدارد که اگر اقدام فوری در تهیه آذوقه لازم برای قنصلگریها و اتباع خارجه و اهالی خارج از جنگ شهر بعمل نیاید يك دسته قشون از جلفا تجهیز خواهد شد که قنصلگریها و اتباع خارجه مقیمین تبریز را محفوظ داشته و ورود مقدار کافی آذوقه به شهر را تأمین نماید.

با وجود وعده شاه برای صدور احکام لازمه به شاهزاده عین الدوله فرمانده مزبور اجازه حمل آذوقه به شهر را نداده و وضع قنصلگریها و اتباع خارجه کماکان به تزلزل باقی است.

لهذا دولت اعلیحضرت امپراطوری مجبور شد که متوسل به اقداماتی که به شاه خاطر نشان شده بود بگردد و اکنون قشون روس از جلفا به عزم تبریز حرکت خواهند نمود.

مقاصد تجهیز این قشون محدود بمراتب فوق‌الذکر است.
 قشون اعلیحضرت امپراطوری برای تأمین کامل و حراست جان و مال اتباع و
 قنسولگریهای روس و سایر دول خارجه فقط تا مدتی که لازم باشد در خاک ایران
 اقامت خواهند نمود.
 لطف نموده شرح فوق را به اطلاع دولت انگلیس برسانید.

نمره - ۲۴۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ آوریل)
 از طهران، ۲۶ آوریل ۱۹۰۹
 [۶ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۵ - ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

رجوع به تلگراف بلافصل ماقبل خودم. تلگراف ذیل مورخه دیروز از جنرال قنسول
 انگلیس رسیده:

«انجمن ایالتی نماینده‌ای با سواد تلگرافات شاه که برای تبلیغ به‌عین‌الدوله و
 به‌هریک از سرکردگان شخصاً مخایره شده بود نزد ما فرستادند. تلگرافات مزبور مبنی
 بر اوامر برای افتتاح تمام طرق و حتی القوه بکار بردن مساعی خود را در تسهیل
 دخول آذوقه و در مکان کنونی خود ماندن و بکلی جنگ را متارکه داشتن تا اوامر
 ثانوی برسد بود. انجمن مزبور از ما خواهش نموده‌اند که تا وقتی که معلوم بشود
 احکام شاه اطاعت شده یا خیر قشون روس پیشتر نیایند.

ما تصور می‌کنیم اولی آنست که قشون روس معطل نشوند تا به مسافت دست‌رس
 به تبریز برسند ولی به ما اختیار داده بشود که اظهار بداریم که فقط بنا به مقتضیات
 و لزوم استثنائی آنها وارد شهر خواهند شد.

به این طریق احتمال کلی دارد که تأمین اتباع خارجه در تحت اطمینان بیاید و
 اصلاح بین شاه و ملت خودش برطبق اظهارات شما امکان‌پذیر شود.»

هر دو قنسولها احتمال دارد در تصویب خودشان در تجهیز قشون روس برای مصالح
 تأمین خارجه‌ها [خارجی‌ها] محق باشند بعلاوه اعزام قشون روس بی‌شبهه شاه را متمایل
 خواهد نمود که به صلاح‌اندیشی ما بطریق مساعدتری گوش بدهد.

چنانچه دولتین موافقت بنمایند ما به جنرال قنسولهای خودمان اجازه خواهیم داد
 که به نحویکه ارائه طریق نموده‌اند اظهار بدارند و ضمناً ما مراسله مشترکی در همین
 موضوع به دولت ایران خواهیم نوشت.

من تصور می‌کنم چنین مصلحت باشد که برای مشهود داشتن یگانگی کامل دولتین
 در اعلان این مسئله من باهمکار روس خودم شرکت بنمایم.

نمره - ۲۵۰

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ آوریل)

از طهران، ۲۶ آوریل ۱۹۰۹

[۶ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۵ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل مورخه ۲۵ آوریل از جنرال قنصل انگلیس به من رسیده:

«چون ممکن است همان وضع در عرض چند روزی بسهولت تجدید بشود و نظر به دلیلی که در تلگراف بلافصل ماقبل بنده پیشنهاد شده من به ارائه این طریق مبادرت می‌جویم که معطل نمودن قشون صلاح نخواهد بود.

وجد و شغف کاملی که وزیر خارجه ذکر می‌کند در نتیجه امتیازات مرحمتی شاه حاصل شده متضمن قدری اغراق است. بهر صورت تا نتیجه‌ای در تعقیب امتیازات مزبور بروز ننماید این وجد مشهود نخواهد گشت و اهالی هنوز این را مشکوک تصور می‌کنند. مردم هرساعت وضعیت خود را تغییر می‌دهند. من نمی‌توانم به نظریات آنها پی ببرم یا بگویم آمال حقیقی آنها چیست.

نمره - ۲۵۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر چارچ بارکلی

از وزارت خارجه، ۲۶ آوریل ۱۹۰۹

[۶ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۵ ع ۲ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۲۶ شهر جاری شما اگر دولت روس هم به شارژ دافر خود همین نوع تعلیمات داده باشند به جنرال قنصل انگلیس ممکن است اجازه داده بشود که باتفاق کفیل جنرال قنصلگری روس اظهاری را که پیشنهاد شده بنمایند.

شما اجازه دارید برای نوشتن مراسله‌ای در همین موضوع به دولت ایران با شارژ دافر روس اتفاق بنمایید.

نمره - ۲۵۲

مکتوب سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ آوریل)

از سن پترزبورگ، ۲۴ آوریل ۱۹۰۹

[۴ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۲ - ۱۳۲۷]

آقا

خبر تزايد اختلاف واهمیت موقع که از تبریز به مسیو ایسولسکی رسید دولت روس

رای قطعی خود را بر این قرار دادند که بدون فوت وقت امر بکنند که قشونی که در جلفا حاضر نگاهداشته شده بود فوراً جلو بروند. واضح بود که اگر بیشتر تأخیر می‌رفت مخاطرات مهمه روی می‌نمود گرچه دولت روس در توسل به اقدامات عملی بی‌میل بودند ولی وضع امور هیچ چاره‌ای برای آنها باقی نگذارد مگر اینکه برای حصول تأمین هیئت اروپاییان در تبریز اقدامات بنمایند. این اردو مرکب است از سه باطالیون سرباز و چهار اسکادرون قزاق و دو باطری توپخانه و یک دسته مهندس. عده افراد فوج به میزان هنگام صلح است. عقیده قنسول روس مقیم تبریز بر این بود که یک دسته دویست نفری قزاق برای حراست حمل آذوقه کافی خواهد بود ولی مأمورین دولت روس را اعتقاد بر این بود و منهم در صحت آن مبادرتاً تصدیق دارم که این اردو باید به حد کفایت قوی باشند که در صورت هر مقاومتی بتوانند غلبه حاصل نمایند. بعلاوه لازم خواهد بود که در فاصله‌های معینه قراول گذارده بشود که جاده را مفتوح نگاه بدارند و بطوریکه عده آنها بیش از اندازه‌ای که حتماً لازم خواهد بود نباشد. مسیو ایسولسکی به من اطلاع داد که این اردو به اندازه ممکنه آذوقه همراه خود خواهند برد چون البتہ برای آنها غیر مقدور است آن مقدار آذوقه‌ای که رفع احتیاج تمام اهالی تبریز را بنماید تهیه نموده و همراه ببرند. مع هذا همینکه یک دفعه جاده مفتوح گردید محتمل است مقدارهای آذوقه متعاقب آن در جریان باشد. احکامی که به صاحب‌منصب فرمانده اردو داده شده از این قرارند که از مداخله در اختلافات بین طرفین مختصمین در تبریز احتراز بنماید و بهیچ وجه وظایف اداره حکومتی را به عهده نگیرد. اولاً باید محافظت لازمه از قنسولگریها و ادارات خارجه و تمام اتباع خارجه مقیمین در آن شهر بنماید. وقتی که اوضاع به حالت عادی عودت کرد و دیگر خوف مخاطره‌ای برای اتباع خارجه باقی نماند قشون عودت داده خواهد شد.

یک لایحه رسمی مبنی به دلایل تجهیز قشون در اینجا توزیع شده و متحدالمال تلگرافی به همان مفاد هم به دول مخابره شده.

امضا نیکلسن

نمره - ۲۵۳

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

[۷ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

رجوع به تلگرافات سر جارج بارکلی به جنابعالی و تلگراف جنابعالی به او، همه مورخین ۲۶ شهر جاری.

وزیر امور خارجه دولت روس به من اطلاع می‌دهد که قشون روس در بیرون تبریز

اردو خواهند زد و داخل شهر نخواهند شد. برای قراولی بانکها و سایر ادارات و برای هر قنصلگری که بخواهند قراول داشته باشند بعضی دستجات کوچک به شهر فرستاده خواهند شد. عقیده مسیو ایسولسکی براین است که مشکل لازم باشد که مراسله مشترکی مبنی به اطلاع از این بابت به دولت ایران نوشته بشود ولی مانعی نمی بیند که اردو قنصلها به هرکس و به هر نحو که صلاح بدانند اطلاع بدهند.

نمره - ۲۵۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ آوریل)

از طهران، ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

[۷ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل از جنرال قنصل انگلیس مقیم مشهد رسیده:

«دسته قشون روس دیروز وارد شدند و رئیس قشون ایرانی با احترامات نظامی آنها را پذیرفت. دسته مزبور مرکب است از ۶ دسته ترکمان در تحت چهار نفر صاحب منصب و سی نفر توپچی و دو دستگاه توپ مسلسل و هفتاد و پنج نفر قزاق.»

نمره - ۲۵۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ آوریل)

از طهران، ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

[۷ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

رجوع به تلگراف دیروز من، جنرال قنصل انگلیس از تبریز به من اطلاع می دهد که دیروز ۸ طن [= تن] (مطابق ۲۶ خروار و ۶ من) آرد از باسمنج فرستاده شد. شاه به انجمن ایالتی اصرار نمود که عین الدوله را بپذیرند که نقشه اشغال دائمی روس که بطور حتم منظور است مرتفع بگردد. دو جنرال قنصل شنیده اند که توضیحات خودشان در باب مقصود و موقتی بودن اقدام روس اثرات نیک بخشیده. شاه عفو عمومی اعطاء نموده و وعده مهمی برای مشروطه ای که مطابق شریعت اسلام باشد داده دسته ملیون پیش آمدن قشون روس را وسایل جلب امتیازات از آن اعلیحضرت قرار داده اند.

من و همکار روسیم استماع نموده ایم که شاه قصد دارد يك پروژه بکلی ناقصی به جای قانون انتخاباتی که تقاضا شده طبع و نشر بنماید. علی هذا ما به آن اعلیحضرت تصریح نموده ایم که يك همچو اقدامی با اجرای پرگرام صلاح اندیشی ما توافق ندارد و بهبودی در اوضاع حاصل نخواهد نمود و مجدداً به اعلیحضرت معظم تاکید نموده ایم

که فوراً قبول داشتن صلاح‌اندیشی‌ها را اظهار بدارند.

نمره - ۲۵۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ آوریل)

از طهران، ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

[۷ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل مورخه امروز از جنرال قنصل انگلیس رسیده:

«دفتر امانه‌ای برای نجات قراء در اینجا مفتوح شده.

ظاهراً صمدخان سکنه قراء حوالی را تشویق می‌نماید که آذوقه برسانند و خودش

هم امروز صبح يك مقداری غله فرستاده است.»

نمره - ۲۵۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۸ آوریل)

از طهران، ۲۸ آوریل ۱۹۰۹

[۸ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۷ ع ۲ - ۱۳۲۷]

همکار روسی من مراسله‌ای تقدیم نموده و تجهیز قشون روس را اعلام داشته. او

مراسله مزبور را به من ارائه داده و مبنی براین است که اگر لازم نشود قشون روس داخل تبریز نخواهند شد و مقصود از اقدام دولت روس و موقتی بودن آن را توضیح نموده.

راجع به بیانات پیشنهادیه در تلگراف ۲۶ آوریل بنده به جنرال قنصل انگلیس

اجازه داده‌ام که در موضوع مطلوبه به اتفاق همکار روسی خودش عمل بنماید.

نمره - ۲۵۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۹ آوریل)

از طهران، ۲۹ آوریل ۱۹۰۹

[۹ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۲ - ۱۳۲۷]

اصفهان

تلگراف ذیل از جنرال قنصل انگلیس مقیم اصفهان رسیده:

«صمصام السلطنه شروع به حرکت دادن دستجات كوچك قشون به خارج شهر نموده. ديروز ايلخانی به من اطلاع داد كه بايد منتظر وقوع جنگ در حوالی اصفهان بود.» قشون شاه الحال از كاشان به عزم اصفهان حرکت كرده اند. بنابراین برای هر خطر جانی كه در صورت وقوع مجادله به اتباع انگلیس وارد بیاید من شاه را مسئول قرار داده ام.

نمره - ۲۵۹

تلگراف سر جارج باركلي به سر ادوارد گری (واصله در ۲۹ آوریل)

از طهران، ۲۹ آوریل ۱۹۰۹

[۹ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۲ - ۱۳۲۷]

شاه و مشروطه

ما كسب اطلاع نموده ایم كه شاه در نظر دارند نایب السلطنه عموی خودشان را كه یکی از مرتجعین خیلی مشهور است به ریاست وزراء منصوب نمایند. هرکایینه ای كه نایب السلطنه جزو آن باشد با تقاضای مندرجه در پرگرام ما مناسبت نخواهد داشت. ما موقع را مفتنم شمردیم كه به شاه اطلاع بدهیم كه اگر تا دوم مه جوابی از طرف آن اعلیحضرت در باب صلاح اندیشی پیشنهاد به دولتین نرسد نمایندگان دولتین درخواست يك نوبت شرفیابی دیگر را خواهند نمود كه از آن اعلیحضرت جواب بگیرند.

نمره - ۲۶۰

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۳۰ آوریل ۱۹۰۹

[۱۰ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۲ - ۱۳۲۷]

قشون روس برای تبریز

مسیو چاریكوف به من اطلاع می دهد كه پیش قراول قشون روس فعلا در حوالی شهر هستند و از طرف ستارخان نسبت به آنها علائم مستحسنى بروز نموده و در عرض راه هم پذیرایی خوبی از آنها شده.

نمره - ۲۶۱

تلگراف سر جارج باركلي به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ آوریل)

از طهران، ۳۰ آوریل ۱۹۰۹

[۱۰ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

رجوع به تلگراف ۲۷ شهر حال من تلگراف ذیل مورخه ۲۷ شهر جاری از جنرال قنصل انگلیس رسیده:

«انجمن ایالتی دیروز از شاه استدعا نمودند که همان مشروطه سابق را اعاده نمایند و به آن اعلیحضرت اطلاع دادند که ترتیبات پیشنهادیه در باب مطابقت بسا شریعت اسلام پذیرفته نشدنی است. مذاکرات صلح امروز هم در تلگرافخانه امتداد دارد. بسیاری از اتباع خارجه هنوز در تشویشند و وضع شهر بطریق غیرمرضی باقی است.

آذوقه هنوز خیلی کسر است ولی بتدریج وارد می شود.»

نمره - ۲۶۲

تلگراف سر چارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ آوریل)

از طهران، ۳۰ آوریل ۱۹۰۹

[۱۰ اردیبهشت ۱۲۸۸، ۹ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل مورخه دیروز از جنرال قنصل انگلیس رسیده.
«ستارخان امروز صبح برای اظهار تشکرات فائقه از دولت انگلیس به اینجا آمد. مشارالیه از بابت آتیه اطمینان دارد.
آذوقه مرتباً وارد می شود و فردا دکانهای خبازی مجدداً مفتوح خواهند شد.
بر روی هم ظاهراً اوضاع رو به تصفیه است اگر چه جوابی از بابت مشروطه هنوز به انجمن داده نشده.»

نمره - ۲۶۳

تلگراف سر چارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ آوریل)

از طهران، ۳۰ آوریل ۱۹۰۹

[۱۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل از جنرال قنصل انگلیس رسیده:
«قشون شاه پرستان در کار متفرق شدند.
فردا ترتیب حرکت پست بطریق معمول تجدید خواهد شد.
«دیروز غروب ۱۸۰ نفر سرباز روسی به پل آجی رسیدند و امروز صبح بدون

هیچ تصادفی وارد شهر شدند.»

نمره - ۲۶۴

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱ مه)

از طهران، ۱ مه ۱۹۰۹

[۱۱ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۰ ع ۲ - ۱۳۲۷]

شاه وزیر امور خارجه را منقصل نموده

وزیر مزبور با اظهارات سفارتین موافقت کرده و مقاومت و ثبات کاملی در مقابل نفوذ مترجمه‌ای که بر علیه [= علیه] ما بودند مشهود داشته، انفصال او و تعیین نایب السلطنه و سایر علائم ظاهر می‌دارد که شاه به لجاجت خود باقی است و این نوع استهزام نمودن سفارتین ما را مجبور نموده که تصمیم در احتراز نمودن از جزئیات را تا وقتی که شاه قبول پرگرام را رسماً اظهار بدارد متروک بداریم.

اگر چه ما بین دولتین موافقت شده بود که برای ترکیب کابینه فقط بطریق خصوصی ارائه طریق بشود ولی ما وظیفه خود دانستیم که بسختی پرتست بنماییم و دیشب ترجمانهای سفارتین به شاه اطلاع دادند که اگر آن اعلیحضرت سریعاً نایب السلطنه را منقصل و سعدالدوله را مجدداً منصوب نمایند نمایندگان به دولتین متبوعتین خود اطلاع خواهند داد که اعلیحضرت معظم صلاح‌اندیشی آنها را رد نموده‌اند. شاه اظهار داشته بودند که پرگرام را قبول دارند ولی درباب انفصال سعدالدوله جد کامل دارند.

عقیده نمایندگان دولتین براین است که دخول سعدالدوله و ناصرالملک در کابینه را باید وسیله امتحان صمیمیت و موافقت شاه قرار داد و اگر آن اعلیحضرت در قبول سریع آنها موافقت نمایند باید به اعلیحضرت معظم اظهار بشود که دولتین همچو ملاحظه می‌کنند که صلاح‌اندیشی دولتین رد شده. لزوم وجود ناصرالملک برای هر کابینه تجددخواهی از حتمیات است.

ما خیلی بی‌میل بودیم که از روش ارائه طریق خصوصی که مقرر شده بود تخطی بجوییم ولی بواسطه استقامت جدی در این نکته اگر شاه تمکین بنماید ما وسیله و امید بهتری برای اجرای پرگرام خودمان خواهیم داشت. انجام جزئی از پرگرام حتماً مضر است.

نمره - ۲۶۵

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳ مه)

از طهران، ۳ مه ۱۹۰۹

[۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

اصفهان

در جواب مراسله‌ای که من به دولت ایران نوشته و برای هرخطر جانی که بواسطه وقوع مجادله در اصفهان به اتباع انگلیس وارد بیاید شاه را مسئول قرار داده بودم شاه فرستاده و به من اطلاع دادند که قشون آن اعلیحضرت به کاشان عودت نموده.

نمره - ۲۶۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳ مه)

از طهران، ۳ مه ۱۹۰۹

[۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

صمصام السلطنه و سردار اسعد تلگراف مشترکی به تمام سفارت‌های خارجه مخایره کرده و اظهار تشکر برای اقداماتی که در نجات تبریز شده نموده و ضمناً خواهش کرده‌اند که حالا دیگر دول در امورات داخلی آنها مداخله ننمایند. بعد از اظهار انقیاد به شاه آنها اشعار داشته‌اند که آنها و تمام ملیون دیگر در صدد حرکت بطرف پایتخت هستند که آن اعلیحضرت را به ایفای تعهداتی که به ملت خود نموده مجبور بدارند.

نمره - ۲۶۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳ مه)

از طهران، ۳ مه ۱۹۰۹

[۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

شرح ذیل قسمت مختصری از تلگراف مورخه ۲ مه جنرال قنصل انگلیس است:
«۲۶۹ نفر از قشون روس در شهرند و فرمانده قشون به من اطلاع داده که او قریب چهار هزار نفر در تحت فرمان خود دارد.»

نمره - ۲۶۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۳ مه ۱۹۰۹

[۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

بمحض اینکه به شارژ دافر روس تعلیمات برسد که در باب ترکیب کابینه ایران اظهارات مشترکه بنماید شما ممکن است بر طبق پیشنهاد مسطور در تلگراف غره

شهر حال خودتان که متضمن نظریات دولت روس و خود ماست عمل بنمایید.

نمره - ۲۶۹

مکتوب سرادوارد گری به سرجارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۳ مه ۱۹۰۹

[۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

وزیر مختار ایران امروز به این اداره آمده و تلگرافی را که شاه مخیره نموده بود برای سرهاردینگک قرائت نمود و مبنی بر این بود که سعدالدوله عریضه‌ای به وزیر مختارهای انگلیس و روس نوشته که به مقام وزارت امور خارجه‌ای که تازه از آن متنصل شده برقرار بگردد ولی من امیدوارم که وزیر مختارها در باب معاودت او به این مقام اصرار نخواهند نمود. شاه اشعار داشته بودند که هرکس دیگر را که وزیر امور خارجه انگلیس تصویب بنمایند من حاضرم به وزارت امور خارجه منصوب بدارم.

سرهاردینگک به وزیر مختار مزبور اظهار داشت که در موضوع فوق خبری از طهران به دولت انگلیس رسیده ولی وزیر امور خارجه انگلیس از تعیین نایب السلطنه به صدراعظمی خیلی ناراضی است و اگر شاه بخواهند وضع حاضره را فوراً خاتمه بدهند جلوگیری از اقدامات دیگر نمایندگان دولتین در طهران بنمایند باید عاجلاً صدراعظم و وزیر امور خارجه تعیین بنمایند که هر دو وزیر مختار مقیمین طهران تصویب بکنند. سرهاردینگک نیز اظهار نمود که دولت انگلیس باید اصرار بنماید که کابینه جدید مرکب از اشخاص کافی باشد و بعد از آنچه واقع شده هرکابینه‌ای را که سعدالدوله و ناصرالملک جزو آن نباشد نمی‌توانند کابینه موثق و معتمد محسوب بدارند.

وزیر مختار مزبور گفت که مفاد شرح فوق را در جواب تلگراف شاه مخیره خواهم نمود.

امضاء ا. گری

نمره - ۲۷۰

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۴ مه)

از طهران، ۴ مه ۱۹۰۹

[۱۴ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۳ ع ۲ - ۱۳۲۷]

کفیل وزارت امور خارجه به من و همکار روسیم رسماً اطلاع داده که شاه صلاح-اندیشی را که ما در ۲۲ آوریل به آن اعلیحضرت تقدیم داشتیم قبول نموده‌اند. شاه میل دارند که جلسه‌ای از نمایندگان دولتین و نماینده‌های آن اعلیحضرت منعقد

بگردد که در باب جزئیات تشریح بعضی نکات آن که اعلیحضرت معظم مایلند توضیحات داده بشود.

نمره - ۲۷۱

تلگراف سرچارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۵ مه)

از طهران، ۵ مه ۱۹۰۹

[۱۵ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۴ ع ۲ - ۱۳۲۷]

شاه دستخطی صادر نموده و اعاده حکومت شوروی را وعده داده. قانون انتخابات بزودی توزیع خواهد شد و موعد انتخابات ۱۹ ژوئیه تعیین شده. مشروطه را در تحت موازین شریعت اسلام و مطابق احتیاجات مملکت شرح داده‌اند.

نمره - ۲۷۲

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۵ مه)

از طهران، ۵ مه ۱۹۰۹

[۱۵ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۴ ع ۲ - ۱۳۲۷]

دویست نفر انقلابیون از رشت با قلیل خونریزی قزوین را تصرف نمودند. فعلاً شهر آرام است.

نمره - ۲۷۳

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۵ مه)

از طهران، ۵ مه ۱۹۰۹

[۱۵ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۴ ع ۲ - ۱۳۲۷]

من و همکار روسیم در باب رسماً قبول نمودن شاه صلاح‌اندیشی تقدیمی ما را شروع به عملیات نموده‌ایم. الحال ما به کفیل وزارت امور خارجه اصرار داریم که در انعقاد اجلاس منظوره که در آن ما در باب ترکیب کابینه و سایر جزئیات نکاتی که آن اعلیحضرت استعمال نموده باشند توضیحات باید بدهیم تعجیل بنمایند.

نمره - ۲۷۴

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۶ مه)

از طهران، ۶ مه ۱۹۰۹

[۱۶ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۵ ع ۲ - ۱۳۲۷]

حرکت انقلابیون از رشت

همکار روسی من به قنسول رشت خودش تعلیمات داده که برای انتفاع اصلاح سریع بین شاه و ملتش به سپهدار اصرار بنماید که جلو آمدن در راه رشت به طهران را موقوف بدارند.

شاه امر نموده‌اند که صد نفر قزاق به مقابله انقلابیون که بنا به اعتقادات حالا از قزوین حرکت کرده‌اند اعزام بشود.

نمره - ۲۷۵

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۷ مه)

از طهران، ۷ مه ۱۹۰۹

[۱۷ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۶ ع ۲ - ۱۳۲۷]

در طی اجلاسی که شاه پیشنهاد نموده و امروز عصر تشکیل می‌یابد ما سعی خواهیم نمود که اعلیحضرت معظم را متقاعد بنماییم که بوسیله اشتها نامه اعلام بدارند که آن مواد پرگرام را که مشروط به اقدام سریعه [است] فوراً به موقع اجراء خواهند گذارد و در سرعت اجرای سایر مواد هم حتی الامکان جد و جهد خواهند نمود.

به هر صورت، من یقین کامل ندارم که ملیون با این اقناع بشوند. صمصام السلطنه که استعدادش قریب ۴,۰۰۰ نفر مسلح و مکمل است در جواب دستخط پنجم مه شاه اظهار داشته که او فقط مشروطه سابق را قبول خواهد نمود. او مجدداً تصمیم خود در حرکت بطرف طهران را اعلان نموده است. می‌گویند خیال ملیون رشت این است که شاه را از سلطنت خلع بنمایند.

نمره - ۲۷۶

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۸ مه)

از طهران، ۷ مه ۱۹۰۹

[۱۷ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۶ ع ۲ - ۱۳۲۷]

امروز عصر اجلاس مذکوره در تلگراف امروز بنده تشکیل یافت. ما در جزئیات موادی که خواسته بودند توضیحات دادیم و اصرار نمودیم که ناصرالملک و سعدالدوله باید جزو کابینه بشوند. ضمناً صورت اسامی اشخاصی را که برای کابینه و مجلس مشاوره مناسبند تبلیغ نمودیم.

انفصال نایب السلطنه و امیر جنگ و صدراعظم و خصوصاً نماینده‌های مناسبی که برای اجلاس امروز انتخاب شده بودند متضمن اصلاحات معتناهی در وضعیت و روش شاه است اگر چه البته هنوز من نمی‌توانم قطعاً اظهار ندارم که تاحال بیانات ما چه تأثیری به شاه نموده.

دستخط شاه اثر مطبوعی در اهالی تبریز نموده و ملیون آنجا به مصمصام السلطنه تلگراف نموده‌اند که حرکت تهاجمی خود را معوق بدارد. بواسطه پیش آمدن انقلابیون از رشت رعب بسیاری در دربار حادث شده. افواه متفرقه شیوع دارد که صدها از انقلابیون مزبور از قزوین حرکت کرده‌اند. از نواب سفارت روس که به آنجا فرستاده شده بود راپورت می‌دهد که متصل مدد به آنها می‌رسد ولی تا حال فقط معدودی از قزوین تجاوز نموده‌اند.

نمره - ۲۷۷

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۸ مه)

از طهران، ۸ مه ۱۹۰۹

[۱۸ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۷ ع ۲ - ۱۳۲۷]

همکار روسیم به من اطلاع می‌دهد که صاحب منصب روسی فرمانده قزاقی که در راه قزوین است امروز مراجعت می‌نماید.

من نمی‌توانم اظهار عقیده قطعی در باب قوت و تشکیلات قشون رشت که در حوالی قزوینند بنمایم. اطلاعات روسها مبنی بر اینند که پیش قراول این قشون در گرفته است که منزل اول از قزوین به طهران است و عنصر مسلطه این قشون يك دسته قفقازی است که عده آنها دویست نفر است.

نمره - ۲۷۸

مکتوب سر ادوارد گری به سرچارچ بارکلی

از وزارت خارجه، ۸ مه ۱۹۰۹

[۱۸ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۷ ع ۲ - ۱۳۲۷]

آقا

امروز وزیر مختار ایران به این اداره آمده و تلگرافی را که شاه مخابره نموده بود برای سرهاردینگک قرائت کرد و مبنی بر این بود که دیروز شما به اتفاق شارژ دافر روس در تعیین سعدالدوله به وزارت امور خارجه اصرار نموده‌اید. اعلیحضرت معظم قبل از این به ناصرالملک تلگراف نموده‌اند که مراجعت نموده و مقام صدارت و وزارت مالیه را قبول نماید ولی خواهش دارند که ما در تعیین سعدالدوله به وزارت امور خارجه اصرار ننماییم. سرهاردینگک اظهار داشت که وزیر امور خارجه انگلیس عضویت این دونفر را در کابینه جزو لایتنجرامحسوب می‌دارد و به وزیر مختار مزبور صلاح اندیشی نمود که به شاه اطلاع بدهد که عقیده متقن وزیر امور خارجه بر این است که فقط سرعت قبول پرگرام مامکن است حرکت مستقیم ملیون بطرف طهران را که متضمن خطر معتنابهی برای شخص شاه است منحرف بدارد. امضا . ا. گری

نمره - ۲۷۹

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۹ مه)

از طهران، ۹ مه ۱۹۰۹

[۱۹ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۸ ع ۲ - ۱۳۲۷]

وزیر امور خارجه منفصل الان مجدداً به مقام خود منصوب گردیده و به او امر شده است که تشکیل کابینه بنماید. مسوده اعلانی را که او امیدوار است شاه را متقاعد بکند که فردا صادر بنمایند برای من قرائت نمود. اقداماتی که در آن اعلام گردیده با تقاضاهای در پرگرام ما کاملاً موافقت دارد.

نمره - ۲۸۰

مکتوب سرجارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۱۶ آوریل ۱۹۰۹

[۲۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار ذیلاً اوضاع اصفهان را شرح می‌دهم:

صمصام السلطنه همه روزه منتظر ورود سردار اسعد است که از قرار راپورت قریب دوهزار سوار بختیاری همراه دارد و از قرار مذکور تصمیم عزم شده که در ۲۱ آوریل بطرف طهران حرکت بنمایند. از قرار مذکور حالا رؤسا باهم متحد شده‌اند و ظاهراً هیچ احتمالی نمی‌رود که قشون شاه در کاشان در مقابل آنها مقاومت بنمایند. عده قشون مزبور تقریباً هزار و پانصد نفر است، من جمله سیصد نفر بختیاری که محتمل است در اولین فرصتی که بدست بیاورند به هم قبیله‌های خود ملحق بشوند. معدودی قشون کمکی هم که در قم هستند بین‌المحدورین‌اند و چند روز قبل يك عده از آنها در تلگرافخانه هند و اروپا متحصن شده و برای نرسیدن حقوق خودشان تعرض نموده و اظهار می‌داشتند که حقوق دو ساله آنها نپرداخته شده [پرداخت نشده است]. نظر به این مقتضیات ندرتاً می‌توان انتظار داشت که اگر حرکت بختیاریها صورت صحتی حاصل بنماید این قشونی که جاده بطرف طهران را احاطه دارند در مقابل آنها مقاومت مؤثری بروز بدهند.

ضمناً استقرار نظم کامل در اصفهان ظاهر است لیکن همچو می‌نماید که صمصام السلطنه از روش ملاها که آقا نجفی رئیس آنها است و از عدم موفقیت در تحصیل پول به وسایل مساعدت داوطلبانه برای پرداخت حقوق استعداد خود نسبتاً متأذی شده باشد. بتازگی صدراعظم مجاهدتی نمود که بتوسط سهام السلطنه امورات بین شاه و بختیاریها را صورت اصلاحی بدهد و برای انجام این مقصود پیشنهادی طرح شده بود که حکومت اصفهان به صمصام السلطنه اعطاء بشود ولی معزی‌الیه با حالت خشم

و تغیر از اصنام نمودن يك همه چه کوشش مستعجبی برای صلح امتناع نمود. مستعجب مستر گرهم جنرال قنسول تا حال در متقاعد نمودن صمصام السلطنه برای حفظ خط تلگراف کمپانی هند و اروپا که سرکرده مزبور شکایت داشت که بر علیه [= علیه] او بکار برده می شود موفق شده. معلوم می شود وعده ای که مستر گرهم به موجب تعلیمات من به او داده است که بعد از اول آوریل عایدات مخابرات داخلی به او پرداخته خواهد شد او را نرم کرده است. برای ایفای به این تعهد در اوایل آوریل يك مبلغ قلیلی (۱۲۳۱ قران) از بابت عایدات مخابرات داخلی در عرض ماه سابق به صمصام السلطنه پرداخته شد و سیمهای کمپانی مزبور فعلا بدون خرابی کار می کنند.

راه اصفهان به شیراز به وضع ناامنی رقت انگیز است. قریب چهار هفته قبل وکیل کمپانی زیگلر را طایفه لشنی در یزد خواست که چهار منزلی طرف شمال شیراز است لخت نمودند. اشیاء یکی از اعضای انجمن مسیحیون و پست بین ده بید و سیوند هم سرقت شده و دو نفر از غلامان اداره تلگرافی هند و اروپا را در همان محل طوایف عرب جلو بسته و آنها را کتک زده و لخت نموده اند. در هشتم آوریل صمصام السلطنه به جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان اطلاع داد که عشایر در خط جنگند و چند روزی اتباع انگلیس در جاده های واقعه در خاک اصفهان مسافرت ننمایند.

صمصام السلطنه نیز اطلاع داده بود که به اتباع خود امر نموده است که در مقابل تهاجم محتمله غارتگران حزم و احتیاط را مرعی بدارند.

مستر گرهم بنا به این اطلاع برای مسافرت ننمودن در حوالی اصفهان تا اعلان ثانوی بشود به اتباع انگلیس اخطار کرده است. من به کفیل قنسوگری انگلیس در شیراز دستور داده ام که همین نوع اعلانی صادر بنماید و نیز اخطاریه دیگری هم بین اتباع انگلیس در طهران توزیع نمودم.

امضا جارج بارکلی

نمره - ۲۸۱

مکتوب سر جارج بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

در عرض چهار هفته ماضی فقط مجادلات جزئی در تبریز واقع شده. در ۲۴ شهر ماضی [۴ فروردین؛ ۲ ع ۱] محصورین حمله ای به قشون محاصره کننده شاه پرست بردند و ملیون در تصرف يك سنگر موفق شدند ولی پیشرفت دیگری برای آنها میسر نشد چون اکثر قشون آنها در سنگرهای خود ماندند. از قرار مذکور تلفات آنها سی و چهار نفر مقتول و مجروح بوده. در پنجم شهر جاری [۲۵ فروردین؛ ۲۳ ع ۱]

بمباردمان بی‌اثری به شهر شد و در ۱۴ شهر حال [۲۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۱ - ۱۳۲۷] هم چند فقره شلیک توپ شده و پاره‌ای مجادلات مختصره هم در همان روز به وقوع پیوسته ولی جنگ قطعی اعمال نشده.

در همین اوقات آذوقه در تبریز شروع به کم‌شدن نموده و قحطی در کار خودنمایی بود مخصوصاً در بین اشخاص خارج از جنگ. نظر به عسرت منبسطه فقط بایستی منتظر بود که میل افتتاح باب مذاکرات صلح بین بعضی طبقات مردم بروز بنماید و شاه بوسیله قاعده قدیمی تولید اختلاف بین محصورین مساعی خود را در تسلیم شهر بکار ببرد. بعضی نماینده‌ها به اردوی شاه‌پرستان در پاسمنج اعزام گردید که از قرار مفهوم نماینده رسمی دسته ملیون نبودند ولی با رضایت آنها رفته بودند. تلگرافات اخیر من خاطر اولیای دولت اعلیحضرتی را از مفاد این مذاکرات صلح و وضع کلی تبریز مستحضر داشته است.

پیشنهادهای انجمن ایالتی که از جنرال قنسولهای انگلیس و روس خواهش شده بود بتوسط سفارت‌های متبوعه خودشان برای قبول آنها به شاه اصرار بنمایند و مبنی به اجازه دخول آذوقه به شهر و انتخاب نماینده برای مذاکره با شاه و سایر شهرها در باب قرارداد کلی بود در موقعی که مهاجمه حوادث مرکز ملیون چندین ماه استقامت نموده برعلیه [= علیه] شاه را، مشرف به تسلیم نموده بود، قسمی بود که تدرتاً انتظار مسموع افتادن در محضر آن اعلیحضرت می‌رفت. دو روز قبل شارژدافر عثمانی در باب وضع مایوسانه اتباع خود در آن شهر محصور اشاره کرده و مراسله‌ای به وزیر امور خارجه نوشته بود. مستر راتیسلا درطی تلگراف دیروز خودش درباب شرایط پیشنهادهای انجمن ایالتی راجع به متارکه جنگ اطلاع داده بود که مقدار غله موجوده برای صرف عامه کمتر از آن میزانی است که سابقاً به سمع او رسیده و اظهار داشته بود که احتمال بروز بلوایی که ممکن است متضمن خطر جانی برای اتباع خارجه باشد می‌رود. امروز مستر راتیسلا به من اطلاع داده که امکان مهاجمه به اتباع خارجه جلب حقیقت نموده. نظر به این خبر بسیار مهم امروز من با شارژ دافر روس که متصل درباب اوضاع با او در مذاکره بوده‌ام مشورت نموده و رأی قطعی ما براین قرار گرفت که تقاضای شرفیابی متفق برای فردا به حضور شاه بنماییم و در خصوص لزوم فوری محافظت جانی اتباع خارجه مقیم تبریز که ظاهراً در خطر قریب الوقوعی هستند به آن اعلیحضرت اصرار بنماییم.

الان اطلاع حاصل نموده‌ام که شاه فردا ما را بارخواهند داد و نتیجه این شرفیابی را در تحت مراسله‌ای علیحده مفتخراً به سمع عالی خواهم رسانید.

امضا ج. بارکلی

نمره - ۲۸۲

مکتوب سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا، لازم نمی‌دانم در باب شرح مذاکرات عدیده‌ای که در خصوص تغییرات بحرانی که تازگی در اوضاع تبریز واقع شده با همکار روسیم نموده‌ام خاطر محترم را تصدیع دهم چون تلگرافات بنده و مستر راتیسلا جنرال قنصل‌خاطر محترم را کاملاً از مجاری امور آگاه داشته.

چنانچه در تلگراف امروز خودم راپورت داده‌ام دیشب آخر شب رأی قطعی ما علاقه گرفت که نظر به فوریت مسئله درخواست شرفیابی متفق روز بعد را از شاه بنماییم به جهت اینکه در باب لزوم متارکه جنگ و اجازه دخول آذوقه برای جلوگیری از مهاجمه تهدید به قنصلگریهای ما و اتباع خارجه مقیم تبریز به اعلیحضرت معظم اصرار بنماییم.

امروز صبح بین ساعت ۱۱ و ۱۲ تشریف حاصل شد. پس از بجا آوردن مراسم ادب و استفسار از صحت اعلیحضرت شاه، بلافاصله من شروع به قرائت بیان‌نامه‌ای که سواد آن را با کمال افتخار لفاً تقدیم می‌دارم نمودم و ترجمه آن را مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی که حاضر بودند به عرض شاه می‌رسانیدند.

اعلیحضرت معظم فرمودند که پس از اعماق نظر در این موضوع بتوسط وزیر امور خارجه جواب آن را خواهند داد ولی میل دارند اظهار بدارند که چهار روز قبل به قشون خود که در مقابل تبریز هستند امر فرموده‌اند که جنگ را یکلی متروک بدارند و منتظر مذاکرات صلح که در پیش بود بشوند لیکن متمردين دیشب جنگ را شروع نموده و هنوز هم نائره حرب مشتعل است.

من از جانب همکار روسیم و خودم به اعلیحضرت شاه اطلاع دادم که حق و باطل مجادله در تبریز به ما مداخلیت ندارد.

مسئله بحدی فوری است که مجال بحث باقی نمی‌گذارد. ما با اوضاعی روبرو هستیم که متضمن مخاطرات وخیمه برای قنصلهای ما و اتباع خارجه مقیمین آنجاست. من به آن اعلیحضرت تأکید بلیغ نمودم که امر بفرمایند متارکه جنگ را اعلام داشته و بگذارند آذوقه داخل شهر بشود که به این واسطه خطراتی که تهدید می‌کند رفع بشود. همچو می‌نمود که شاه در وجود داشتن آذوقه در حوالی مشکوکند و مکرر فرمودند که متمردين به قشون من حمله می‌نمایند و استفسار نمودند که آیا سرکردگان من باید در مقابل این حملات دست‌بسته بایستند؟

من اظهار نمودم اگر اعلیحضرت شاه بیان بفرمایند که در يك مدت معینی متارکه جنگ را رعایت نموده و در عوض آن مدت بگذارند آذوقه وارد شهر بشود من و همکار روسیم به قنصلهای خودمان تعلیمات خواهیم داد که برای جلوگیری از حملات ملیون نفوذ کامل خود را اعمال بدارند.

شاه فرمودند که از تبریز نماینده‌ها به باسمنج اعزام گردیده که در شرایط صلح با من مذاکره نمایند. اهالی تبریز برای تسلیم شدن حاضرند ولی با وجود همه اینها مثل اینکه متمردین تحت السلاح از اهالی آرام که با آنها من هیچ خاصه‌ای ندارم مجزا باشند. حمله جازمی به قشون من نبوده‌اند. باین تفصیل آیا باید من اجازه دخول آذوقه به شهر را بدهم؟

من مجدداً برای در معرض مخاطره وخیمه بودن قنسولهای ما و اتباع خارجه که يك مسئله‌ایست که اقدام فوری لازم دارد به‌اعلیحضرت معظم اصرار نمودم. اگر چنانچه يك آسیب قطعی بایستی رفع بشود هر يك دقیقه حاوی اهمیت است. مسیو سابلین [= سابلین] هم در این تمنای آرزومندانه بامن هم‌آواز شد.

اعلیحضرت شاه جواب دادند نه ماه است من جدوجهد نموده‌ام که به متمردین تبریز استیلا حاصل نمایم و برای انجام این مقصود من شهر را محاصره نموده و دخول آذوقه را قطع نموده‌ام. حالا آنها در تضمین و فشار کامل گرفتار شده‌اند. آیا باید در همچو موقعی من بگذارم آذوقه داخل شهر بشود و تمام زحماتی که قشون من کشیده‌اند به‌دربورد؟ من در جواب عرض کردم که این استدعا را فقط از آن اعلیحضرت می‌نمایم که وعده متارکه جنگ و اجازه دخول يك محدودی آذوقه به شهر را بدهند برای اینکه به هر صورت باعث رفع خطر قریب‌الوقوع قنسولهای ما و اتباع خارجه خواهد شد.

اعلیحضرت شاه جواب دادند که نمی‌دانم چرا قنسولها و اتباع خارجه از شهر خارج نمی‌شوند و در مقابل این بیان مسیو سابلین [= سابلین] و من جواب دادیم که نظر به مقتضیات، يك همچو روشی بکلی خارج از موضوع است. همکار روسی من نیز اظهار داشت:

«قنسولهای ما نمی‌توانند از اتباع خارجه در تبریز مفارقت بجویند. منافع مشرف به خطر خیلی زیادند و اتباع کثیره روس که در شهرند نمی‌توانند خارج بشوند. آنها باید ملاحظه فامیل و اموال خود را هم داشته باشند. اگر ما تصور می‌کردیم که آن اعلیحضرت می‌توانند آنها را حفظ بنمایند استدعای حراست آنها را می‌تمودیم ولی اعلیحضرت شاه نمی‌توانند. لهذا ما باید به‌اعلیحضرت شاه اصرار بنماییم که با اظهارات ما موافقت بنمایند. مستر میلر که معروف حضور اعلیحضرت است به من تلگراف نموده که خطر مهاجمه قریب‌الوقوع است و بیم آن است که هرآن واقع بشود. علی‌هذا من درباب لزوم اقدام فوری نمی‌توانم به حد کفایت به‌اعلیحضرت اصرار بنمایم ولی حتی باید این را هم اضافه بنمایم که مملکت مشرف به خطر است.»

همچو ظاهر گشت که این استدعا براعلیحضرت شاه خیلی مؤثر واقع شده و بعد از قدری مذاکره دیگر موافقت نمودند به عین‌الدوله تلگراف کنند که تا شش روز دست از جنگ بکشد (یعنی تا ظهر روز دوشنبه ۲۶ آوریل) و در عرض این مدت مقدار آذوقه‌ای که تخمیناً برای آن مدت لازم خواهد بود داخل شهر بشود مشروط براینکه در این هنگام به قشون شاه‌پرستان حمله برده نشود.

من و مسیو سابلین [= سابلین] هم از این طرف تعهد نمودیم به جنرال قنسولهای

خودمان تعلیمات بدهیم که این شرایط را به میلیون تبلیغ نموده و نفوذ کامل خود را در جلوگیری از تجدید مجادله آنها بکار ببرند.

در ملی شرفیابی خودمان که سه ربع ساعت طول کشید و وزیر امور خارجه هم حضور داشت ما به اعلیحضرت شاه اطلاع دادیم که قصد داریم روز بعد هم مجدداً بار یافته و بموجب تعلیمات رسمی دولتین متبوعتین خودمان اظهارات کلی مبسوط تری بنماییم. پس از مراجعت به سفارت پیغامی بتوسط وزیر امور خارجه از طرف شاه به من رسیده تلگراف ذیل را که تازه از عین الدوله رسیده بود تبلیغ نموده:

«متمردین فقط می خواهند فرصت بدست بیاورند چون آنها منتظر يك قشون امدادی از ارومیه و سلماس هستند که به سردار نصرت حمله خواهند برد. بهیچوجه محل شبیه نیست که دو عراده توپ از ارومیه به سلماس رسیده است.»

مقصود شاه این بود که مفهوم بدارد که اگر این استعداد به قشون او حمله ببرند شرط متارکه جنگ خاتمه خواهد پذیرفت. من جواب دادم در این نکته موافقت دارم و پس از آن همکار روسی من هم همینطور جواب داده بود.

ما در موضوع فوق به جنرال قنسولهای انگلیس و روس تعلیمات متحدالمالی داده ایم و همچو می نماید که عجالتاً مخاطره مرتفع شده.

امضا ج. بارکلی

ملفوفه در نمره ۲۸۲

مراسله ای که ترجمه آن برای اعلیحضرت شاه ایران قرائت شده وضع اتباع خارجه در تبریز اقصی درجه وخامت را دارا است. ظاهراً قحط و غلای آذوقه به حدی در شهر احاطه دارد که اهالی قرین یأس و حرمانند و دلیل دارد خوف آن باشد که تهاجم به جنرال قنسولگریهای روس و انگلیس برای تحصیل آذوقه تحت نظر است.

نظر به این مقتضیات نمایندگان دولتین انگلیس و روس مجبورند خاطر نشان اعلیحضرت شاه بنمایند که برای هر صدمه و ضرری که به جنرال قنسولگریها و اتباع خارجه مقیمین تبریز وارد بیاید دولتین شخص اعلیحضرت را مسئول خواهند دانست.

ما امروز شرفیابی حاصل نموده ایم برای اینکه یگانه طریق جلوگیری از بلوای رقت انگیزی را که تهدید می نماید به اعلیحضرت عرضه بداریم و نظر به اینکه محافظت اتباع ما در تبریز برای دولت اعلیحضرت شاه غیر مقدور است ما مجبوریم که در لزوم فوری آسایش اهالی شهر بوسیله متارکه جنگ و اقدامات لازمه سریعه در دخول آذوقه برای مردم قحطی زده اصرار بنماییم.

نمره - ۲۸۳

مکتوب سرچارج بارکلی به مرادواردگری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار خلاصه وقایع ماهیانه ایران اتفاقیه در عرض چهار هفته ماضی را لفا ارسال می‌دارم.

امضا ج. بارکلی

ملفوفه در نمره ۲۸۳ خلاصه ماهانه

طهران

وضع پلتیکی طهران در عرض چهار هفته ماضی بی‌تغییر بوده. در ۲۷ مارس [۷ فروردین؛ ۵ ع ۱] صنیع‌الدوله رئیس اولی مجلس سابق باتفاق بعضی اقربای خود به‌عنوان اینکه جان‌ش در خطر است به‌سفارت اعلیحضرتی انگلیس پناهنده شد. آنها اظهار داشتند که قصد عزیمت به اروپا دارند و شاه هم اجازه این امر را به آنها داده‌اند. فعلاً همه آنها از سفارت خارج شده‌اند و بعضی از آنها واقعاً از طهران حرکت نموده‌اند ولی صنیع‌الدوله هنوز در منزل خود مانده است. چند روز بعد یکی از وعاظ معروف اعتمادالذاکرین نام یا یک زخم گلوله‌ای که در بازوی خود داشت و در شب ۲۳ مارس [۲ فروردین؛ ۲۹ صفر] که چندین نفر در شاه‌عبدالعظیم مقتول شده بودند از آنجا گریخته بود در سفارت متحصن گردید. مشارالیه هنوز در سفارت است.

در عرض ماه مسیو بارانوسکی ترجمان سفارت روس که به مرخصی رفته بود مراجعت نموده و شرفیابی خصوصی به‌حضور شاه داشت که بیش از دو ساعت طول کشید و در ضمن تشرف او اعلیحضرت شاه نیت خود را در اعاده حکومت شوروی اظهار فرموده بودند.

وزیر مختار دولت فخمه انگلیس و مسیو سبلین [= سابلین] در ۲۰ و ۲۲ آوریل [۳۱ فروردین و ۲ اردیبهشت؛ ۲۹ ع ۱ و یکم ع ۲] به‌حضور شاه بار یافتند.

۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

امضا ج. پ. چرچیل

رشت

شهر آرام مانده و نظم مستقر بوده. مذکور است که یک استعدادی از ملیون در تحت سرکردگی سپهدار در شرف حرکت بطرف طهران هستند. تردد در راه طهران بدون اختلال باقی مانده.

استرآباد

ظاهراً طایفه جعفریای ترکمان در چندی قبل به شاه تلگراف نمودند که طرفدار او هستند و اگر شاه فرماندهی برای آنها بفرستد ملیون را متفرق خواهند نمود. ملیون شخص حاجی رحیم خان نام را فرستادند که رؤسای ترکمان را جمع نموده و از آنها تقاضا بنماید که برای همراهی با مرام ملیون قسم یاد بنمایند. تراکمه او را بقتل رسانیده و اموال او را غارت نموده و پنجهزار حشم به غنیمت بردند. ملیون بالاخره نعش او را کشف نموده و با تجلیل و تشییع کاملی مدفون نمودند.

در ۲۷ مارس [۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۵ - ۱۳۲۷] قریب بیست نفر از ملیون وارد بندر جز [گز] شده و تلگرافخانه و گمرک را تصرف نمودند.

در ۲۸ مارس قریب سه هزار نفر مردم یا بیرق سرخ بیرون رفتند که ملیون را به شهر استرآباد ورود دهند و آنها را با فریادهای «زنده باد مشروطه» و «پست باد محمدعلی» داخل نمودند. اول آوریل [۱۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۰ - ۱۳۲۷] قریب بیست نفر از ملیون کارگزار را که مظنون به معیت قنصل روس در رفتن به اردوی ترکمان جعفریای که برای بهم زدن انجمن ولایتی آنها را متقاعد بنمایند بود دستگیر نمودند. پس از آن بواسطه مداخله قنصل روس کارگزار مستخلص شد. اخبار اخیره این است که ترکمانهایی که از طرف شاه کار می کنند شهر را محاصره نموده اند. جنگ در کار شروع شدن است و قنصل روس تقاضای اعزام قشون به استرآباد را نموده است.

مشهد

در ۷ آوریل [۱۸ فروردین؛ ۱۶ - ۱۳۲۷] بواسطه انداختن بمب در خانه پسر برادر ایالت جدید که موقتاً به ریاست قشون منصوب بود اغتشاش بروز نمود. پس از آن دسته ضدحکومت تلگرافخانه را تصرف نمودند ولی تعرضی نسبت به تلگرافچیان اروپایی ننمودند. برای حفظ ارگ توپها رسم شد و تمام سرباز از شهر برداشته شد در صورتی که بعضی از آنها خلع سلاح شده بودند. در هشتم هیجان مشددی منبسط گردید و آراء بر این تعلق گرفته بود که به ارگ یورش برده شود ولی صورت وقوع حاصل ننمود. انجمن ایالتی مجدداً تأسیس شد و تلگرافات مبنی بر اعلان تشکیل آن به تمام نقاط ایران مخابره گردید. [در] نهم نایب الحکومه را انجمن ایالتی دستگیر و توقیف نمود ولی بعد از دو روز پس از یاد نمودن قسم برای اتحاد با آن هیئت مستخلص شد. در بین يك هفته پس از آن تاریخ پول زیادی دریافت شد ولی این باعث منقسم شدن انجمن به پارتی های مختلف گردید و اعمال متحده را غیرممکن نمود. انجمن ایالتی مراسله به هردو قنصلگریها نوشت مبنی بر این خواهش که به اتباع خودشان اخطار بنمایند که داخل در این مخاصمه نشوند. به اضافه جازماً تصمیم شده بود که از هر دو قنصلگریها تقاضا بشود که از شهر خارج بشوند برای اینکه انجمن مطلق العنان بشود چونکه بواسطه قرب جوار خودشان به ارگ و ذخیره مسلماً با مجادله در حول و حوش خود مخالفت می نمودند و این بالذات باعث صلح و مسالمت می شد. ایالت جدید

از راه مشهد هنوز در نیشابور اقامت دارد.

ترتت حیدری

در اوایل مارس اعدالدوله از حکومت ترتت معزول شد. شب چهاردهم مارس [۲۳ اسفند؛ ۲۰ صفر] یاور اسدالله به سرکردگی دویست نفر بلوچی مکمل و مسلح وارد ترتت شده شهر را تصرف نمود و در دارالحکومه رحل اقامت انداخت. مشارالیه نایبالحکومه را که یکی از دشمنان قدیمش بود به قتل رسانید. شهر به حالت آرامی باقی ماند و سالارخان که سررشته امور را از طرف یاور در کف گرفته اعلان ذیل را توزیع نمود:

«ما مشروطه خواهیم و فقط صلح و آسایش عموم را طالبیم. به اتباع خارجه و سایرین اطلاع داده شد که جان و مال آنها محفوظ و محترم خواهد بود. به همه اخطار می شود که بعد از غروب آفتاب هیچکس نباید از خانه خود خارج بشود.»
يك مفتشی در پستخانه و تلگرافخانه دایر گردید ولی هیچ مداخله ای در مکتوبات انگلیس و روس نشد. مردم از این تغییر وضعی که حاصل شده ظاهراً کمال رضایت را دارند.

کرمان

در ۷ آوریل [۱۸ فروردین؛ ۱۶ع ۱] قنصل انگلیس تلگراف نمود که به استثنای راه مشهد سایر طرق به کرمان در دست سارقین است. پست پنج هفته را جلو بسته اند و نرخ ارزاق خیلی ترقی نموده. در سیزدهم، او تلگراف نمود که جماعت گرسنه در دكاكين خبازی ازدحام و هجوم می نمایند و نان کمیاب است و هیچ قوائی در شهر نیست. در شانزدهم او راپورت داد که حاجی نایب به کلانتری شهر برقرار شده و اقدامات مجدانه نموده و نتیجه آن اینکه وضع شهر بهتر است.

یزد

صمصام السلطنه بختیاری به نائین تلگراف نموده که از قرار مسموع شهر در حالت اغتشاش و بی نظمی است و به اهالی نصیحت نموده که سکون و آرامی اختیار نمایند والا ناچار خواهد بود برای اعاده نظم و تمشیت سوار بفرستد. در خاتمه تلگراف استعلام نموده است چه موقعی مقتضی است که سوار برای دریافت قسط اول مالیات سنه آتیه بیاید. هیچ جوابی در مقابل این تلگراف داده نشد.

در اواخر مارس اغلب روستاییان پارسی به قراء خود معاونت نموده بودند ولی هیچ اقدامی در استرداد اموال آنها بعمل نیامد و برعکس مذکور شد که دستجات کوچک مسلمانان هنوز مخفیانه از آنها پول می گیرند.

در وضع کلی دهات اطراف یزد هیچ بهبودی ظاهر نیست حرکت پست بی ترتیب شده هیچ جاده ای خالی از سارقین نیست. در راه نائین که بالنسبه تا يك مدتی امنیت

برقرار بود ناامنی عودت نموده. بالاخره برای اروپائیان مقیم یزد تهیه قراول شده ولی محل شبهه است که در صورت مرتب‌تر از دسته سابق نرسیدن حقوق [در صورتی که باین گروه مرتب‌تر از گذشته حقوق پرداخت نشود] بقای اینها بیش از دستجات سابق طولی خواهد کشید یا خیر.

کرمان

انقلاب شدیدی در ۲۷ مارس [۷ فروردین؛ ۵ ع ۱] واقع شد. در ۲۵ يك يهودی جوراب فروشی که تازه مسیحی شده بود پسر سیدی را که شاگرد او بود کتک زده. پسر به منزل خود رفته شام خورده براحته خوابیده ولی روز بعد چندین مرتبه ضعف نموده و پس از آن فوت شده. طبیب مریضخانه که جنب قنصلگری انگلیس ساکن است به عیادت آن طفل رفته و به برادر او گفته بود که به عقیده من فوت این پسر هیچ ربطی به کتک خوردن او ندارد. دو نفر طبیب ایرانی هم به عیادت او رفتند. برادر طفل شکایتی ننمود ولی جوراب‌فروش مزبور دستگیر شد و چند نفر سید که به شناخت عمل معروفند از تدفین جنازه جلوگیری نمودند برای اینکه آن را در شهر بگردانند و آتش غضب مردم را بر علیه یهودیان مشتعل بدارند. پیغامی که در باب احتمال غارت شدن محله یهودیان به قنصل انگلیس فرستاده شده بود متأسفانه به او نرسید. روز بعد يك نفر از سادات نزد حاکم رفته و به تهدید تولید بلوا تقاضای قتل سریع یهودی جدید العیسوی را نمود. سادات چندین نفر از علمای معروف را هم مجبور نمودند که با تقاضای آنها تقویت بنمایند. حاکم بواسطه خوف از وقوع بلوای مذهبی و به امید خاتمه دادن مسئله، بدون تحقیقات زیادتری امر به قتل آنی آن یهودی نمود. آن مرد بدبخت بی‌گناه مقتول گردید و فوراً شروع به غارت محله یهودیان شد. در صورتیکه به حکومت اخطار شد، هیچ اقدامی در جلوگیری از این چپاول که سربازهای خودش هم در آن شرکت داشتند ننمود. به هرجهت بعد از رسیدن پیغام کاپیتان هاورت و قنصل روس او قدرتی بروز داد و از وارد شدن آسیب و ضرری به مدرسه آلیانس اسرائیلی جلوگیری نمود. مختصراً هر چه در مهم‌ترین نقاط محله مزبور بود بکلی غارت شد، حتی در و پنجره‌ها را کنده و به یغما بردند. يك نفر از یهودیان تبعه انگلیس که بکلی خانه او غارت شده بود ولی مستحفظین کاپیتان هاورت بموقع به او رسیده و او و فامیلش را نجات داده به قنصلگری بردند. هیچ يك از یهودیان آنرا بقتل نرسیدند ولی بسیاری از آنها که مجروح شده بودند مردند. ضعف حکومت و فقدان قشون سبب این اغتشاش بود. سرباز و توپچی او در جزو غارتگران آشکارا مرئی بودند. وقتی که به قراولهای مریضخانه ما ایراد شده بود که چرا شرکت در غارت نموده‌اند جواب داده بودند که حسب الامر حکومت بوده. کاپیتان هاورت به وزیر مختار انگلیس تلگراف کرده و تقاضای عزل حاکم را نموده بود. بعد از این غارت علمای معروف از مخالف بودن با این امر مذاکره سخت می‌نمودند و کلیه مسئولیت آن را از عهده خود ساقط می‌نمودند و حکومت عمل پیدا نمودن اموال منهبوه و استرداد آنها به یهودیان را به مشارالیهم محول نمود. يك مقدار

قابلی از اموال مسترد شده. کاپیتان هاورت را پورت می‌دهد که از همدردی و مساعدت عملی که مسلمانان در تغذیه و ملبس نمودن یهودیان مشهود می‌دارند خیلی تعجب است. مشارالیه نیز اشعار می‌دارد که بعضی از مسلمانان حق حیات به‌گردن بسیاری از یهودیان دارند چون در بعضی مواقع به‌قوة قهریه سایر یهودیان را مجبور نمودند که آنها را به‌منزل خود آنها ببرند و مراقب آنها باشند. آشکارا اذعان دارند که یسهود جدید العیسوی بی‌گناه بوده و شاگرد او به‌مرگ طبیعی مرده است: ظهیرالملک حاکم شخصاً تصدیق دارد که شخص مقتول بی‌گناه بوده و می‌گوید برای جلوگیری از اغتشاش من او را به‌قتل رسانیدم.

در ۷ آوریل [۱۸ فروردین؛ ۱۶ ع ۱] شهرت یافت که حمله دیگری به یهودیان برده خواهد شد و این دفعه حمله به‌جان آنها خواهد بود نه به اموالشان. يك عده کثیری از یهودیان معتبر کرمانشاه بای‌اند و يك قطعه عکس باب که در جزو اموال فارتی دیده شده بود ظاهراً باعث خشم و تهییج بعضی از الواط بازار گردیده. تمام یهودیانی که تبعه عثمانی بودند در شهرداری عثمانی پناهنده شدند و یهودیان معتبر ایران در قنسولگری ما، کاپیتان هاورت و شهیندر عثمانی ضمانت‌نامه کتبی برای تأمین محله یهودیان از حاکم مأخوذه داشتند و در همان شب استعداد کاملی از سرباز و تفنگچی در آنجا به‌قراولی گماشته شد. هنگامی که کاپیتان هاورت برای ترتیبات حرکت مستحفظین به‌منزل‌هایشان با کارگزار مشغول مذاکره بود مجتهد اعلم مسلمانان پیغام فرستاده که او از آنها توجه خواهد نمود. چون آنها مایل بودند کاپیتان هاورت آنها را نزد معزى‌الیه فرستاد و او بتوسط مستحفظ آنها را سلامت به‌منزل‌هایشان رسانید.

در اوایل آوریل، مظنون شد که مجتهد عمده مسلمانان می‌خواهد الحاق کرمانشاه به جنبش ملی را اعلام بدارد ولی تا حال این اقدام اعمال نگردیده. در همدان جنبش ملی با ورود نایب‌الحکومه جدید باتفاق قشون تصادف نمود ولی محتمل است جنبش مزبور مجدداً شروع بشود.

داودخان، رئیس کلهر، با شیرخان، رئیس سابق سنجایی، عقد اتحادی بسته و برای منصوب نمودن او به‌مقام سابق موافقت کرده. علی‌الظاهر حبیب‌الله خان که فعلاً حاکم قصر شیرین است ناچار به‌تخلیه این مقام و ریاست ایل مزبور خواهد شد. چنانچه ملاحظه می‌شود داودخان عملاً حاکم قصر را بدون مراجعه به‌اراده حکومت مافوق معزول و منصوب می‌نماید و به‌مچنین امر می‌کند که کی باید رئیس سنجایی بشود.

شیراز

در عرض نیمه اول مارس [۱۵ - ۱ اسفند؛ ۲۷ محرم تا ۱۲ صفر] هیجان مشروطیت امتداد داشت و ایالت مسلک بی‌اقدامی استادانه خود را تعقیب نمود. در ۲۴ [۴ فروردین؛ ۲ ع ۱] يك مجمع مهمی تشکیل یافت و نصرالدوله و عطاءالدوله و وزیر

ایالت و نماینده‌های عدیده تمام طبقات در آن حضور داشتند. آغاز سخن نطق علم‌الهدا در تصویب اتحاد مشروطه بود. همه حضار مشروطیت را تحسین نمودند. متعاقب آن مذاکره بسیار شد و در طی آن رأی قطعی بر این‌علاقه گرفت که روز بعد حکومت شوروی در فارس تأسیس بشود و رسول نزد شیخ‌ذکریا [= زکریا] و سید عبدالحسین اعزام بشود که آنها را به سکون و آرامی متقاعد بنماید و بهمچنین نزد صولت‌الدوله فرستاده بشود که او نیز مشروطه را تأیید نماید. به‌اضافه تلگرافات مبنی به اعلان تجدید مشروطیت در شیراز به تمام نقاط ایران مخابره شود. اولین نتیجه این اجلاس رفتن معین‌الاسلام یکی از متمدن‌ترین اعضای دسته ملی‌صبح روز بعد بود به قنسولگری. مشارالیه از مستر بیل خواهش نمود که هرچه می‌گویم بنویسند و بیانات ذیل را نمود:

«چندی است که جنبش ملی در جریان است ولی بواسطه لزوم جلب موافقت قوامیه‌ها و غیره در تعقیب مذاکراتی که با آنها در میان بود به‌عمره تأخیر گذاشته شده بود. فعلاً تمام فرق در مقصود این جنبش متفقند و آن حقوق ملی است که مشروطه تعیین نموده و شاه برای آن قسم یاد نموده. اولیاء قوم همه «تجددخواه تندرو» بودند ولی سایرین به انضمام ایالت همه‌اکنون متحد شده‌اند.»

در طی اجلاسی که در روز ۲۴ [۴ فروردین؛ ۲ ع ۱] منعقد گردید قرار بر این شد پنجاه نفر انتخاب بشوند به انضمام اعضای انجمن ایالتی سابق که عصر روز ۲۶ در عمارتی که سابقاً برای انجمن ایالتی تعیین شده بود اجلاس بنمایند. جلسه مزبور را بایستی ایالت به اتفاق میرزا ابراهیم افتتاح بنمایند. غرض تمام فرق تکمیل روابط و داد ممالک خارجه است خصوصاً دولتین همجوار و بالاخصاص دولت انگلیس که مملکت پارلمانی است.

متأسفانه این پرگرام چندان پیشرفتی ننموده. پنجاه نفر اعضای چنانچه تصمیم شده بود اجلاس نمودند ولی نه در تحت ریاست ایالت. در ۲۴، ایالت تلگراف معذرت‌آمیزی به صدراعظم مخابره نمود مبنی بر اینکه اجلاسی از تمام اعیان شیراز منعقد گردیده و رأی قطعی داده‌اند که انجمن ایالتی تشکیل بشود و او چاره‌ای ندارد.

ظاهراً جواب مستقیمی به این تلگراف داده نشد ولی در ۲۶ تلگرافی از طرف صدراعظم به ایالت و قوام‌الملک و نصیرالملک و سایر اعیان مخابره گردیده و به آنها اطمینان داده شده که همه امورات اصلاح خواهد شد و قشون در صدد حرکت بطرف اصفهان است. حسب‌المقرر در ۲۵ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۰ انجمن در یکی از عمارات حکومتی در تحت ریاست وزیر ایالت منعقد گردید. در جلسات مزبوره ظاهراً مذاکرات بسیار بمیان آمده و بالاخره رأی قطعی از قرار ذیل علاقه گرفته:

(۱) نظامات داخلی. انجمن در هفته سه روز و هرروز سه ساعت منعقد بگردد. هیچیک از اعضاء کسی را همراه نیاورند و مذاکرات ساده و بدون القاب و عنوان باشد.

(۲) تلگرافات به تبریز و اصفهان و نجف مخابره شود.

(۳) رسول نزد سید عبدالحسین و شیخ ذکریا [= زکریا] و صولت الدوله اعزام یگردد. مقصود اینکه حالا که مرام ملی موفقیت حاصل نموده شیخ به لار معاودت نماید و صولت الدوله هم تعقیب بشود که استقرار نظم در راه بوشهر را از طریق کازرون یا از طریق فیروزآباد هر کدام را که خودش مرجع می‌داند عهده‌دار شود و از معزیه دعوت بشود که برای شور با هم مسلکان خود به شیراز بیاید.

(۴) راه اصفهان به نصرالدوله سپرده شود که به دست ایل خمسه تمشیت آن را عهده نماید.

(۵) تازمانی که با صولت الدوله قراری داده شود پنجاه نفر سوار برای قره‌سورانی راه بوشهر الی کازرون تعیین یگردد و مرکز آنها در خانه زینیان [خان‌زنیان] باشد.

(۶) عطاءالدوله اقدامات احتیاطی معمولی را در جلوگیری از بالا رفتن نرخ ارزاق بوسیله تنبیه نمودن اشخاصی که مأكولات را به خارج حمل نمایند بعمل بیاورد. اگر چه انتخاب کمیسیونها خیلی موضوع بحث بوده ولی هنوز انتخاب نشده.

آصف‌الدوله به انجمن رفته و نطق مفصلی نمود مبنی بر اینکه در تمام این مدت باطناً با آنها همراه بوده به همه جهت مهم‌ترین وقایع آنهایی که در خارج مجمع مشاوره واقع شده^{۳۱}.

ظاهراً با وجود اتحاد آشکار ناامیدانه بین شیرازیها بیش از هر وقت نفاق موجود است و همچو می‌نماید که يك خطر واقعی در پیش باشد که نتیجه عاقبتی این نفاقها این بشود که شیخ ذکریا [= زکریا] که از طرف مشروطه‌خواهان تندرو دعوت شده بدون مجادله به شیراز بیاید فقط به این جهت که در صورتی که همه از او منزجر و مرعوب هستند نمی‌توانند به حد کفایت به یکدیگر اعتماد نموده متحد بشوند و به قوه قهریه با او مقاومت نمایند.

در طی مراسله‌ای که مستر بیل در سوم آوریل [۱۴ فروردین؛ ۱۲ ع ۱] نوشته بود وضع شیراز را خیلی بد شرح داده بود. قدرت شاه مستهلك شده، گرچه موقتاً هم باشد، و به انجمن هم اعتمادی نیست. تمام کسانی که قنصل مزبور را ملاقات نموده‌اند سؤال کرده‌اند که عاقبت امر چه خواهد بود.

وضع طرق حقیقتاً خیلی بد است. هم در راه اصفهان هم در راه بوشهر اکثر پستها سرقت شده. در ۲۸ مارس [۸ فروردین؛ ۶ ع ۱] يك گاری پستی که مستر لینتن یکی از اجزاء انجمن دعوات مسیحی با آن مسافرت می‌نمود در حوالی ده‌بید سرقت شده. این سرقت اهمیت دارد چون حاکم بتوسط قنصل انگلیس تلگرافی به ده‌بید مخابره نموده و امر کرد يك عده کافی مستحفظ تهیه بشود و اقل سه دسته استعداد که فرستاده شده بودند در باب سرقت وکیل کمپانی زیگلر تحقیقات نمایند در جاده حاضر بودند برای اینکه بخوبی می‌توان گفت که زوال قوای مأمورین محلی نمایش داده بشود تمام جاده حتی تا خود اصفهان ظاهراً در دست دستجات غارتگران

ایلیاتی است که یا به قوافل حمله می‌برند یا قرام حوالی جاده را می‌چاپند. در يك مورد به يك قافله زوار حمله برده شد ولی چون عده زوار كثير و مسلح بودند توانستند حمله را جواب داده و دو نفر از مهاجمين را مقتول بنمایند.

امضا ث. ب. استکس ماژور اتاشه میلپتر

نمره - ۲۸۴

مکتوب سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

بعد از شرحی که به تاریخ ۲۴ شهر ماضی [۴ فروردین؛ ۲ ع ۱] معروض داشته‌ام در عرض این ماه راپورتهای تلگرافی عدیده‌ای واصله از جنرال قنسل انگلیس مقیم بوشهر را در باب پروژات وضع آن شهر از اثر اقدامات بعضی از ملیون و خصوصاً سید مرتضی اهرمی که سر رشته اختیار حکومت آنجا را در دست گرفته خدمت جنابعالی تبلیغ نموده‌ام.

در حقیقت وضعیت و رفتار سیدمرتضی مؤسس این جنبش بوده. واضح است که بدون پیشقدمی او و استعداد معتنا به تفنگچی که او توانسته تهیه بنماید برای دسته ملیون امکان نداشت که بتوانند به این سهولت به قوای شاه فائق بیایند گرچه در ابتدا سید مزبور با تهور بسیار اتحاد خود با مقصود ملیون را مشهود داشت ولی متزایداً مکشوف گردیده که کلیتاً اقدام او بیشتر به خیال نفع شخصی بوده نه از راه بی‌غرضی و عدم انتفاع. استعدادی که او داخل شهر نمود مرکب از ایلیاتیان ساکن در همان حوالی بودند که خود سید هم اهل همان‌جا است و اشکالی که در دوره استیلای سید بوقوع پیوسته یکلی مربوط به شرارت آنها بوده. چپو نمودن این اشخاص قسمتی از بازار را در ۷ شهر حال [۱۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۶ ع ۱ ۱۳۲۷] و خطرات مهمه ناشی از تجاوزات دیگر آنها باعث لزوم پیاده نمودن قشون از کشتی جنگی اعلیحضرتی موسوم به «فاکس» که تازگی به بوشهر اعزام شده بود گردید.

نظم عمومی بخوبی مستقر گردید ولی امتداد حضور تفنگچیان که سید از اخراج آنها امتناع دارد اهالی را به حالت مرعوبیت دائمی نگاهداشته. فعلاً ملیون در طره نمودن سید متفق العقیده هستند ولی آنها نمی‌توانند او را از شهر تبعید بنمایند چون میل دارند بدون تقویت دیگری این امر را اعمال بدارند. در خصوص عایدات گمرک سید پس از موافقت به این قرار داد که بعد از وضع يك مبلغ معینی برای مصارف جاریه ملیون بقیه نزد سه نفر تجار ایرانی به رسم امانت سپرده شود در سلب تدین این سه نفر موفق شده و تمام مبلغی که امانت بود متصرف شد. به همه جهت او بیست هزار تومان از پول گمرک را دریافت داشته است.

ترتیب کنونی این است که تا زمانی که يك قرارداد رضایت بخش کاملی با اولیای ملیون مسؤلی داده نشده عایدات باید در گمرکخانه در تصرف مأمورین پلیژیکی بماند و من به ماژور کاکس اختیار داده ام که سربازان بحری را در گمرک بگمارد برای اینکه اگر باز سید مزبور بخواهد عایدات را اخذ بنماید ممانعت بنمایند.

امضا ج. بارکلی

نمره - ۲۸۵

مکتوب سر چارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

آقا

امروز صبح من و همکار روسیم باتفاق ترجمانهای خودمان به حضور اعلیحضرت شاه بار یافتیم و من شرح بیان نامه ای را که سواد آن را مفتخرأ در جوف تقدیم می دارم برای آن اعلیحضرت قرائت نمودم.

اعلیحضرت معظم که با کمال دقت ترجمه آن را که مستر چرچیل شرح می داد اصغاء می فرمودند و حتی يك عبارتی را که بدواً درست ملتفت نشدند تقاضای تجدید بیان آن را نمودند از قرار ذیل جواب دادند:

«واضح است که دولتین انگلیس و روس نظر به اینکه دول هم جوار و کامل الودادی هستند در ترقی ایران دقایق عمیق دارند لهذا اظهاراتی را که الحال به من نموده اند من با کمال مسرت دریافت نموده و پس از مشورت در این موضوع بتوسط وزیر امور خارجه جواب خواهم داد.»

من استفسار نمودم چه وقت ما باید منتظر وصول جواب از طرف آن اعلیحضرت باشیم و شاه جواب دادند که خیلی زود جواب داده خواهد شد. پس از آن ما مرخصی حاصل نمودیم.

امضا ج. بارکلی

ملفوفه در نمره ۲۸۵

مراسله ای که ترجمه آن برای اعلیحضرت شاه ایران قرائت شده

قریب چهار ماه است که نمایندگان دولت اعلیحضرتی انگلیس و دولت اعلیحضرت امپراطوری متفقاً به اعلیحضرت شاه صلاح اندیشی نمودند که مواعیدی را که مکرر به ملت خود و نمایندگان دولتین برای تجدید تأسیس حکومت شوروی در ایران داده اند ایفاء بنمایند.

بدبختانه برای خود آن اعلیحضرت و مملکت مفلوکش و نیز متأسفانه برای منافع دولتین انگلیس و روس، اعلیحضرت شاه در نقض این مواعید و در پیروی تعلیمات

مشاورین مرتجع و مخالفت با صلاح‌اندیشیهایی معقول دولتین همجوار کامل‌الوداد اصرار نموده‌اند و نتیجه اینکه اوضاع از بد به بدتر تمایل بسته و فعلاً مشکل است که به کدام نقطهٔ مملکت می‌توان اشاره نمود بجز پایتخت که در اینجا هم حکومت مرکزی چندان قدرتی ندارد. نه فقط تمام شهرهای عمده برعلیه [= علیه] اساس مرتجع حاضره کوس یاغیگری می‌زنند بلکه وضع هرج و مرج عمومی به حدی متسع شده که تقریباً چارناپذیر است و این وضع امور آنها [تنها] برای آن اعلیحضرت و ملتش وخیم نیست بلکه متضمن ضررهای بسیار برای اتباع دولتین همجوار است. هرگاه اعلیحضرت شاه صلاح‌اندیشی دوستانهٔ دولتین همجوار را چهارماه قبل تعقیب نموده بودید وضع ایران یکلی برخلاف این ترتیب امور رقت‌انگیز امروزه که اسباب طعن و تمثیل بین ملل متمدنه عالم شده می‌بود. اگر اعلیحضرت شاه چهار ماه قبل به تعهدات خود ایفاء نموده بودند بلافاصله اصلاحی بین آن اعلیحضرت و ملتش ظاهر می‌گردید و نمی‌توان دلیلی برای تردید در این مسئله داشت که بفاصلهٔ قلیل مدتی مجاهدات متحدهٔ آن اعلیحضرت و حکومت شوروی ترقی شایانی در وضع کلی مملکت ایجاد می‌نمود. قصور ممتدهٔ اعلیحضرت در ایفاء تعهدات خودشان باعث تولید يك وضعی شده که اعادهٔ نظم و تمشیت یکی از امورات بسیار مشکل خواهد بود. با وجود این نمایندگان دولتین را عقیده براین است که دلیلی برای قرین یأس و حرمان شدن نیست در صورتی که آن اعلیحضرت بدون فوت وقت این روش حکومت رقت‌انگیز حاضره را که از زمان انهدام مجلس در تابستان ماضی اعلیحضرت برحسب صلاح‌اندیشی اشخاصی که دشمنی و معاندت با مملکت خود را به ثبوت رسانیده‌اند تعقیب فرموده‌اند ترك نمایند. ولی اگر آن اعلیحضرت ایفاء به مواعید خود را بیش از این به عهده تأخیر بیندازند آنوقت حقیقتاً امیدی باقی نخواهد ماند که اعلیحضرت بتوانند به مرتفع داشتن هرج و مرج متزایده نائل بگردند.

نظر به یقین داشتن در این مسئله است که دولتین همجوار که فقط آمال آنها این است که ایران از این بحران رقت‌انگیز کنونی نجات یافته و ملتی شود با سعادت و نیک بختی و استقلال تام و دارای حکومت صحیحی بعد از اعماق نظر دقیقانه در این اوضاع و بروزارت آتیه به نمایندگان خود تعلیمات داده‌اند که متفقاً به حضور اعلیحضرت شرفیابی حاصل نموده و از قرار ذیل به آن اعلیحضرت توصیه بنمایند. در ضمن معروض داشتن اظهارات ذیل نمایندگان از دول متبوعهٔ خود دستور دارند که به آن اعلیحضرت اظهار قطعی بدارند که اگر اعلیحضرت تمام جزئیات پرگرامی را که دولتین الحال توصیه می‌نمایند قبول نکنند دولتین از صلاح‌اندیشی احتراز نموده و اعلیحضرت را به حال خود خواهند گذارد و اعلیحضرت شاه دیگر نمی‌توانند متکی به تقویت آنها بوده و انتظار مساعدتی از طرف دولتین یا نماینده‌های آنها داشته باشند.

مادهٔ اول: مشیرالسلطنه و امیربهادر جنگ از مقام خود منفصل بشوند. امیر بهادر جنگ نه فقط باید از عضویت کابینه منفصل بشود بلکه از هر سمت دیگری هم که در دربار دارد.

ماده دوم: اعلیحضرت بعد از اجرای اصلاحات ذیل يك حكومت شوروی تأسیس نمایند.
ماده سوم: تشکیل کابینه‌ای که مرکب از اشخاص لایق معتمد باشد و بدون تأخیر
اضافه شدن اشخاص متمدن از فرق مختلف به مجلس شورای مملکتی. مجلس شورای
مملکتی قانون انتخابات جدیدی طرح و تهیه نمایند. اگر اعلیحضرت شاه اشخاصی برای
کابینه و مجلس شورای مملکتی انتخاب نمایند که محل اعتماد نباشند هیچ پولی به
دولت ایران قرض داده نخواهد شد.

ماده چهارم: عفو عمومی فوراً اعلان و منتشر بگردد که شامل حال تمام اشخاصی
باشد که بر علیه شاه تحت سلاح رفته‌اند و مرتکب ترمد و تقصیر پلتیکی شده‌اند لیکن
به استثنای کسانی که بصد قانون عمومی اقدام نموده و مرتکب خلاف و جنایات شده
باشند. در باب اشخاصی که اخیراً ذکر شد و کسانی که اقدام به غارت و چپاول کرده‌اند
دولت ایران باید تأمینات بدهند که آنها را در محکمه بیطرفی تحت محاکمه بیاورند.

ماده پنجم: فوراً موعدهی برای انتخابات و انعقاد مجلس شورا معین بشود. این موعده
های معینه بدون تعویق به تمام مملکت اعلان بگردد.

ماده ششم: بمحض اینکه اعلیحضرت شاه اقدامات مذکوره در مواد ۱ الی ۵ را بعمل
آوردند دولت روس اگر لازم بدانند بجهت مصارف فوری که برای اجرای اصلاحات
لازم خواهد بود مبلغ یکصد هزار لیره به دولت ایران قرض خواهند داد. دولت انگلیس
هم اگر لازم بدانند همینکه مجلس منتخبه این استقراض را تصویب نمودند يك همچه
مبلغی به دولت ایران قرض خواهند داد. اگر من بعد لازم دیده شد که وسایل تسهیل
يك استقراض بزرگتری برای ایران فراهم شود این فقط موکول به تأمینات مخصوصی
است که بعداً موضوع بحث و تبادل نظریات بین دولتین و دولت ایران بگردد.

کابینه لندن و کابینه سن پترزبورغ برای میل صمیمی که به تقویت دولت ایران
در موقعی که از بحران بسیار وخیمی می‌گذرد دارند موافقت نموده‌اند که این پرگرام
متضمن صلاح‌اندیشی دوستانه را به اعلیحضرت شاه پیشنهاد نمایند و دولتین را
عقیده بر این است که تنها وسیله نجات ایران از وضع تقریباً چاره‌ناپذیر کنونی
اجرای پرگرام مزبور است.

نمره - ۲۸۶

تلگراف سراداردگری به سرچارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۰ مه ۱۹۰۹

[۲۰ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۱۹ ع ۱۳۲۷]

اعظهارات انگلیس و روس به شاه

رجوع به تلگراف هفتم شهر جاری شما

اگر حالا ملیون به تمکین با تانی شاه اقتناع نمی‌شوند ما نمی‌توانیم بهیچوجه مسئول

باشیم.

درهمچه صورتی روش شما باید قطعاً بی طرفانه باشد و از هر اقدامی که به مداخله تعبیر بشود باید احتراز بجوئید.

نمره - ۲۸۷

تلگراف سرچارچ بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۱۰ مه ۱۹۰۹

[۱۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۹ ع ۲ - ۱۳۲۷]

شاه امروز دستخطی صادر کرده و امر نموده است که «بموجب قانون اساسی (مشروطه) بدون هیچ تغییر و تبدیلی، يك عده اشخاص عالم مشروطه خواه که محل وثوق دولت و ملت باشند به مجلس شورای مملکتی ملحق بشوند و فوراً قانون انتخاباتی طرح و مسوده بنمایند. انتخابات بلافاصله بعد از خاتمه پذیرفتن این قانون که بدون تأخیر طرح و وضع خواهد شد شروع می شود. وقتی که دو ثلث از مبعوثین برای انعقاد حاضر بشوند مجلس شورای ملی در همان محل سابقه افتتاح خواهد شد.

شاه اراده طریق ما را اختیار نموده و ما تصور می کنیم تا حدی که مقتضیات اجازه می دهد کابینه رضایت بخش است. تا زمان رجعت ناصرالملک سعدالدوله مقام ریاست وزراء را اشغال خواهد نمود.

عفو عمومی مقصرین پلیکی به انضمام احضاریه تبعید شدگان در تحت دستخط علیحده ای اعلام گردید. ما به قنصلهای خودمان که در مراکز مختلفه طغیان و شورشند تعلیمات داده ایم که به ملیون خاطر نشان بنمایند که حالا وظیفه آنهاست که حتی القوه سعی بکنند که صلح و آشتی بین شاه و طبقه عامه ایجاد بشود.

حسب الامر بندگان حضرت مستطاب اشرف آقای حاج علیقلی خان
سردار اسعد دامت شوکته العالی به سعی و اهتمام اقل بندگان
جواد سامانی ملقب به معتمد همایون طبع و نشرش
انجام یافت.

فهرستها*

در این فهرستها از ذکر نام نویسندگان و مخاطبان و شهرهای مبدأ و مقصد نامه‌ها و تلگرافها خودداری کرده‌ایم.

فهرست نام‌های کسان

یادآوری

در این فهرست، چنانکه خواهید دید گاه نام‌های همانند یا نزدیک بهم دیده میشود که دو پهلوی است یعنی هم میشود همه آنها را نامهای گوناگون يك كس پنداشت و با هم فهرست کرد و هم جا دارد که جداگانه در فهرست گنجایده شود (مانند سیدحسین لاری، سید عبدالحسین لاری، سید عبدالحسین، سید عبدالحسین لاری...). برای آنکه خوانندگان دچار سرگشتگی نشوند و خودمان نیز از خطا برکنار بمانیم هر نام را به همان گونه که در کتاب آمده بود جداگانه در فهرست جای دادیم و بررسی درباره چگونگی آنها را به خود خوانندگان وا گذاشتیم. امیدواریم در این باره بدگمانی پیش نیاید.

۳۸۹ اقبال السلطنه	۵۳۵، ۴۳۱ آصف الدوله
۳۶۱، ۳۳۸ الکسیس (گرانديك)	۵۲۳، ۳۶۹ آقاجفی
۴۸۲ امامقلی میرزا	۴۷۱ آقانورالله
۳۴۶ امام جمعه	
۴۶۹، ۴۰۱، ۳۸۰، ۳۴۶ امیر بهادر	۳۸۷ اجلال الملك
۵۳۸، ۵۰۲، ۴۷۵، ۴۱۲، ۴۱۲ امیر بهادر جنگ	۴۱۹، ۴۰۶ استراگراوسکی
۵۲۱، ۵۰۶ امیر جنگ	۴۷۲ استوکس (ماژور)
۴۶۹ امیر مکرم	۵۳۱ اسدالله (یاور)
۴۷۱ انتظام الملك	۵۲۹ اعتمادالذاکرین
۳۶۱، ۳۵۸-۳۵۶، ۳۳۸، ۳۳۶ ایسولسکی	۵۳۱ اعدالدوله
۴۰۱، ۳۹۹، ۳۹۵-۳۹۳، ۳۹۱، ۳۷۹، ۳۶۷	۴۲۶ اعزازالمالك
۴۲۰، ۴۲۳، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۲۸	۴۰۸-۴۰۶ اقبال الدوله ۳۶۳

۴۵۰، ۴۷۴، ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۱	رایینو ۳۵۲، ۴۲۵
۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹	راتیسلا ۳۵۱، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۶، ۳۸۸
۵۱۱، ۵۱۳	۳۹۰، ۴۰۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۱۹
	۴۲۲-۴۲۴، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۴۲، ۴۴۶، ۴۵۳
باراناوسکی (باراناوسکی، بارناوسکی - بارن-اوسکی) ۳۵۴-۳۵۶، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۷۸	۴۵۵، ۴۶۲، ۴۸۱، ۴۸۸، ۵۰۴، ۵۲۵
۵۲۶، ۵۲۹	۵۲۶
بارکر ۴۳۳	رحیم خان ۳۷۱، ۴۳۴، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۶۲
بارکلی ۳۳۶، ۳۵۰، ۳۹۱، ۴۱۶، ۴۵۶، ۴۵۷	۴۸۲، ۴۹۹
۴۶۲، ۴۷۳، ۴۹۸، ۵۱۲	رکن الدوله ۴۶۷
باقرخان ۳۸۷، ۴۶۴، ۴۸۹، ۴۹۳	سابلین (سبیلین) ۳۳۶، ۳۴۴، ۳۶۰، ۳۶۱
بلک من ۳۸۴	۳۶۴، ۳۷۶، ۴۰۳، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۱
بلوچ ۴۶۸	۴۲۳، ۴۳۵، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۵۳
بنکن دورف (کنت) ۳۹۳، ۵۰۹	۴۷۳، ۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۸، ۵۲۷، ۵۲۹
بهادر السلطنه ۳۸۸	سالار اشرف ۴۳۰
بیزو ۳۵۸، ۳۷۶، ۳۹۴، ۳۹۹، ۴۰۵، ۴۱۹	سالارخان ۵۳۱
۴۵۷، ۴۵۸	سالار السلطان ۳۸۵
بیگلریگی (نصرالدوله) ۳۸۳، ۳۸۵، ۴۶۸	سامانی (جواد) ۵۴۰
بیل ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۳۱، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۳۴	سایکس (مازور) ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۶۷، ۴۶۸
۵۳۵	سپیدار ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۵، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱
	۵۲۱، ۵۲۹
ترور (کاپیتان) ۴۶۶	سپیدار اعظم ۴۱۳
	سپیدسالار ۴۲۸، ۴۶۹، ۵۰۹
ثقة الاسلام ۴۸۸	ستارخان ۳۶۱، ۳۸۷، ۳۹۱، ۴۰۹، ۴۴۶
	۴۶۲-۴۶۴، ۴۸۹، ۴۹۳، ۴۹۶-۴۹۸، ۵۱۵
جلال الدوله ۳۸۰	۵۱۶
چاریکوف (چریکف) ۵۱۵	سردار اسعد ۴۳۳، ۴۵۱، ۵۱۸، ۵۲۳، ۵۴۰
چرچیل ۳۴۱، ۳۴۶، ۳۵۴، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۷۸	سردار افخم ۴۲۵، ۴۲۶
۴۵۹، ۵۲۶	سردار امجد ۳۵۲، ۴۱۳
	سردار ظفر ۳۶۵، ۴۱۳ (سالار ارفع ۳۸۳)
	سردار فیروز ۳۸۶، ۴۳۱
	سردار معتضد ۴۱۳، ۴۲۹
حاجی رحیم خان ۵۳۰	سردار معتمد ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰
حاجی نایب ۵۳۱	سردار منصور ۳۸۰، ۴۲۶، ۴۶۰
حبیب الله خان ۵۳۳	سردار نصرت ۵۲۸
	سردار همایون ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰
خاص آقا ۴۲۶	سعدالدوله ۳۴۴، ۳۶۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۹۱
خسروخان ۴۷۱	۳۹۷، ۳۹۹، ۴۱۲، ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۴۱
	۴۵۶، ۴۵۷، ۴۷۳، ۴۸۲، ۵۱۷، ۵۱۹
داودخان ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۱۰، ۵۳۳	۵۲۱، ۵۲۳، ۵۴۰
دریابیگی ۴۷۲	

- سلطانعلی‌خان وزیر دربار ۴۱۲، ۴۲۸
 سلیم‌خان بهادر السلطنه ۳۸۸
 سپاه السلطنه ۵۲۳
 سید ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۶۷، ۴۷۸، ۴۷۹
 سید حسین لاری ۴۱۰
 سید عبدالحسین ۵۳۴
 سید عبدالحسین لاری ۳۵۳، ۴۳۱
 سید لاری ۳۸۵، ۴۳۱، ۴۶۵، ۴۷۱
 سید مرتضی ۴۴۴، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۷۷، ۴۷۸
 سید مرتضی اهری ۴۴۱، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۷۷، ۴۷۸
 شاه عبدالعظیم ۵۲۹ - شاهزاده عبدالعظیم ۴۲۹، ۴۷۳ - حضرت عبدالعظیم ۴۴۱، ۴۴۲
 شاهزاده فرمانفرما ۳۶۹، ۳۷۰، ۴۵۳
 شاهزاده نایب السلطنه ۳۴۶
 شجاع نظام ۳۸۹
 شعاع السلطنه ۴۱۷، ۴۲۱، ۴۶۰
 شکسپیر (کاپیتان) ۴۶۵
 شیخ زکریا ۵۳۴، ۵۳۵
 شیخ فضل‌الله ۳۴۶، ۴۱۲، ۴۲۹
 شیرخان ۵۳۳
 صاحب اختیار ۴۷۰
 صدرالدین بیگ ۳۷۸، ۴۴۲
 صدرالعلماء ۳۸۴
 صمدخان ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۸۲، ۴۹۳، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۱۴
 صمصام ۴۳۲
 صمصام‌خان ۳۵۱
 صمصام السلطنه ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۶-۳۷۰، ۳۸۳، ۳۹۳، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۳۲، ۴۵۳، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۱-
 ۵۲۴، ۵۳۱
 صمصام‌الملک ۳۸۴
 صمصام‌المالک ۳۵۳
 صنیع الدوله ۳۸۰، ۵۲۹
 صولت الدوله ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۲، ۴۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵
 ضرغام السلطنه ۳۶۳، ۴۰۶، ۴۰۷
 ظل السلطان ۳۸۰
 ظهیرالملک ۵۳۳
 عباسقلی‌خان ۴۴۶
 عبدالرحیم (حاجی) ۳۸، ۳۸۳
 عدل الدوله ۴۳۰
 عطاء الدوله ۳۸۵، ۵۳۳، ۵۳۵
 علاء الدوله ۳۸۰
 علاء السلطنه (محمد علی) ۳۳۸، ۳۴۳، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۷۲، ۴۱۲
 علاء‌الملک (محمودخان) ۳۶۱، ۳۶۲
 علم الهدی ۵۳۳
 علیقلی‌خان (حاج) ۵۴۰
 عمید السلطان ۴۶۰
 فرانکلین (کاپیتان) ۳۸۱، ۳۸۲
 فرمانفرما ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۶۹، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۲۹ - شاهزاده فرمانفرما ۴۳۲
 قوام ۴۳۱، ۴۷۱
 قوام الدوله ۴۲۸
 قوام‌الملک ۴۳۱، ۵۳۴
 کاکس (مازور) ۴۵۱، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۸، ۵۳۶
 کریم‌خان ۴۲۶، ۴۶۰
 گاردنر ۴۲۵، ۴۲۶
 گرهیم (گراهام) ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۹۲، ۴۰۶-۴۰۸، ۴۳۲، ۵۲۴
 لمن ۳۸۴
 لیتن ۵۳۵
 مارلینگ ۳۹۶
 محتشم السلطنه ۳۹۰
 محمدتقی‌خان ۳۸۴
 محمدعلی ۴۱۰، ۴۱۱، ۵۳۰
 محمدعلی شاه (قاجار) ۳۴۸، ۳۷۵، ۳۷۹، ۴۷۶

مخبر الدوله ۴۱۲، ۴۲۸	میلر ۵۲۷
مخبر السلطنه ۴۸۲	
مدبر الملک (میرزا علی خان) ۳۳۴	ناصر الملک ۳۹۷، ۴۳۹، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۴۰، ۵۴۲
مستشار الدوله ۳۸۱	ناظم ۴۷۰
مستشار دفتر ۴۲۶	نایب السلطنه ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۱
مشیر الدوله ۴۱۲	نصر الدوله ۴۶۸، ۴۷۱، ۵۳۳، ۵۳۵
مشیر السلطنه ۴۱۲، ۴۲۸، ۵۳۸	نعمیر الملک ۵۳۴
مشیر الممالک ۳۸۴	نظام الملک ۴۱۲، ۴۲۸
مظفر الدوله ۳۸۹	نوز ۳۹۶
معمد هما یون ۵۴۰	نیر الدوله ۴۶۷
معدل الممالک ۴۰۶	نیکلسن ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۴۸، ۴۹۵، ۴۹۸
معز السلطان ۴۲۶، ۴۶۰	
معین الاسلام ۵۳۴	هارت ویک ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۵۶
مفاخر الملک ۴۲۸، ۴۷۳	هاردینگ (سر) ۳۹۳، ۵۱۹، ۵۲۲
ملت (مستر) ۴۸۰	هاوړت - هاوارت (کاپیتان) ۴۳۱، ۴۴۶، ۴۷۰، ۵۳۲، ۵۳۳
منتظم الدوله ۴۰۷	
مؤتمن الملک ۴۱۲	
مهندس الممالک ۴۱۲، ۴۲۸	یکلوسکی ۴۸۰
میرینج ۴۶۶، ۴۶۷	
میرزا ابراهیم ۵۳۴	

فہرست نام جایہا

آبادہ ۴۷۱، ۴۷۲	۴۴۹، ۴۶۹، ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۲۹
آذربایجان ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۶۰، ۳۶۱	۵۳۰
۳۶۴، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۶، ۳۸۹	اسرائیل ۵۳۲
۳۹۰، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۱۰	اسلامبول ۴۸۷
۴۱۵، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۳۱، ۴۳۵	اصفہان ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۰، ۳۶۳-۳۷۰، ۳۸۳
۴۴۹، ۴۸۶	۳۸۴، ۳۹۱-۳۹۳، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۰۶
آستارا ۴۸۷	۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۲۲
آلیانس ۵۳۲	۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۸، ۴۵۱، ۴۷۱، ۴۷۲
	۴۷۹، ۴۸۰، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۳
ابرکو ۴۷۱	۵۲۴، ۵۳۴، ۵۳۵
اتریش ۳۵۸، ۳۵۹	الوار ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۳۳
ارس ۴۲۲	امیرآباد ۴۷۱
ارگ ۳۸۲، ۳۸۷، ۵۳۰	آنزلی ۳۵۲، ۴۱۳، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۴۹
اروپا ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۷۰، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۹۸	۴۶۱، ۴۸۰
۴۰۵، ۴۱۷، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۴۲، ۴۵۹، ۵۳۱	انگلیس ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۸، ۳۵۳-۳۵۶، ۳۵۸
ارومیه (ارومیه) ۳۵۱، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۳۳، ۴۴۸	۳۶۰-۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۵
۵۲۸	۳۸۱-۳۸۴، ۳۸۶، ۳۹۱-۳۹۳، ۳۹۵-۴۰۳
استرآباد ۳۴۲، ۳۵۲، ۳۸۳، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۴۸	۴۰۵-۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۱۸

۳۹۱، ۴۰۱-۳۹۹، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۹-
 ۴۱۱، ۴۱۵-۴۱۳، ۴۱۷-۴۱۹، ۴۲۲،
 ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۹،
 ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۶-۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۳،
 ۴۵۷-۴۶۱، ۴۶۴-۴۶۹، ۴۷۹-۴۸۵، ۴۸۷،
 ۵۰۲-۵۰۴، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۲۲، ۵۲۴-۵۲۸،
 ۵۳۴

تربت حیدری ۴۶۸، ۵۳۱ - تربت ۴۶۹، ۵۳۱
 تفت ۳۵۳، ۴۳۰، ۴۳۱

تکیه دولت ۴۲۹

تنگستان ۴۴۱، ۴۷۸

تهران ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۵۳، ۳۵۸، ۳۶۸،
 ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۳، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۹،
 ۳۹۲، ۳۹۸، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۱۰،
 ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۲۵-۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۵، ۴۳۹،
 ۴۴۲، ۴۴۷، ۴۵۱، ۴۵۶، ۴۵۹، ۴۶۱،
 ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۳-۴۷۷، ۴۸۰، ۴۸۴، ۴۸۷،
 ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۹،
 ۵۲۱-۵۲۴، ۵۲۹

جلفا ۳۳۷، ۳۷۰، ۳۸۷، ۳۹۰، ۳۹۱، ۴۰۴،
 ۴۰۹، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۱-۴۲۴، ۴۳۳-۴۳۶،
 ۴۴۰، ۴۴۲-۴۶۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۴، ۴۹۵،
 ۴۹۸-۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۲

حکم آباد ۴۶۲

خان زنیان ۵۳۵

خراسان ۳۵۲، ۴۶۷

خطیب ۴۶۲-۴۶۴، ۵۰۰، ۵۰۲

خلیج ۴۳۸، ۴۷۲

خلیج فارس ۳۸۶، ۴۱۴، ۴۳۱، ۴۶۴، ۴۷۲

خوی ۳۷۰، ۳۸۸

خیابان ۴۶۲، ۴۶۳

درخلیل (درخلیل) ۴۴۹

دشتی ۴۷۸

دولت آباد ۴۱۳

دهبید ۵۲۴، ۵۳۵

دیلمقان ۳۵۱

۴۲۰-۴۲۳، ۴۲۹-۴۳۳، ۴۳۵-۴۵۷، ۴۶۰،
 ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۱-۴۷۳، ۴۷۵،
 ۴۷۶، ۴۷۸-۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۵، ۴۸۷-۴۹۰،
 ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۵-۵۰۰، ۵۰۳-۵۰۷، ۵۱۰،
 ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۲،
 ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۱، ۵۳۲،
 ۵۳۴-۵۳۷، ۵۳۹

اهونی ۴۶۲

بابعالی ۴۷۰

باسمج ۳۵۱، ۳۸۶ - باسمنج ۳۸۸، ۳۹۰، ۴۱۹،
 ۴۲۳، ۴۳۴، ۴۵۳، ۴۶۱-۴۶۴، ۴۸۰، ۴۸۲،
 ۴۸۶، ۴۸۸، ۴۹۷، ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۰۸،
 ۵۰۹، ۵۱۳، ۵۲۵، ۵۲۶

باغشاه ۳۳۸-۳۴۱، ۳۴۵، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۸۰،
 ۳۸۱، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۶۱، ۵۰۲

باغ مدیریه ۴۲۴ - مدیریه ۴۶۰

بافت ۴۷۰

یافق ۳۵۲

باکو ۴۲۱، ۴۲۳ - بادکوبه ۴۶۱

بحر خزر ۴۱۰

بروجرد ۴۶۸

بزچلو ۳۵۳

بلزیک ۴۶۵، ۴۷۷، ۵۳۶

بناب ۳۵۱، ۳۹۰

بندرگز (جز) ۵۳۰

بندرعباس ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۳۶-۴۳۸، ۴۴۰، ۴۶۴،
 ۴۶۶-۴۶۹

بوشهر ۳۵۳، ۳۸۶، ۴۰۰، ۴۱۴، ۴۳۱، ۴۳۶-
 ۴۳۹، ۴۴۱، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۵۱-
 ۴۵۴، ۴۶۴-۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۶، ۴۷۸،
 ۴۷۹، ۵۰۵، ۵۳۴-۵۳۶

پاریس ۳۵۲، ۳۹۹، ۴۳۹

پشت کوه ۳۸۴

پل آجی ۳۹۰، ۵۱۶

تبریز ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۵۱، ۳۵۵،
 ۳۶۶، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۵،
 ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۰

قم ۴۱۰، ۴۳۰، ۴۳۲، ۵۲۳	رامهرمز ۴۷۲
کازرون ۴۱۴، ۵۳۴، ۵۳۵	رشت ۳۵۲، ۳۸۱، ۴۰۳، ۴۱۳، ۴۱۵-۴۱۷، ۴۵۹، ۴۴۸، ۴۴۰، ۴۳۱، ۴۲۹، ۴۲۶-۴۲۱
کاشان ۴۵۱، ۴۵۳، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۳	۴۶۱-۴۶۹، ۴۷۴، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۲۰
کاشغر ۴۶۹	۵۲۹، ۵۲۲
کربلا ۳۵۲، ۳۸۱، ۴۱۳، ۴۳۱، ۴۶۸	رفسنجان ۴۱۳
کرمان ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۱۳، ۴۳۰، ۴۷۰، ۴۷۱	روسیه ۳۸۹، ۴۳۵
۴۷۸، ۵۳۱، ۵۳۲	زرگون (زرقان) ۴۷۲
کرمانشاه ۳۵۳، ۳۶۷، ۳۸۴، ۴۰۰، ۴۰۹	زنجان ۴۶۴
۴۱۰، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۴۶، ۴۶۸، ۴۷۰	
۵۳۳	سرپل ۳۵۳
کرند ۵۲۲	سردرود ۳۶۸، ۴۳۴، ۴۶۲
کمره ۳۵۳	سرسنگ ۳۸۲، ۳۸۳
کبکیلویه ۴۸۰	سلماس ۳۵۱، ۳۷۰، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۴۸، ۴۴۹
گرگانرود ۳۵۲	۴۵۵، ۵۲۸
گنبدقابوس ۴۸۴	سن پترزبورگ ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۵۲، ۳۷۹، ۴۰۱
گیلان ۳۹۵، ۴۲۱، ۴۵۹	۵۳۸
	سیوند ۳۵۳، ۴۷۲، ۵۲۴
لار ۳۵۳، ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۱، ۵۳۴	شیراز ۳۵۳، ۳۶۷، ۳۸۵، ۳۸۶، ۴۰۹، ۴۱۰
لارستان ۴۳۶، ۴۷۱	۴۱۴، ۴۳۲، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۹
لندن ۳۵۳، ۳۶۴، ۴۰۹، ۴۷۶، ۵۳۸	۴۸۰، ۵۲۴، ۵۳۳، ۵۳۵
لنگرود ۴۱۳	
ماکو ۳۸۹	طالتس ۳۵۲، ۴۱۳
مجامیار ۳۵۱	طیس ۴۳۰
محمره ۴۷۲	طرق ۴۷۱، ۴۹۵
مراغه ۳۵۱، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۸۹	فارس ۳۸۳، ۳۸۵، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۷۱، ۵۳۴
۳۹۰، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۱۹، ۴۲۳، ۴۳۳	فراغه ۴۷۱
۴۶۱، ۴۶۲	فرانسه ۳۹۹، ۴۵۵
مرند ۳۸۸-۳۹۰، ۴۱۸، ۴۲۴، ۴۳۳، ۴۶۲	فسا ۴۷۲
۴۶۴	فیروزآباد ۵۳۴
مسجد شاه ۴۰۶	فیروزکوه ۳۸۰
مشهد ۳۴۲، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۸۱، ۳۹۵، ۴۱۳	
۴۲۴، ۴۳۰، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۶۷-۴۶۹، ۴۷۸	قره ملک ۴۶۱، ۴۶۲
۵۱۳، ۵۳۰، ۵۳۱	قزوین ۴۰۴، ۴۱۰، ۴۱۷، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۳۳
مصر ۳۶۲	۴۵۰، ۴۷۴، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲
ملایر ۴۰۷	قصر شیرین ۳۵۳، ۳۸۴، ۵۳۳
منجیل ۴۲۱، ۴۶۱، ۴۷۴	قفقاز ۳۴۱، ۳۶۱، ۴۶۰، ۵۰۷، ۵۰۸

مورچه‌خورد ۳۹۲، ۴۵۱

هندوستان ۳۶۱
هنگام (هنگام) ۴۴۷

نائین ۳۸۳، ۴۷۱، ۵۳۱

نجف ۳۷۷، ۳۹۵، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۶۵، ۴۷۸، ۵۳۴
یزد ۳۵۳، ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۱۳، ۴۳۰، ۴۷۰، ۴۷۱، ۵۳۱یزدخواست ۳۵۳، ۴۷۲، ۴۸۰، ۵۲۴
یم ۳۹۰

نیشابور ۵۳۰

یوزباشی چای ۴۶۱
یونان ۴۶۴

همدان ۳۸۵، ۴۰۰، ۴۱۰، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۶۸-۴۷۰، ۵۳۳

نام‌های پراکنده

ایران (روزنامه) ۳۸۰	آلمانی (مردم) ۴۵۲
باب ۵۳۳	ارامنه (مردم) ۳۵۱، ۳۹۰، ۳۶۳، ۵۰۷
بابی (مردم) ۵۳۳، ۴۶۴	ارمنی (مردم) ۳۸۴
بختیاری (ایل) ۳۵۳، ۳۶۱، ۳۶۳-۳۶۸، ۳۷۰، ۳۸۳، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۵، ۴۰۶-۴۱۰، ۴۱۳، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۵۱، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۲۳، ۵۳۱	اروپائی (مردم) ۴۰۶، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۴۵، ۴۵۴، ۴۶۹، ۴۸۵، ۵۱۲، ۵۳۰
بلوچی (مردم) ۵۳۱	افشار (ایل) ۴۷۰
پارسی (گروه) ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۷۲، ۵۳۱	افیشیال مسنجر (روزنامه) ۵۰۷
پارسیان (گروه) ۴۱۳، ۴۳۰، ۴۷۱	انجمن ۴۰۳
پرسی یوس (کشتی جنگی) ۴۶۵	انجمن ایالتی ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۱۶، ۵۲۵
قراکمه (مردم) ۵۳۰	۵۳۴، ۵۳۰
ترکمان (مردم) ۳۸۳، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۱۳، ۵۲۹، ۵۳۰	انجمن ایالتی آذربایجان ۴۳۱
تنگستانی (مردم) ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۶۶، ۴۷۸	انجمن ایالتی تبریز ۴۳۳
	انجمن ایالتی فارس ۵۳۴
	انجمن تبریز ۳۸۸، ۳۸۹، ۵۰۷
	انجمن محلی اصفهان ۴۰۴
	انجمن محلی تبریز ۳۹۵
	انجمن ولایتی ۵۳۰

جغربای (طایفه) ۵۲۹، ۵۳۰

فرقه ملیون تهران ۴۲۷، ۴۲۸

چهاردوالی (ایل) ۳۵۱، ۳۸۸، ۳۹۰، ۴۶۳

قاجاریه (پادشاهی) ۳۹۵

خدابنده‌لو (ایل) ۴۷۰

خمسه (ایل) ۵۳۵

قره‌باغی (مردم) ۳۸۸

قره‌داغی (مردم) ۴۰۴، ۴۱۷-۴۱۹، ۴۳۳، ۴۳۴

۴۶۲، ۴۶۴

قره‌سوران ۵۳۵

قشقایی (ایل) ۳۶۷، ۳۸۵، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۴

۴۳۲

قفقازی (مردم) ۳۸۷، ۴۴۹، ۴۵۹-۴۶۱، ۴۷۴

۴۸۷، ۵۲۲

کلبر (ایل) ۳۵۳، ۳۶۷، ۳۸۴، ۴۱۰، ۴۳۳

گوران (ایل) ۳۵۳، ۳۸۴

لاری (مردم) ۴۷۱

لشنی (ایل) ۳۸۳، ۴۷۲، ۵۲۴

ماکوئی (مردم) ۳۸۸-۳۹۰، ۴۰۹، ۴۶۲

مسیحیان (مردم) ۳۸۷

مشروطه ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۸-۳۴۲، ۳۴۸-۳۴۴

۳۵۳، ۳۵۸، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۶۷

۳۶۹-۳۷۱، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۹-۳۸۳، ۳۸۹

۳۹۲-۳۹۶، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۱۱

۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۵

۴۳۶، ۴۴۱، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۶۰، ۴۷۲

۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۸، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۶

۵۲۰، ۵۲۱، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۳-۵۳۵

۵۴۰

مشروطیت ۳۸۰، ۳۹۱، ۴۰۸، ۴۱۵، ۴۶۸

۴۷۰، ۴۸۲، ۴۸۶، ۵۳۳

هند و اروپ (کمپانی) ۵۲۳، ۵۲۴

یهودی (مردم) ۵۳۲، ۵۳۳

روس (مردم) ۳۳۷-۳۳۹، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۸، ۳۵۲

۳۵۴-۳۵۶، ۳۶۰-۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۸، ۳۷۱

۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۷، ۳۹۱-۳۹۳

۳۹۵-۳۹۸، ۴۰۰-۴۰۳، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۰

۴۱۳، ۴۱۶، ۴۲۱-۴۲۵، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۰

۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۷-۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۵۸

۴۶۰-۴۶۲، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۳، ۴۷۵

۴۷۷، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۳-۴۸۵، ۴۸۷، ۴۸۸

۴۹۰-۴۹۸، ۵۰۱، ۵۰۳-۵۰۵، ۵۰۷-۵۱۲

۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۲، ۵۲۵، ۵۲۷

۵۲۸، ۵۳۰-۵۳۲، ۵۳۷، ۵۳۹

ردبرست (کشتی) ۴۴۵

روژنامه رسمی ایران ۳۴۲

زیگلر (کمپانی) ۴۷۲، ۵۲۴، ۵۳۵

سنجایی (ایل) ۳۵۳، ۵۳۳

سویسی (مردم) ۴۶۴

شاهسون (ایل) ۴۸۶، ۴۸۷

شه‌بندری ۵۳۳

عثمانی (مردم) ۳۵۷-۳۵۹، ۳۷۲، ۳۷۸، ۳۸۰

۳۸۱، ۴۲۹، ۴۴۲، ۴۵۲، ۴۵۵، ۴۵۶

۴۶۰، ۴۶۹، ۴۷۰، ۵۲۵، ۵۳۳

عیسوی (مردم) ۵۳۲، ۵۳۳

فاکس (کشتی جنگی) ۴۴۷، ۴۵۲، ۵۳۶

فرانسوی (مردم) ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰

فهرست رویدادهای مهم

- | | |
|---|---|
| <p>عقب‌نشینی محمدعلی شاه در برابر تهدیدهای انگلیس و روس ۳۵۵</p> <p>تحصن محمدعلی شاه در باغشاه ۳۵۶</p> <p>سفرای انگلیس و روس می‌خواستند محمدعلی شاه را با دادن رشوه مشروطه‌خواه کنند ۳۵۶</p> <p>هرج و مرج و شورش در اصفهان؛ غارت بازار بوسیلهٔ سربازان دولتی ۳۶۰</p> <p>يك داوری عجیب دربارهٔ ستارخان و هم‌زمان او ۳۶۱</p> <p>غارت دیوانخانهٔ حکومت اصفهان بوسیلهٔ مردم ۳۶۳</p> <p>اصفهان در تصرف انقلابیون ۳۶۴</p> <p>انتصاب سعدالدوله به وزارت خارجه ۳۶۵</p> <p>مقاومت محمدعلی‌شاه در برابر فشارهای انگلیس و روس ۳۶۶</p> <p>ترس انگلیس از تجزیهٔ ایران؛ ترس روسها از استقلال شهرهای تبریز و اصفهان ۳۶۷</p> | <p>به‌عقیدهٔ سفیر انگلیس، اعضای مجلس ایران عاری از کار و نادان و ارتجاعی هستند! ۳۳۷</p> <p>دستخط ساختگی محمدعلی شاه بر دیوارهای شهر ۳۳۸</p> <p>تظاهرات طرفداران محمدعلی شاه علیه برقراری مشروطه در ایران ۳۳۹</p> <p>بی‌تکلیفی زندانیان سیاسی؛ مشروطهٔ نوع محمد علی شاهی! ۳۴۰</p> <p>شاه اعطای مشروطه را با چهارصد هزار لیره وام تاخت می‌زند ۳۴۴</p> <p>به‌عقیدهٔ محمدعلی شاه مشروطه و تشکیل مجلس مخالف با اسلام است ۳۴۸/۳۴۶</p> <p>به‌عقیدهٔ علاء‌السلطنه ایران برای تشکیل مجلس مستعد نیست ۳۴۷</p> <p>شورش در مشهد؛ نامهٔ علماء کربلاء به مردم خراسان و تحریک آنان به شورش ۳۵۲</p> <p>حکومت نظامی در اصفهان ۳۵۲</p> <p>انگلیس و روس با شاه ایران وحدت‌نظر دارند ۳۵۵</p> |
|---|---|

- انفصال صمصام السلطنه از ایلخانی بختیاری ۳۶۸
- به عقیده صدراعظم ایسران هیچگونه حکومت شورائی با شریعت اسلام موافق نیست ۳۷۹
- پناهندگی ملیون به کنسولگری عثمانی در رشت ۳۸۱
- رفتار ستسکرانه با پارسیان و ارامنه ایرانی ۳۸۴
- برقراری نظم در تبریز بوسیله ستارخان و باقرخان ۳۸۷
- نامه انجمن تبریز درباره رفتار ناروای دولت با مردم آن شهر ۳۸۹
- اعتراض انجمن ملی تبریز به استقراض دولت ایران از خارج ۳۹۹
- شورش در رشت و کشته شدن حاکم آن شهر ۴۲۶/۴۰۳
- تشکیل حکومت موقت در رشت بوسیله شورشیان ۴۲۶/۴۰۳
- پیشنهاد صلح عین الدوله به مردم تبریز ۴۰۴/۴۰۳
- مخالفت ملیون تهران با استقراض دولت ایران از دولتهای خارجی ۴۰۴
- به عقیده مستشار مالیه ایران شرط استقلال مالیه ایران استخدام کارمندان خارجی است ۴۰۵
- آشوب و غارت در اصفهان پناهندگی مردم به سفارتخانه های انگلیس و روس ۴۰۷/۴۰۶
- زمزمه تشکیل يك کشور مستقل در شمال ایران ۴۱۰
- یاغیگری سید حسین لاری در لار ۴۱۰
- انگلیس از مساعدت مالی به محمدعلی شاه برای حفظ موقعیت او ناامید است ۴۱۱
- تغییرات در کابینه دولت ۴۱۲
- تیراندازی به شیخ فضل الله نوری ۴۱۳/۴۱۲
- علمای کربلا مردم ایران را از پرداخت مالیات به دولت منع کردند ۴۱۳
- تشکیل دیوان عدالت در بوشهر ۴۱۴
- شورشیان رشت شعاع السلطنه برادر شاه را گروگان گرفتند ۴۱۷
- محاکمه متهمان به بمباندازی بسوی شاه ۴۲۹/۴۱۸
- کشف و توقیف مهمات انقلابیون ایرانی در باکو ۴۲۳
- بروز آثار انقلاب در مشهد ۴۲۴
- متن بیان نامه جماعت ملیون تهران به سفیر انگلیس ۴۲۷
- تشکیل کابینه مشیرالسلطنه ۴۲۸
- تعطیل بازار تهران و چوب خوردن تجار بازار ۴۲۹
- آزاد شدن ضاربین شیخ فضل الله نوری ۴۲۹
- مخالفت علماء نجف و همدان با استقراض محمد علی شاه از خارجه ۴۳۱
- انجمن ایالتی آذربایجان جانشین مجلس ملی ایران ۴۳۱
- جنگ ملیون و شاه پرستان در تبریز ۴۳۳
- سادات لارستان به توصیه علماء نجف گمرک بوشهر را متصرف شدند ۴۳۶
- تصرف بوشهر بوسیله سیدمرتضی اهرمی ۴۴۱
- کشته شدن چهار نفر بدست اوباش در شاه عبدالعظیم ۴۴۱
- غارتگری های رحیم خان ۴۴۲
- آشوب در کرمانشاه؛ کشتار یهودیان آن شهر بدست آشوبگران ۴۴۶
- قحطی و گرسنگی و مرگ در تبریز ۴۴۶
- جنبش ملیون در اورمیه ۴۴۸
- شورش در استرآباد ۴۴۸
- بمباران تبریز بوسیله شاه پرستان ۴۴۹
- هرج و مرج در بوشهر ۴۵۲
- زمینه سازی قفقازیها در شورش رشت ۴۶۰
- پرچم روس و انگلیس و عثمانی بر فراز خانه های مردم رشت ۴۶۰
- یورش قوای دولتی به تبریز ۴۶۱
- یورش جنایتکارانه رحیم خان به جلغا ۴۶۲
- نظر کنسول انگلیس درباره رشادت و جنگاوری ستارخان و جنگیدن روحانیان ۴۶۳
- کشته شدن يك نانوائی گرانفروش در تبریز ۴۶۴
- بنادر خلیج فارس زیر فرمان ملیون ۴۶۴
- در بوشهر به جای پرچم سلطنتی پرچم ملی برافراشته شد ۴۶۷
- شروع انقلاب در مشهد ۴۶۷
- شیراز و همدان در مسیر انقلاب ۴۶۸

- شورش افشاریه‌ها و غارت اموال حاکم کرمان ۴۷۰
- رفتار ضد انسانی با پارسیان در شیراز ۴۷۲
- کشتار پناهندگان شاه‌عبدالعظیم به دستور مفاخر الملك حاکم تهران ۴۷۳
- اعتراض آمران انگلیس و روس به کشتار شاه‌عبدالعظیم ۴۷۴
- مداخله انگلیس و روس در ترکیب کابینه ایران ۴۷۵
- تهدید انگلیس و روس به تنبیه اقتصادی ایران ۴۷۵
- قحطی و غارت نانواها در کرمان ۴۷۸
- سیدمرتضی در لباس ملیت با قصد غارتگری ۴۷۸
- تغییرات سیاسی در اسلامبول و تأثیر آن در اوضاع سیاسی ایران ۴۸۷
- قحطی نان در تبریز؛ فراهم شدن زمینه‌های شورش مردم ۴۸۸
- متارکه جنگ تبریز از طرف ملیون ۴۹۶
- مخالفت شاه و عین‌الدوله با متارکه جنگ ۴۹۹/۴۹۷
- نیروهای روسی آماده اشغال تبریز ۵۰۱
- دستور شاه برای متارکه جنگ و ورود آذوقه به تبریز ۵۰۷
- ورود نیروهای روسی به خاک ایران ۵۱۳
- عفو عمومی شاه ۵۱۳
- الگوی محمدعلی‌شاه برای اعطای مشروطه و قانون انتخابات ۵۱۳
- نایب‌السلطنه مرتجع برمسند ریاست‌وزراء ۵۱۵
- ورود نیروهای روسی به تبریز ۵۱۵
- نجات نسبی تبریز از قحطی و مرگ ۵۱۶
- سیاسگزاری ستارخان از کمکهای انگلیس و روس به مردم تبریز ۵۱۶/۵۱۵
- لجاج و خودسری محمدعلی شاه ۵۱۷
- پافشاری انگلیس و روس برای نشان دادن سعد الدوله به جای نایب‌السلطنه ۵۱۷
- شکایت وزیر ایرانی به سفراء انگلیس و روس ۵۱۹
- تعیین وزیر خارجه ایران با تصویب وزیرخارجه انگلیس! ۵۱۹
- نظر وزارت خارجه انگلیس درباره کابینه‌های ایران ۵۱۹
- تحصن صنایع الدوله و اعتمادالذاکرین در سفارت انگلیس ۵۲۹
- کشته شدن فرستاده ملیون بدست ترکمانان ۵۳۰
- تظاهرات مردم بندرگز به طرفداری از مشروطه ۵۳۰
- کمیابی نان در کرمان ۵۳۱
- آشوب در کرمان و غارت محله یهودیان آن شهر ۵۳۲
- تشکیل انجمن ایالتی فارس ۵۳۴
- توصیه‌های تحقیرآمیز دولتمندان انگلیس و روس به شاه ایران ۵۳۸

یادآوری

چنانکه خوانندگان توجه خواهند فرمود در این فهرست برخی نامهای مشابه دیده میشوند که بنظر می‌رسد باید مربوط به يك شخص باشد و جا داشت که ما هم آن اسامی را در يك ردیف فهرست بندی کنیم. ولی چون قرینه و نشانه آشکاری در دست نبود که بر گمان شویم اسامی یادشده واقعاً مربوط به يك نفر است یا اشخاص جداگانه و مجالی هم برای بررسی بیشتر نداشتیم ازین رو آنها را به همان گونه که در متن کتاب آمده بود در فهرست گنجانیدیم تا هم خود ما به راه خطا نرفته باشیم و هم دست خوانندگان برای تحقیق بیشتر باز باشد.

اناباک اعظم ۱-۴۳، ۴۸، ۵۲، ۸۰، ۸۱، ۹۴	أصفالدوله ۹۱، ۹۹، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۳۶
احتشام الساطنه ۶، ۸۰، ۸۸، ۱۵۴، ۱۶۵	۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۶
۱۶۹، ۱۷۶ - ۱۷۸، ۲۶۴	۳۰۵، ۳۲۲
احمد میرزا (سلطان) ۲۰	آقا سید جمال الدین واعظ ۴۰، ۴۱، ۲۱۶
ادیب التجار ۳۵	آقا سید عبداللهمجتهد ۸، ۹، ۱۱، ۲۲، ۷۷، ۷۸
ارباب فریدون ۱۷۸	۱۲۵، ۱۳۰، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۷۹، ۱۹۵
استد ۱۸۸	۲۰۰، ۲۳۷، ۲۳۸
استروگراتسکی ۳۰۰	آقا سید محمد (طباطبائی) ۲۷، ۱۵۲
استوارت (استوارت) ۷۰	آقا سید محمد مجتهد ۱۱، ۲۴، ۲۷، ۴۰
استوکس (ماژور) ۹۵، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰	۲۲، ۱۳۰، ۱۵۶
۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۵	آقا شیخ نورالله ۲۴، ۳۵، ۸۲، ۸۳
۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۶۸، ۲۸۹	آقا محمد مهدی ۴۶
۳۰۶، ۳۲۳	آقا نجفی ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۵۵، ۷۳
استدون (استونز، استونس) ۵۳، ۱۱۰	۱۳۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲۲۰، ۲۶۷
۲۳۵، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۸۵	آقا نورالله ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲۶۷
۲۹۱، ۳۰۴، ۳۱۸	
اسکلی (دکتر) ۱۵۱	اناباک ۴۳، ۴۴، ۵۰، ۵۶، ۶۰، ۶۶
اسمارت ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۲	۸۴، ۸۹، ۹۵، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۳۰
مغیرخان ۲۴۹	۱۵۱

- افتخار التجار ۱۴۰
اقبال الدوله ۲۶۷، ۲۴۹
اقبال الساعنه ۱۱۰، ۹۴
اقتدار نظام ۲۸۲
اکبر میرزا ۲۴۹
اکرم السلطان ۵۲
اکتور (دکتر) ۲۸۲
امام جمعه خوی ۹۹
امامقلی میرزا ۲۲، ۲۳
امیر اعظم ۹۰، ۹۲، ۱۲۶
امیر بهادر جنگ ۶، ۷، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۵
۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۷۰
۱۷۱، ۱۸۴، ۲۳۷، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹
۲۶۶، ۲۶۸، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰
۳۲۱، ۳۲۸
امین السلطان ۳۲، ۳۶
انتظام الملک ۱۸۷، ۲۶۷
ایزوولسکی (ایزوولسکی، ایسولسکی) ۱۵
۱۸، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۴۹، ۱۵۰
۱۹۱-۱۹۴، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰
۲۲۴، ۲۲۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۳۱۰، ۳۱۲
۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۷
۳۲۹، ۳۳۱
بارکر ۱۴۲
بارناوسکی (بارانوسکی، بارن اوسکی)
۲۳۸، ۲۴۱، ۲۸۳
بانوی عظمی ۲۳۷
برن هم (بارنیام) ۲۴، ۳۵، ۶۹، ۷۰
برون ۷۰
بارانوف ۶۴
بلک (لفتننت) ۱۲۷
بلک من ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۲۱
بنکندورف ۲۹۷، ۳۰۸
نومن ۸۲
بهاءالواعظین ۲۶۲
بهرام میرزا ۱۴۴، ۲۱۸
بیزو (بیزوت) ۹۴، ۱۰۹، ۱۳۰، ۱۸۱-
۱۸۳، ۱۸۸، ۲۵۹-۲۶۱، ۲۶۶، ۲۶۸-
۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۹، ۳۰۰
۳۰۲
بیل ۳۲۳
بیوکخان (پسر رحیمخان) ۵۱، ۵۳
پاری ۲۸
پرویز (نک: شامجهان)
پریم ۲۵، ۴۲
تقی زاده ۹۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۸، ۱۵۴
۱۶۵، ۱۹۶، ۲۱۶، ۲۲۸، ۲۳۹، ۲۴۵
۲۶۲، ۲۶۳
تیمورخان ۱۵۷
جلال الدوله ۹۰، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸
جهانگیر خان (صویر اسرافیل) ۲۳۹، ۲۴۶
جریکوف (چاریکوف) ۲۶۴، ۲۷۳، ۲۷۶-
۲۷۹، ۲۹۰، ۲۹۴، ۲۹۹، ۳۰۷
۳۰۸
حاجی آقا محسن (اراکی) ۵۵
حاجی شیخ محمد واعظ ۱۱۰۹
حاجی علی آقا ۲۸۶
حاجی میرزا آقاسی ۹
حاجی محمد حسین کازرونی ۳۵
حاجی نایب ۱۳۸، ۱۵۸
حسین (پسر نایب العمد) ۲۸۶
حسینقلی خان نواب ۹۲، ۲۴۶
حسنت الملک ۳۵
حمیدی ۱۶۷

- سردار اسعد ۲
 سردار سعید خان (کبی) ۱۵۹
 سردار فیروز ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۶، ۳۲۳
 سردار معتضد (بهجت‌الملک) ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۹۰
 سردار منصور ۱۸۵، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸
 سردار همایون ۱۷۴
 عبدالدوله ۱۶، ۲۵، ۸۱، ۷۸، ۸۶ — ۸۸، ۹۳، ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵
 عبدالسلطنه ۳۲۲
 سعیدالسلطنه ۹۵
 سلیمان میرزا ۲۱۷
 سید احمد (دستکی) ۱۷۵
 سیداکبر ۱۷۴
 سید جمال‌الدین (واعظ) ۴۱، ۲۱۶
 سید حسن ۲۶۲
 سید شهاب ۱۳۸
 سید عبدالله (نک: آقا سید عبدالله مجتهد)
 سید عبدالحسین لاری ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۳۹، ۱۷۵
 سید علی یزدی ۱۴۵
 سید محمد ۲۰۰، ۲۸۳
 خبیرالدوله ۱۲۷، ۱۳۹
 خسروخان ۸۳
 دابی جا (پرنس) ۹۳
 دریاییگی ۹۵، ۱۱۲
 دوکارت (ماژور) ۱۳۸
 دوگلاس (کننل) ۱۰، ۶۲، ۶۴
 ذکاءالملک ۱۷۸
 زابینو ۵۲، ۵۹، ۶۲، ۸۴، ۱۴۱، ۱۶۱
 ۱۷۰، ۲۱۳
 زاتیسلا (زاتیسلو، رئیس‌لو) ۲۳، ۲۸، ۴۳، ۵۳، ۲۶۶، ۲۹۲، ۳۱۰، ۳۱۱
 رجب افندی ۵۲
 رحیم‌خان ۵۱، ۵۳، ۲۳۶، ۲۷۱، ۲۷۲
 رشیدالملک ۱۷۸
 رفعت نظام ۲۸۹
 رکن الدوله ۱۲۴
 رنکینگ (لیوتنانت) ۱۳۹
 زیگلر ۱۳۹، ۱۵۷، ۲۷۲
 سابلین (سبلین) ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۸
 ساعدالدوله ۴۳
 ساکس ۱۲۸
 سالارالدوله ۴۶، ۶۷، ۹۸، ۱۵۶، ۱۷۵
 سالارالسلطان ۳۸، ۱۷۵، ۱۷۶
 سالار مکرم ۱۲۴
 سایکس (ماژور) ۳۴
 سیه‌دار ۲۴، ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۷۴، ۲۸۸
 سیه‌الار ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۲۸۴
 ستارخان ۲۹۵ — ۲۹۷، ۳۲۶ — ۳۲۸
 سردار ارفع ۲۸۲
 شاپشال ۱۳۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۴
 شامجهان (شاه جهانیان) . پرویز ۲۷، ۳۵، ۱۶۲
 شجاع‌الملک ۱۲۳، ۱۲۴
 شجاع نظام ۳۰۹، ۳۲۴
 شعاع‌السلطنه ۱۴، ۱۵، ۱۵۲، ۱۵۶
 شوکت الدوله ۱۲۴
 شیخ‌الرئیس ۹، ۳۳، ۱۹۵، ۲۳۸
 شیخ‌فضل‌الله ۵۱، ۵۸، ۷۳، ۱۴۵
 شیخ محمود ۲۹

- صاحب اختیار ۱۳۹-۱۶۹، ۱۷۱-۱۷۷، ۱۷۵-۱۷۷، ۲۲۲، ۳۰۵
مدیق الحرم ۲۶۲
مصممام السلطنه ۵۴، ۸۱
منیع الدوله ۲۵، ۸۰، ۸۶، ۸۹، ۱۱۰، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۸-۱۹۰، ۲۲۰، ۲۸۹، ۳۱۸
ظفر السلطنه ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۷۳، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۲۱
ظفر السلطان ۳۱، ۶۹، ۸۱، ۸۲، ۹۰، ۹۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۷، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۶-۱۷۹، ۱۸۸، ۱۹۰-۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۸، ۲۵۹، ۲۶۸، ۲۸۲
ظهیر الدوله ۵۸، ۶۷، ۱۲۸، ۱۷۳، ۲۳۹
عباس آقا (قاتل اتابک) ۹۴
عباس خان افشار ۱۵۸
عباسقلی خان ۵۶، ۱۶۸، ۲۵۲
عباسقلی خان نواب ۲۴۶
عبدل الملک ۱۷۴
عبدالملک ۱۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۸۵، ۲۱۲-۲۱۵
عطاء الدوله ۳۲۳
علاء الدوله ۳۲، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۸۵، ۲۰۱، ۲۱۴-۲۲۸، ۲۱۷
علاء السلطنه (محمد علی) ۳۲، ۶۷، ۶۸، ۷۶، ۸۱، ۸۷، ۹۶، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۱-۳۰۳، ۳۳۰
علاء الملک ۸۱، ۱۷۳، ۲۲۹، ۲۲۷، ۲۶۷
علیجان (چاپیانلو) ۲۲، ۲۸
عین الدوله ۴، ۱۲، ۲۹، ۴۵، ۹۰، ۱۷۸، ۲۳۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۲۳، ۳۲۵
غریب خان ۸۱
فاتح السلطنه ۱۷۵
فرخ (قاتل پرویز شاه جهانیان) ۳۵
فرمانفرما ۳۱، ۳۲، ۷۲، ۹۱، ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۶۷، ۱۸۷، ۲۳۶، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۲۴
فریدون (زرتشتی کشته شده) ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۸۵
فکس (ماژور) ۸۳
فائز مقام ۱۳۶، ۱۶۹
قوام ۳۸، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۲۸۶
قوام الدوله ۸۱، ۲۶۹، ۲۷۰
قوام الملک ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۵، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۸
کاره ۱۵
کاکس (ماژور) ۲۸۶
کامران میرزا ۱۴۰
کرت دوف (کرت دوف) ۹، ۱۱
کسو با ایف (کاپیتان) ۶۴
کای (ارنست) ۲۱۹، ۲۵۲
گراهام (گراهم، گریهم) ۳۸، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۷
کازیمیر ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷

مشیر السلطنه ٨١، ٢٢٠، ٢٢٥، ٢٦٨، ٣٠٠	لشکر نویسی باشی ١٢٤
مشیر المملک ٣١	لوتر (سر) ٢٩٢
مشیر المملک ٣٥	لوریم (کاپیتان) ٧٩
مظفر نظام ١٢٣، ١٢٤	لیاخوف (کلنل) ٦٣، ٦٤، ١١٦، ١٢٥، ١٤٠، ٢٠٣، ٢١٠، ٢١٤، ٢٣٧، ٢٤٢، ٢٤٣، ٣٢١
معاخذ السلطنه ٢٦٢، ٣٢٢	لیس آوسکی ٨٢
معاون الدوله ٣٢	لی گس ١٢٨
محمودیوان ١١١، ١٢٢، ١٣٣، ١٧٥	لینچ (لنچ) ٨١، ٨٢، ٢٨٣
٢٨٦، ٢٥٠، ٢٤٩	لیندلی (دکتر) ١٦٨
معین الدوله ١٤٠	
معین الوزاره ٢٣٩	
مفتاح السلطنه ٢٢٧، ٢٤٦، ٢٦٢، ٢٦٣	مؤتمن المملک ٣١، ١١٠، ١٧٣، ٢٢٠
مقتدر نظام ١٥٤	مؤید الدوله ٣٥، ٢٢٣، ٢٤٠، ٢٤٥، ٣٢١
ملا مهدی ٤٦، ٤٧	مؤید السلطنه ١٧٣
ملک المتکلمین ١٤٠، ٢١٦، ٢٣٩، ٢٤٦	مجدد المملک ٨١
ملینکان (دکتر) ٢٣٨	مجلل السلطان ١٥٤
ممتاز الدوله ١٧٨، ٢١٢، ٢٤٦	محتشم السلطنه ١٣، ١٣٢، ١٩٠، ٢٢٠
منصور المملک ١٧٥	محتشم المملک ١٧٤
مهدی خان ٩٦	محمد آقا ١٥٧
مهندس المملک ٣٢، ٨١	محمد خان ١٤٣
میرزا حسن خان (اصفهان) ٢	محمد رضا خان ٣٥
میرزا سید ابوالقاسم خان ٢	محمد علی میرزا (محمد علی شاه) ٣، ٢٠، ٢٠٣، ١٠٣
میرزا علی اکبر خان ٢٦٢	٣٠٧، ٢٤٣
میرزا کاریز خان ٢٦٨	مخبر السلطنه ٣٢، ٨١، ٨٦، ١١٠، ١٣٦
میرزا کاظم خان ٢٨٦	١٧٣، ١٧٨، ٢٣٦
میرزا محمود خان ٢	مرتضی قلی خان ٢٤٦
	مرنارد ٣٠، ٥٩، ٦١، ١٦٠، ١٦١
ناصر الدین شاه ٦٥، ٨٩	مسافات ٢٣٩، ٢٤٥
ناصر السلطنه ٢٨٧	مستشار الدوله ١٥٤، ٢١٦، ٢١٩، ٢٣٨
ناصر المملک ٢٥، ٣٢، ٨١، ٨٤، ٨٦، ١٠٩	مستوفی المملک ٨١، ١١٠، ١٨٦، ٢٢٠
١١٧ — ١١٩، ١٢٢، ١٣٣، ١٣٦، ١٣٩	مشیر الدوله ١٣، ٢٥، ٣٠، ٣١، ٧٩، ٨١
١٢٣، ١٨١، ١٨٦، ٢١٤	٨٦، ٨٩، ٩٣، ١١٠، ١١٤، ١٣٠
ناظم ١٣٨، ١٥٨	١٣٦، ١٤٦، ١٥٢، ١٦٠، ١٦٤، ١٧٠
ناظم التجار ١١٢، ٣٢٢	١٧٢، ١٨٢، ١٨٥، ١٨٩، ٢١٢، ٢١٣
نایب الحدیر ٢٨٦	٢٢٠، ٢٦٥
نایب حسین ١٦٦	

وزیر همايون ۳۲، ۸۱	نصرالدوله ۱۷۵
ویلسن (لیوتنان) ۱۳۹	نظام السلطنه ۳۱، ۴۵، ۵۲، ۹۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۵۲-۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰
هارتویگ (هارتویک) ۴۷، ۷۷، ۸۶، ۱۲۸، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۷۲، ۱۸۹، ۱۹۱-۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۷-۲۳۹، ۲۶۰، ۲۷۵-۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۲-۲۹۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۸، ۳۱۴-۳۱۷، ۳۲۵-۳۲۸	نظام الملك ۲۲، ۴۲، ۷۲، ۸۱
هاکیت ۲۵۲	نعمت الله (قاتل قوام الملك) ۱۷۵
هاورس (هاورت؛ کاپیتان) ۴۷، ۴۸، ۹۷، ۱۲۸، ۱۹۰	نقیب السادات ۵۱
های نیک (کاپیتان) ۱۲۷، ۱۲۸	نوز ۷، ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۴۲، ۵۲، ۱۸۳
هرمز میرزا ۲۱۴	نیرالدوله ۵۴، ۱۳۲
	نیلکان (دکتر) ۱۴۱
	وزیر افخم (سلطانعلی خان) ۱۹، ۳۲، ۲۵۴
	وزیر اکرم ۲۴، ۴۴، ۱۱۰
	وزیر مخصوص ۸۱

نام جایها

۹۴، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۲،	آذربایجان ۴۱، ۴۳، ۴۹، ۵۳، ۶۶، ۷۲،
۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۶۷،	۸۱، ۹۴، ۱۵۸، ۲۶۲، ۲۶۶، ۲۶۹،
۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۷—۱۸۰، ۱۹۰،	۲۷۳، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۱،
۲۰۰، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۷، ۲۳۰،	۳۰۳، ۳۰۹، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۶،
۲۴۹، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۹،	— ۳۲۹، ۳۳۱،
۳۲۲، ۳۲۳،	آستارا ۵۴، ۱۳۷، ۲۶۹،
افغان ۷۵	اترك ۱۲۶
انار ۱۸۷	اردبیل ۶۶، ۷۲، ۱۷۸،
اترلی ۳۷، ۴۲، ۵۰، ۵۲، ۵۴، ۷۰، ۷۲، ۲۶۳،	اردستان ۳۰۵
انگلستان (انگلیس) ۴۴، ۴۵، ۱۱۲، ۱۴۱،	ارزروم (ارضروم) ۳۲۴
۱۸۸، ۱۹۶، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۸،	ارومیه (اورمیه) ۱۳۲، ۱۳۷، ۲۶۶،
۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۱، ۳۲۲،	استراباد ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۲،
۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۸،	۱۶۵، ۱۷۴، ۱۷۹،
اورمیه (نک: ارومیه)	اصفهان ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۵۴، ۶۶، ۶۹،
اهواز ۹۶، ۱۱۳، ۱۳۹، ۲۸۳،	۷۰، ۷۲—۷۵، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۹۳،

۱۹۲-۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۲۲	بارفروش ۲۴۸
۲۲۵، ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۷۳-۲۷۷، ۲۷۹	بارنگ ۱۶۷
۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷-۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۷	باطوم ۳۱۸
۳۰۸، ۳۱۰-۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۰	بافت (بفت) ۱۶۷
۳۲۵-۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۱	باغشاه ۳۱۸-۳۲۱
بطروس ۱۴۱	باغو ۱۸۰
بال آجی ۹۲، ۳۲۳، ۳۲۴	باکو ۳۷، ۴۱، ۴۲، ۱۴۱
تالش (تالش دولاب) ۵۴، ۳۰۵، ۶۶	باند ۲۳، ۲۸
تبریز ۳۳، ۳۷، ۴۲، ۵۱-۵۴، ۶۶، ۷۲	بجنورد ۱۲۳
۸۱، ۹۴، ۱۰۸-۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۵	بحر خزر ۵۴
۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۰	بختیاری ۵۴، ۲۸۳
۱۵۵، ۱۵۷، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۸	برازجان ۱۳۹، ۱۵۸
۱۹۶، ۲۱۸، ۲۳۵، ۲۴۹، ۲۵۷، ۲۶۶	برمسیر ۱۶۷
۲۷۱-۲۷۴، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۴	برلن ۲۰۶
۲۸۵، ۲۸۸-۳۰۰، ۳۰۷، ۳۱۳	بیلوند (بتوند) ۱۱۳، ۱۳۹
۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۷-۳۲۹	بغداد ۱۵۸، ۳۲۲
۳۳۱	بلوچستان ۲۶۹
تربت حیدری ۱۲۴، ۱۵۷، ۱۸۷، ۲۶۶	بم ۱۶۷، ۱۷۴، ۲۸۹
تنابیس ۶۳	بندر جز (بندرگز) ۱۲۳
تنگستان ۲۵۵	بندر دیلم ۳۸
	بندر ریگ ۳۸
جاجرم ۲۸۹	بندر عباس ۴۵، ۷۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۹
جافا ۸۳، ۱۵۰، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۹	۱۳۳، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰، ۲۸۲
۳۰۷-۳۱۰، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۱	بوشهر ۳۸، ۴۵، ۷۳، ۸۳، ۸۴، ۹۵
جوین ۱۲۳، ۱۲۶	۱۱۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۷
حیرفت ۱۶۷، ۲۸۲	۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۰، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۸۲
جام بهار ۱۵۹	۲۸۶، ۲۸۹، ۳۲۳
چاپیانلو ۲۲	بیت المقدس ۳۸
چهار محال ۱۸۸، ۲۶۸، ۳۲۳	بیرجند ۷۵، ۱۷۰
حضرت عبدالعظیم - شاهزاده عبدالعظیم ۲۷	
خان کرکن ۱۵۸	پرتغال ۱۶۵
خجند ۳۲۸	پروسک ۱۷۷
خراسان ۶۶، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۷	پطرزبورغ (سنت پطرز بورغ) ۱۱۵،
خرم آباد ۱۷۰، ۱۷۵	۱۱۸، ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۸۳

خزر ، دریا (نك: بحر خزر)	ساوه ۶۳
خطیب ۲۹۲	سبزوار ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۷
خلج ۲۴۴	سلطان آباد ۳۹، ۵۵، ۸۲، ۱۷۹، ۲۱۸
خلیج فارس ۹۶، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۷۶، ۲۵۰	۲۶۷
۲۸۲	ساماس ۱۲۵
خوی ۱۲۵، ۱۱۰	سمنان ۱۶۵
خیوه ۳۲۸	سوء ۷۴
	سیدان ۲۴۹
دالکی ۱۵۸، ۱۶۷، ۲۶۸	سیستان ۳۵، ۷۳، ۱۱۲، ۱۶۷، ۲۶۹
دخمه کیخسرو ۱۵۹	سیوند ۱۸۸، ۳۰۵
درجز ۱۲۳	
درخیل ۲۶۳	شادنو ۱۶۶
دوج ۱۶۶	شفیع آباد ۱۲۳
دوشان تپه ۱۶۸	شمس ۱۶۷
دولت آباد ۱۶۷	شیراز ۳۶، ۳۸، ۴۴، ۴۵، ۵۵، ۶۷، ۸۲
دومچی ۳۲۴	۸۳، ۹۵، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵
ددبید ۱۵۸، ۱۸۸	۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۷ — ۱۲۹، ۱۳۲
	۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۲
رام هرمز ۲۸۳	۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۵
رشت ۳۷، ۴۳، ۴۴، ۵۳، ۶۶، ۷۳، ۱۱۰	— ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۰۰
۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۵۷، ۱۵۹	۲۱۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۶۸، ۲۸۱، ۲۸۲
۱۶۵، ۱۷۳، ۱۷۲، ۲۱۸، ۲۴۸	۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۹، ۳۰۵، ۳۲۲
۲۴۹، ۳۰۵	
رفسنجان ۱۶۷، ۱۷۴	طیس ۱۵۷، ۱۸۷
رودبار (رودبار) ۲۸۲	طرابوزان ۱۱۰، ۱۲۵
روسیه ۳۰۹ — ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۲۷، ۳۳۱	طرق ۸۱
رینان ۲۲۰	
ربوال ۱۹۱	عباس آباد ۱۲۳
زرکان (زرقان) ۱۸۰	غازیک ۷۵
زرگنده ۲۳۷، ۲۴۶	
زرنند ۲۴۴	فارس ۳۵، ۴۴، ۶۷، ۹۵، ۹۶، ۱۱۱، ۱۱۲
زرنجان ۶۶	۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹
	۱۷۳، ۱۷۵ — ۱۷۷، ۱۷۹، ۲۱۸
ساوجبلاغ ۳۳، ۱۲۵	۲۴۹، ۲۵۰، ۲۶۸، ۲۸۲، ۳۰۵، ۳۲۲

فرامین ۱۲۳	گوانر ۱۵۹
فرانسه ۴۴، ۱۸۸	گوران ۱۷۵
فومن ۱۶۶	گیلان (گیلان‌ات) ۳۷، ۴۳، ۱۱۰، ۱۵۷، ۳۰۵
فهرج ۲۸۹	
قرجه‌داغ (قراجه‌داغ) ۲۲۷، ۱۲۵، ۵۲، ۵۱	لار ۱۶۷
۲۳۵	لرستان ۱۷۵
قروین ۱۶۴، ۲۱۸	لنگه ۱۱۲، ۱۶۷
قصر شیرین ۷۵	
قفقاز (قفقازیه) ۴۱، ۳۲۶، ۳۲۸	مازندران ۱۲۳
قلعه افلاک ۱۷۰	ماشک ۱۶۷
قم ۷۹، ۱۴۱، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۸۶	ماکو ۵۳، ۱۲۵، ۲۷۸، ۲۸۱، ۳۰۳، ۳۲۳، ۳۲۴
قوچان ۱۲۹، ۱۳۷	
کازرون ۲۶۸، ۲۸۲، ۳۰۵	مالامین (مالامین) ۲۹
کاشان ۳۸، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۵۵، ۱۵۷، ۳۰۵	مالوم ۱۷۴
۱۷۰، ۱۶۶	ماماتن ۱۳۹
کاما ۱۲۶	مجمره ۱۶۹، ۲۸۲
کاوان ۲۹	مرند ۳۲۴
کبوترخان ۱۷۴	مزینان ۱۲۳
کربلا ۴۰-۴۲، ۵۸، ۱۷۵، ۲۶۷، ۲۸۲	مشهد ۳۳، ۳۴، ۶۶، ۸۳، ۱۰۸، ۱۱۳
کردستان ۱۳۳	۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۴۴
کرمان ۴۴، ۶۷، ۷۵، ۸۳، ۹۵، ۱۱۱، ۱۱۲	۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۶، ۲۴۸، ۲۶۶
۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۸	۳۲۲، ۲۸۹
۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۷	موصل ۸۰
۱۹۰، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۳۰۵	میامی ۱۲۳
۳۲۲	میان دشت ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۶، ۲۸۹
کرمانشاه ۳۶، ۳۹، ۴۸، ۴۹، ۵۶، ۶۷، ۷۳	میزهیدان ۱۲۳
۷۹، ۸۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۸، ۱۲۵	
۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۸، ۲۱۸، ۲۲۱	نائین ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۸۷، ۲۶۷
۲۶۹	ناردین ۱۲۳
کسما ۱۶۵	نجف ۱۸۸، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۸۲، ۲۸۹، ۳۲۱
کمارج ۲۶۸، ۲۸۲	نصرت آباد ۱۶۷، ۱۷۰
کنار تخته ۱۶۷، ۲۸۲	نظام آباد ۷۴، ۸۱
	نوگنبد ۱۶۶
	نیاوران ۲۵۳

یزد ۳۵، ۶۶، ۷۵، ۸۲، ۸۳، ۹۵، ۱۲۷،
 ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۵،
 ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷،
 ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۲۰،
 ۲۲۱، ۲۴۹، ۲۶۷، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۹،
 ۳۰۵، ۳۲۲
 یموت ۱۲۶

وزامین ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۶۹
 وینه ۱۴۱

هلند ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵
 همدان ۴۸، ۶۷، ۱۵۸، ۲۴۹
 هند (هندوستان) ۲۷
 هويزه ۲۸۲

نامهای گوناگون پراکنده

تخت طاووس ۲۰	آلمان (ملت) ۱۱۲
ترکمانیه (ملت) ۳۲۸	ارامنه (ملت) ۴۲
تمدن (روزنامه) ۹۳	انجمن عباسی ۱۲۶
حبل المتین (روزنامه) ۹۳، ۲۹	انجمن ظهیرالدوله ۲۳۹
دیکسن (کمپانی) ۱۲۶	انگلیس (ملت) ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۱، ۳۲۲، ۳۲۵
روس (ملت) ۲۸۹، ۲۹۳ — ۳۰۱، ۳۰۴	۳۲۶
۳۰۷، ۳۰۸ — ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۸	بورس گازت (مجله) ۳۲۸
۳۱۹، ۳۲۲ — ۳۲۹	بهار (طایفه) ۱۳۹
زردشنی — زردشتیان (ملت) ۱۶۳، ۱۶۲	بهارلو (طایفه) ۱۳۳
زیگنار (زیتقار، کمپانی) ۱۲۶، ۲۱۸	پارسیان پارسی‌ها (ملت) ۲۷، ۴۰، ۴۲، ۱۶۲
سیلاخور — سیلاخوری ۲۳۷، ۲۳۸	پرسی، یوس (کشتی) ۱۵۹
صو راسرافیل (روزنامه) ۲۴۵	تاتار (ملت) ۳۲۸

مظفر (روزنامه) ۲۹	کااوند (طایفه) ۱۹۰
ندای وطن (روزنامه) ۲۹	کبر (ملت) ۱۸۵ - ۲۲۱
نویه ورمیا (روزنامه) ۳۲۸	لایپنگ (کشتی) ۱۲۹، ۱۵۹
یهود (ملت) ۳۸، ۴۲	لینچ (کمپانی) ۱۲۹
	مجلس (روزنامه) ۲۹
	محاکمات (روزنامه) ۱۷۸

فهرست نکته‌ها و رویدادهای مهم که در ضمن اسناد از آنها یاد شده است

- | | |
|--|--|
| <p>تیرگی روابط مردم با محمدعلی شاه ۲۱</p> <p>آشکار شدن احساسات ضد اروپائی در مردم ایران ۲۲</p> <p>پناهندگی مردم اورمیه به کنسولخانه و تلگرافخانه انگلیس ۲۲-۲۸</p> <p>مقاومت مردم تبریز در برابر شرکت راهسازی روسی ۲۳</p> <p>فدائیان رشت از قفقاز دستور می‌گرفتند ۲۳</p> <p>مردم رشت از گرفتن جشن پادشاهی محمد علی شاه خودداری کردند ۲۴</p> <p>طرح مسئله نوز بلژیکی در مجلس ایران - مقاومت نوز در برابر مجلس ۲۵</p> <p>تشکیل گروه فدائیان در ایران ۲۶</p> <p>قتل پرویز شاه جهانیان در یزد - نگرانی زرتشتی‌ها بر جان خودشان ۲۷</p> | <p>مرگ مظفرالدین‌شاه ۴</p> <p>طرح قانون اساسی در مجلس ۱۷</p> <p>زمزمه مخالفت ایرانیان با دادن امتیاز به خارجی‌ها ۱۷</p> <p>ترس دولت‌های انگلیس و روس از مداخله در امور ایران ۱۸</p> <p>پادشاهی محمدعلی شاه - باز یافتن سفراء خارجی بنزد شاه ۱۹</p> <p>احترام مردم به جنازه مظفرالدین‌شاه و جلوگیری آنها از برده شدن جنازه به کربلا ۱۹</p> <p>تاج‌گذاری محمدعلی شاه - ولیعهدی احمدشاه ۲۰</p> <p>نخستین سلام رسمی که در حضور محمد علی‌شاه برگزار شد ۲۱</p> |
|--|--|

- تحصن و عاظم و مردم عادی در شاه عبدالعظیم ۲۷
- مهاجرت برخی از ایرانیان به کشورهای بیگانه ۳۰
- عزل مشیرالدوله از مدارت عظمی ۳۱
- آدم کشی و آدم‌سوزی در سبزوار ۳۳
- مردم برای اجراء قول شاه ایران از دولت های خارجی تضمین می‌خواستند! ۳۳
- نامه سرزنش بارزنان تبریز به مردان شیراز ۳۸
- اغتشاش در کرمانشاه - تحصن همگانی مردم - برپا کردن چادر برپام‌خانه‌ها ۳۹
- آدم کشان مزدور شاه در اندیشه شکار آزادیخواهان ۵۱
- بازداشت رحیم‌خان قراجه داغی ضد مشروطه معروف ۵۱-۵۳
- تعطیل همگانی مردم تهران و جلوگیری از چراغانی برای تاج‌گذاری شاه ۵۱
- جلوگیری مردم بندر اترلی از خارج شدن نوز بلژیکی ۵۲
- قتل رجب افندی در تهران ۵۲
- توطئه اکرم السلطان برای کشتن اعضای انجمن ایالتی تبریز ۵۲
- کمیابی نان و شورش مردم در تبریز ۵۳
- کشته شدن يك محترک در تبریز ۵۳
- وضع بد مالی ایران و فرستادن هیأت‌های تبلیغاتی به خارج ۵۹
- بریگاد قزاق زنجیری برای بردگی ایران ۶۳
- گاردشاهی با فرمانده روسی ۶۴
- شورش در زنجان و اردبیل ۶۶
- شرایط برده وار و استعماری روس و انگلیس برای دریافت اقساط قرضه خود از ایران ۶۸
- کشته شدن اتابک اعظم ۶۸
- کاپیتولاسیون انگلیس در ایران ۶۹
- اظهار نظر شگفتی‌انگیز سفیر انگلیس درباره شاه ایران ۷۱
- دولت ایران فقط می‌تواند از روس و انگلیس وام بگیرد! ۷۶
- احساسات میهن پرستانه ایرانیان از نظر سفیر انگلیس ۷۹
- رئیس دزدها محافظ راه کاروانی مشهد شد ۸۳
- طرح قرار داد ۱۹۰۷ در مجلس ایران ۸۹
- مرگ ناگهانی و مرموز مشیرالدوله ۸۹
- اخطار درباریان به محمدعلی شاه و منزوی گردانیدن او ۹۰
- مقالات روزنامه حبل‌المتین درباره قرار - داد ۱۹۰۷ ۹۳
- قانون اساسی ایران ۹۹
- فروش دختران و زنان ایرانی به وسیله صنایع الدوله ۱۱۰
- زندانی شدن علاءالدوله - تبعید و زندانی شدن ناصرالملک و وزیران دولت او ۱۱۷
- چاقو کشان مزدور محمدعلی شاه و پذیرائی شاهانه (!) از آنها ۱۱۹
- سوءاستفاده آصف‌الدوله و مظفر نظام از انبار مهمات خراسان ۱۲۴
- تبعید علاءالدوله - زندانی شدن ناصرالملک ۱۴۰
- اتحاد ظل‌السلطان با مشروطه‌خواهان ۱۴۴
- شاه ایران از سفراء انگلیس و روس دستور کار می‌گرفت! ۱۴۶
- از نظر سفیر انگلیس ملت ایران تا دو نسل دیگر هم شایسته حکومت مشروطه نیست ۱۴۹
- زرتشتیان ایرانی برای تأمین جان خودشان از سفارت انگلیس کمک می‌خواستند ۱۶۲
- سوء قصد بجان محمدعلی شاه ۱۶۸

- تدارك محمدعلی شاه برای سرکوبی مردم
۱۶۹
- گزارش سفیر انگلیس درباره سوءقصد به
محمدعلی شاه ۱۷۰
- غارت مردم بوسیله گارد امیر بهادر ۱۷۱
- تحصن امیر بهادر در سفارت روس ۱۸۴
- فراز نظام السلطنه به قم ۱۸۶
- روس و انگلیس در فکر تغییر سلطنت در
ایران ۱۹۱
- تحصن تقی‌زاده و روزنامه نگاران در سفارت
انگلیس ۱۹۶
- دستگیری روزنامه‌نویسان و آزادیخواهان
دیگر بدستور محمدعلی شاه ۱۹۶
- پناهندگی رئیس مجلس به سفارت فرانسه ۲۰۰
- پناهندگی وزیر مالیه و خانواده‌اش به سفارت
ایتالیا ۲۰۰
- شورش در تبریز ۲۰۰
- انحلال مجلس بدستور محمدعلی شاه ۲۰۰
- حمایت سفارت انگلیس از ظل‌السلطان ۲۰۲
- تلگراف شاه ایران به پادشاه انگلیس ۲۰۴
- جواب‌دادن پادشاه انگلیس به شاه ایران ۲۰۵
- پناهندگی ایرانیان به سفارت روس ۲۳۵
- کودتا در تهران و غارت خانه‌های مردم بدست
قوای دولتی ۲۳۶
- دستگیری ملك المتكلمين و جهانگیرخان
صویراسرافیل ۲۳۹
- حکومت نظامی به فرمان لیاخوف ۲۴۳
- ایرانیان مصمم شدند سلطان عثمانی را به
پادشاهی خود برگزینند ۲۷۲
- فرمانفرمای آذربایجان از ورود آذوقه به
شهر تبریز جلوگیری کرد ۲۹۱
- قزاقان روسی در تبریز و ادعای بیطرفی دولت
روسیه ۲۹۵
- روزهای تلخ تبریز ۲۹۷
- دستخط محمدعلی شاه درباره انتخابات مجلس
۳۰۶
- انتخابات مجلس و بدقولی‌های محمدعلی
شاه ۳۰۹
- تظاهرات مزدوران شاه علیه مشروطه ۳۱۳
- تلگراف شدیدالحن علماء نجف به محمد
علی شاه ۳۲۱